

با تعبیر فروپاشی
اجتماعی مخالفم
گفت و گو با سالار کسرابی



دالان تارک FATF
سعدالله زارعی

پشت پرده مخالفت با
شهرداری محسن هاشمی
گفت و گو با پرویز سروری



قحط الرجال نداریم
غلامرضا انصاری

قاتل

محمد بن سلمان در جهان رسوا شده است. آیا این
رسوایی سلطنت او را به خطر می اندازد؟

حقوق بشر یا تجارت؟

ترامپ با وجود فشارهای داخلی
نمی خواهد روابط با سعودی را
کاهش دهد

مبنای معامله احتمالی لاریجانی و اصلاح طلبان

دبیرکلی بهروز نعمتی در حزب رفاه
نشان از جدیت علی لاریجانی برای
کار حزبی دارد

نقش جدید

عبدالله نوری

آیا ممکن است درکنار خانمی،
نوری به محور جدید اصلاح طلبان
تبدیل شود؟

«ابتکار» گزینه شهرداری

نمایندگان اصلاح طلب مجلس به دنبال
ابقای افشانی هستند

قهر

سوسیال و لیبرال

غیبت منتقدان و حامیان اصلی اقتصادی
دولت در جلسه با روحانی چه معنایی داشت؟

شفافیت یا خودتحریمی؟

موافقان و مخالفان FATF چه می گویند





www.mci.ir

!♦ WWW#



تابستون خاموش بودی؟!

وقتشه سیمکارتت رو دوباره روشن کنی!

تا آخر مهرماه



aparat.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



www.iranpl.ir



خراسان جنوبی - کتابخانه عمومی محمدتقی کریم پور بیرجند

کتابخانه عمومی محمدتقی کریم پور بیرجند در سال ۱۳۸۷ در زمینی به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع و زیربنای ۵۰۰ متر مربع به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه با حدود ۱۴ هزار جلد کتاب و بخش‌های کودک و نوجوان، نابینایان و کم‌بینایان و سالن‌های مطالعه ویژه آقایان و خانم‌ها با برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی، همه روزه پذیرای علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی در تمامی گروه‌های سنی است.

کتابخانه‌شناسی



کارتون کتاب

داود صفری، ایران
دومین دو سالانه بین‌المللی کارتون کتاب

کتابخانه‌ها پیشنهاد کتاب

«روش‌های باز تولید فرهنگی» ارزش بسیار زیادی دارد و شاعر نام‌آشنای ادبیات کودک و نوجوان «اسدالله شعبانی» تلاش دارد در مجموعه اشعار لالایی‌اش با عنوان «لالا لالا عروسک جان»، چند لالایی موزون و زیبا و در عین حال، متناسب با سلايق و نیازهای مادر و کودک امروزی را به مخاطبان ارائه دهد.

لالایی علاوه بر ارزش نوستالژیکی که برای اکثر انسان‌ها دارد، تاریخ ارزشمند ادبیات شفاهی هر قوم را در خود دارد و به بسیاری از وقایع تاریخی، مسائل اجتماعی، حسرت‌ها و امیدها، شرایط اقلیمی و اعتقادات بومی-مذهبی ملت‌های گوناگون رهنمون می‌شود. حفظ این ثروت ادبی و سنت قومی، حتی با به کارگیری انواع



نام کتاب: لالالا عروسک جان
سروده: اسدالله شعبانی
انتشارات: کتاب‌های پروانه
تعداد صفحات: ۲۴ صفحه

خبر ویژه

اجرای مرحله دوم خرید اسباب‌بازی و ارسال بسته ویژه کتاب کودک برای مناطق محروم

۲۵۰ کتابخانه عمومی با اولویت مناطق کمتر برخوردار از امکانات فرهنگی اسباب‌بازی خریداری و ارسال خواهد شد؛ همچنین بسته‌ای نیز با عنوان «بسته ویژه کتاب کودک» شامل ۷۰ عنوان کتاب به ۱۲۰ کتابخانه نهادی در مناطق محروم ارسال خواهد شد.

سیدباقر میر عبداللهی مدیرکل تأمین منابع نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از اجرای مرحله دوم طرح خرید اسباب‌بازی و همچنین ارسال بسته ویژه کتاب کودک به ۳۱ شهر دارای اولویت فرهنگی و اجتماعی و مناطق محروم، همزمان با روز جهانی کودک خبر داد و گفت: در این مرحله برای بیش از



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمز بینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید

طرح قرض الحسنه

رضوان

تسهيلات قرض الحسنه تا

۲



فرخ کارمزد

۲%



بانک انصار



aparat.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



www.iranpl.ir



قزوین - کتابخانه عمومی امام خمینی (ره)

کتابخانه عمومی امام خمینی (ره) قزوین در سال ۱۳۷۸ در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ متر مربع و زیربنای ۳۰۰۰ متر مربع به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه با حدود ۷۰ هزار جلد کتاب و بخش‌های کودک و نوجوان، استان‌شناسی و سالن‌های مطالعه ویژه آقایان و خانم‌ها با برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی، همه‌روزه پذیرای علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی در تمامی گروه‌های سنی است.

کتابخانه‌شناسی



مسعود ضیایی زردخشویی، ایران
دومین دو سالانه بین‌المللی کارتون کتاب

کارتون کتاب

کتابخانه ما پیشنهاد کتاب

مینو امیرقاسمی آشپزی را مبتنی بر اصول چندگانه‌ای می‌داند که اجازه نمی‌دهد، بی‌مبالات و اندیشه به امر مهم و حیاتی آشپزی بپردازیم. نویسنده نکته‌سنج، علاوه بر آموزش کاربردی دانش ضروری آشپزی، تلاش دارد بینش خواننده را در انواع زمینه‌های معناساز و مرتبط با سنت ارزشمند آشپزی ایرانی ارتقا بخشد و ضمن پذیرش برخی مؤلفه‌های فرایند ناگزیر مدرنیته، حرکت بر پایه سنت را واجب می‌شمارد. پس از خواندن این کتاب، دیگر آشپزی، در نگاه هیچ‌کس، یک کار پیش‌پاافتاده افراد بیکار نخواهد بود و در هر جایگاهی که باشیم مایلیم گاهی فروتنانه آشپزی کنیم و لذت ببریم.

«کتابچه فروتن آشپزی» یک کتاب کاربردی است که در پاسخ یک مادر به سؤال دختر دانشجوی دور از خانه‌اش نوشته شده است؛ اما با کتاب‌های آشپزی معمولی تفاوت بسیاری دارد؛ در واقع مخاطب با خواندن این کتاب، اطلاعات بسیار ارزشمندی در خصوص ارتباط بنیادین تغذیه با فرهنگ به دست می‌آورد. نویسنده هوشمندانه به پیوندهای ذائقه سنتی و فرهنگ این سرزمین و دگرگونی‌های ناخوانده اجتماعی آن (تهاجم فرهنگی) نیز می‌نگرد و علاوه بر آن از اشاره به سایر مشکلات فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی روز، خودداری نمی‌کند.



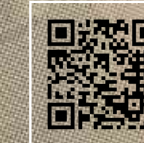
نام کتاب: کتابچه فروتن آشپزی
سروده: مینو امیرقاسمی
انتشارات: نشر مرکز
تعداد صفحات: ۱۰۴ صفحه

خبر ویژه

اجرای طرح خرید کتاب در سال ۱۳۹۷ به انتخاب کتابداران

این طرح در سطح ۲۳۹۸ باب کتابخانه اجرا خواهد شد و هر کتابخانه به طور متوسط ۲۷ عنوان کتاب انتخاب خواهد کرد. در این نوبت ۱۱۴ عنوان کتاب در حوزه «قصه و رمان»، ۵۰ عنوان در حوزه «کودک» و ۸۶ عنوان در حوزه «نوجوان» در نظر گرفته شده و موضوعات دیگر در نوبت‌های بعدی طرح خرید کتاب به انتخاب کتابدار به اشتراک گذاشته می‌شوند.

طرح خرید کتاب در سال ۱۳۹۷ به انتخاب کتابداران با هدف خرید منابع بر اساس نیازهای واقعی مخاطبان و کتابخانه‌ها اجرا می‌شود. در این طرح مشخصات ۲۵۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف در سامانه‌ای مجزا بارگزاری شده و در دسترس مسئولان کتابخانه‌ها قرار داده می‌شود تا کتاب‌های مورد نظر کتابداران انتخاب و نسبت به خرید آنها اقدام شود.



برای مشاهده آخرین اخبار
نهاد کتابخانه‌های عمومی
کشور می‌توانید توسط گوشی
تلفن همراه خود از رمز بینه‌های
روبه‌رو عکس بگیرید



آرشیو کامل

هفته‌نامه متللت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته
سال به روایت تصویر | شبکه‌های اجتماعی

مجری طرح:



موسسه فرهنگی هنری
نسیم شب کویر

www.nshk.ir

هفته‌نامه متللت

متللت

درک تازه‌ای از واقعیت

www.mosalas.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذکک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس
ویکون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

نفس می‌کند، همان‌طور [هم] به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند در عالم که چطور از مادیات استفاده کنند و چه نظر داشته باشند در مادیات. اسلام مادیات را همچو تعدیل می‌کند که به الهیات منجر می‌شود. اسلام در مادیات به نظر الهیات نظر می‌کند، و در الهیات به نظر مادیات نظر می‌کند. اسلام جامع مابین همهٔ جهات است. و شما در روزی وارد شدید که ما به حکومت خودمان رسیدیم و همان طوری که اسلام معنویات را داشت، و در صدر اسلام حکومت را هم داشت الآن هم به خواست خدای تبارک و تعالی، ما با معنویاتی که اسلام دارد روبه‌رو هستیم و مطیع هستیم، و در مادیات و در حکومت هم یک حکومت اسلامی، یک حکومت عدل؛ که حکومتها

اسلام دین سیاست و معنویت

در جمهوری اسلامی تمام آزادیها هست. اسلام برای نجات بشر آمده است؛ چنانکه حضرت مسیح برای نجات بشر آمده بود، و سایر انبیا برای نجات بشر آمده بودند. اسلام علاوه بر اینکه بشر را در رو حیات غنی می‌کند، در مادیات [هم] غنی می‌کند. اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد. اسلام همان طوری که به معنویات نظر دارد و همان طوری که به روحیات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب

خبرنامه

قهر سوسیال و لیبرال
قهر آخر؟
حضور جنجالی

۸
۱۷

گفتارها

مبنای معامله احتمالی لاریجانی-اصلاح طلبان
فرا تر از جنایت
ناسیونالیسم در یک قدمی اروپا

۱۸
۲۳

سیاست

ابتکار گزینه شهرداری
قحط الرجال نداریم
نقش جدید عبدالله نوری

۲۴
۳۳



تحریر به:

دبیر تحریر به: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمدمهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

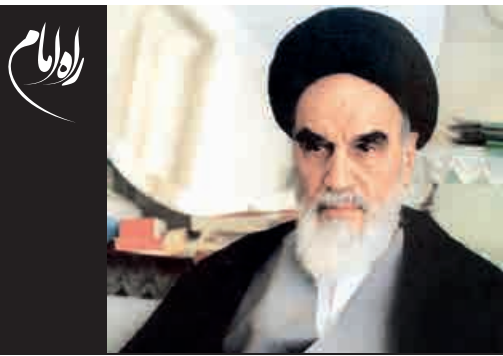
ورزش: مهدی ربوبه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث؛ هفته‌نامه‌های خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مراسم تقویت گفت‌وگو انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که تمام مستضعفین عالم را به حوایج خودشان برساند. من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که مستکبرین را بیدار کند. آنهایی که ظلم می کنند، آنها را بیدار کند و الا به دست ملت‌های مستضعف ناپود کند. خداوند همه ما را توفیق عنایت کند. و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همان طوری که ملت ما با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی پیروز شد و خودش را از بند این خاندان و اشخاصی که آنها را - این خاندان را - ترویج می کردند و تأیید می کردند نجات داد، برادران فلسطینی ما را هم خداوند تعالی نجات بدهد.

تابع مردم باشند و حکومتها برای مردم باشند نه مردم، برای حکومتها. حکومت اسلامی حکومتی است که، برای مردم خدمتگزار است؛ باید خدمتگزار باشد. در اسلام مابین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است؛ حقوق مسیحین مراعات شده است؛ حقوق یهود و زرتشتیین مراعات شده است؛ تمام افراد عالم را بشر می داند، و حق بشری برای آنها قائل است؛ تمام عالم را به نظر محبت نگاه می کند؛ می خواهد عالم مستضعفین نجات پیدا کنند، می خواهد تمام عالم روحانی بشوند، تمام عالم به عالم قدس نزدیک بشوند. اسلام برای نجات مردم بشر آمده است که از این علایق جسمانی آنها رها کند و به روحیات برسد.

سیاست خارجی

۳۴

تردیدهای بانک مرکزی اروپا

از هایکوماس تا مرکل

«تکرار تعهدات» به جای «ارائه تضمین‌ها»

۳۹



بین الملل

۴۰

قاتل

سونامی ضد سعودی

شفافیت یا خودتحریمی؟

۵۳



ورزش

۵۴

۵۰ درصد رشد داشتیم

مساله سکه

شلوغ بازی

۵۹



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی - ساناز حسامی

بازرگانی و بازاربایی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا



قهر سوسیال و لیبرال

غیبت منتقدان و حامیان اصلی اقتصادی دولت در جلسه بارو حانی چه معنایی داشت؟



قهر آخر؟

اسحاق جهانگیری در جلسه مهم رئیس جمهور حضور نداشت

حضور جنجالی

زنان دوباره به ورزشگاه رفتند





قهر سوسیال و لیبرال

غیبت منتقدان و حامیان اصلی اقتصادی دولت در جلسه با روحانی چه معنایی داشت؟

پاستور این بار میزبان اقتصاددانانها بود. آنها به نهاد ریاست جمهوری رفتند و مباحثه مفصلی با حسن روحانی انجام دادند. پیش از این در ۱۵ مردادماه ۳۸ نفر از اساتید اقتصاد در نامه‌ای به رئیس جمهوری، برخی راهکارها برای برون رفت از وضعیت موجود را مطرح کرده بودند. علاوه بر این، تعدادی از فعالان سیاسی اصلاح طلب و برخی احزاب سیاسی هم در قالب نامه‌ها و بیانیه‌هایی با تشریح شرایط موجود راه حل‌هایی را برای کمک به دولت پیشنهاد کرده بودند. روحانی به همراه رئیس دفتر رئیس جمهوری، معاون اقتصادی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون سیاسی دفتر ریاست جمهوری، علی ربیعی، مسئول فضای گفت‌وگوی اجتماعی و رئیس کل بانک مرکزی پذیرای اساتید اقتصاد بود تا از نزدیک و در رونق‌ها و راهکارهای آنها را بشنود و البته عملکرد دولت و در کنار آن برخی مضبیه‌های احتمالی را نیز بازگو کند. به گفته صادق الحسینی، یکی از حاضران در این نشست، مقرر شده از ۲۶ نفر شرکت کننده در این جلسه چند کمیته برای ارتباط مستقیم با رئیس جمهوری برای ارائه راهکارهای اقتصادی و خروج از بحران تشکیل شود که اصلی ترین آنها کمیته بررسی بیکاری، بسته‌های حمایتی و نظام بانکی بوده است. این استاد دانشگاه با بیان اینکه جلسه در فضای مثبت برگزار شد و اقتصاددانان از طیف‌های مختلف اعم از نهادگرا و معتقدان به اقتصاد آزاد نکاتی را مطرح کردند، افزود: «فضای جلسه انتقادی بود و اقتصاددانان ضمن تحلیل شرایط فعلی، نکاتی را که می‌تواند در این برهه از زمان مفید باشد، مطرح کردند. آنها اشتباهات دولت، وزرا و سیاست‌های اقتصادی را مطرح و راهکارهایی برای خروج از بحران فعلی مطرح کردند که در مقابل رئیس جمهوری نیز برخی از این ایرادات را قبول کردند و برخی را وارد ندانستند.» به گفته وی، رئیس جمهوری هم نکاتی را مطرح و برخی محدودیت‌های موجود از جمله شرایط

برای نظام، کشور و دولت نظرات کارشناسانه خود را بیان کردند و این جلسات باید تداوم یابد.» رئیس جمهوری تصریح کرد: «از مسئولان دولت نیز می‌خواهم این جلسات را در محورهای مختلف اقتصادی پی بگیرند.» روحانی اظهار داشت: «در تمام دوره فعالیت ۵ ساله دولت، پیوسته هفته‌ای دو جلسه اقتصادی با مسئولان، مدیران و مشاوران اقتصادی داشته‌ام و در این دولت، هیچ تصمیمی بدون مشورت با کارشناسان اتخاذ نشده است.» رئیس جمهوری با بیان اینکه باید امید در جامعه و سرمایه اجتماعی را بیش از پیش تقویت کنیم، به جنگ روانی و اقتصادی دشمنان علیه ملت ایران اشاره و تصریح کرد: «ما در شرایط بحرانی نیستیم اما شرایط، عادی نیز نیست و در تصمیم‌گیری‌ها و اعلام مواضع و دیدگاه‌ها، باید این شرایط مورد توجه باشد و در کنار ابراز نگرانی‌های بحق، برای رفع این نگرانی‌ها نیز راه حل و پیشنهادات عملیاتی ارائه شود.» وی با تأکید بر اینکه مردم و به ویژه صاحبان درآمدهای ثابت در شرایط کنونی با مشکل معیشت مواجهند، گفت: «دولت طرح‌های گسترده‌ای برای مقابله با جنگ روانی و اقتصادی دشمنان و رفع مشکلات دارد اما اقتصاد کشور از گذشته با بیماری‌های مزمنی مواجه بوده که بروز برخی مشکلات و مسائل، باعث می‌شود عوارض آن بیماری‌های مزمن، تشدید و آثارش بیشتر در جامعه لمس شود.» رئیس جمهوری با اشاره به دستاوردهای دولت در عرصه کاستن از نرخ تورم، ایجاد رشد اقتصادی و برچیدن مؤسسات اعتباری غیرمجاز، گفت: «طی فعالیت دولت یازدهم علت کاهش تورم، انضباط مالی دولت بود و ما در هیچ شرایطی و به رغم تحمل سختی‌ها، خلق پول یا استقرار از بانک مرکزی نکردیم.» روحانی تأکید کرد: «دولت هم اکنون نیز به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده است که حتی در شرایط سخت‌تر هیچ مشکلی در تأمین کالاهای اساسی نخواهد داشت.»

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سخنان یکی از اقتصاددانان حاضر در جلسه گفت: «کلیت این حرف درست است که اقتصاد با بگیر و ببند درست نمی‌شود اما ما گاهی با مواردی مواجه می‌شویم که تأسّف‌آور است و باعث می‌شود که نتوانیم صرفاً مقررات و معیارهای اقتصادی را در این موارد حاکم کنیم. گاهی شاهدیم فردی تولید را به این بهانه که مواد اولیه و قطعه ندارد، متوقف کرده و حال آنکه در بازرسی از انبارهای آن متوجه می‌شویم برای ماه‌ها مواد اولیه و قطعه دارد و صرفاً به دنبال سود بیشتر در آینده، فعالیت تولیدی را متوقف کرده است.» در ابتدای این جلسه نیز که حدود ۳ ساعت به طول انجامید، جمعی از اقتصاددانان در فضایی صمیمی با رئیس جمهوری، به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خود برای برون رفت از مشکلات اقتصادی کشور پرداختند. راه‌های برون رفت از رکود و ایجاد شتاب در رشد اقتصادی، وضع تورم، ضرورت تغییرات سریع و باورپذیر در هدفگذاری اهداف مدنظر اقتصادی، تقویت سیستم ارزیابی سیاست‌ها، ضرورت دخالت بیشتر دولت در بازار ارز، ضرورت مدیریت و کنترل تبعات شوک‌های اقتصادی برای مصرف کننده و تولیدکننده، تقویت تعامل با جهان، بهره‌گیری بیشتر از نظر اقتصاددانان در طرح‌های اقتصادی پیش از اجرا، ضرورت وجود فرماندهی برای مقابله با تحریم‌ها، ضرورت ارائه بسته‌های مشروط حمایتی از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، ضرورت توجه بیشتر به اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد بنگاه‌ها و تقویت تیم اقتصادی دولت، از جمله مباحث و موضوعاتی بودند که استادان و صاحب نظران اقتصادی شرکت کننده در این نشست پیرامون آنها، دیدگاه‌های خود را با رئیس جمهوری در میان گذاشتند. نکته مهم این است، نیلی، راغفر، مومنی و از همه مهمتر اسحاق جهانگیری از غایبان این دیدار بودند.

مجلس، وضعیت کشور و افراد را بیان کردند. احمد توکلی، دیگر چهره حاضر در این نشست هم ارزیابی مثبتی از آن دارد. او در گفت‌وگو با اعتماد آنلاین با بیان اینکه نظرات مطرح شده تنوع داشت و امیدوار هستیم که این جلسه تکرار شود، گفت: «بعضی از صحبت‌های رئیس جمهوری از منطق قانع کننده‌ای برخوردار بود؛ برخی هم منطقی بود اما قانع کننده نبود.» وی افزود: «این جلسه ذاتاً پسندیده است. این جلسات، دولت را به اهل فکر و اهل فکر را به دولت نزدیک می‌کند و از زوایای مختلفی تأثیرگذار است. همین که رئیس جمهوری به عنوان فردی که بعد از رهبری بالاترین مقام اجرایی است و اختیار امور اجرایی را در اختیار دارد، وقتی حضوری و چهره به چهره مباحث را از اهل علم درباره کار خود و کار دولت بشنود، راهنمایی‌های احتمالی و تشریح وضعیت از نگاه‌های مختلف به صورت طبیعی تأثیر می‌گذارد.» حسین عبده تبریزی، جعفر خیرخواهان، غلامرضا زمانیان، حجت میرزایی، تیمور رحمانی، احمد توکلی، محسن رنایی، سید محمد صادق الحسینی، سهراب دل انگیزان، سید فرشاد فاطمی، سعید لیلانز، علی سعدوندی، مرتضی زمانیان، سیدعلی مدنی زاده، مرتضی عزتی، بابزید مردوخی، علی نقی مشایخی، مهدی فیضی، ابوالفضل پاسبانی، ندری، حمید زمان زاده، زهرا کریمی، ابوالقاسم مهدوی، سعید اسلامی بیدگلی، کوثر یوسفی و سربندی میهمانان دیروز روحانی بودند. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری هم نوشته که رئیس جمهوری در این دیدار گفته است: «این دوران به رغم دشواری‌های آن، سپری خواهد شد با برنامه‌ریزی‌های دقیقی که انجام شده، آمریکا در بلندمدت قادر نیست به سیاست‌های ضد ایرانی خود ادامه دهد.» روحانی با تأکید بر اینکه «به آینده بهتر، بسیار امیدوارم»، ضمن ابراز خرسندی و خشنودی از برگزاری این نشست و قدردانی از حضور اقتصاددانان دانشگاه‌های کشور، گفت: «بی تردید تمامی شرکت کنندگان دلسوزانه

هماهنگی در میان دستگاه‌های اقتصادی دولت از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت او در این دوران بود. وی همزمان در این دوران به دلیل گسترش احتمال زلزله و آثار روانی پخش شایعات با اساس و بی‌اساس به منظور ایجاد هماهنگی در میان واحدهای مسئول، مسئولیت ستاد مدیریت بحران کشور را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۸۴ او به عنوان معاون امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سازمان برنامه و بودجه) بر مسئولیت اقتصادی در نهاد مدیریت کلان کشور تکیه زد و تهیه بودجه‌های کل کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ با مسئولیت نظارت و انجام پذیرفت. طیب‌نیا طی دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نماینده رئیس‌جمهور در شورای پول و اعتبار نیز بوده است، شورای مذکور مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مرتبط با فعالیت‌های بانک مرکزی، تعیین حوزه‌های فعالیت بانک‌ها، تعیین نرخ‌های سود بانکی و... است. در همین زمان وی به عنوان معاون امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به همراه رئیس سازمان، عضو شورای اقتصاد کشور نیز بود. این شورا مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در مسائل کلان اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مانند سرمایه‌گذاری در فازهای پارس جنوبی و محور تهیه برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالانه و... بود. علی طیب‌نیا در سال ۱۳۹۲ با کسب ۲۷۴ رأی از مجموع ۲۸۴

بازگشت به پاستور؟

علی طیب‌نیا در نهاد ریاست جمهوری دیده شده است

علی طیب‌نیا در این هفته و طی دو نوبت در نهاد ریاست جمهوری حضور داشته و منابع آگاه وی را دیده‌اند که از محوطه مربوط به دفتر کاری حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان خارج شده است. البته فردی که طیب‌نیا در این دیدارها با وی ملاقات و گفت‌وگو کرده مشخص نیست. این خبر برای آنها که تحولات دولت را دنبال می‌کنند می‌تواند یک گمانه‌را تقویت کند؛ بازگشت به تیم اقتصادی. دولت قرار است هفته آینده جایگزین مسعود کرمانیان، وزیر اقتصاد و دارایی که توسط مجلس شورای اسلامی استیضاح شد را معرفی کند. برخی از منابع آگاه می‌گویند که دولت بار دیگر به طیب‌نیا پیشنهاد وزارت داده است، اما نزدیکان طیب‌نیا این خبر را تکذیب و تأکید کرده‌اند که وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت یازدهم تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش مسئولیت وزارت در شرایط فعلی نیست.

این خبر در حالی مطرح شده که در مرداد ماه نیز یک‌بار دیگر رزمه بازگشت او به کابینه مطرح شده بود.

روزنامه دولت آن زمان از امکان بازگشت علی طیب‌نیا وزیر سابق اقتصاد به کابینه خبر داده بود. «ایران» نوشته بود: «احتمال پیوستن علی طیب‌نیا به دولت قوت گرفته است. وزیر سابق اقتصاد یکی از گزینه‌های جدی ریاست بانک مرکزی و جایگزینی ولی‌الله سیف است. گفته می‌شود به او پیشنهاد وزارت اقتصاد نیز داده شده است. با این حال همه این گمانه‌زنی‌ها در سخنرانی امشب روحانی از صداوسیما روشن خواهد شد.»

آن خبر اما مدتی بعد با واکنش منفی طیب‌نیا مواجه شد. علیرغم امیدواری‌هایی که برای حضور مجدد دکتر علی طیب‌نیا در دولت، برانگیخته شده بود، اما نه تنها شرایط مطلوب برای حضور وی در کابینه فراهم نشد، بلکه شروط غیر قابل‌تحقیق هم از سوی دولت برای آغاز مجدد همکاری وی با هیات دولت تعیین شده بود؛ شروطی که بازگشت طیب‌نیا را غیرممکن کرد.

حالا اما با انتشار خبر حضور او در نهاد ریاست جمهوری بازار شایعات داغ شده است.

طیب‌نیا کیست؟

او در سال ۱۳۵۷ با توصیه مرحوم شهید بهشتی به ایشان مبنی بر لزوم تحصیل در رشته اقتصاد با آنکه در دبیرستان رشته ریاضی فیزیک خوانده بود، اما با کسب رتبه ۱۶ در کنکور آن سال در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران قبول شد و با توجه به تعطیلی دانشگاه در ایام انقلاب و بعد نیز انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۴ با کسب رتبه اول دوره لیسانس را به پایان رساند و بلافاصله در کنکور فوق لیسانس همان سال شرکت و حائز رتبه اول شد. در سال ۱۳۷۶ برای شرکت در دوره دکترا اقدام و با کسب رتبه اول وارد دوره دکترای اقتصاد دانشگاه تهران شد. وی پایان‌نامه دوره دکترا را در دانشگاه لندن و در ارتباط با بررسی مسأله تورم در ایران طی کرد. وی در هر سه مقطع کارشناسی، ارشد و دکترا رتبه اول را کسب کرده است. طیب‌نیا از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۴ به طور پیوسته به عنوان دبیر و نیز مشاور کمیسیون اقتصادی دولت در دولت‌های آقایان هاشمی و خاتمی فعالیت کرد و در واقع کلیه مصوبات اقتصادی دولت‌های مذکور با ممارست و دیدگاه‌ها و نظارت کارشناسی او و تیمی که در دبیرخانه و تحت نظارت او کار می‌کردند تهیه و تصویب و

ابلاغ می‌شد. کار بلندمدت در کمیسیون اقتصادی دولت او را با مسائل دولت‌ها و مشکلات کلان اقتصادی کشور آشنا تر کرد و در واقع آموزه‌های آکادمیک و دانشگاهی او را کامل تر کرده و ظرفیت‌های بالای کارشناسی و علمی او را غنی تر کرد. این تجربیات او را برای مسئولیت‌های همزمانی که در دوران تصدی دبیری کمیسیون اقتصادی دولت داشت، آماده‌تر نمود. همزمان وی در سال ۱۳۷۶ به عنوان معاون طرح و بررسی (امور اقتصادی) معاون وقت رئیس‌جمهور در امور اجرایی کار خود را آغاز کرد و کلیه مسئولیت‌های اقتصادی معاون اجرایی رئیس‌جمهور را در آن دوران بر عهده گرفت. یکی از مهم‌ترین این مسئولیت‌ها دبیری ستاد تنظیم بازار به عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی بود که در خصوص تأمین مایحتاج و کالاهای اساسی و مصرف روزمره مردم و نیز تأمین مایحتاج واحدهایی که کالاها و مواد غذایی مورد مصرف روزانه مردم را تولید می‌کردند فعالیت می‌کرد. مراقبت از عدم تأثیر سوء و ناگوار تورم بر معیشت روزانه

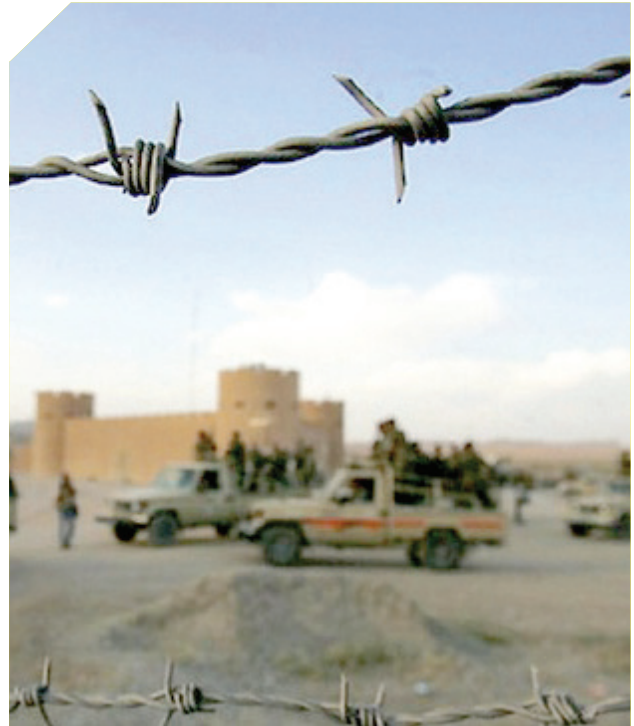


رأی مأخوذه، عنوان کسب بالاترین رأی اعتماد به وزرا را در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تا آن روز را به خود اختصاص داد. او در اسفند ۹۴ در سخنانی انتقادی گفته بود: «شعار خصوصی‌سازی می‌دهیم، ولی اعتقادی به آنها نداریم و هر شرکتی را که می‌خواهیم خصوصی کنیم گروهی ما را منع می‌کند، در حالی که اگر دولت توان اصلاح ساختار شرکت‌های زیان‌ده را دارد چرا در ۴۰ سال گذشته این کار را نکرده است؟» او همچنین گفته بود: «تا زمانی که به عنوان وزیر اقتصاد در دولت یازدهم مشغول کار هستم، هرگز به دست من شاهد چنین واگذاری‌هایی به بخش‌های غیرواقعی اقتصاد نخواهید بود و این در شرایطی است که مفاد قانون به سرانجام رسیدن برخی واگذاری‌ها را تا پایان سال ۹۴ معین کرده که اگر انجام نشود باید بابت آن جواب بدهیم اما متأسفانه باید گفت این واگذاری‌ها امسال انجام شدنی نیست و باید سال آینده واگذار شود.»

مردم و پیشگیری از افزایش قیمت مایحتاج روزانه مردم در آن دوران یکی از موفقیت‌های دولت‌های آن دوران بود که در ستاد تنظیم بازار مورد تصمیم‌گیری قرار می‌گرفت. فعالیت‌های علی طیب‌نیا در آن دوران موجب شد که علی‌رغم وجود تورم در جامعه، قیمت کالاها و مواد مصرفی و اساسی مردم و نیز کالاهای اساسی مورد نیاز کارخانجات تحت تأثیر تورم قرار نرفته و تحت کنترل و مدیریت شده باقی بمانند. وی نقشی مؤثر در توفیق دولت هفتم و هشتم در مهار تورم داشت. در دوره دوم ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی و حذف مسئولیت معاونت رئیس‌جمهور در امور اجرایی، علی طیب‌نیا به عنوان معاون هماهنگی امور اقتصادی و فنی معاون اول رئیس‌جمهور به کار خود در نهاد ریاست جمهوری ادامه داد و در سطح وسیع‌تری به ارائه خدمت پرداخت. کمک به حل مشکلات واحدهای تولیدی و تلاش در جهت تصمیم‌سازی برای حل مشکلات کلان اقتصادی کشور و نیز ایجاد

پاول نیامد؛ نوئرت قبول می‌کند؟

از لحظه استعفای هیلری بحث بر سر جانشینی سفیر آمریکا در سازمان ملل داغ شده است. تارنمای خبری پولیتیکو بامداد چهارشنبه گزارش داد که «هدر نوئرت»، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا از گزینه‌های جایگزینی «نیکی هیلری»، نماینده پیشین این کشور در سازمان ملل متحد است. وی که همزمان معاونت موقت وزیر امور خارجه در امور دیپلماسی عمومی را عهده‌دار است، به علت اتخاذ مواضعی همسو در طول دوران فعالیتش، به محبوبیت قابل توجهی در میان اعضای کاخ سفید و مشاوران رئیس‌جمهوری آمریکا دست یافته است. نوئرت پیش از این در خبرگزاری فاکس نیوز عضویت داشته است؛ شبکه‌ای که مورد توجه و عنایت ویژه «دونالد ترامپ» قرار دارد. پولیتیکو تأکید می‌کند که اسامی دیگری از جمله «کلی نایت کرفت»، «جیمی مک کورت» و «ریک گرنل» به ترتیب سفرای آمریکا در کشورهای کانادا، فرانسه و آلمان هم برای انتخاب به عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، در دست بررسی قرار دارد. این در حالی است که قبلاً نام شخص دیگری برای این سمت در نظر گرفته شده بود و آن شخص «دینا پاول» نام داشت که برای مدت یک سال به عنوان معاون مشاور امنیت ملی آمریکا کار می‌کرد اما پس از آن این سمت را ترک کرد و در ژانویه ۲۰۱۸ به بانک گلدمن ساکس پیوست. چند روزنامه نام پاول را به عنوان کاندیدای پست سفیر آمریکا در سازمان ملل اعلام کرده بودند. گفتنی است که دینا پاول ژانویه سال جاری میلادی کاخ سفید را ترک کرد. او زمانی که سمت خود را ترک کرد، مقامات عنوان کردند که قصد دارد به صرف وقت بیشتری با خانواده‌اش در منتهن ببردازد. اما حالا این گزینه هم دست رد به سینه ترامپ زده است. رویترز به نقل از یک منبع آگاه نوشت پاول در تماسی تلفنی به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد که قصد دارد در گلدمن ساکس بماند. دینا پاول از جمله افرادی بوده است که همواره توسط ملی‌گرایان حامی ترامپ مورد انتقاد قرار گرفته است؛ از جمله استیو بن، استراتژیست ارشد سابق ترامپ. گفته می‌شود که او در طول مدت حضور در کاخ سفید به ایوانک ترامپ و همسرش جرد کوشر نزدیک بود و به آنها در بحث مناقشه اسرائیل و فلسطین کمک می‌کرد. با این حال حتی زمانی که پاول از کاخ سفید بیرون رفت، کوشر اعلام کرد که او نقش اصلی خود در راستای تلاش‌های ما برای صلح را ادامه خواهد داد. خیل عظیم برکنارشدگان، استغفادهندگان و پیاده‌شدگان از قطار ترامپ نشان می‌دهد کار کردن با او راحت نیست. به این تعداد باید نام‌های بی‌شماری اضافه کرد که پیشنهاد کار و مسئولیت‌های مختلف را در کاخ سفید، وزارت خارجه و دیگر نهادها رد کرده‌اند و حاضر نشده‌اند وارد سیستمی که ترامپ آن را هدایت می‌کند، شوند. پست‌های خالی و پرنشده در بسیاری از این نهادها، همین موضوع را نشان می‌دهد. حال باید دید در وضعیتی که نیکی هیلری و ترامپ در جهان پیش‌روی آمریکا قرار داده‌اند، چه کسی می‌تواند بر صندلی خالی هیلری تکیه زند. بدون شک استعفای یکی از نزدیک‌ترین افراد به ترامپ که هیچ‌کس باور نمی‌کرد او هم روزی استراحت را بهانه رفتن کند، برای بسیاری تعجب‌آور بود. هنوز دلیل خاصی برای این استعفا بیان نشده است. گفته می‌شود حتی جان کلی، رئیس کارکنان کاخ سفید و مایک پنس، معاون اول رئیس‌جمهور هم از این خبر تعجب کردند. شاید پاول می‌توانست یک انتخاب عقلایی باشد. او در مصر متولد و در ایالات متحده بزرگ شده است. او علاقه زیادی به شخص ترامپ و دختر و دامادش داشت. با این حال به این دلیل او در رسانه‌های راست‌های افراطی مورد حمله قرار دارد که او چندان به رویکرد داخلی محور ترامپ پایبند نبود، بلکه فردی است که در ساختار اقتصادی جهانی فعالیت کرده و در چارچوب سیاست خارجی ترامپ به مبنای آمریکا اول اعتقاد نداشت. پاول برعکس هیلری با مناسبات بین‌المللی بیشتر آشنا بود و باید به صورت منطقی منتظر رویکردهای مناسبی در سازمان ملل می‌بودیم. اما هنوز به واقع نمی‌توان گفت سیاست‌های بین‌المللی آمریکا چگونه پیش خواهد رفت. آیا این استعفا به معنای شکست سیاست‌های گذشته قلمداد خواهد شد و باید منتظر چرخش در این روند باشیم یا باید به راستی باور کرد آمریکا وارد دنیایی جدید شده است؛ دنیایی که ابتدا انجام می‌دهد بعد به نتایج آن فکر می‌کند.



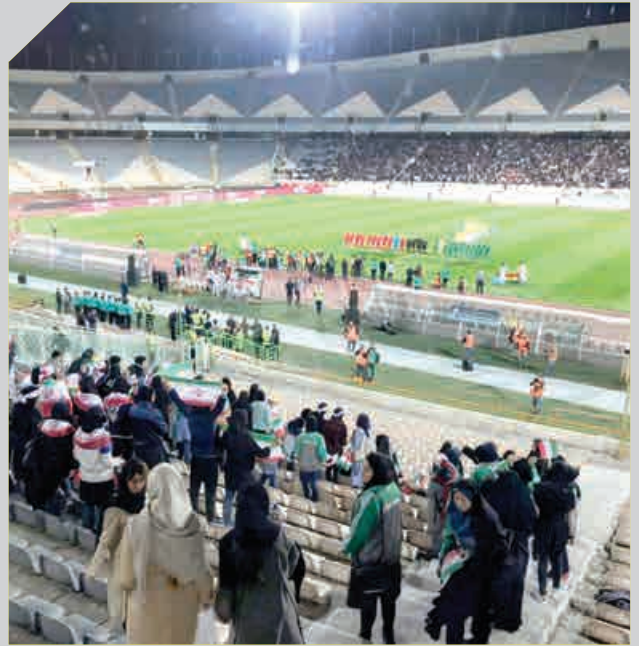
ربایش در بامداد

۱۴ نفر از نیروهای هنگ مرزی میرجاوه بامداد هفته قبل به دست اعضای گروهک تروریستی ربوده شدند. این افراد بین ساعت چهار تا پنج بامداد در منطقه صفر مرزی لولکدان ربوده شده‌اند. گروهک تروریستی جیش العدل در بیانیه‌ای مسئولیت حمله به پایگاه ایرانی و ربودن نیروهای امنیتی هنگ مرزی میرجاوه را برعهده گرفته است. منطقه صفر مرزی لولکدان مربوط به بخش ریگ ملک شهرستان میرجاوه است که در ۵۰ کیلومتری شهر میرجاوه قرار دارد. تحقیقات تکمیلی حکایت از آن داشت که در حوالی برجک ۱۰۴ در دهنه تنگوک در منطقه لولکدان میرجاوه عوامل گروهک تروریستی جیش‌الظلم ۱۱ نفر از جوانان این مرزبوم را ربوده‌اند. براساس اعلام منابع رسمی گروهک‌ها ۱۱ نفر شامل ۶ نفر از بسیجیان، ۴ نفر از سربازان وظیفه و یک کادر مرزبان بوده‌اند. این در حالی است که این افراد بر اثر غذای آلوده مسموم شده و توسط این گروهک به داخل پاکستان منتقل شده‌اند. روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «شامگاه گذشته (دوشنبه ۲۳ مهرماه) تعدادی از بسیجیان بومی و نیروهای هنگ مرزی که در پایگاه مراقبتی در نقطه صفر مرزی (میرجاوه) استقرار داشتند، با خیانت و تباہی عامل یا عوامل نفوذی گروهک‌های ضدانقلاب ربوده شدند.» این اطلاعیه در ادامه با اشاره به اینکه این پایگاه از استحکامات خوبی برخوردار بوده، خاطر نشان کرده است: «عوامل گروهک‌های تروریستی که از سوی سرویس‌های بیگانه هدایت و پشتیبانی می‌شوند، با فریب و تطمیع عوامل نفوذی، این حادثه را در نقطه صفر مرزی و روبه‌روی یکی از پاسگاه‌های مرزی کشور پاکستان صورت داده‌اند.» روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در پایان تأکید کرده است: «عملیات تعقیب اشرار، تروریست‌ها و عوامل نفوذی دشمن و نیز اقدامات لازم برای آزادسازی ربوده‌شدگان با جدیت در دستور کار نیروهای دفاعی و امنیتی مستقر در مناطق مرزی قرار گرفته است و از دولت پاکستان نیز انتظار می‌رود با اشرار و تروریست‌هایی که در جوار مرزهای آنان لانه کرده و از سوی برخی کشورهای مرتجع شور و تروریست‌پرور منطقه حمایت و به کارگیری می‌شوند، برخورد جدی داشته و به سرعت نسبت به آزادی و تحویل مرزبانان اقدام کند.» گفتنی است فرمانده کل سپاه در سخنانی در این مورد گفته است: «دشمنان با بیهوش کردن موفق شدند تعدادی از بسیجیان بومی و نیروهای هنگ مرزی پایگاه مراقبتی در نقطه صفر مرزی (میرجاوه) را ربایند.» فرمانده کل سپاه پاسداران در سفر به سمنان در باره ربوده‌شدن تعدادی از بسیجیان بومی و مرزبانان در نقطه صفر مرزی در جنوب شرق کشور گفت: «دشمنان هربار تلاش می‌کردند با درگیری این برجک و پاسگاه را اشغال کنند ولی با توجه به نا کامی در این زمینه، این بار با وارد کردن یک نیروی نفوذی توانستند عمل خود را انجام دهند. آنها که مطمئن بودند تا زمانی که رزمندگان مدافع هوشیار و زنده باشند نخواهند توانست به هدف خود برسند، با بیهوش کردن این افراد توانستند آنها را ربایند.» وی گفت: «این عمل، هنری نیست و ان شاء الله با پاسخ سخت و دندان شکن ما روبه‌رو خواهند شد.»



جلسه ویژه با ظریف و جهانگیری

شورای نگهبان هفته قبل یک جلسه بسیار مهم داشت. آن گونه که سخنگوی شورای نگهبان روایت کرده است، دو عضو مهم کابینه به جلسه این شورارفته اند. عباسعلی کدخدایی گفته است: «نشست شورای نگهبان با حضور اعضای فقها و حقوق دانان برگزار شد. با توجه به اینکه هیات وزیران قبلا درخواست داده بود که جلسه ای با حضور برخی اعضای این هیات برای بررسی موضوعات پیرامون لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT) و FATF برگزار شود، جلسه شورای نگهبان به این امر اختصاص داشت.» سخنگوی شورای نگهبان ادامه داد: «در جلسه امروز شورای نگهبان اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی و حسینعلی امیری معاون پارلمانی رئیس جمهور نیز حضور داشتند و گزارشی از وضعیت لایحه CFT و الحاق ایران به کارگروه ویژه اقدام مالی FATF به اعضای شورای نگهبان ارائه دادند. در بخش دیگری از این جلسه، اعضای شورای نگهبان نیز دیدگاهها و نقطه نظرات خود را پیرامون FATF و CFT مطرح کردند.» سخنگوی شورای نگهبان در پایان خاطر نشان کرد: «در جلسه شورای نگهبان هیچ گونه رأی گیری و تصمیم گیری پیرامون FATF صورت نگرفت و مقرر شد تا کارشناسان مرتبط با این حوزه در جلسات آینده شورای نگهبان حضور یابند. FATF یک سازمان بین دولتی و یک گروه ویژه اقدام مالی است که به ابتکار کشورهای عضو G7 در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد، این گروه موظفند هر چهار ماه یک بار گزارشی را درباره ریسک سرمایه گذاری در بازارهای هدف برای کشورهای عضو اعلام کنند. در ابتدا این سازمان تنها وظیفه روند پولشویی در سطح بین الملل را بررسی و استانداردهایی را برای مبارزه با پولشویی تدوین می کرد، اما از ۲۰۰۱ میلادی و پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، وظیفه بررسی بازارهای هدف به منظور سرمایه گذاری را از نظر وجود امکان تأمین مالی تروریسم نیز به عهده کارشناسان این سازمان قرار دادند. این گروه ویژه اقدام مالی، در گزارش های سالانه اش، یک «لیست سیاه» از کشورهایی که با معیار این نهاد، پرخطرترین کشورها برای سرمایه گذاری هستند قرار داده بود. این لیست شامل کشورهایی است که از نظر کارشناسان این سازمان، در مبارزه جهانی علیه پولشویی و تأمین مالی تروریسم همکاری نمی کنند. در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار، نام ایران در کنار نام پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان وارد لیست سیاه پیشنهادی سرمایه گذاری (FATF) قرار گرفت، در سال های بعدی نیز گزارش ها ادامه پیدا کرد و نام ایران در رأس لیست سیاه دیده شد. ماجرای الحاق ایران به کارگروه اقدام ویژه مالی (FATF) از آنجا شروع شد که علی طیب نیا، وزیر اقتصاد دولت یازدهم در خرداد سال ۱۳۹۵ و پس از تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در مجلس با امضای ۳۵ بند از پیش شرط های FATF، تعهد می دهد که مابقی تعهدات نیز در مجلس تصویب شود، این در شرایطی است اقدام طیب نیا بدون طی مراحل قانونی و برخلاف اصل ۷۷ قانون اساسی که دولت را ملزم می کند عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی به تصویب مجلس برسد، صورت می گیرد، سپس دولت ۴ لایحه را برای فراهم کردن بستر الحاق به این کارگروه تدوین و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد.»



حضور جنجالی

ماجرای حضور زنان در بازی فوتبال بین ایران و بولیوی جنجالی شده است. این اتفاق که ابتدا با تکذیب پلیس مواجه شده بود در نهایت رخ داد و زنان توانستند وارد ورزشگاه شوند. دادستان کل کشور گفت: «حضور زنان در ورزشگاه آزادی یک آسیب است و هیچ توجیه شرعی ندارد، اگر بخواهد ادامه پیدا کند برخورد می کنیم.» حجت الاسلام محمدجعفر منتظری در این مراسم گفت: «حضور زنان در ورزشگاه آزادی یک آسیب است و هیچ توجیه شرعی ندارد، چرا مخالفیم چون گناه صورت می گیرد، تماشای بازی ایراد ندارد اما گناهی که صورت می گیرد جای اشکال است. از حضور دیروز زنان در ورزشگاه گلایه داریم، نظام ما اسلامی است، ما مسلمان هستیم، وقتی خانمی به ورزشگاه می رود و با مردانی که با لباس ورزشی و نیمه لخت مواجه می شود و آنها را می بیند گناه می کند، برخی دنبال این هستند که حریم ها را بشکنند.» دادستان کل کشور تصریح کرد: «با حریم خصوصی مردم کاری نداریم اما در مجامع عمومی کسی حق ندارد حریم عمومی را آسیب بزند.» وی یاد آور شد: «با هر مدیری که بخواهد بستر حضور بانوان در ورزشگاه را با پهنانه های مختلف فراهم کند برخورد می کنیم.» حجت الاسلام منتظری اظهار کرد: «قرار نیست در منظر عمومی هر کس هرچیز خواست لباس بپوشد یا رفتار کند، نصیحت می کنم به مسئولان ورزشی که حرمت دینی را حفظ کنید و اجازه ندهید گناه صورت گیرد. اگر تکرار شود دستور می دهم به دادستان تهران تا ورود کند.» دادستان کل کشور بیان کرد: «قرار نیست ۴ نفر با هر هدفی حریم ها را بشکنند و ما ساکت بمانیم، ابتدا نصیحت می کنیم بعد برخورد می کنیم.»

درواکنش به این سخنان، عزت الله ضرغامی در توییتی نوشته است: «در فوتبال، ورزشکاران نیمه لخت نیستند. حضور زنان در ورزشگاه حریم شکنی نیست. کبری و صغری هر دو مشکل دارند. به صورت زنان و خانواده هایی که تفریح مناسب ندارند پنجه نکشید. تهدید مدیران ورزش به برخورد قضائی هم شایسته نیست. آیا گناه و خلاف شرع در زندان ها، کمتر از ورزشگاه است؟»

علی مطهری هم در یادداشتی با عنوان «سخنی با دادستان کل کشور» نوشت: «سخن دادستان کل محترم در خصوص حضور بانوان در ورزشگاه آزادی از آن نظر که مهم بودن مساله عفاف از نظر اسلام را بیان می کند سخن درستی است و قابل تقدیر است. روشن است که حضور بانوان در ورزشگاه هایی که مردان به صورت نیمه عریان مسابقه می دهند مورد تأیید اسلام نیست اما در مسابقات فوتبال بدن مردان تقریباً کاملاً پوشیده است و نیمه عریان نیستند. لذا اعدا حضور بانوان در مسابقاتی مثل شنا، کشتی، بسکتبال و شاید والیبال مردان اشکال شرعی دارد اما در مسابقات فوتبال به نظر می رسد مطابق این ملاک نباید اشکال شرعی وجود داشته باشد. در واقع آن ملاک کلی را یعنی حرمت حضور بانوان در جایی که مردان نیمه عریان هستند همه قبول دارند ولی در اینکه مصداق این ملاک مسابقات فوتبال است، اختلاف است. دادستان کل محترم آن را هم مصداق می داند اما از نظر امثال بنده شامل مسابقات فوتبال نمی شود، خصوصاً که بازیکنان از فاصله دور دیده می شوند. البته در صورتی که تصمیم نظام به حضور بانوان باشد باید جایگاه ویژه و درهای ورود و خروج مخصوص و نیز سرویس های بهداشتی اختصاصی داشته باشند.»

یکی از اعضای شورای نگهبان می‌گوید که آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در جلسات این شورا شرکت نمی‌کند. دی‌ماه سال ۹۶ در حالی که حدود پنج ماه از ریاست آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گذشت با تعطیل شدن کلاس درس او، اخباری مبنی بر بیماری ایشان منتشر شد. حالاً قریب یک سال از ریاست هاشمی شاهرودی بر مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گذرد و برخی از نزدیکان او از بهبودی حالش خبر می‌دهند، اما آیت‌الله هاشمی شاهرودی نه تنها مدتی است در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام شرکت نمی‌کند، بلکه در جلسات شورای نگهبان نیز غایب است. نجات‌الله ابراهیمیان، عضو شورای نگهبان در پاسخ به این سؤال خبرنگار ایرنا پلاس مبنی بر اینکه آیا آیت‌الله هاشمی شاهرودی در جلسات شورای نگهبان حاضر می‌شود، اعلام می‌کند: «خیر ایشان در جلسات حاضر نیستند. سید محمود هاشمی شاهرودی از دوره سوم شورای نگهبان به عضویت این شورا در آمد. او در دوره چهارم به دلیل انتصاب به عنوان رئیس قوه قضاییه در شورای نگهبان نبود، اما با اتمام ریاستش بر دستگاه قضا بار دیگر به شورای نگهبان بازگشت و همچنان یکی از ۶ ققیه عضو این شورا است.»



غیبت آیت‌الله

دوباره وزارت



بعد از تایید و تکذیب‌های متعدد حالا دیگر مثل روز روشن است که در هفته‌های آینده محمد شریعتمداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت خدا حافظی خواهد کرد؛ خدا حافظی ای که البته انگار چندان تلخ هم نیست و آن‌طور که شنیده می‌شود، قرار است شریعتمداری با سلام و صلوات راهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شود. در این مدت زمه‌هایی مبنی بر استعفای شریعتمداری به گوش رسید؛ استعفایی که اگرچه در مقطعی از سوی حسینی علی‌امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور و حتی روابط عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت تکذیب شد، اما خب واقعبینان، چیزی نبود که به این سادگی‌ها بتوان کتمان‌ش کرد. در چنین شرایطی شنیده‌ها خبر از استعفای آقای وزیر با هدف هموار شدن راه برای معرفی او برای وزارتخانه‌ای دیگر می‌دهد. خیلی‌ها البته پیش‌دستی شریعتمداری را تلاشی برای دور زدن مجلس و فرار از پاسخگویی بابت عملکردش در وزارت صمت نوشتند. به هر روی حالا پرونده ترمیم کابینه روی میز عالی‌ترین مقام پاستور قرار گرفته و این‌طور که به نظر می‌رسد، به‌رغم کارنامه روشنی که از عملکرد شریعتمداری وجود دارد، تصمیم رئیس‌جمهور برای معرفی او به عنوان وزیر پیشنه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی جدی است؛ تصمیمی که البته واکنش‌های زیادی را برانگیخته و حتی داد حامیان دولت را هم درآورده است.

یکی از چهره‌های خبر ساز چند روز اخیر آیت‌الله جنتی است. هفته گذشته تابناک در خبری نوشت: «از منابع موثق خبر می‌رسد آیت‌الله جنتی طی نامه‌ای به علت کهولت سن و بیماری درخواست کناره‌گیری از ریاست شورای نگهبان کرده است. گفته می‌شود، سید محمد ابوترابی فرد، امام جمعه موقت تهران و نماینده اسبق مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی گزینه اصلی ریاست شورای نگهبان است.» این خبر البته بلافاصله با واکنش سخنگوی شورای نگهبان مواجه شد. تکذیب این خبر غیر از نفی استعفای آیت‌الله جنتی البته یک محتوای مهم داشت: رئیس‌جمهور بیرون شورا و غیر از اعضا انتخاب نمی‌شود.



تکذیب استعفا

معمای شهرام

بازداشت شهرام جزایری همچنان خبرساز است. او که چند هفته پیش هنگام خروج قاچاقی از مرز به دام افتاده بود، اکنون با حاشیه‌های جالبی مواجه شده است. سخنگوی قوه قضاییه در اظهار نظری مهم گفته است: «ایشان حرف‌های واحدی در این مدت نکرده اما بعد است صرف بدهی مالیاتی کسی به این طریق بخواهد از کشور خارج شود. کسی که اسناد غیرایرانی همراه داشته و قصد پرداخت رشوه میلیاردی داشته، بعد است بهانه بدهی مالیاتی را داشته باشد. پرونده وی در حال تحقیق است و وی بازداشت است و قرار در دادسرا برای وی صادر نشده است.» گفتنی است ماموران گمرک بازگان شهرام جزایری را از داخل یک دستگاه تریلر خروجی از کشور که حامل بار ترانزیتی بود، دستگیر کردند. این تریلر ترکیه‌ای حامل بار عدس بوده است و از مبدأ ترکمنستان عدس بازرگاری کرده و قرار بوده از کشور خارج شود، اما ماموران گمرک با رصد اطلاعات محموله و به کمک دستگاه‌های کنترلی ایکس‌ری کامیونی اقدام به اسکن محموله می‌کنند که پس از اسکن محموله مشخص می‌شود دو نفر در داخل بار تریلر مخفی شده‌اند.



قهر آخر؟

اسحاق جهانگیری در جلسه مهم رئیس جمهور حضور نداشت

اسحاق جهانگیری یک بار دیگر خبرساز شده است. این بار او با غیبت خود در یک جلسه بسیار مهم مورد توجه قرار گرفته است؛ جلسه‌ای که حسن روحانی با اقتصاددان‌ها ترتیب داده بود. انتشار تصاویر نشست حکایت داشت به‌رغم حضور مدیران ارشد اقتصادی دولت یعنی نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه، نهایندیان معاون اقتصادی رئیس جمهور و همتی رئیس کل بانک مرکزی، معاون اول در این برنامه غایب بوده است. این اتفاق در حالی است که جهانگیری عنوان فرمانده ستاد اقتصاد مقاومتی و ستاد اقتصادی کشور را داراست و علی‌القاعده موجه‌ترین مسؤل دولت بعد از رئیس جمهور برای حضور در چنین جلسه‌ای بوده است؛ البته جست‌وجوی در گوگل نشان می‌دهد که جهانگیری در دولت یازدهم خود چنین جلساتی را برگزار می‌کرده، اما اینکه چرا اکنون در چنین جلسه‌ای حضور ندارد ممکن است به دلیل همان موضوعی باشد که برخی اصلاح‌طلبان مدعی‌اند: محدود شدن نقش اسحاق جهانگیری در دولت دوازدهم یا شاید، افزایش احتمالات در مورد جدایی او از دولت. با توجه به شایعات و اخبار ضدونقیض درباره محدود شدن نقش و اختیارات جهانگیری در دولت دوازدهم، باید دید تحولات آنی دولت تأییدکننده این شایعات است یا مانند تکذیب‌های برخی دولتمردان، این مطلب چندان تطابقی با واقعیت ندارد؟

به هر حال رویارویی تیم حزب اعتدال و توسعه در دولت با حزب کارگزاران در روزهای اخیر به اوج خود رسیده. حزب اعتدال و توسعه از احزابی است که در ابتدای دهه ۸۰ متولد شد و حسن روحانی در افتتاحیه آن به سخنرانی پرداخت. نزدیکی این حزب به روحانی باعث شد تا پس از پیروزی وی در انتخابات، حزب مذکور، آن را پیروزی خود قلمداد کرده و با نفوذ در دولت پست‌های مهمی را به دست آورد. در حال حاضر محمدباقر نوبخت و محمود واعظی، دبیرکل و معاون سیاسی این حزب، به عنوان دو تن از اثرگذارترین افراد در سیاست‌های دولت روحانی شناخته می‌شوند.

از جمله، سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی به طور کامل در اختیار این حزب قرار دارد که در روزهای اخیر با اوج گیری فضای نامساعد اقتصادی کشور، انتقادهای از این تیم، به‌ویژه از سوی اصلاح‌طلبان از جمله اعضای حزب کارگزاران به اوج خود رسیده است.

قبلا رسانه متعلق به محمدباقر نوبخت در گزارشی بی‌سابقه (که حاکی از درگیری علنی این دو طیف است) و شدیدالحن علیه حزب کارگزاران نوشته بود: «اعضای این حزب که بعضا در مسئولیت‌های ارشد اجرایی دولت نیز حضور دارند مدتی است تلاش دارند تا با فاصله گرفتن از مرکزیت دولت و شخص رئیس جمهوری خود را مطالبه‌گر نشان داده و با ادبیات نقادانه رفته‌رفته خود را همپای انتخابات بعدی مجلس و سپس ریاست جمهوری کنند.»

رسانه متعلق به نوبخت برنامه کارگزاران را تخریب دولت بدون ارائه برنامه جایگزین اقتصادی دانسته و حتی اشاره کرده بود که آنها از نام بردن از گزینه‌ای مانند وزیر پیشین اقتصاد - علی طیب‌نیا - استفاده ابزاری می‌کنند. این رسانه، هدف حزب کارگزاران را از دو حالت خارج ندانسته است؛ یا پیاده شدن از قطار دولت یا سهم‌خواهی بیشتر از رئیس جمهور.

همزمان با این حمله، یکی دیگر از رسانه‌های وابسته

به نوبخت، در گزارشی با ابراز خشم از گزارش ارگان متعلق به حزب کارگزاران، که در آن موضوع کنار رفتن یا ماندن نوبخت در سازمان برنامه و بودجه بررسی شده، بار دیگر هدف کارگزاران را سهم‌خواهی از حسن روحانی دانسته و نوشته بود: «پرسش و ابهامی که همچنان باقی می‌ماند این است که چرا این روزنامه در روزهایی که توسط برخی سخن از تغییر و ترمیم کابینه دولت دوازدهم است، اقدام به تخریب دکتر نوبخت و انتقاد محض از ایشان کرده و دیگر وزرا و مدیران دولت را در حاشیه‌ای امن قرار داده است؟ چرا انتقاد از تیم اقتصادی دولت به انتقاد از نوبخت منحصر شده است؟ ارگان کارگزاران سازندگی چه غرض و هدفی را از تخریب یا مخالفت با حضور دکتر نوبخت در کابینه دولت اعتدال در سر دارد؟ آیا در پس پرده طرحی برای تعرفه جایگزینی برای نوبخت یا سهم‌خواهی از دولت یا آغاز پروژه‌ای برای مخالف‌خوانی علیه دولت اعتدال صورت گرفته که با حمله مستقیم به دکتر نوبخت کلید خورده است؟».

این در حالی است که خود نوبخت چند روز بعد هرگونه کناره‌گیری از سازمان برنامه و بودجه را گمانه‌زنی دانسته و رد کرده بود. با این وجود، همین رسانه متعلق به نوبخت، در گزارش دیگری دست خود را صریحا رو کرده و از کنار رفتن احتمالی اسحاق جهانگیری از معاون اولی رئیس جمهور خبر داده است.

در گزارش مذکور، با اشاره به اینکه «خبرهایی از درون دولت و برخی از محافل سیاسی به گوش می‌رسد، که اسحاق جهانگیری از سمت معاونت اولی رئیس جمهوری کنار خواهد رفت»، آمده بود: «گفته می‌شود این تغییر در راستای ترمیم تیم اقتصادی دولت انجام خواهد گرفت. جهانگیری رئیس ستاد اقتصاد مقاومتی بوده و یکی از اعضای اصلی تیم اقتصادی دولت است. پیش از این اسامی دیگری از درون دولت برای ترمیم کابینه شنیده شده بود.»

نکته دیگر اینکه این رسانه هم به شایعه عجیبی که چندی پیش در خصوص معاون اولی قالیباف منتشر شده بود، اشاره کرده و اظهارات نوبخت درباره آن را طوری بازتاب داده بود که در آن خبری از تکذیب صریح این شایعه نبود. به نوشته این سایت، «قابل ذکر است چندی پیش از سوی برخی از رسانه‌ها خبری مبنی بر معاون اولی قالیباف مطرح شده بود که سخنگوی دولت پس از آخرین نشست هیات دولت به خبرنگار پرسش‌کننده گفت: اینها اخباری است که همکاران شما خبر می‌کنند و قرار نیست به همه شایعه‌ها پاسخ داده شود.»

به بیان ساده‌تر دعوا تا جایی بالا گرفت که تیم نوبخت حاضر شد برای کنار گذاشتن اسحاق جهانگیری حتی به شایعه‌ای درباره قالیباف هم متوسل شود. این در حالی است که همین رسانه از نظر خواهی نشریه متعلق به کارگزاران با یک اصولگرا - یحیی آل اسحاق - ابراز شگفتی کرده و جلوی نام و وابستگی جریانی او علامت تعجب گذاشته بود.

شاید این غیبت در ادامه همان دعوی پرحاشیه باشد.





حسین امیر عبداللهیان در تویت جالبی از آمادگی ایران برای مواجهه با تحریم های جدید آمریکا سخن گفته است



ضد قانون آن هم توسط مدعیان قانونمداری

هلاکت طراح اصلی حمله تروریستی اهواز



اعتراض بیعیدی نژاد به شبکه ضد ایرانی



نمره فراکسیون اصلاح طلبان چنداست



اولا همه حرف اینه که بهانه گیری دشمن پایان نمی‌یابد مگر کاملا تسلیم بشویم. ثانیا اروپا کالا برای همین تصویب داره مملکت و دولت را بازی می‌دهد. درواقع اروپا مستعمره آمریکاست و دقیقا منویات آمریکا را اجرا می‌کند. چشم بصیرت می‌خواهد. ثالثا هنوز تو جبهات برجام را به یاد داریم و حقیقت را دیدیم و نمی‌توانیم این تو جبهات را قبول کنیم. چون خود تو جبهات دلیل ضعف را بیشتر روشن می‌کند رابعا دنیا فقط اروپا و آمریکان نیست.

ضربه‌ای رو این محتکران خونخوار (ارزی و کالایی) به ملت ایران زدن که دشمن در این ۴۰ سال نتونست بزنه. نامردی و ناجوانمردی اینا در یاد و یادواره این مردم ثبت شد و تا ابد خوار و ذلیل می‌مانند. البته قصاص به قیامت نخواهد ماند هر تابی در کائنات باز تابی هم داره با چند صد برابر تاوان پس خواهند داد.



کسانی که رفتن هم سکه و دلار خریدن احتکار کردن، هیچ فکر نکردن دارن به ملت و کشورشون خیانت می‌کنن.

آیا با مذاکره مجدد با آمریکا مشکل معیشت مردم حل می‌شود؟ مذاکره قبلی که خیلی هم دقیق تر بود چه شد؟ اگر دوباره برجام ۲ را پاره کردند، چه می‌کنید؟ برجام ۳ می‌سازید و مذاکره؟ بروید خودتان را درست کنید و مقابل اختلاس‌ها بایستید تا کشور درست شود نه این مذاکره بازی‌ها.

هیچ دلیلی وجود ندارد که متمولان بنزین گران تری استفاده کنند. مگر متمولان دزدی می‌کنند؟ متمولان درآمد بیشتری دارند و مالیات بیشتری هم پرداخت می‌کنند. ثروتمندان از منابع مملکت همان قدر حق دارند که فقرا. کاملا مشخص است که ارانه بنزین گران تر به بخشی از مردم چه فقیر و چه غنی کاملا بی‌عدالتی است.

چگونه ساز و کار اروپایی با مقررات آمریکایی تطابق پیدا کرده؟! وارد کردن کشورهای دوست و همسور در این دفاعیه، مصداق بارز گره زدن موضوع به حل مسئله آب خوردن مردم.

سوال این است: برای تفاهم روی مکانیزمی که اساسا معلوم نیست، چیست و شانس بسیار اندکی برای مقابله موثر با تحریم‌های آمریکا دارد، چرا باید هزینه‌ای به بزرگی FATF را پرداخت؟ مذاکره کننده هوشمند آیا چنین امتیازی را جز در ازای یک امتیاز نقد و بزرگ، واگذار می‌کند؟

مقایسه بنزین با قیمت جهانی به دلایل مختلف صحیح نیست؛ اول نفت ما ملی است دوم حقوق ما با اروپایی‌ها فرق دارد و درآمد ما کمتر است، سوم اینکه ارزش پول ملی ما پایین است، چهارم ما از خودروهایی استفاده می‌کنیم که چندین برابر قیمت بی‌کیفیت و بدون استانداردهای مصرفی دنیا و اروپا به ما فروخته می‌شود که مزید بر علت است، پنجم اینکه به دلیل مدیریت نادرست و تجمع جمعیت در نقاطی از کشور بیشترین میزان بنزین به دلیل ترافیک و عدم مناسب بودن حمل و نقل عمومی می‌باشد که مزید بر علت است.



مناظره ای در تلویزیون برگزار شد که آقای کواکبیان گفت ما می‌خواهیم با تصویب این لایحه بهانه را از دست اروپا و کسانی که با ما کار بانکی نمی‌کنند، بگیریم. آقایان نماینده! تصویب این گونه لوایح با توجیه گرفتن بهانه و با عنایت به اینکه بدعهدی دشمن در برجام هسته‌ای را دیده ایم، کافی است؟

آدمی که برای چهره شدن بازیگر شود و با اعتقادات مردم بازی کند و پول بگیرد و جیش پر شود و اگر کم بخورد و بخوابد جهنم رو جلوی چشمش ببیند و دیگر هیچ! مصداق‌های زیادی در جامعه ما دارد.

مجلس لایحه شفافیت آرای نمایندگان را تصویب نکرد. کار مجلس معنایش این هست که شفافیت برای آمریکا و انگلیس آری ولی شفافیت برای مردم ایران نه. خود مردم مقصرند که به این راحتی گول می‌خورند.

اینکه پول واقعی بنزین از سرمایه‌دار گرفته شود و به سمت کم‌درآمدها هدایت شود خیلی خوب است ولی کو عمل. یارانه مردم چند ساله ۴۵۵۰۰ تومانه واقعا انصافه و بعد حقوق یک کارمند یا یک کارگر چقدر باید باشد این وضعیت اقتصادی را به بحث بگذارید لطفا، تا شاید مسئولان کشور از خواب ناز بیدار شوند.



آقای علی‌زاده متشکریم: غیرت ملی و فکر روشن و شفافیت شما تحسین آمیز است. به اصطلاح فرنگی‌ها «درختان مانع از دیدن جنگل توسط شما نشده اند.» امیدوارم نوشته‌های شما موجب شود جنبشی در جوانان ایرانی برای افت زدایی از انقلاب عزیز ایجاد شود.



مبنای معامله احتمالی لاریجانی - اصلاح طلبان

دبیرکلی بهروز نعمتی در حزب رفاه نشان از جدیت علی لاریجانی برای کار حزبی دارد

آقای لاریجانی در حال حاضر ریاست مجلس را در اختیار دارد و از طرفی انتخابات مجلس جلوتر از انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود. از این رو هنوز جمع بندی دقیق و جامعی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری صورت نگرفته است. استراتژیک، به تازگی بهروز نعمتی دبیرکل حزب رفاه که نزدیک به لاریجانی است، شده است. بزرگ ترین مشکل اصلاحات این است که الان بعد از وقایع دی ماه سال ۹۶ به نظر می آید نگرانی ها این است که شاید به آن پایگاه اجتماعی تکیه کردیم و چند انتخابات را با تکیه بر آن پایگاه اجتماعی پیش بردیم، هم به دلیل شرایط بین المللی و هم به دلیل نوع رفتار آقای روحانی و هم به دلیل موضعی که به هر حال نیروهای شاخص در درون اصلاحات و احزاب وابسته به آن در نسبت به رویداد سال ۹۶ داشتند، مواجه شد با یک ریزش اجتماعی شتابنده. رفتار نیروهای متمایل به براندازی و شبکه های خارجی هم در مشروعیت زدایی از قدرت و توان گروه های اصلاح طلب بی تاثیر نبود. نوع کارکرد دولت در کنار افزایش سطح مطالبات به تطبیق آن و سرمایه گذاری خارجی همه با هم در کنار آن ضعف تنوریک در بازبینی و دوباره دیدن جهان بینی جدید در ارتباط با وضعیت مطالبات اجتماعی و طبقات اجتماعی درگیر با فرایند اصلاحی در ایران، دست به دست هم داد و به ما آسیب زد. از نظر تاکتیکی هم

۲۲

آقای لاریجانی البته ویژگی های عملگرایی خوبی دارد. این علی لاریجانی کاندیدای لیست امید بوده در قم، این علی لاریجانی در دو واقعه مهم از جمله برجام و FATF، جمع کنندگی، برانگیزانندگی و همینطور درک مصلحت ملی و همینطور نگرش بین المللی خودش را نشان داده و این کاملا همسو با اهداف دولت بوده و البته اصلاح طلبان

۲۲

پروژه مورد توجه ما، مجلس است و بعد از مجلس است که ما می توانیم صفحه شطرنج سیاست را مبتنی بر خواست اصلاح طلبان تعبیر کنیم، لذا هرگونه اظهار نظری در ارتباط با کاندیداهای ریاست جمهوری به نظر من یک امر بعید و محال به نظر می رسد. آقای لاریجانی بیش از اینکه با اصلاح طلبان دورنمای یک پیوند استراتژیک را رقم بزند، بیشتر به نظر می آید که با آقای روحانی و تیم آقای روحانی به یک پیوند منطقی دست پیدا کرده و چه بسا اطرافیان و نیروهای نزدیک در ارتباط با آقای روحانی، لاریجانی را تداوم نگرش خودشان می دانند. آقای لاریجانی البته ویژگی های عملگرایی خوبی دارد. این علی لاریجانی کاندیدای لیست امید بوده در قم، این علی لاریجانی در دو واقعه مهم از جمله برجام و FATF، قدرت رهبری، جمع کنندگی، برانگیزانندگی و همینطور درک مصلحت ملی و همینطور نگرش بین المللی خودش را نشان داده و این کاملا همسو با اهداف دولت بوده و البته اصلاح طلبان. اما اینکه خانواده لاریجانی به هر حال این اسم لاریجانی با خاطرات منفی هم برای اصلاح طلبان عجین شده، ماجرای ریاست شان بر صداوسیما، ضعف ارشاد و برنامه چراغ و برنامه هویت و کارناوال عاشورا مجموعه حاشیه ها که توسط تیم آقای احمدی نژاد هم به شدت آسیب دیدند. من فکر می کنم بدترین لطمات را به خانواده لاریجانی و آقای دکتر لاریجانی تیم احمدی نژاد وارد کردند و این کار را هم تداوم خواهند بخشید.

اصلاح طلبان البته مشکلات خودشان را دارند. از

یک طرف آقای جهانگیری به عنوان قوی ترین کاندیدی اصلاح طلبان، در نتیجه تضعیف پایگاه و محبوبیت دولت و همینطور مساله دار شدن قدرت مطلق اصلاح طلبان در چند سال گذشته او هم ضعیف شده است. آقای دکتر عارف بیشتر منشأ ناامیدی هستند به عنوان رئیس فراکسیون امید، بازتابی از ناامیدی های اجتماعی و سیاسی در ایران امروز است و به هیچ وجه به نظر من امکان احیاء و بازپوری ندارند، شخصیت های دیگری مثل محمد شریعتمداری که یک زمانی واقعا می توانست به عنوان سرمایه سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند، آسیب دید؛ تحریم های بیشترین صدمات را به وزارت صمت وارد کرد و دولت که ناچار بود برای مبارزه با بحران تصمیمات خلق الساعه و آبی بگیرد، در اعتبار و پرستیژی و قدرت مدیریت شریعتمداری لطمه وارد کرد. نجابت شریعتمداری هم باعث شد که نتواند پشت پرده خیلی از مسائل را بیان کند. او هم به عنوان یک آلترناتیو به نظر من فضای حرکت را از دست داد و اصلاح طلبان آونگار، پیشرو و اثرگذار هم که اساسا با ساختار شورای نگهبان امکان طرح شدن ندارند.

وقتی اینها را کنار هم قرار می دهیم، شاید بد نیست فکر کنند که اگر بخوایم همچنان در فضای سیاسی ایران، در ساختار نظام جمهوری اسلامی عمل کنیم، چه بسا مدتی را به صورت تاکتیکی از چهره های دیگری استفاده کنیم و لباس اصلاح طلبی را بر تن آنها بپوشانیم. رگه هایی از این نگرش در بین اصلاح طلبان و مخصوصا کارگزاران وجود دارد که شاید بشود با آقای لاریجانی شراکت کرد، نه رفاقت. شراکت به این معنی که در یک بازی کاملا تعریف شده با توجه به فقدان پایگاه اجتماعی و سیاسی آقای لاریجانی، ولی قدرت اثرگذاری و لابی در نظام سیاسی، اصلاح طلبان مشروعیت اجتماعی و سیاسی خودشان را بیابند، ولی این دفعه یک گام به جلوتر بروند، یعنی با آقای لاریجانی بنشینند و به طور مشخص در بستن کابینه یا بستن تیم با همدیگر به یک وحدت اشتراکی برسند. از نظر تنوری و از نظر موضوعی این متصور است، ولی فعلا دورنمای این امر مثل دورنمای تصویری است که فضانوردان یا دانشمندان در ناسا برای زندگی در مریخ متصور می شوند. از نظر تنوریک ممکن است. لذا به نظر من صحبت کردن از مساله می تواند جالب باشد، اما در صحنه عمل و در روی زمین جریان اصلاح طلب اگر همین طوری در حسن روحانی تداوم پیدا کند و به علی لاریجانی برسد، می شود تصور کرد در ۱۰ سال آینده پس ابراهیم رئیسی هم می تواند کاندیدی اصلاح طلبان شود و این هم می تواند یک مساله باشد برای بسیاری از اصلاح طلبان، مخصوصا بانوان، جوانان و نیروهای پیشرو. رسیدن به علی لاریجانی کار بسیار سختی است. لذا می شود متصور شد که اگر اصلاح طلبان نتوانند کاندیدی ایده آل یا مناسبی برای خود شکل دهند و در حاکمیت هم نشانه هایی از گشایش و افتتاح سیاسی وجود نداشته باشد، چه بسا اصلاح طلبان مدتی به اتاق فکر بروند و سکوت سیاسی را ابراز کنند. به نظر من می آید که در حال حاضر نمی شود یک جمع بندی دقیق و شفافی در این باره ارائه داد.

نشانه های بسیار زیادی وجود دارد که آقای روحانی بیش از اینکه تمایل داشته باشد با اصلاح طلبان چای بخورد، علاقه مند است با علی لاریجانی فالوده بخورد و من فکر می کنم آقای روحانی و اطرافیان ایشان چه بسا تمایل عقلانی شان این باشد که با علی لاریجانی پیوندی استراتژیک ببندند. نوعی تقسیم کار که در آینده ایران آقای روحانی برای خودش یک جایگاه و آقای لاریجانی هم جایگاه دیگری متصور شود. اما می دانید که آقای روحانی به صورت سیاسی با اصلاح طلبان در حال حاضر متحد است، ولی به صورت معمول و از لحاظ DNA آقای روحانی DNA اصلاح طلبان در هماهنگی و انطباق کامل نیست.



مانند روسای جمهور ایالات متحده آمریکا و فرانسه هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و آن، جلوگیری از تخریب روابط تجاری با ریاض است. آنها این هدف را نسبت به هر گونه هدف دیگری در ارجحیت قرار داده‌اند. در حال حاضر، افرادی مانند ماکرون و ترامپ باید بابت همراهی خود با عربستان سعودی در اقداماتی مانند کشتار مردم بی‌گناه یمن و خصوصاً کودکان یمنی پاسخگو باشند. در حال حاضر، افکار عمومی در سرتاسر دنیا نسبت به آنچه در پرونده خاشقچی می‌گذرد، حساس هستند. این حساسیت عمومی، بدون تردید از سوی شرکای غربی ریاض و حامیان جنایات آل سعود در منطقه غرب آسیای خوشایند نیست، با این حال این واقعیتی است که باید افرادی مانند ترامپ و ماکرون با آن روبه‌رو شوند. در این میان، دادن آدرس و نشانه پترودلارهای سعودی از سوی کاخ سفید و کاخ الیزه بار دیگر ماهیت واقعی این دور را در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده است. ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه به عنوان سه عضو غربی دائمی شورای امنیت که به دلیل ساختار ناعادلانه حاکم بر جهان امروز دارای حق وتو هستند، «منافع تجاری» خود را به هر فاکتور و مولفه دیگری از جمله جان انسان‌های بی‌گناه ترجیح می‌دهند. با این حال، این بار افکار عمومی دنیا هستند که در خصوص پرونده خاشقچی به پا خاسته‌اند. بدون شک، در این معادله ترامپ و ماکرون بازنگانی بیش نخواهند بود و حتی صرف میلیاردها دلار نفتی از سوی سعودی‌ها نیز نمی‌تواند مانع از شکل‌گیری این پروسه شود.

ربایش و قتل احتمالی جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در استانبول، در دست زمانی رخ داده که مقامات آل سعود به سبب شکست نظامی در یمن و سوریه و شکست سیاسی در عراق، بحرین و لبنان در بدترین وضعیت ممکن قرار دارند. فراتر از آن، اخباری که از دربار سعودی منتشر می‌شود، بیانگر اختلافات عمده و بنیادینی است که میان بازماندگان عبدالعزیز در جریان است؛ اختلافاتی که منجر به درگیری‌های داخلی در دربار و حتی تلاش برای ترور شاهزادگان از سوی یکدیگر شده است. نمونه این موضوع را در جریان زخمی شدن محمد بن سلمان در حادثه تیراندازی الخزامی مشاهده کردیم. حادثه‌ای که مقامات سعودی سعی کردند از نشت آن به فضای منطقه جلوگیری کنند اما در نهایت نتوانستند به این هدف دست یابند.

همزمان با آتارشی حاکم در دربار سعودی‌ها، شاهد شکل‌گیری منازعاتی جدی در کشورهای غربی بر سر حمایت از رژیم منحوس و منقرضه سعودی هستیم. در کشور آلمان، بار دیگر شاهد طرح موضوعاتی از قبیل اعمال طرح ممنوعیت حمایت تسلیحاتی از رژیم آل سعود به اتهام جنایت در جنگ یمن هستیم. اگرچه صدراعظم آلمان و اعضای حزب دموکرات مسیحی آلمان و حتی سران حزب سوسیال دموکرات (که در دولت ائتلافی مشارکت دارند) سعی دارند در این خصوص سکوت کرده و به بدنه و بستان خود با رژیم کودک‌کش سعودی ادامه دهند اما اعتراض افکار عمومی، رسانه‌ها و حتی برخی احزاب مخالف سبب شده تا آنگلا مرکل و هم‌راهانش در این خصوص تحت فشار قرار گیرند. مشابه چنین وضعیتی نیز در فرانسه و انگلیس وجود دارد؛ دو کشور دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد که دستان آنها به خون کودکان یمنی آغشته است.

در نهایت اینکه سکوت و قبحانه سران کشورهای غربی در مقابل حادثه ربایش و قتل احتمالی جمال خاشقچی بار دیگر پرده از چهره واقعی مدعیان حقوق بشر برداشتن و عیار واقعی آنها را در مقابل افکار عمومی دنیا نمایان ساخت. بی‌دلیل نیست که دیگر جنایات افرادی مانند ترامپ، مرکل، ماکرون و ترزا می نزدیک‌های دنیا رنگی ندارد.



فراتر از جنایت

توجیه غرب در خصوص پرونده خاشقچی چیست؟

سعید سبحانی

روزنامه‌نگار

نوع و نحوه موضع‌گیری سران غربی در قبال پرونده ربایش و قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی در نوع خود قابل تامل و تحلیل است. روسای جمهوری ایالات متحده آمریکا و فرانسه از یک سو به صورت ظاهری ربایش و قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی توسط بن سلمان و عمال وی را محکوم کرده و از سوی دیگر، بر روابط محکم مالی خود با عربستان سعودی تاکید می‌کنند. به عبارت بهتر، کاخ سفید و کاخ الیزه نشان داده‌اند که اراده لازم برای مواجهه با پرونده ربایش و قتل خاشقچی را ندارند. چنانچه پیش‌بینی می‌شد، برخی مقامات اروپایی مانند امانوئل ماکرون که در کنار ایالات متحده آمریکا از اصلی‌ترین حامیان تسلیحاتی آل سعود محسوب می‌شوند، از هر گونه موضع‌گیری صریح، رسمی و جدی در خصوص قتل روزنامه‌نگار منتقد سعودی اجتناب کرده‌اند. گردش پترودلارهای آل سعود در حساب دولت‌های غربی سبب شده است تا آنها این بار نیز در مقابل جنایت آشکار سعودی‌ها سکوت کرده و موضعی اتخاذ نکنند. نوع مواجهه مقامات غربی با پرونده «جمال خاشقچی» بار دیگر برخورد و مواجهه گزینشی و ابزاری مدعیان حقوق بشر با

این مقوله را به چالش کشیده است. در این میان، مقامات دولتی و امنیتی در غرب از تمامی ظرفیت‌های خود برای جلوگیری از «تعمیم موضوع به افکار عمومی» نیز استفاده می‌کنند. به عبارت بهتر، دولت‌های ایالات متحده آمریکا و فرانسه ظرفیت‌های خود را در حوزه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی پنهان به کار گرفته‌اند تا موضوع قتل احتمالی خاشقچی به دست عمال آل سعود به موضوعی داغ بین افکار عمومی کشورهایشان تبدیل نشود. با این حال سوال اصلی اینجاست که آیا این تلاش موثر خواهد بود؟ واقعیت امر این است که ترامپ و ماکرون در دستیابی به این هدف و قبحانه به شدت ناکام خواهند ماند. آنچه مسلم است اینکه ترامپ به عنوان بازیگری که قطعا در جریان موضوع ربایش و قتل احتمالی خاشقچی بوده است، هزینه‌های هنگفتی را صرف تنظیم بازی «میدانی»، «سیاسی» و «رسانه‌ای» خود در نظام بین‌الملل کرده است اما قدرت رسانه‌های مستقل و افشاگری‌هایی که از سوی روزنامه‌نگاران مستقل در خصوص چنین پرونده‌هایی صورت می‌گیرد، مانع از تحقق این «ترکیب و قبحانه» می‌شود. این هارمونی و قبحانه سال‌هاست در سیاست خارجی و سیاست رسانه‌ای کشورهای غربی جاری است. این قاعده امروز نیز در نظام بین‌الملل و به خصوص در قبال کشورهایی مانند انگلیس، فرانسه و ایالات متحده آمریکا صدق می‌کند. بدیهی است که در این معادله، افرادی

ناسیونالیسم در یک قدمی اروپا

چرا شهروندان قاره سبز از اروپای واحد حمایت می‌کنند؟

حسین یاری

روزنامه‌نگار

«ناسیونالیسم» به یک قدمی اروپای واحد رسیده است. بسیاری از تحلیلگران و استراتژیست‌های اروپایی به درستی بر این باور هستند که اگر در انتخابات پارلمانی بعدی، شاهد رشد آرای احزاب ملی‌گرا، راست افراطی و ضد اروپایی و پوپولیست به پارلمان اروپا در بروکسل باشیم، دیگر عملاً امکان بازگشت اروپا به نقطه نقل سیاسی و اجتماعی وجود نخواهد داشت. هم‌اکنون با وجود گذشت بیش از ۱۰ سال از وقوع بحران اقتصادی در اروپا و همچنین با وجود گذشت حدود سه سال از وقوع بحران پناهجویان، همچنان برخی شهروندان اروپایی، «گذار از اروپای واحد» و بازگشت به گذشته را در نگاه خود پررنگ کرده‌اند. طی سال‌های اخیر، بارها در مورد آسیب‌ها و آفات آنی که به مجموعه اروپای واحد وارد شده و منتج به وقوع بحران‌های مزمن و دامنه‌دار در این مجموعه شده است، سخن گفته‌ایم. هم‌اکنون مقامات اروپایی از «بازگشت به ملی‌گرایی» به عنوان یک خطر بالقوه (و در مواردی خطر بالفعل!) در مجموعه تحت حاکمیت خود نام برده و بدون آنکه از مصدر و خاستگاه این خطر یادی کنند، نسبت به آن هشدار می‌دهند. اخیراً صدراعظم آلمان برای چندمین بار طی یک سال اخیر نسبت به وقوع ملی‌گرایی در اروپای واحد هشدار داده است. این هشدار در حالی از سوی انگلاند مرکل مخابره می‌شود که دیگر مقامات اروپایی از جمله امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تضعیف ارزش‌های مشترک اروپایی اذعان کرده و خطر ملی‌گرایی و بازگشت به گذشته را دور از ذهن تصور نمی‌کنند. مرکل در خصوص خطر بازگشت ملی‌گرایی به اروپا اظهار کرده است: «اروپا (ارزش‌های مشترک اروپایی) کمی تبدیل به مساله روزمره شده است. البته در این زمان این امر طبیعی و بدیهی نیست که ما دوباره به ملی‌گرایی روی آوریم. اروپا باید از

ارزش‌های مشترک دفاع کند. مهاجران باید همان گونه که با منافع ما منطبق است هدایت شوند...»
ریشه‌یابی ساده موضوع «بازگشت اروپای واحد به ملی‌گرایی» نشان می‌دهد که مقامات فعلی اروپایی، خود نقش موثری در تمایل شهروندان قاره سبز نسبت به بازگشت به دوران قبل از تشکیل اروپای واحد ایفا کرده‌اند. در انتخابات سراسری سال ۲۰۱۴ میلادی، شاهد راهیایی بیش از صد نماینده وابسته به جریان راست افراطی به پارلمان اروپا بودیم. این موضوع می‌توانست به نقطه آغازی جهت ایجاد تحولات بنیادین در سیاست‌های کلان اروپا و ایجاد نوعی رابطه افق‌های میان سران اروپایی و شهروندان این مجموعه تبدیل شود اما چنین اتفاقی در عمل رخ نداد. اگرچه ناتوانی سران اروپایی در مدیریت بحران مهاجرت و از همه مهم‌تر، استمرار بحران اقتصادی در برخی کشورهای حوزه یورو در رقم خوردن وضعیت فعلی تاثیرگذار بوده است اما نباید فراموش کرد که رشد تصاعدی آرای احزاب افراطی و ملی‌گرا در اروپا، تا حدود زیادی معلول عدم افتخار شهروندان اروپایی نسبت به سیاست‌های کلان جاری در اروپاست. در این خصوص افرادی مانند انگلاند مرکل و ماکرون نیز عملاً احساس وظیفه‌ای نکرده و همچنان نمی‌کنند.

بدون شک در صورتی که چنین روندی متوقف نشود یا تجدیدنظر اساسی در آن صورت نگردد، تمایل به ناسیونالیسم و به عبارت بهتر، تمایل نسبت به بازگشت به گذشته‌ای نه‌چندان دور، سرتاسر اتحادیه اروپا و به‌ویژه منطقه یورو را دربر خواهد گرفت. هم‌اکنون مقامات اروپایی به شدت نگران انتخابات پارلمانی سال آینده در اروپای واحد هستند. اگر این بار احزاب راست افراطی بتوانند میزان آرای عمومی خود را افزایش داده و از این طریق کرسی‌های بیشتری را در پارلمان اروپا کسب کنند، با وضعیتی بحرانی در قاره سبز مواجه خواهیم شد. از سال ۲۰۱۴ میلادی تا کنون احزاب راست افراطی در کشورهایمانند فرانسه، سوئد، اتریش، آلمان و... توانسته‌اند آرای خود را افزایش داده و ضمن تقویت موقعیت خود در

معادلات سیاسی کشورشان، در حوزه اجتماعی دست به یاریگیری گسترده‌تری بزنند.

اظهارات صدراعظم آلمان به جای آنکه به مثابه نوعی خودانتقادی تلقی شود، یک فراکنی جدید از سوی سران اروپایی محسوب می‌شود. مرکل، ماکرون و دیگر مقامات اروپایی که امروز نسبت به وقوع ملی‌گرایی در اروپا هشدار می‌دهند، باید سهم و نقش پررنگ خود را در این معادله بپذیرند. این موضوع اصلی‌ترین پیش‌شرط نسبت به اصلاح بنیان‌های موجود در اروپای واحد محسوب می‌شود. در غیر این صورت حرکت اروپای واحد در مسیر نزولی و در نهایت، فروپاشی اتحادیه اروپا و منطقه یورو موضوعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، مساله‌ای که مرکل و ماکرون نیز در خفا نسبت به آن آگاه هستند.

فرا تر از آنچه ذکر شد، نقش بحران‌های امنیتی در اروپا را نیز نمی‌توان در تسریع بازگشت اروپای واحد به ملی‌گرایی نادیده انگاشت. این روزها اتحادیه اروپا به کلکسیون و مجموعه‌ای از بحران‌های مزمن امنیتی، سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است. وقوع بحران‌های دامنه‌دار و گسترده در قاره سبز منجر به ایجاد وضعیتی نابسامان در این منطقه شده است. به نظر می‌رسد تز «همگرایی برای پیشرفت» جای خود را به آنتی‌تز «همگرایی در مسیر پسرفت» داده است.

پیمان شکنی تنها این روزها به عنوان نماد اتحاد و همبستگی اروپا مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد، بلکه به مولفه‌ای برای اثبات ناکارآمدی امنیتی در مرزهای اروپا تبدیل شده است. «امنیت» به عنوان حداقلی‌ترین نیازی که شهروندان اروپایی آن را در زندگی روزمره فردی و اجتماعی خود باید حس کنند، این روزها به حلقه مفقوده و معمای تبدیل شده است که کمتر کسی قدرت تجزیه و تحلیل آن را دارد. در این میان سیاست‌های امنیتی جاری و گذشته در اروپای واحد در شکل‌گیری بحران امنیت در این مجموعه دخیل بوده است.

بی‌تفاوتی سرویس‌های امنیتی اروپا در قبال تقویت جریان‌های راست افراطی و فاشیسم نوین و متعاقباً حمایت این دستگاه‌ها از جریان‌های تکفیری در منطقه و نظام بین‌الملل و چراغ سبز نهاد‌های امنیتی غرب برای حیات بیش از ۱۰ ساله این جریان‌های افراطی در داخل خاک اروپا و در نهایت حمایت‌های تسلیحاتی کلان کشورهایی مانند فرانسه، انگلیس و آلمان از رژیم‌های دیکتاتوری عربی در منطقه نتیجه‌ای جز تقویت دو جریان تکفیری و راست افراطی در غرب نداشته است.





پیوند ناگسستی تهران - بغداد

ساختار سیاسی جدید عراق به چه سمتی حرکت خواهد کرد؟

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه

ماه‌ها پس از انتخابات پارلمانی عراق (۲۲ اردیبهشت) آن گونه که پیش‌بینی می‌شد انتخاب سه پست اصلی با بگومگوها و کشمکش‌های زیاد میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراق همراه شد و از هر سه طیف قدرت شیعیان، کردها و اهل سنت، در این هرم و مثلث حضور پیدا کردند. در واقع عادل عبدالمهدی به عنوان نخست‌وزیر، برهم صالح به عنوان رئیس‌جمهور و محمد الحلبوسی به عنوان رئیس پارلمان این کشور انتخاب شدند. لذا در حال حاضر عراق در مقایسه با سال‌های گذشته در بهترین شرایط برای شروع یک دوره بسیار مثبت قرار گرفته است. نگاهی به مجموعه موانع بر سر راه مردم عراق طی ماه‌های اخیر و همچنین مروری بر فهرست خطراتی که در این فاصله عراق را تهدید می‌کرد، این واقعیت را مشخص خواهد ساخت که مردم عراق به چه موقعیت‌های بزرگی نائل شده‌اند. با توجه به مشکلات و موانعی که بر سر راه برگزاری انتخابات پارلمانی این کشور شاهد بودیم، مجموعه کوشش‌هایی که ارتجاع منطقه و دولت‌های غربی برای از میان بردن نتایج انتخابات اخیر انجام دادند و همچنین کوشش‌های فراوانی که برای جلوگیری از انتخاب رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و تشکیل پارلمان به کار گرفتند، به عقیده بسیاری از کارشناسان عبور از این مرحله غیرممکن بود.

به هر جهت احزاب و گروه‌های سیاسی عراق با هوشمندی و درایت موفق شدند تا ترتیبات موثری در تشکیل فراکسیون‌های پارلمانی به کار گیرند و بر اساس آن زمینه را برای انتخاب مناسب‌ترین افراد در راس قوه مقننه و مجریه فراهم کنند. افرادی که با برخورداری از ویژگی‌های لازم نقش موثری رانته‌تها در عرصه پیشبرد اهداف داخلی، بلکه در عرصه تثبیت موقعیت منطقه‌ای عراق و ارتقای این موقعیت ایفا می‌کنند.

چنانچه گفته می‌شود برهم صالح رئیس‌جمهور، عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر و محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان با توجه به گرایش‌ها و همچنین سوابقی که دارند در عرصه سیاست خارجی عراق اقدامات بسیار موثری را صورت خواهند داد و آنچه را که طی یک ماه گذشته به تنزل موقعیت عراق در منطقه و سطوح بین‌المللی انجامیده بود، از میان خواهند برد. می‌دانیم که عراق با توجه به موقعیت جغرافیایی و همچنین قابلیت‌های اقتصادی و تجاری تاکنون در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته و جبران چنین امری منوط به به کارگیری راهبردهای هوشمندانه و حساب‌شده‌ای است که عراق را از ورطه کنونی رهایی بخشد. در این خصوص اغلب کارشناسان و تحلیلگران مسائل عراق بر این اعتقاد هستند که شخصیت‌های قرار گرفته در راس قوه مقننه و مجریه این کشور این توانایی را خواهند داشت تا ضمن جلوگیری از مداخلات کشورهای خارجی و همچنین ممانعت از برخی از دست‌اندازی‌های ارتجاع منطقه، روابط بسیار گسترده و فعالی را با همه همسایگان عراق برقرار کنند.

روشن است که در این عرصه روابط گسترده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با ایران جایگاه ویژه‌ای برای دولت و مردم عراق دارد و با توجه به همکاری‌های بسیار موثر دو کشور به ویژه در عرصه مقابله با گروهک تکفیری داعش، جمهوری اسلامی ایران نزد مردم عراق از موقعیت منحصر به فردی برخوردار شده است؛ لذا با توجه به اینکه دست‌اندرکاران عالی‌رتبه امروز عراق از منتخبین مستقیم و غیرمستقیم مردم این کشور به شمار می‌روند، طبیعتاً این خواست مردمی یعنی گسترش روابط با ایران را در دستور کار خود قرار خواهند داد. عراق در شرایط حاضر در آستانه مرحله بسیار مهم بازسازی، نوسازی و جبران خرابی‌های ناشی از چندین جنگ داخلی و خارجی است. لذا این شرایط ایجاب می‌کند تا در روابط خارجی‌اش با دیگر کشورها به ویژه ایران به مناسبات اقتصادی و تجاری گسترده‌تری بپنشیند. چنان که امروز نیز فعالیت‌های گسترده‌ای را برای گسترش روابط اقتصادی و تجاری

با ایران آغاز کرده است. برای دولت و ملت عراق این واقعیت به اثبات رسیده که روابط اقتصادی و سیاسی با ایران به‌ویژه با توجه به قابلیت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه گذشته از آن برخوردار شده، نه تنها بسیار سودبخش خواهد بود، بلکه فاقد زیان‌های سیاسی و فرهنگی‌ای است که به طور معمول در روابط با دیگر کشورها متوجه عراق خواهد شد. در حال حاضر اقلامی در حوزه‌های عمرانی، ساختمانی، مخابراتی و مصنوعات الکتریکی، مشتریان بسیاری دارد و بخش خصوصی عراق بنا به خواست مردم این کشور از خرید کالاهای ایران به شدت استقبال می‌کند؛ این همان چیزی است که موجبات ایجاد یک همکاری گسترده و سودآور برای دو کشور را فراهم می‌کند و زمینه‌های استحکام روابط ایران و عراق را در دیگر صحنه‌ها نیز به وجود می‌آورد.

در عین حال بسیاری معتقد هستند که روابط تهران و بغداد هم‌زمان با پیشرفت و تحکیم، ناگسستی خواهد بود، چرا که مولفه‌هایی مانند عمق همبستگی‌های فرهنگی و مذهبی و همچنین پیشینه تاریخی-امنیتی باعث تقویت روابط دو کشور می‌شود و این مولفه‌ها گسترده‌تر از آن هستند که افراد بتوانند بر آن تأثیر گذاشته و این رشته ارتباطی را پاره کنند. جمهوری اسلامی هم بارها آمادگی کامل خود را برای توسعه همکاری‌ها و روابط در بالاترین سطح با عراق اعلام کرده و از رویکرد توافقی پیش روی بغداد و این حالت انسجام دور از طایفه‌گری، تشنج و رقابت‌های منفی حمایت جدی می‌کند.

همچنین در حال حاضر عراق در شرایط بسیار حساسی قرار دارد، چرا که مردم عراق در انتظار اقدامات جدید و مثبتی از سوی سیاستمداران هستند تا مشکلات چندین و چند ساله کشورشان را مرتفع سازد. مردم عراق طی این سال‌ها شرایط سختی را پشت گذاشته‌اند، شرایطی که بعد از جنگ با آمریکایی‌ها تحمل کردند، جنگ شش ساله با داعش و همچنین شرایطی که در زمان صدام داشتند؛ لذا آنها خواستار این هستند تا افرادی که روی کار آمده‌اند نوسازی و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده و وحدت ایجاد کنند.

عراق کشوری است که دارای منابع و ذخایر زیادی است و نیروهای جوانی دارد که باید از همه این ظرفیت‌ها استفاده کرد.

از آنجایی که پارلمان عراق را مردم این کشور انتخاب می‌کنند لذا این پارلمان باید به خواسته‌های مردم توجه کرده و وظیفه خود را به نحو احسن انجام و مصلحت کشور عراق را مدنظر قرار دهد و دست از بازی‌های حزبی و رقابت‌های انتخاباتی بردارد، چرا که این موضوع روی کشورهای همسایه به خصوص ایران تأثیرگذار است. از دیگر سو در عراق رئیس‌جمهور بیشتر سمبل وحدت بین شیعه، سنی، کرد و عرب است و این نخست‌وزیر است که حرف اول را می‌زند و اقدامات اجرایی دارد.

در نهایت طی هفته‌های اخیر شاهد بودیم که آمریکایی‌ها با هم‌پیمانان منطقه‌ای خود به دنبال بهره‌برداری از انتخابات عراق به نفع خود بودند. آمریکا همواره از اختلافات قومی و مذهبی در عراق سود برده و هیچ‌گاه خواستار وحدت عراق نیست. در واقع آنها در تلاش بودند تا با لابی‌گری این انتخابات را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهند.

آمریکایی‌ها مخالف رئیس‌جمهوری در عراق هستند که وحدت ایجاد کند و به دنبال شکاف بین اقلیت‌های مذهبی هستند؛ همچنین عربستان سعودی نیز برنامه‌های خرابکارانه‌ای در عراق رد دنبال می‌کند که با پیگیری و نظارت دقیق آمریکا انجام می‌شود تا طرح ترامپ در عراق را پیاده کنند.

رای ضد آمریکایی

شکایت ایران به دادگاه لاهه چه تاثیری داشته است؟

رحیمه کامل

دانشجوی دکتری حقوق
بین الملل

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸ از ایالات متحده آمریکا به دیوان بین المللی دادگستری، به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد شکایت کرد. موضوع این شکایت، اعمال مجدد و تشدید تحریم‌های اقتصادی توسط ایالات متحده آمریکا بر اساس تصمیم ۸ می ۲۰۱۸ رئیس جمهور آمریکا مبنی بر خروج از برجام و اعمال مجدد تحریم‌هاست که به نوعی نقض مفاد معاهده دوستی، تجارت و حقوق کنسولی (موسوم به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و ایالات متحده آمریکا) به شمار می‌رود. عهدنامه مودت مشتمل بر یک مقدمه و ۲۳ ماده است و در تاریخ بیست و سوم مردادماه ۱۳۳۴ مطابق با پانزدهم اوت ۱۹۵۵ در تهران، بین ایران و ایالات متحده آمریکا به امضا رسیده است. بسیاری از تحریم‌های مذکور در راستای برنامه جامع اقدام مشترک رفع شده بودند که مجدداً اعمال شدند با این حال موضوع شکایت مذکور ارتباطی به نقض برجام نداشته و مسأله نقض برجام به جهت خروج ایالات متحده، از طریق رسیدگی در کمیسیون مشترک در حال پیگیری است.

لازم به ذکر است که این اولین مراجعه ایران به دیوان بین المللی دادگستری نیست و سابق بر این، در جریان پرونده هواپیمای ایرباس در سال ۱۳۶۸ و همچنین در پرونده بمباران سکوها نفتی ایران توسط آمریکا در سال ۱۳۷۱ و پس از آن راجع به توقیف دارایی‌های ایران در ایالات متحده در سال ۱۳۹۵، ایران علیه آمریکا در دیوان طرح دعوی کرده است. یک بار هم انگلستان در سال ۱۳۳۰ به واسطه ملی شدن صنعت نفت و یک بار ایالات متحده در قضیه سفارتش در تهران در سال ۱۳۵۸ علیه کشورمان در دیوان بین المللی دادگستری لاهه اقامه دعوی کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۷ دو سند تقدیم دیوان کرد؛ یکی «دادخواست» تنظیم شده علیه ایالات متحده آمریکا که حاوی تشریح مسئولیت بین المللی این دولت و نقض پیمان مودت است و دیگری «درخواست» از دیوان برای صدور دستور موقت مبنی بر اینکه آمریکا از اجرای تحریم‌ها تا زمان صدور رای نهایی خودداری کند.

ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به مبحث قرار موقت پرداخته و هدف از آن این است که در صورتی که دیوان تشخیص داد رفتارهای یکی از اصحاب دعوی موجب صدمات غیرقابل جبران می‌شود یا ممکن است علت دعوی را از میان بردارد، بتواند در این باب قرار موقت را صادر کند تا ثبات لازم در دادرسی فراهم شود همچنین در باب لازم الاجرا بودن قرارهای صادره از سوی دیوان، رای دیوان در قضیه لاگران، تأکید می‌کند که قرارهای صادره مبنی بر ماده ۴۱ اساسنامه الزام‌آور است و باید دولت‌ها از آن تبعیت کنند.

اولین گام دیوان بین المللی دادگستری در رسیدگی به پرونده‌های مطرحه احراز صلاحیت خویش است که در پرونده اخیر الذکر در جریان صدور دستور موقت، دیوان صلاحیتش را بر اساس بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت بین ایران و آمریکا قرار احراز نموده است که اعلام می‌دارد: «در اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو

رای همانند آرای قطعی برای هر دو طرف لازم الاجرا است. چنانچه دادگاه بین المللی دادگستری در قضیه «لاگران» در سال ۲۰۰۱ تأیید کرد که «قرار موقت» دادگاه از نظر حقوقی الزام‌آور است. در صورت عدم اجرای دستور دیوان مراتب به شورای امنیت ارجاع می‌شود. در چنان شرایطی شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند با صدور قطعنامه دیگری طرفین را ملزم به اجرای رای دیوان بکند.

طرفین دعوی مطابق بند ۱ ماده ۹۴ منشور سازمان ملل و ماده ۵۹ اساسنامه دیوان، متعهد به تبعیت از آرای دیوان هستند. چنانچه کشوری از اجرای تعهداتی که به موجب رأی صادرشده از دیوان استنکاف کند، طرف دیگر حق خواهد داشت به شورای امنیت شکایت کند و شورای امنیت در صورت ضرورت توصیه یا تصمیماتی اتخاذ می‌کند (بند ۲ ماده ۹۴ منشور). البته این مسأله که اگر یکی از اعضای دائم شورای امنیت در دیوان محکوم شود و به رای عمل نکند و موضوع به شورای امنیت کشیده شود و آن عضو دائم با استفاده از حق وتوی خود، رای دیوان را بلااثر کند یا خیر، مسأله‌ای است که چالش مهمی محسوب می‌شود. بند ۳ ماده ۲۷ منشور سازمان ملل مقرر می‌دارد که طرف یک مناقشه در شورای امنیت از رای دادن خودداری کند. البته با این وجود در خصوص عدم اجرای حکم نمونه ای در قضیه نیکاراگوئه وجود دارد که رای صادره از دیوان مبنی بر محکومیت ایالات متحده توسط آمریکا اجرا نشد و زمانی که در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۶ موضوع نزد شورای امنیت مطرح شد آمریکا مجدداً وتو کرد.

اما مسیر دیگری در جهت تضمین اجرای قرار، از طریق خود دیوان وجود دارد. بدین شکل که دیوان، قرار صادره را در حکم نهایی منعکس کند. این خود مانند یک ابزار مهم در ممانعت از نقض قرار صادره می‌تواند عمل کند کما اینکه دولت آمریکا که در قضیه لاگران، قرار صادره از دیوان را نقض کرده بود پس از اینکه دیوان الزام‌آوری قرار را در رای نهایی گنجانده و سپس موضوع قرار نیز به عنوان قسمتی از رای منتشر شد، در قضیه دیگری که تحت عنوان قضیه «اونا» مطرح شد از قرار صادره از دیوان تبعیت کرد. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، ساعاتی پس از صدور این رای در این زمینه اظهاراتی عنوان و ادعا کرد که قرار دیوان بین المللی دادگستری شکستی برای ایران بوده و اعلام کرد که عهدنامه مودت با ایران را فسخ خواهند کرد براساس ماده ۲۳ عهدنامه مودت بین ایران و آمریکا، این عهدنامه به مدت ۱۰ سال معتبر خواهد بود و پس از آن نیز تا موقعی که به ترتیب مقرر در این عهدنامه خاتمه پذیرد به قوت خود باقی خواهد بود.

بند سه این ماده عنوان می‌کند که هر یک از طرفین معظمین متعاهدین می‌تواند با دادن اخطار کتبی به مدت یک سال به طرف معظم متعاهد دیگر در انقضای مدت ۱۰ سال اول یا هر موقع پس از آن این عهدنامه را خاتمه دهد (فسخ کند). مبنای رسیدگی دیوان به پرونده شرایط زمان ثبت دادخواست است و خروج آمریکا از عهدنامه مودت نمی‌تواند مانع رسیدگی دیوان در این پرونده شود

با توجه به اینکه قرار موقت مذکور با حمایت از حقوق شهروندان و با درونمایه بشر دوستانه در صدد تأکید بر لزوم حمایت از حق حیات در پرتو نظامات حقوق بین المللی است، انتظار می‌رود که با اثربخشی و حصول نتیجه مطلوب در جهت توسعه حقوق بین الملل و تأکید بر ممنوعیت تحریم‌هایی که با امنیت و سلامت نوع بشر در ارتباط هستند گام بردارد.

با توجه به تمامی مسائلی بیان شده و روند تخدیش چهره بین المللی ایالات متحده با توجه به اقدامات اخیر مانند خروج آمریکا از برجام، پیمان پاریس و عهدنامه مودت و... ایالات متحده به مخالفت با نظم بین المللی برخاسته و این اقدامات به شکل گیری هججه روانی بین المللی علیه ایالات متحده خواهد انجامید.

رضایت بخش فیصله نیابد به دیوان دادگستری بین المللی ارجاع خواهد شد مگر اینکه طرفین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح‌جویانه دیگری حل شود.»

در جریان اعلام قرار صادره دیوان به نفع ایران رئیس جلسه درباره صلاحیت دیوان بیان داشت که بر اساس مفاد پیمان مودت ایران و آمریکا، در صورتی که بین طرفین اختلاف نظری وجود داشته باشد و این مناقشه از طریق دیپلماتیک حل نشود، طرفین می‌توانند به دیوان لاهه مراجعه کنند.

در برابر ادعای نماینده آمریکا مبنی بر عدم صلاحیت دیوان به جهت عدم اقدام در جهت حل و فصل مناقشه از طریق دیپلماتیک، قاضی دیوان با اشاره به دو نامه ارسالی ایران به آمریکا از طریق سفارت سوئیس در تهران، در خصوص موضوع مورد نظر اشاره کرده و بیان داشت که نامه‌جویی دریافت نکرده و بنابراین این موضوع از طریق دیپلماتیک حل نشده است.

نهایتاً جلسه دیوان بین المللی دادگستری لاهه چهارشنبه، ۱۱ مهر ۱۳۹۷ قرار موقت درباره شکایت ایران از آمریکا نزد این دادگاه را صادر نمود و اعلام داشت که دیوان در یافته که تحریم‌های آمریکا خسارت اقتصادی به ایران به خصوص در صنعت هوانوردی وارد کرده و به دلیل تحریم‌ها تهیه غذا و دارو دشوارتر شده و بانک‌ها مشغول خارج کردن دارایی خود از کسب و کارهای ایران هستند. قاضی در قرائت حکم خود بیان داشت که بر اساس اجماع آرای قضات، آمریکا بر اساس تعهداتش ذیل پیمان مودت، باید به نحوی مقتضی هر مانع بر آمده از دستور ۸ می ۲۰۱۸ بر صادرات آزاد دارو و تجهیزات پزشکی، محصولات کشاورزی و قطعات و تجهیزات یدکی هواپیماهای مسافرتی از جمله تعمیرات و گارانتی و بازرسی لازم برای ایمنی هوانوردی رافع کند.

همچنین در صدور مجوز مبادلات مالی و انتقال پول مرتبط با اقلام فوق الذکر نباید هیچ مانعی ایجاد شود و در فراز پایانی قرار صادره دیوان خاطر نشان می‌شود که طرفین باید از هر اقدامی که مناقشه را تشدید کرده و یا دامنه آن را گسترش داده و حل مناقشه را دشوارتر کند، خودداری کنند.

دیوان همچنین در قرار خود ایالات متحده آمریکا را ملزم کرده است تا تضمین کند مجوزهای لازم برای موارد مشخص شده در قرار را صادر کرده و پرداخت‌ها و معاملات مربوط به آنها را انجام دهد. دیوان بین المللی دادگستری همچنین در این قرار بر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که برجام را تأیید کرده، صحنه گذاشته است.

علی‌رغم موقتی بودن قرار صادره توسط دیوان، این

»

در برابر ادعای نماینده آمریکا مبنی بر عدم صلاحیت دیوان به جهت عدم اقدام در جهت حل و فصل مناقشه از طریق دیپلماتیک، قاضی دیوان با اشاره به دو نامه ارسالی ایران به آمریکا از طریق سفارت سوئیس در تهران، در خصوص موضوع مورد نظر اشاره کرده و بیان داشت که نامه‌جویی دریافت نکرده و بنابراین این موضوع از طریق دیپلماتیک حل نشده است

»

ابتکار؛ گزینه شهرداری

نمایندگان اصلاح طلب مجلس به دنبال ابقای افشانی هستند



قحط الرجال نداریم

دو تجربه قبلی انتخاب شهردار ناموفق بوده است

نقش جدید عبدالله نوری

آیا ممکن است در کنار خاتمی، نوری به محور جدید اصلاح طلبان تبدیل شود؟



ابتکار؛ گزینه شهرداری

نمایندگان اصلاح طلب مجلس به دنبال ابقای افشانی هستند

نامه یک هفته پیش عادل آذر، رئیس دیوان محاسبات کشور تکلیف افشانی را مشخص کرد و روشن شد که کرسی شهرداری تهران به او هم وفا نمی‌کند. مقاومت همکاران او در شهرداری و برخی از اعضای شورای شهر برای پذیرش این واقعیت ادامه دارد و همچنان امیدوارند که حساب افشانی را از دیگر بازنشسته‌ها جدا کنند. برای همین هم داریوش قنبری، معاون پارلمانی شهردار تهران بعد از نامه عادل آذر تاکید کرد که «انتخاب شهردار دارای مکانیزم متفاوتی است و اختیار آن صرفاً به شوراهای اسلامی شهرها و اگذار شده است». به گفته او، نه تنها شهردار تهران بلکه سایر شهرداران کشور نیز از شمول قانون منع به کارگیری بازنشستگان مستثنا هستند و در واقع این قانون شهرداران را در بر نمی‌گیرد. همین مقاومت هم اصلاح طلبان را به همفکری واداشته است. قرار بود مجمع نمایندگان تهران و اعضای شورای شهر در طبقه نخست ساختمان شورای شهر تهران گردهم آیند و در حین صرف شام، آخرین رایزنی‌ها را درباره قانون منع به کارگیری بازنشستگان و تأثیری که بر شهرداری دارد، انجام دهند. اعضای شورای شهر اما قبل از تشکیل این جلسه و مشخص شدن نتیجه آن دست به کار شده و فهرستی از گزینه‌ها را تهیه کردند. حالا اما گویا کار به آنجا رسیده که تغییر شهردار الزامی است.

روایت یک جلسه مهم

عصر یکشنبه جلسه مجمع امید پس از وقفه‌ای چندماهه به میزبانی شورای شهر تهران برگزار شد. مجمع



محسن هاشمی
تأمیل خود را برای
شهردار شدن
عیان کرده است

امید متشکل از ۲۱ عضو شورای شهر و ۳۰ نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به ریاست محمدرضا عارف است.

دستور کار جلسه مجمع امید به موضوعی ارتباط داشت که این روزها سرسودی زیادی به پا کرده و آن قانون منع به کارگیری بازنشستگان است. قانونی که به موجب آن افراد بازنشسته نمی‌توانند به فعالیت خود در پست‌های مختلف دولتی ادامه دهند. ضرب الاجلی نیز برای اجرای این قانون مشخص شده است. بنا بر گفته ساعی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ۲۴ آبان ماه آخرین روز حضور افراد بازنشسته در دستگاه‌های دولتی است. یکی از مسئولانی که زرمه خداحافظی‌اش این روزها بیش از سایرین شنیده می‌شود، محمدعلی افشانی شهردار تهران است که عمر ریاست او بر شهرداری تهران به ۶ ماه نرسیده و در صورت خداحافظی اجباری او از بهشت، شورای پنجم در کمتر از ۲ سال از آغاز فعالیت خود باید سومین شهردار تهران را انتخاب کند. مجید فراهانی در این باره در کانال تلگرامی خود نوشت: «اعضای شورای شهر تهران، نکاتی را از لحاظ قانونی در خصوص ماندن شهردار بیان کردند.» وی با بیان اینکه وضع شهر به یک ثبات رسیده، شهردار تیم خود را انتخاب کرده، پروژه‌هایی در شهر آغاز شده و وضع بودجه نقد و غیرنقد مشخص شده است و این تغییر وضع می‌تواند در عرصه کلان به نفع مردم تهران نباشد، گفت: «در نهایت قرار شد نمایندگان مجلس از اختیارات قانونی خود برای ثبات مدیریت شهری تهران استفاده و بررسی کنند که آیا می‌توان کمکی به ایجاد این ثبات کرد؟ هرچند اعلام شد که این مسیر سخت است و باید زودتر برای این وضع، چاره‌ای اندیشیده می‌شد.» در جلسه یکشنبه شب تعدادی از حاضرین اعم از نمایندگان مجلس و اعضای شورای شهر که دغدغه جریان اصلاحات و مدیریت شهری تهران را داشتند پیشنهادی مطرح کردند که شاید به‌وسیله این پیشنهاد بتوان تهران را از سریال تکراری جابه‌جایی مدیران شهری که هر ۶ ماه یک‌بار اتفاق افتاده، نجات داد. الیاس حضرتی و محمدعلی وکیلی از مجلس و محمدجواد حق شناس، ابراهیم امینی و حجت نظری از شورای شهر تهران در جلسه مجمع امید پیشنهاد طرح دو فوریتی اصلاح قانون منع به کارگیری بازنشستگان در مجلس را مطرح کردند که به واسطه آن شهرداران کلانشهرها از جمله تهران از این قانون مستثنا شوند تا خللی در کار شهرداران و ثبات مدیریت شهری ایجاد نشود. در این راستا علیجانی خبر از تشکیل کمیته‌ای برای بررسی پیشنهاد طرح دو فوریت اصلاح قانون منع به کارگیری بازنشستگان داد. وی در این باره گفت: «در نشست مجمع امید ابعاد حقوقی اجرای قانون منع به کارگیری بازنشستگان درباره شهردار تهران مورد بررسی قرار گرفت. استدلال بیشتر اعضای شورای شهر آن بود که قانونا شهردار شامل این قانون نمی‌شود.» وی افزود: «در این بین در کلیت جلسه بعضی از افراد معتقد به شمولیت شهردار ذیل قانون منع به کارگیری بازنشستگان بودند و برخی نظر مخالف داشتند. قرار شد کمیته پنج نفره‌ای متشکل از تفتی، حضرتی و وکیلی و دو نفر از اعضای شورای شهر برای بررسی بیشتر ابعاد حقوقی این موضوع تشکیل شود.» نماینده تهران در

مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: «همچنین مقرر شد استعلامی از اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی گرفته شود، چون نظراتی درباره قوانین مقدم و موخر مطرح می‌شد و اینکه قانون انتخاب شهردار قانون خاص بوده و قانون مجلس شورای اسلامی قانون عام است. موضوع استفساریه هم مطرح شد، اما پایه قوی نداشت. علیجانی یکی دیگر از موارد مطرح شده در این جلسه را ارائه طرح دو فوریتی برای اصلاح قانون منع به کارگیری بازنشستگان عنوان و اظهار کرد: «در این جلسه در مورد این بحث شد که ظرفیت ارائه چنین طرحی وجود دارد، ولی قبل از پرداختن تمامی این پیشنهادات قرار است کمیته‌ای روی ابعاد حقوقی این قانون بررسی‌های بیشتری انجام دهد.» دبیر مجمع نمایندگان تهران در پایان گفت که در این جلسه لایحه مالیات بر ارزش افزوده که مراحل نهایی بررسی آن در کمیسیون اقتصادی طی می‌شود نیز مورد بررسی قرار گرفت و اعضای شورای شهر دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. پیش از این پیشنهاد حسن رسولی، خزانه‌دار شورای شهر تهران که مسئول پیگیری بازنشستگی محمد افشانی شده بود، اعلام کرد این قانون شامل حال افشانی نمی‌شود و شهردار تهران محدودیتی برای ادامه فعالیت خود در ساختمان بهشت ندارد اما اظهارات برخی از اعضای دولت و همچنین تعدادی از نمایندگان مجلس شبیه‌ها را درباره ادامه کار عضو شورای مرکزی اعتماد ملی افزایش داد. نمایندگان شورای شهر تهران اعلام کرده بودند افشانی برای ادامه فعالیت در شهرداری معنی ندارد اما جهت اطمینان در این زمینه از مجلس درخواست استفساریه خواهیم کرد. درخواستی که با واکنش کمیسیون اجتماعی به عنوان متولی استفساریه درباره شهرداری همراه بود. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری حاضر شد و در این باره گفت: «استفساریه زمانی صادر می‌شود که قانون مشخص نباشد اما در قانون منع به کارگیری بازنشستگان قانون واضح بوده و نیازی به صدور استفساریه نیست. در این راستا نمایندگان مجمع امید پیشنهاد طرح دو فوریتی اصلاح قانون منع به کارگیری بازنشستگان را مطرح کردند که واکنش ریاست مجمع امید و نمایندگان مجلس این مجمع را به همراه داشت.» محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی و رئیس مجمع امید درباره این پیشنهاد گفت: «فرض ما ماندگاری آقای افشانی است، اما نماینده شهرداری در مجلس در این باره ضعیف عمل کرد و می‌توانست در زمان بررسی این طرح، اعلام کند که شهردار تهران قانون دارد و هم‌تراز با وزیر است.»

حالا اما هرچه هست به نظر می‌رسد که ماندن افشانی در شهرداری چندان امکان‌پذیر نباشد. چنین است که نام افراد مختلفی برای رفتن به بهشت به میان آمده است.

چه کسانی گزینه هستند؟

از قضا رئیس شورا یعنی محسن هاشمی در صدر فهرست گزینه‌های شهرداری قرار دارد. او بارها برای تصدی این پست اعلام آمادگی کرده اما اصلاح طلبان و دیگر اعضای شورا، مخالفت کردند. بعد از رفتن محمدعلی تفتی گمانه شهردار شدن او تقریباً جدی بود اما محقق نشد. خود هاشمی اخیراً در گفت‌وگویی با باشگاه خبرنگاران گفته است که اصلاح طلبان به دلایل سیاسی این امر را نپذیرفتند. اصلی‌ترین دلیل فعالان سیاسی اصلاح طلب برای رفتن زیر بار این موضوع آن است که پای هیچ اصولگرایی به شورای شهر باز نشود. با این وجود از توثیق‌ها و اظهارات هاشمی این طور استنباط می‌شود که شخصاً «بهشت» را ترجیح می‌دهد. حال باید منتظر ماند و

دید که اتحاد ملت و کارگزاران این بار در مورد شهردار شدن او توافق می‌کنند یا خیر.

وزیر رفتنی

غیر از محسن هاشمی اما ۵ نام دیگر در فهرست گزینه‌های احتمالی شهرداری تهران مشاهده می‌شود. عباس آخوندی، وزیر مسکن، راه و شهرسازی یکی از همین گزینه‌های احتمالی است. او روزهای سختی را در این وزارتخانه می‌گذراند و به نظر می‌رسد که رفتنی باشد. استیضاح او در کمیسیون عمران در حال بررسی است و گفته می‌شود که در صورت ارسال به صحن علنی موجب عزل آخوندی می‌شود. فقط این نیست و شایعاتی نیز در مورد استعفای شنبه می‌شود. خود او این شایعات را رد نکرده و سروته سؤالات خبرنگاران در این باره را با خنده هم آورده است. همین برخورد او هم باعث شده که برخی از رسانه‌ها گمانه‌ها احتمال شهردار شدن او را جدی بدانند.

شهرداری یا وزارت راه

احمد امیرآبادی فراهانی، عضو هیات رئیسه مجلس گفته است که با رفتن آخوندی، احتمالاً پیروز حناچی، معاون فعلی شهردار تهران جای او را خواهد گرفت. این در حالی است که برخی منابع خبری نام حناچی را در فهرست جایگزین‌های احتمالی افشانی قرار می‌دهند. او بعد از رفتن نجفی هم برای تصدی این پست با افشانی رقابت کرده و شکست خورده بود. حناچی یک گزینه جوان به حساب می‌آید اما لابی قوی و موثری ندارد که اگر داشت همان دفعه قبل از پس اعتماد ملی و افشانی بر می‌آمد. دستاورد حناچی در رقابت چند ماه قبل تنها یک معاونت از شهرداری بود و بر همین اساس بهتر است که به جانشینی آخوندی در وزارت راه دل ببندد.

شهرداری یا سخنگویی

علی ربیعی که تا چند روز قبل به عنوان گزینه احتمالی سخنگویی دولت مطرح می‌شد اکنون به فهرست شهرداران بالقوه تهران اضافه شده است. اکبر رنجبرزاده، عضو هیات رئیسه مجلس گفته بود ربیعی از جمله مهره‌های کابینه روحانی است که از جایی به جایی دیگر منتقل می‌شود اما حذف شدنش دور از ذهن است. بر همین اساس هم هرچا صندلی خالی باشد، نام ربیعی در فهرست متقاضیان و گزینه‌های تصدی آن قرار می‌گیرد. برگزاری جلسه اخیر شهردار تهران با ربیعی در خصوص آسیب‌های اجتماعی شهر تهران که پانزدهم مهرماه برگزار شد، ربطی به این گمانه‌زنی نداشت اما در قوی‌تر شدن آن بی‌اثر نبود. ربیعی پیش از این و دوران شهرداری نجفی هم علاقه ویژه‌ای به مسائل تهران نشان داده بود و این علاقه می‌تواند او را به اسباب کشی به بهشت هم مایل کند.

کیش یا تهران

محمد ابراهیم انصاری لاری برای دومین بار در فهرست گزینه‌های احتمالی شهرداری تهران قرار گرفته است. او بعد از رفتن نجفی نیز همین موقعیت را تجربه کرد و در نهایت از رقابت با دیگر گزینه‌های موجود منصرف شد. او مدیرعاملی منطقه آزاد کیش را به شهرداری پایتخت ترجیح داد. انصاری لاری از بستگان موسوی لاری، وزیر کشور دولت اصلاحات است و پیش از این استانداری بوشهر و فارس را آموخته است. حال باید منتظر ماند و دید که بعد از بازنشستگی افشانی، اصلاح‌طلبان در مورد انصاری لاری به اتفاق نظر می‌رسند یا گزینه دیگری را انتخاب می‌کنند. همچنین باید دید که او هنوز هم کیش را به تهران ترجیح می‌دهد یا از انتخاب قبلی خود پشیمان شده است. در این میان برخی نیز نام معصومه ابتکار را به میان آورده‌اند.



پشت پرده مخالفت با شهردار شدن هاشمی

گفت‌وگویی مثلث با پرویز سروری



اصلاح‌طلبان ادعاهای زیادی برای مدیریت شهری داشتند اما یک سال و نیم گذشت و آنها اندر خم یک کوچه هستند. هنوز نتوانستند به کزبنه‌ای برسند که حداقل یک سال در ساختمان خیابان بهشت ماندگار شود. پرویز سروری اشکال عمده را در تدوین لیست انتخاباتی اصلاح‌طلبان می‌داند و معتقد است: «بین کزبنه‌های مطرح محسن هاشمی و وضعیت بهتری دارد اما اصلاح‌طلبان مخالفت می‌کنند چون نمی‌خواهند مهدی چمران وارد شورای شهر شود.»

شد. نظر شما چیست؟

این استدلال خیلی بی‌پایه است چون قرار نیست محسن هاشمی بیرون شورا برود. او محصول شورا در شهرداری می‌شود. کشورهای پیشرفته خیلی‌ها همین شیوه را دارند یعنی از درون مجلس کزبنه‌ای را برای نخست‌وزیری یا عضویت در کابینه دولت انتخاب می‌کنند، بنابراین این یک امر غیرطبیعی نیست به علاوه اینکه شاید بتوان گفت زمینه‌های هم‌افزایی بین شورای شهر و شهردار افزایش پیدا می‌کند چون شهردار از جنس شورا است. او روزی در شورا حضور داشت و با مواضع اعضای شورا آشناست. این مدل موفق خواهد بود اما مشکل اصلاح‌طلبان این نیست. مشکل آنها این است که یک چهره قدرتمندی به نام مهدی چمران پشت در شورای شهر است و به محض آنکه آقای هاشمی شهردار شود آقای چمران روی صندلی شورای شهر خواهد نشست. اصلاح‌طلبان نگران هستند که آقای چمران با طرح دیدگاه‌های کارشناسی و اشرافی که نسبت به معادلات مدیریت شهری دارد برجسته‌بودن توانمندی‌هایش به چالشی برای آنها بدل شود. آقای چمران فردی کارشناس و غیرسیاسی است، بنابراین حرف‌های کارشناسی‌اش در رسانه‌ها و بین مردم مطرح خواهد شد و مشکل ایجاد می‌شود. کلاً اصلاح‌طلبان تمامیت‌خواه هستند و نمی‌توانند اساساً حرف‌های کارشناسی را تحمل کنند.

دیدگاهی است که اعتقاد دارد اگر محسن هاشمی شهردار شود اصلاً شورای شهر را تحویل نگیرد، آیا این اتفاق می‌افتد؟

این نگرش‌های کاملاً بی‌پایه‌ای است. اولاً

را ایجاد می‌کند و وضعیتی که در شهر دیده می‌شود فکر می‌کنم بین گزینه‌های اصلاح‌طلب آقای هاشمی گزینه خوبی است.

با این وضعیتی که اصلاح‌طلبان پیش می‌روند، اگر محسن هاشمی را انتخاب نکنند، چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟ برخی می‌گویند اگر اصلاح‌طلبان با همین دست فرمان در مدیریت شهری جلو بروند قریب به یقین جای خودشان را در انتخابات آینده به اصولگرایان می‌دهند. آیا این طور است؟

همین الان اگر نظرسنجی شود، این اتفاق مشهود است. با وجود موتور قدرتمند تخریب مدیریت آقای قالیباف، اصلاح‌طلبان دست‌آورد دیگری نداشتند. به عبارت دیگر جز تخریب مدیریت گذشته هیچ مطلبی در کارنامه شورای پنجم مشاهده نمی‌شود. آنها هر جا کم می‌آورند با دادن آمار و اطلاعات غلط و خودساخته و بعضاً از روی بی‌اطلاعی، مطالبی را به مدیریت گذشته نسبت می‌دهند و به شکلی خودشان را قانع می‌کنند. از این نظر من فکر می‌کنم، وضعیت جریان اصلاح‌طلب در شورای شهر هر روز بغرنج‌تر و شکننده‌تر می‌شود. اینکه آنها بتوانند آقای هاشمی را انتخاب کنند باز هم فکر نمی‌کنم بتوانند انجام لازم را در حمایت از شهردار داشته باشند. شهردار باید حتماً تحت نظارت دقیق شورا باشد تا جلوی انحراف عملکرد شهردار گرفته شود اما نکته مهم آن است که اگر شهردار مورد حمایت قرار نگیرد و دچار تزلزل شود، نمی‌تواند تصمیم کلان بگیرد. چون خودش را دائم در حال بی‌ثباتی می‌بیند. این روحیه حمایتی در اصلاح‌طلبان نیست بنابراین دائماً مدیریت شهری را دچار تزلزل و بی‌ثباتی می‌کنند. اینکه در دوره آقای نجفی و آقای افشانی، کاری انجام نشد، این بود که آنها احساس امنیت نکردند بنابراین اقداماتشان تأثیرگذار و موثر نبود. این حس بی‌ثباتی باعث می‌شود شهردار دست به عصا حرکت کند و نتواند نیازهای شهر را به درستی پاسخ دهد. البته فکر می‌کنم حتی انتخاب آقای هاشمی مشکلات اصلاح‌طلبان را حل کند اما بین گزینه‌های مطرح می‌تواند گزینه بهتری باشد. در مجموع برای ایجاد تحول جدی در مدیریت شهر تهران فرصت زیادی از دست رفته است. سال آخر انتخابات است و تصمیمات عموماً مقطعی و تبلیغاتی می‌شود. یعنی شورای شهر عملاً یک سال وقت دارد که بتواند خودش را نشان دهد. به همین دلیل شرایط بسیار دشوار است و من نمی‌بینم گزینه بعدی بتواند بیاید و کاملاً شهر را متحول کند. سطح توقع مردم از مدیریت شهری به شدت بالاست، خدماتی را در گذشته دیدند و امروز توقع دارند این خدمات دنبال شود. اما ما در اردوگاه اصلاحات جز گفتار درمانی چیز دیگری را ملاحظه نمی‌کنیم.

گروهی که مخالف خروج محسن هاشمی از شورای شهر هستند، می‌گویند «این اتفاق تجربه شورای شهر اول را تکرار می‌کند، چون آن زمان یک سری از بزرگان استعفا دادند و رفتند، همین موجب بروز اختلافات شدید بین اعضا

شورای شهر پنجم تهران در دو مقطع وارد انتخاب شهردار شد و در هر دو مقطع نیز نام محسن هاشمی مطرح بود اما اصلاح‌طلبان در مقابل این مساله خیلی مقاومت کردند و سراغ کزبنه‌هایی رفتند که حضورشان در ساختمان خیابان بهشت به یک سال هم نرسید. در مجموع دست‌آورد شورای شهر پنجم به انتخاب دو شهردار خلاصه می‌شود. به نظر شما انتخاب محسن هاشمی به عنوان شهردار تهران به نفع اصلاح‌طلبان است یا به ضرر آنها تمام می‌شود؟

این مساله دقیقاً در بستن لیست اصلاح‌طلبان ریشه دارد. لیست اصلاح‌طلبان کاملاً شرکت‌سپاسی بود، هر گروهی یک سهمی داشت. گروه‌های اصلاح‌طلب نسبت به جریان کارگزاران با اینکه جزء گروه‌های ائتلافی جریان اصلاحات است، به شدت حساسیت دارند، یعنی آنها را از نظر گفتمانی در جرگه اصلاح‌طلبان نمی‌دانند، به همین دلیل احساس می‌کنند فقط در مقابل اصولگرایان نقطه اشتراک دارند. در واقع مواضع سیاسی و نوع نگاه و رویکردهای کارگزاران را کاملاً متفاوت از جریان اصلاحات می‌دانند، از این نظر تمایل ندارند یک کزبنه تمام‌عیار کارگزارانی و غیراصلاح‌طلب فرمان مدیریت شهری تهران را به دست بگیرد. بنابراین اصلاح‌طلبان تا کنون مقاومت کردند و این مقاومت نیز ادامه خواهد داشت. در میان کزبنه‌های اصلاح‌طلب، کسی که با فضای مدیریت شهری آشناتر و مقداری از حواشی تند دور است، همین آقای محسن هاشمی است. به اعتقاد من اصلاح‌طلبان برای برون‌رفت از ناکارآمدی و کارنامه بسیار ناموفق‌شان سرانجام مجبورند به طرف آقای هاشمی سوق پیدا کنند. نیروهای اصلاح‌طلب بیشتر نگاه حزبی و جناحی دارند، حال آنکه شورای شهر مواضع اصلاح‌طلب را نمی‌طلبد و برنی‌تابد بنابراین شهر دچار چالش می‌شود. همان‌طور که می‌بینیم در این مدت شورای شهر پنجم این اتفاق افتاد و هر روز وضعیت شهر را بدتر از دیروز می‌بینیم. در هر صورت این وضعیت ریشه در بستن لیست دارد. به همین دلیل هر گروهی تلاش می‌کند شهردار از خودش باشد. فقط هم این موضوع با آقای هاشمی نیست. حتی گروه‌های داخلی اصلاح‌طلب نیز به یک شکلی نسبت به موضوع حساسیت دارند و تلاش عمده‌شان این است که عنصری از گروه خودشان فرمان اجرایی شهر تهران را به دست گیرد.

برخی صاحب‌نظران سیاسی می‌گویند تنها راه نجات اصلاح‌طلبان برای اینکه یک کارنامه قوی در زمان باقی‌مانده از خود نشان دهند، انتخاب آقای هاشمی به عنوان شهردار تهران است، نظر شما چیست؟

من فکر نمی‌کنم آقای هاشمی گزینه مطلوبی برای شهردار شدن باشد اما بین گزینه‌های اصلاح‌طلب بهترین است. ما در شورای شهر چهارم بین انتخاب آقای قالیباف و آقای هاشمی محکم ایستادیم تا آقای قالیباف شهردار شود. معتقد بودیم این دو اصلاً با هم قابل قیاس نیستند. اما وقتی نگاه می‌کنیم آقای نجفی آن وضعیت

قحط الرجال نداریم

دو تجربه قبلی انتخاب شهردار ناموفق بوده است

غلامرضا انصاری

عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت



درباره اینکه اصلاح طلبان باید چه نقشه راهی را دنبال کنند تا با چالش اردیبهشت امسال برای انتخاب شهردار جدید مواجه نشوند، معتقدم جنس کار شهرداری و مدیریت شهری با مدیریت های دولتی و بخش خصوصی کاملا متفاوت است. یک مدیر شهرداری باید مدیریت چندجانبه و چندوجهی را به اجرا درآورد.

کار مدیریت شهر تهران در حد دولت است چون اختیارات و منابع قابل توجهی دارد بنابراین شهردار تهران باید ویژگی هایی در سطح رئیس جمهور داشته باشد. شورای شهر تهران در دو انتخابات گذشته خود کمتر به این نکات توجه کرد که کسی را انتخاب کند تا تولید درآمد انجام دهد و منابع درآمدی خودش را از بستر درآمدهای پایدار مدیریت شهری به دست آورد و در تعامل با دستگاه های ملی و منطقه ای، کارهای شهر تهران را به جلو ببرد.

در سنوات گذشته بخش قابل توجهی از درآمدهای نقدی شهرداری از محل فروش تراکم و کارهای بسیار مخرب برای شهر اتفاق می افتاد اما امروز به دلیل رکود و بحران در بخش اقتصاد، این منابع در اختیار مدیریت شهری نیست که البته خودش یک نکته مثبت محسوب می شود.

در صورتی که شهردار تهران بتواند منابع گسترده غیرنقدی در مجموعه شهر را به محل کسب درآمد در دسترس تبدیل کند، برای تهران و شهرداری امکانی به وجود می آید که از منابع و عوارض پایدار و غیرقابل مخرب برنامه های مدیریت شهری را پیش ببرد.

شرایط بحرانی که پیش آمده شاید یک نکته مثبت برای یک مدیر تحول خواه باشد که بهره وری را در مجموعه شهرداری بالا ببرد و با کوچک سازی و چابک سازی مدیریت شهری بخش قابل توجهی از هزینه ها را کاهش دهد. شرایط موجود موقعیتی را به وجود می آورد که می تواند واگذاری امور و تصدی گری ها به بخش غیردولتی، بخش خصوصی و بخش مردمی و NGOها گسترش پیدا کند. امروز هزینه کرد شهرداری در حوزه های فرهنگی و

آقای هاشمی از شورا به شهرداری خواهد رفت. اعضای شورا مستقیم در کار اجرایی نیستند بنابراین ممکن است اشراف کافی را بد حوزه وظایف و اختیارات شهردار نداشته باشند و در عوض شهردار هم چون در شورا نبوده، اشراف به وظایف شورا نداشته باشد بنابراین اگر نهایتا ملاک بر انتخاب یک گزینه از میان آقای هاشمی و فردی از خارج شورا قرار گیرد انتخاب آقای هاشمی بهتر است چون او با وظایف، انتظارات و توقعات شورای شهر آشنایی دارد و زمینه همکاری و هم افزایی بین شورای شهر و شهرداری به شدت افزایش پیدا می کند. اما مشکل اصلاح طلبان این مسائل نیست. مشکل آنها حضور آقای چمران در شورای شهر است. به همین دلیل نگران هستند با رفتن آقای هاشمی برایشان دردسر ایجاد کند. آقای چمران کارآمدی ها و توانمندی هایی دارد که وقتی وارد شورای شهر شود، می توان پیش بینی کرد که بی فروغی اعضای اصلاح طلب شورای شهر چند برابر نزد افکار عمومی روشن و مشهود شود.

قانون منع به کارگیری بازنشستگان شفاف است، همه مسئولان اعم از رئیس مجلس و دولت و شورای نگهبان اظهار نظر صریح کردند. چرا اصلاح طلبان اصرار دارند آقای افشانی بماند؟

به همان دلیل که خیلی اصرار داشتند آقای نجفی در شهرداری بماند. کلا اصلاح طلبان تخصص در جزدن دارند. قانون روشن و شفاف است اما اصلاح طلبان می خواهند فشار بیورند تا مجلس در قالب طرح دوفوریتی شهردار تهران را از مصادیق این قانون مستثنا کند. آیا واقعا اصلاح طلبان قحطی آدم های کارآمد دارند که مجلس برای حل مشکل آنها مجبور باشد اعتبار خودش را هزینه کند؟ این اتفاق واقعا در شأن شورای شهر تهران نیست. قانون تکلیف شهردار تهران را روشن کرده است، بنابراین شورای شهر به جای آنکه وقت بگذارد تا با لابی گری قانون را دور بزند، وقت بگذارد یک گزینه قوی را به عنوان شهردار بعدی برگزیند. هستند از جناح اصلاحات، کسانی که می توانند با قرار گرفتن در جایگاه شهردار تهران موثر واقع شوند ولی چون نگاه کارشناسی شان غالب بر نگاه سیاسی شان است، اعضای شورای شهر پنجم چنین کسانی را برای شهردار شدن نمی پسندند به همین دلیل سراغ آنها نمی روند. وقتی آقای نجفی رفت اعضای شورای شهر به دنبال هزینه تراشی برای شهر رفتند و امور شهر را معطل گذاشتند یا آقای افشانی را انتخاب کردند. الان هم به نظر می رسد همین راه را بروند.

اجتماعی با رویکردی که در ۱۵ سال گذشته انجام شده، بزرگترین ظلم به مجموعه شهروندان است. با توجه به تعدد دستگاه های فرهنگی و اجتماعی در بودجه های دولتی و عمومی روند نگاه مدیریت شهری و روند هزینه کرد منابع فرهنگی و اجتماعی باید در حوزه فرهنگ سازی و بستر سازی برای زندگی و زیست بهتر، همراهی و همگامی مردم با مجموعه مدیریت شهری دنبال شود، بنابراین می توان با یک سری آموزش ها کار را به خود مردم واگذار کرد و ظرفیت بالقوه مردمی وقتی بالفعل شد، بسیاری از هزینه های مدیریت شهری کاهش پیدا می کند.

شورای شهر پنجم تهران دو تجربه ناموفق برای انتخاب شهردار داشت. در مرحله دوم انتخاب شهردار و زمانی که موضوع انتخاب آقای افشانی مطرح بود، قانون منع به کارگیری بازنشستگان در دستور کار مجلس قرار داشت و نمایندگان هشدارهای لازم را همان زمان به شورای شهر دادند و گفتند باید مدیریت انتخاب شود که مشمول این قانون نباشد اما توجهی به این قضیه نشد.

معتقدم کسی که قرار است شهردار شود، باید خارج از مجموعه شورای شهر باشد و در انتخاب سوم نیز همه جوانب کارشناسی مورد توجه قرار گیرد چون اگر انتخاب شهردار دقیق و حساب شده نباشد، تبعات بسیار نامیمون و بدی را برای مردم و شهر تهران خواهد داشت. محسن هاشمی نقش قابل قبولی در جایگاه مدیریت شورا ایفا نموده است و تثبیت ایشان در جایگاه ریاست شورا قوام، دوام و قدرت تعامل شورا را بالا نگاه خواهد داشت. در کشور قحط الرجال نیست و افراد واجد شرایط و توانمند بسیاری وجود دارد. شورا و گزینشگران باید فضای دیدشان را وسیع تر نموده و با انتخاب مدیری شجاع، کارآمد و برنامه محور نقش تاریخی و رسالت مردم سالارانه خودشان را با اعتماد میلیونی شهروندان تهرانی در انتخابات گذشته ادای دین نمایند.

قطعا کارنامه موفق شورا می تواند تأثیر مثبتی بر مشارکت و حضور مردم در انتخابات آینده داشته باشد و خدای نکرده تطل یا تصمیم گیری غیرمنطقی و غیرموفق کاملا تأثیر منفی و زیانباری را در حوزه مشارکت اجتماعی مردم در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت.



نقش جدید عبدالله نوری

آیا ممکن است در کنار خاتمی، نوری به محور جدید اصلاح طلبان تبدیل شود؟

است که در قالب احزاب سیاسی، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات، شورای عالی سیاستگذاری و شخصیت‌های اصلاح طلب ملی و استانی قابل مشاهده است. درباره بدنه اجتماعی عبدالله نوری البته من سنجای ندارم. لابد اگر بدنه اجتماعی نداشته باشد که مورد توفیق جریان اصلاحات قرار نمی‌گیرد. کاریزمای خاتمی قابل تفویض نیست. علی صوفی نیز در پاسخ به این سوال که آیا عبدالله نوری می‌تواند با وجود محدودیت خاتمی برای فعالیت سیاسی و حصر کروی به رهبر جدید اصلاح طلبان بدل شود؟ گفته است: «شخصیت‌های اصلاح طلب به نوبه خود حوزه‌های نفوذی دارند و تأثیرگذار هستند. آقای عبدالله نوری نیز از شخصیت‌های برجسته اصلاح طلب است و کسی در آن تردید ندارد.» دبیرکل حزب پیشرو اصلاحات یادآور شد: «اینکه بگوییم به همان اندازه که به حرف آقای خاتمی توجه می‌شود به حرف فرد دیگر در جریان اصلاحات نیز توجه می‌شود، خیر، این طور نیست. ایفای نقش آقای عبدالله نوری در سطح نخبگان مطرح است نه در سطح جامعه.»

ناصر ایمانی نیز درباره قرار گرفتن عبدالله نوری در جایگاه رهبری جریان اصلاحات می‌گوید: «جریان اصلاحات زمانی جریان اصولگرا را به خاطر استفاده از روش‌های شیخوخت و ریش سفیدی و فرسدالاری محکوم می‌کرد و فخر می‌فریخت که اصلاح طلبان بر اساس خردجمعی و تصمیمات شورایی عمل می‌کنند اما الان جریان اصلاحات بیشتر به استفاده از روش شیخوخت در تصمیم‌گیری‌ها متوسل می‌شود. عبدالله نوری نمی‌تواند در جایگاه رهبری جریان اصلاحات قرار بگیرد چون در جلسات خصوصی که شخصیت‌های برجسته جریان اصلاحات با هم برگزار می‌کنند، اختلافات جدی میان آقای عبدالله نوری و دیگر شخصیت‌ها وجود دارد. پس این طور نیست که آقای نوری بتواند حرف اول و آخر را در جریان اصلاحات و به طور روشن بین کارگزاران و حزب اتحاد ملت بزند. حتی این ویژگی درباره آقای خاتمی هم محل بحث است چون مواردی بوده که او دیدگاهی داشته اما اصلاح طلبان آن دیدگاه را دنبال نکردند. آقای عبدالله نوری گرایش به کارگزاران دارد، بنابراین این مساله جایگاه میانجیگری او را بین کارگزاران و دیگر جریان‌ها اصلاح طلب دچار مشکل می‌کند، در واقع بعید است مشکلات و اختلافات بین جریان‌ها اصلاح طلب بتواند به دست عبدالله نوری حل شود.»



برخی می‌گویند او حتی باید جایگزین عارف شود

این جریان با محدودیت‌های امنیتی مواجه نیست و این یک ظرفیت قابل توجه برای آنهاست. او جلسات هفتگی منظمی دارد و اصلاح طلبان نیز از این ملاقات‌ها و نشست‌ها استقبال می‌کنند. وزیر کشور خاتمی حتی با برخی اصولگرایان قدیمی تر تعامل خوبی دارد و بر مبنای همان می‌تواند روی جلب نظر طیف میانه‌رو رقیب حساب کند. برخی اصلاح طلبان می‌گویند درست است که عبدالله نوری شخصیتی کاریزماتیک ندارد و در مقایسه با سیدمحمد خاتمی از نظر مقبولیت و محبوبیت فرسنگ‌ها فاصله دارد اما با تکیه بر امتیازات مذکور بهترین گزینه حال حاضر اصلاح طلبان به حساب می‌آید. فعالان سیاسی در اردوگاه اصلاح طلبی خوب می‌دانند که خیلی زود باید لیدر مورد نظر خود را برگزینند. اصلاح طلبان فکر می‌کنند ورود به کارزار بدون داشتن یک لیدر قدرتمند ریسک بسیاری دارد.

آیا چپ‌ها، نوری را قبول دارند؟

حسن رسولی، عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان عبدالله نوری را از شخصیت‌های موثر در جریان اصلاحات دانسته و می‌گوید: «او در کنار شخصیت‌هایی مثل آقای خاتمی، آقای عارف و سایر شخصیت‌های مورد توفیق اصلاحات از اعتبار و منزلت قابل توجهی برخوردار است. آقای عبدالله نوری از شخصیت‌های جریان اصلاحات بوده است. اگر جلسه‌ای بوده - که من مطلع نیستم - طبیعتاً مثل سایر اقدامات انسجام‌بخش بقیه شخصیت‌های اصلاح طلب برای افزایش همگرایی بین بخش‌های گوناگون این جریان است. اصلاح طلبان در عین حال که در مسائل مهم کشور مثل انتخابات به صورت جبهه‌ای و ائتلافی عمل می‌کنند، امکان دارد مثل اصولگرایان در پاره‌ای موارد به اختلاف نظرات درون جبهه‌ای بخورند. طبیعی است در این موارد چون اصل بر حفظ انسجام و اجماع است، شخصیت‌ها می‌توانند با استفاده از اعتبار و سرمایه اجتماعی خود پادرمیانی و میانجیگری کنند. من چون عضو شورای عالی بنیاد باران هستم نزدیک ۱۳ سال گذشته حتی یک مورد از جلسات ماهانه بنیاد باران تعطیل نشده و در همه این جلسات آقای خاتمی بودند و تا جایی که اطلاع دارم آقای خاتمی محدودیتی برای برگزاری جلسات با دوستانش ندارند. وجود افرادی مثل آقای عبدالله نوری و دیگران نافی نقش محوری و تعیین کننده آقای خاتمی نیست، بلکه نشانه متنوع بودن ظرفیت‌های جریان اصلاحات



کرباسچی قبلاً پیشنهاد جایگزینی عبدالله نوری را داده بود

اصلاح طلبان روزهای سختی را می‌گذرانند. پیش‌رویشان انتخابات مجلس است و یک بدنه اجتماعی گسسته. جریان اصلاحات نیز از آنچه جامعه‌شناسان و تحلیلگران «فروپاشی اجتماعی» می‌خوانند بی‌گزند نمانده و قادر به پاسخگویی به مطالبات و توقعات بدنه خود نیست. برخی از سیاسیون معتقدند که محدودیت‌های موجود برای بزرگان و چهره‌های شاخص این جریان، وضعیت و بحران فعلی را تشدید می‌کند. از همین رو است که گمان می‌کنند اگر بیرق اصلاح‌گری به جای سیدمحمد خاتمی در اختیار دیگری قرار داشته باشد، روزنه‌ای یافت می‌شود. بپاره هم نمی‌گویند، خاتمی صدایش به واسطه محدودیت‌ها، به جایی نمی‌رسد. بدتر آنکه، آخرین بار داشته‌هایش را هزینه «تکرار» کرد اما به نتیجه مورد انتظار نرسید. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که ادامه وضع موجود و افزایش نارضایتی‌ها و بی‌اعتمادی‌های اجتماعی کار را به جایی رسانده که دیگر «تکرار» کردن او برای اصلاح طلبان فایده ندارد. با همین منطبق بر ضرورت اصلاح تأکید می‌کنند. به باور آنها اصلاح اما اصلاح‌گری می‌خواهد که دستش بازتر از خاتمی باشد. اصلاح طلبان خوب می‌دانند که هر کسی نمی‌تواند جای خاتمی را بگیرد. برای خود شخصیت کاریزماتیک دیگری سراغ ندارند اما چاره‌ای نیست و ناگزیرند این نقش محوری را به فردی بسپارند. فردی با مقبولیت حداکثری در این جریان. فردی که صدایش پژواک داشته و به گوش رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی برسد. فردی که مورد پذیرش قرار بگیرد. شاید فردی مثل عبدالله نوری. حالا به فاصله یک دهه عبدالله نوری نخستین و محتمل‌ترین گزینه اصلاح طلبان برای لیبر شدن است. حال و هوایش نیز با دهه ۸۰ یکی نیست و آنها فکر می‌کنند می‌توانند به پذیرش او از سوی جریان رقیب نیز امید داشته باشند. عبدالله نوری اوایل انقلاب نماینده امام خمینی (ره) در جهاد سازندگی و سپاه بود. با حکم امام هم نظارت بر انتخابات شورای عالی قضایی را به عهده گرفت. از سال ۶۸ تا ۸۰ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. سابقه نمایندگی مجلس را هم دارد. در دور اول ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی و در دور اول ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی، وزیر کشور بود. نوری در شورای شهر اول بیشترین رای تهران را داشت و رئیس این شورا شد. نوری در سال ۷۸ استعفا داد تا در انتخابات مجلس ششم شرکت کند اما بعد از توقیف روزنامه خرداد که او مدیر مسئولش بود به زندان محکوم شد و اجازه این کار را پیدا نکرد. سه سالی را هم در زندان به سر برد اما عبدالله نوری این روزها همان عبدالله نوری که در دهه ۸۰ زندان رفت، نیست. عبدالله نوری به فاصله یک دهه تغییراتی کرده و آنها فکر می‌کنند او دیگر آن قدرها تند نیست. او را یک اصلاح طلب عملگرا می‌دانند اما اظهارات و مواضع اخیرش نشان می‌دهد که بر میزان واقع‌بینی‌اش افزوده است. مصداقش همین که بهمن ماه سال قبل در دیداری با برخی از دانش‌جویان گفته بود: «برای مردمی که نان شب ندارند، دغدغه‌هایی حتی مانند رفع حصر کمتر مطرح است، هیچ کس انتظار ندارد کسی که چند جوان بیکار در خانه دارد، اولویت اولش رفع حصر باشد.» نوری در دهه ۹۰ مشارکت در قدرت را به تحریم انتخابات ترجیح می‌دهد. اصلاح طلبان امیدوارند که عبدالله نوری از سوی احزاب و چهره‌های سیاسی اصلاح طلب مورد پذیرش قرار بگیرد. امیدی که دور از واقعیت نیز نیست. او همان کسی است که وقتی در ماجرای انتخاب شهردار تهران میان دو حزب کارگزاران و اتحاد ملت اختلاف نظر پیدا شد، میانه‌داری کرد و جلسه گذاشت. او همان کسی است که به قول غلامحسین کرباسچی شاید بتواند جای عارف را در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح طلبان بگیرد. عبدالله نوری مثل برخی از دیگران از تحلیل‌گران و سیاست‌ورزان

بازگشت شیخ

عبدالله نوری تغییر کرده است؟

عبدالله نوری حسین آبادی (زاده ۱۳۲۸ در اصفهان) روحانی سیاستمداری است که در دسته بندی های سیاسی در زمره نیروهای چپ ایران قرار دارد. او در ادوار دوم و پنجم مجلس شورای اسلامی نمایندگی اصفهان و تهران را بر عهده داشت. نوری در دور اول ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، وزارت کشور را بر عهده داشت. سپس در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی از تهران به نمایندگی انتخاب شد. در دور اول ریاست جمهوری محمد خاتمی، او بار دیگر وزیر کشور شد تا اینکه مجلس پنجم در ۳۰ خرداد ۱۳۷۷ او را استیضاح و برکنار کرد. نوری در انتخابات اولین دوره شورای اسلامی شهر تهران بیشترین رای را کسب کرد و رئیس این شورا شد. او برای شرکت در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ استعفا داد. مدتی بعد روزنامه خرداد که او مدیرمسئولیش را داشت توقیف و او به زندان محکوم شد و دادگاه به او اجازه ثبت نام در انتخابات را نداد. نوری تا سال ۱۳۸۱ در زندان به سر برد. او از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

عبدالله نوری فعالیت سیاسی خود را با مدیریت در رادیو و تلویزیون دولتی - صداوسیما - و معاونت وزارت امور خارجه در ابتدای انقلاب آغاز کرد. از مسئولیت های دیگر او نمایندگی امام (ره) در هیات نظارت شورای عالی قضایی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران جنگ و پس از فضل الله محلاتی بود. وی پس از آن به عنوان وزیر کشور در دولت اول هاشمی رفسنجانی منصوب گردید. ادغام شهرداری، ژاندارمری و کمیته های انقلاب اسلامی و ایجاد نیروی انتظامی از اقدامات دوران وزارت وی بود. عبدالله نوری در مجالس دوم و پنجم به ترتیب نماینده اصفهان و تهران بود. در انتخابات مجلس پنجم در سال



با تعبیر فروپاشی

اجتماعی مخالفم

گفت و گو با سالار کسرابی

جناب کسرابی! نظر شما در رابطه با وضعیت اجتماعی حال حاضر چیست؟ آیا ما با فروپاشی اجتماعی روبه رو هستیم یا نام شرایط حاضر را نمی توان فروپاشی گذاشت؟

در واقع با یک بستر نظری داده ها یا واقعات عینی که در جامعه ایران است، ما می توانیم این مساله را تحلیل کنیم. البته می توانیم مستقیم برویم سراغ همان وقایع و عینیات. چه آنهایی که آقای عبدی ادعا می کند، چه آدم هایی که آقای کچوئیان ادعا می کنند اما من از هر دو سطح استفاده می کنم. در حوزه جامعه شناسی، نظریه های مختلفی در مورد نابسامانی های اجتماعی وجود دارد. حالا این نابسامانی های اجتماعی از بدکار کردن نهادها و سیاست ها و بخش های اجرایی و اجتماعی است تا برسد به جاهایی که دیگر این نهادها با هم کتاکت پیدا می کنند. این بحث را از یک منازعه اجتماعی کوچک می توانیم اسمش را بگذاریم تا سطح انقلاب و دگرگونی سیاسی. در سطح نظری در بین جامعه شناسان ادبیات بسیار زیادی در این زمینه تولید شده؛ یکی از آدم هایی که می شود خیلی مستقیم رفت سراغش جاسون است. کتاب ایشان به نام «تحول انقلابی» است که بلافاصله بعد از انقلاب در سال ۶۳-۶۴ این کتاب ترجمه شده به فارسی، ولی در بین بسیاری از کتاب های زیادی که در این زمینه تولید شده، این کتاب تقریباً گم شده، ولی بحث بسیار جالبی دارد از بدکارکردی یا کج کارکردی نهادی که آقای عبدی هم آنجا به آن اشاره کرده است. این بدکارکردی را به صورت سیستمی دیده که اگر یک نهادی بد کار کند، به صورت سیستمی به نهاد های دیگر همین طوری کشیده می شود و نهایتاً ممکن است یک جایی کل سیستم از کار بیفتد که آنجا حتی ایشان بحث می کند که چطور این بدکارکردی نهایتاً می تواند تبدیل به این شود که کل مشروعیت آن نظام سیاسی زیر سوال برود و یک جایی حتی از این بحث می کند که چطور گاهی وقتی سیستم دیگر نهادهاش کار نمی کند، فقط پلیس است که آنجا می تواند نقش اصلی را بازی کند و تا زمانی که ابزار پلیس جواب دهد، ممکن است آن سیستم سیاسی دچار آن بحران و فروپاشی که آقای عبدی و دیگران به آن اشاره می کنند، نشود. بنابراین در سطح نظری ادبیات زیادی وجود دارد که این را می تواند توضیح دهد، جاهای مختلف ایران را هم می توانیم با این مطابقت دهیم. بنابراین من واژه فروپاشی را مثل آقای عبدی به کار نمی برم، به هر حال جامعه ایران دچار نوعی بدکارکردی نهادی، به نوعی بدکارکردی سیستمی است و این را چطور می توانیم نشان دهیم؟ از روی داده ها و واقعات عینی که در جامعه ایران وجود دارد؛ نابسامانی های اجتماعی که تحت عنوان آسیب های اجتماعی، فاصله طبقاتی و شکاف های مختلفی که در جامعه ایران طی این حداقل دو دهه اخیر یا ایجاد شده اند یا شکاف هایی بوده اند که فعال شده اند و گسترش پیدا کرده اند این بدکارکردی سیستمی یا نهادی، خودش را به اشکال مختلف نشان داده و محصول آن معضلاتی است که امروز جامعه ایران با آن مواجه است. نمی توانیم به طور کامل انکار کنیم که جامعه ایران آن طور که آقای کچوئیان اعلام می کنند یا افرادی که شبیه ایشان فکر می کنند، با معضلات اساسی و پایهای و چالش برانگیزی مواجه نیست اما به این شکل هم که بگوییم

۷۴ شرکت کرده و از تهران به مجلس راه یافت. نام او در لیست مورد حمایت حزب کارگزاران سازندگی قرار داشت. نوری در مجلس پنجم به عنوان رئیس فراکسیون اقلیت انتخاب شد. علی اکبر ناطق نوری در رای گیری ریاست مجلس پنجم با اختلاف ۱۱ رای بیشتر از عبدالله نوری توانست به ریاست مجلس برسد. او همچنین دو دوره (دوره دوم مجمع ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ و دوره سوم مجمع ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد. پس از پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری در ۲ خرداد سال ۷۶ نوری دوباره پست وزارت کشور را عهده دار شد. او از مهره های اصلی دولت اصلاح طلب خاتمی به شمار می رفت.

او در ۳۰ خرداد ۱۳۷۷ با رای ۱۳۷ نفر از ۲۷۰ نماینده حاضر در جلسه استیضاح توسط مجلس پنجم برکنار شد. خاتمی پس از آن او را به معاونت توسعه سیاسی رئیس جمهور منصوب کرد. نوری پس از برگزاری انتخابات شورای شهر تهران نامزد شد و به عنوان منتخب اول به شورا راه یافت.

انتشار روزنامه اصلاح طلب «خرداد» از اقدامات دیگر او بود. این روزنامه پس از مدتی توقیف شد. نهایتاً نوری به دادگاه ویژه روحانیت فرارخوانده شد و پس از چندین جلسه محاکمه و دفاع و بنا بر اتهام هایی مانند توهین به مقدسات، نشر اکاذیب، اقدام علیه امنیت ملی و نظایر اینها، در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه و به ۵ سال زندان محکوم شد.

در جریان برگزاری دادگاه علی رغم آنکه وی در بازداشت بوده و هنوز محکوم نشده بود، دادگاه مانع از ثبت نام وی در انتخابات مجلس ششم شد. اما برادر وی علیرضا نوری که پزشک جراح بود در انتخابات ثبت نام کرده و با یک میلیون و ۳۴۳ هزار رای به عنوان نفر سوم در حوزه تهران به مجلس راه یافت. او پس از تحمل ۳ سال زندان پس از فوت برادرش علیرضا آزاد شد.

او پس از آزادی از زندان تقریباً فعالیت و موضع گیری سیاسی را کنار گذاشته و جز در مراسم و محافل کوچکی که در منزل وی یا حضور سران اصلاح طلب برگزار می گردید، شرکت نداشت.

در سال ۱۳۸۷ نام وی دوباره توسط اصلاح طلبان پیشرو (ادوار تحکیم، تحکیم و حدت، دانشجویان و جمعی از روزنامه نگاران) برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری دهم در کنار محمد خاتمی مطرح شد.

پس از شایعات و ابهامات بسیار در مورد کاندیداتوری وی، عبدالله نوری دو پیش شرط برای کاندیداتوری خود اعلام کرد. اول اینکه اصلاح طلبان روی کاندیداتوری واحدی و اجماع کنند و دوم اینکه در صورت رد صلاحیت وی کاندیدای دیگری را به جای او اعلام نکنند. اما چندی بعد با اعلام رسمی کاندیداتوری و فعال سازی ستاد انتخاباتی مهدی کروبی و محمدرضا عارف کار، ورود نوری به انتخابات سخت تر شد، اما عبدالله نوری نیز هم زمان به فعالیت های خود گسترش بیشتری بخشید و در جلسه ای با روزنامه نگاران سکوت پنج ساله خود را شکست و پس از انصراف خاتمی از انتخابات ریاست جمهوری دهم چنین به نظر می رسید اصلاح طلبان پیشرو انتخابی جز نوری نخواهند داشت. اما در نهایت با ورود موسوی به صحنه انتخابات حضور نوری در انتخابات منتفی شد.



در حال حاضر منازعه‌ای بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان شکل گرفته است که برخی اصلاح‌طلبان می‌گویند در یک وضعیت فروپاشی اجتماعی قرار داریم ولی اصولگرایان برعکس می‌گویند ما با وضعیت مشکل روبه‌رو هستیم نه بحران. نمود این منازعه را در مناظره بین عباس عبدی و کوچوبیان دیدیم. در حال حاضر سوال این است که وضعیت به چه شکلی است؟ در این باره با سلاز کسرائی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده‌ایم.

اما این روند طی یک بازه نزدیک به کمتر از ۲۰ ساله اصلاح می‌شود. یا نمونه‌های دیگری که در دنیای ما وجود دارد. مثلاً زد. منظور این است که باید اراده‌ای پشت سیستم باشد برای اصلاح، وگرنه شما هر فرد دیگری بیاورید، امکان اینکه بتواند در این سیستمی که نمی‌خواهد اصلاح شود کاری کند، وجود ندارد.

این اراده باید از کجا نشأت بگیرد؟

کلیت سیستم، یعنی یک سیستم سیاسی وجود دارد. رهبران عالی این سیستم در کلیت سیستم باید اراده‌ای برای اصلاحات وجود داشته باشد. منظور از سیستم ایران هم نیست، در هر سیستمی که ممکن است دچار چنین مسائلی شود، همواره باید اراده‌ای شکل بگیرد در عالی‌ترین سطح آن سیستم که در واقع این سیستم نیاز به اصلاحاتی دارد و آن اصلاحات باید در مسیری قرار بگیرد که بتواند آن بدکارکردی‌های درون این سیستم را اصلاح کند. اگر چنین شود، اصلاحات فرد خودش را پیدا می‌کند و پیش می‌برد؛ اگر نه، من بعد می‌دانم با تغییر آدم‌ها بشود سیستمی را اصلاح کرد.

به نوعی سردمدار اصلاحات است ولی می‌گویند ما واقع بینانه نگاه می‌کنیم و می‌دانیم که آقای خاتمی محدودیت دارد و الان نمی‌توانیم روی آن حرف بزنیم. مثلاً از افرادی مانند آقای عبدالله نوری صحبت می‌کنند. به نظر تان با صحبت روی افراد و به این شکل، می‌شود برای این شرایط اصلاح‌گراانه باشد؟

وقتی سیستم‌ها دچار مشکلات این چنینی، یعنی مشکلات سیستمی می‌شوند، به اعتقاد من و بر اساس دانش جامعه‌شناسی در مورد منازعات اجتماعی، فرد کاری نمی‌تواند از پیش ببرد. سیستم باید اصلاح شود، وگرنه شما هر کس دیگری را هم بگذارید، ممکن است در این گردونه نا کارآمدی سیستمی، خودش لای این چرخ‌ها گیر کند. بنابراین اینکه شما می‌گویید آقای روحانی بیاید، آن آقایانید، این یکی بیاید، آن یکی نیاید؛ همه می‌آیند در این سیستمی که معضلاتی دارد و نمی‌تواند به درستی این چرخ‌دنده‌هایش بچرخد، لای این چرخ‌دنده‌ها گیر می‌کند. من بعد می‌دانم که نه تنها آقای عبدالله نوری، حتی اگر خود آقای خاتمی یا هر کس دیگری بیاید، اگر اصلاحات سیستمی مدنظر نباشد، این مسیر راه به جایی نخواهد برد.

آقای دکتر! ما گاهی می‌گوییم اول باید سیستم درست شود، بعد از داخل این سیستم یک سری آدم‌های اصلاح‌گرا بیرون بیایند تا بتوانند آن قطار را پیش ببرند. گاهی هم می‌گوییم اول باید یک آدمی ظهور کند، و یک سیستمی درست کند. به نظر شما باید آدم‌ها بیایند و کلاً این سیستم را شکل دهند و آن را ببرند جلو؟

هیچ کدام از اینها تقدم و تأخر ندارند، بلکه اینها با هم هستند. شما اول باید ببینید سیستم اراده‌ای برای اصلاح، یعنی در واقع یک خواست اجتماعی برای اصلاح سیستم وجود دارد اما در درون آن سیستم هم آیا نخبگان (بحثی که جانسون می‌کند یا حاکم، اراده‌ای برای اصلاح سیستم دارند یا نه؟ اگر چنین بشود، این است که آن اصلاحات آدم خودش را هم پیدا می‌کند یا آدم‌هایی پیدا می‌شوند که مسیر آن اصلاحات را انجام می‌دهند، مثل آن کاری که می‌جی در ژاپن و یا آن کاری که مارتین محمد در مالزی انجام داد. آن وقت یک جای سیستم گیر کرده؛ شما مالزی قبل از دهه ۸۰ را در نظر بگیرید که با چه فقر و مشکلات و نابسامانی و فاصله طبقاتی مواجه است. ۸۰ درصد سرمایه کشور تحت تسلط نزدیک به ۲۰ درصدی کمتر ساکنان مالزی و آن هم غیرمالزی تبارهاست،

واقعا جامعه ایران امروز در حال فروپاشی است، من یک مقدار با تأمل بیشتری به این قضیه نگاه می‌کنم، چون برای فروپاشی، عناصر و ادله بسیار گسترده‌تری لازم است که فکر می‌کنم جامعه ایران به مقدار قابل توجهی با این فاصله دارد، به هر حال جامعه ایران دچار مشکلات و معضلاتی است که عدم توجه به آنها ممکن است باعث شود یک مقدار با آینده خطرناک‌تری مواجه شویم.

آقای دکتر! در این شرایط معمولاً ما چه نسخه‌ای برای این موضوع داریم؟ اصلاح‌طلبان الان می‌گویند ما نیاز به یک اصلاح‌گر داریم که ظهور کند و این شرایط را سروسبامان دهد. در حالی که خودشان هم سالها در قدرت بودند و شعار اصلاحات سر دادند. به نظر شما نسخه اول و آخرمان همان اصلاح‌گر است یا روش‌های دیگری هم می‌توانیم داشته باشیم؟

راه‌حلی که جانسون ارائه می‌کند، اصلاحات است، یعنی شما سر یک دوراهی قرار می‌گیرید؛ اصلاح یا سرکوب؟ یعنی آیا شما آن مطالبات اجتماعی را سرکوب می‌کنید یا نه؟ بر اساس آن بخشی از آن مطالبات اجتماعی یا همه آن مطالبات اجتماعی دست به اصلاحاتی در کشور می‌زنید. می‌توانید راه مطالبات اجتماعی را باز کنید و بروید اصلاح کنید. مهم این است که شما سیستم را تعمیر می‌کنید و آن قطعات یا بخش‌هایی که بد کار می‌کنند یا شکسته‌اند یا خراب شده‌اند را از دل این سیستم شما درمی‌آورید. البته خیلی مکانیکی نمی‌شود به این قضیه نگاه کرد، به هر حال آن بخش‌هایی را که خوب کار نمی‌کنند شما اصلاح می‌کنید. اگر چنین کاری کردید، بنابراین سیستم برمی‌گردد دوباره کارکردش را از نو می‌گیرد. اگر نه، شما این مطالبات اجتماعی را نادیده بگیرید و فقط سرپوش بگذارید روی آنها و سرکوب کنید، به اصطلاح جانسونی به سمت فروپاشی می‌روید. با این کلیتی که من توضیح دادم، وقتی سیستم‌هایی به این شکل دچار نا کارآمدی می‌شوند و کارکرد بد دارند و دچار کج کارکردی می‌شوند، قطعاً اصلاح سیستم ضرورت پیدا می‌کند اما اینکه اصلاح‌طلبان چه می‌گویند و چه نسخه‌ای ارائه می‌کنند، آن یک بحث دیگری است.

انان به نظر تان با این شرایط ما درست است که بیایم و روی آدم‌ها بحث کنیم؟ مثلاً اصلاح‌طلبان می‌گویند نه تنها ما روش را داریم، بلکه می‌گوییم یک سری افراد را هم داریم که پیشنهاد می‌دهیم بیایند و در این شرایط کار کنند. مثلاً آقای خاتمی





تردیدهای بانک مرکزی اروپا

رایزنی هادر قاره سبز داغ تر شده است

ایران و اروپا انجام شده و بسته‌هایی نیز در نظر گرفته شده که قبل از ۱۳ آبان که شروع تحریم‌های آمریکا ضد کشورمان است، اعلام خواهد شد.»

اعلام پابندی کمیسیون ثبات مالی اروپا به برجام

رئیس کمیسیون ثبات مالی اتحادیه اروپا با انتقاد ضمنی از خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای ایران تاکید کرد اتحادیه اروپا همچنان به برجام پایبند است. والدیس دو مبروفسکیس، رئیس کمیسیون ثبات مالی اتحادیه اروپا در پاسخ به سوالی مبنی بر رویکرد اتحادیه اروپا درباره تحریم مالی ایران گفت: «بنده اخیرا با وزیر خزانه‌داری آمریکا دیدار کردم. ما در این دیدار درباره طیف وسیعی از مسائل به تبادل نظر پرداختیم. ما بر تعاملات دوجانبه و همکاری‌ها درباره تنظیم مقررات مالی از قبیل حمایت جاری اوکراین و مسائل دیگر تمرکز داشتیم.»

اختلاف آمریکا و اروپا بر سر تحریم سوئیت ایران

موضوع دیگری که در اظهارات رئیس کمیسیون ثبات مالی اروپا مورد توجه قرار گرفته است، «سوئیت»

خود برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران را تائیمه آبان ارائه نمایند. در این خصوص رئیس کمیته هسته‌ای مجلس اظهار نموده است که بسته اتحادیه اروپا برای ادامه برجام پیش از ۱۳ آبان اعلام می‌شود.

مجتبی ذوالنوری، رئیس کمیته هسته‌ای مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بازبندی این کمیته از تاسیسات هسته‌ای کشورمان مستمرا انجام می‌شود، گفت: «تازمانی که جمهوری اسلامی از برجام خارج نشده ارزیابی از سایت‌های هسته‌ای را در دستور کار خود داریم.»

نماینده مردم قم در مجلس تصریح کرد: «کمیته هسته‌ای مجلس گزارش‌های شش ماهه بعدی خود را درباره روند اجرای برجام تهیه خواهد کرد.»

رئیس کمیته هسته‌ای مجلس با اشاره به مذاکرات ایران و اروپا برای ادامه اجرای برجام، اضافه کرد: «در این باره یک جلسه نیز با برخی از سفرای کشورهای اروپایی در کمیسیون امنیت ملی داشته‌ایم.»

ذوالنوری با بیان اینکه اروپایی‌ها تقریباً به جمع‌بندی درباره اینکه در ۱۳ آبان چه اقداماتی انجام دهند، رسیده‌اند، افزود: «تصمیم‌گیری‌هایی در این زمینه بین

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



مذاکرات کشورهای اروپایی بر سر نحوه حفظ توافق هسته‌ای با ایران وارد فاز تازه‌ای شده است. هر اندازه به اواسط آبان ماه، یعنی زمان آغاز دور دوم تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران نزدیک‌تر می‌شویم، این رایزنی‌ها شدت و سرعت بیشتری پیدا می‌کند. اصلاح مهم این رایزنی، شورای وزرای امور خارجه اروپا، بانک مرکزی اروپا و تا حدودی پارلمان اروپا هستند. با این حال یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سران اروپایی، جایگزینی ساختاری مشابه سوئیت جهت انتقال پول به ایران (به واحد یورو) است. مروری بر اخبار مربوط به «برجام اروپایی» به خودی خود نشان‌دهنده فشردگی رایزنی‌های موجود در اروپا (فارغ از کارآمد بودن این رایزنی‌ها) است.

زمان ارائه بسته اتحادیه اروپا برای ادامه برجام

چنانچه اشاره شد، سران اروپایی درصددند بسته

رایزنی مسئولان ارشد مالی اروپا در مورد برجام در اندونزی

وی بدون توضیحات بیشتر گفت که تلاش‌ها برای تشکیل این مکانیزم ادامه دارد.

از سوی دیگر، یک منبع در «بانک مرکزی اروپا» گفت که هنوز هیچ رایزنی رسمی با این بانک در خصوص این طرح انجام نشده است. او گفت: «معمولاً با ما درباره فعالیت‌های حقوقی که مربوط به بخش مالی است مشورت می‌شود. البته در خصوص سایر فعالیت‌های قانونگذاری و درباره طرح‌هایی که خارج از فرآیندهای رسمی تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا هستند چنین مشورت‌هایی انجام نمی‌شوند.»

براسل تایمز نوشته از آنجا که «ساز و کار ویژه» قرار نیست بانک باشد، نیازمند مجوز بانکی از بانک مرکزی اروپا نیست.

قرار است این ساز و کار مانند یک مرکز تهاثر باشد که در آن نفت ایران با کالاهای اروپایی معاوضه می‌شوند بدون آنکه پولی رد و بدل شود. برخی از تحلیلگران شک دارند چنین ساز و کاری کارآمد باشد زیرا آمریکا می‌تواند شرکت‌های اروپایی را به دلیل تجارت با ایران تحریم کند.

براسل تایمز نوشته صرف نظر از اینکه «ساز و کار ویژه» چه ساختاری داشته باشد شرکت‌ها راهی برای نقل و انتقال پول از آن بدون همکاری بانک‌ها نخواهند داشت. بانک‌ها هم به دلیل خطر تحریم‌های آمریکا ترجیح می‌دهند از تسهیل مبادلات مالی ایران خودداری کنند.

هشدار تخت‌روانچی به مقامات اروپایی

معاون سیاسی دفتر رئیس جمهوری و یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران با اشاره به خروج غیرقانونی ایالات متحده آمریکا از برجام هشدار داد که فرصت اروپا برای ایفای مسئولیت‌های خود در قبال این توافق بین‌المللی دائمی نیست.

مجید تخت‌روانچی در سخنانی در نشست «همکاری‌های اروپا، ایران و آینده برجام» در بروکسل با اشاره به تلاش ایران برای استقرار ثبات در خاورمیانه و حفظ حاکمیت قانون در روابط بین دولت‌ها، بر ضرورت تعهد عملی کشورهای اروپایی نسبت به وظایف خود در چارچوب برجام تأکید کرد.

وی با مرور عملکرد جمهوری اسلامی ایران در ۱۵ سال گذشته در زمینه هسته‌ای، رویکرد مسئولانه کشورمان و اعتقاد جمهوری اسلامی ایران به گفت‌وگو و تعامل را مورد اشاره قرارداد و یادآور شد که استمرار هر توافق بین‌المللی مستلزم ایفای تعهدات از سوی همه طرف‌ها خواهد بود.

تخت‌روانچی با انتقاد از اقدام غیرقانونی و غیرمسئولانه دولت آمریکا در خروج از برجام و نقض حقوق بین‌الملل نسبت به عواقب سکوت کشورها در برابر رفتار خطرناک آمریکا هشدار داد.

آیا «برجام اروپایی» شکل می‌گیرد؟

بدون شک شکل‌گیری برجام اروپایی معلول چنین پیش‌شرط‌های مهمی از جمله تعریف و تنظیم مکانیزم ویژه شبه‌سوئیفت از سوی اروپاست. با این حال چنانچه مقامات اروپایی اذعان کرده‌اند، همچنان در این خصوص «اقدام» قابل توجهی صورت نگرفته است.

اگرچه مقامات اروپایی نسبت به کلیت برجام و لزوم بقای ایران در توافق هسته‌ای ابراز تمایل می‌کنند اما به نظر می‌رسد گام‌های لازم در خصوص حفظ برجام همچنان از سوی اروپای واحد و مخصوصاً تروئیسکا اروپایی برداشته نشده است. همین موضوع، وضعیت برجام را تا حدود زیادی در ابهام نگاه داشته است.

بیشتر مقامات اتحادیه اروپا اعلام کردند که قصد دارند رایزنی‌هایی را با طرف آمریکایی درباره عواقب حذف ایران از سیستم سوئیفت انجام دهند. بلومبرگ در گزارشی در این زمینه بدون ذکر نام این کشورها نوشت: «با این وجود تعدادی از وزیران مالی اتحادیه اروپا از جمله وزیر امور مالی فرانسه در اجلاس سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در بالی اندونزی شرکت نکردند.»

به گزارش بلومبرگ وزیران و مسئولان مالی از کشورهای فرانسه، اسپانیا، هلند، بلژیک، ایرلند و پرتغال در کشورهای خود در مورد این تحریم‌ها نشست‌هایی برای بررسی قوانین خود در این زمینه داشته‌اند.

در گزارش بلومبرگ آمده است، اتحادیه اروپا، چین و روسیه پس از کنار کشیدن آمریکا از توافقنامه بین‌المللی برجام و اعمال تحریم‌ها علیه ایران اعلام کردند که قصد دارند روابط تجاری خود با ایران را ادامه دهند.

بر این اساس تلاش‌ها به رهبری فرانسه و آلمان برای تدوین روابط تجاری با ایران یکی از نکات محوری پیشنهاد اروپا برای حفظ توافقنامه برجام بوده است. آمریکا نیز تهدید کرده که شرکت‌های طرف تجاری ایران را تحریم می‌کند.

بلومبرگ در گزارش خود تأکید کرد: «اتحادیه اروپا با توجه به اینکه تحریم‌های نفتی ایالات متحده در مورد ایران در اوایل ماه آینده به اجرا درمی‌آید، در تلاش است تا راهکاری ویژه برای حفظ منافع اقتصادی وعده داده شده به ایران پیدا کند اما جزئیات این موضوع هنوز مبهم است.»

طبق این گزارش، مقامات وزارت خزانه‌داری فرانسه، درصدد شفافیت بیشتر در مورد تأثیر تحریم‌ها بر سیستم سوئیفت اروپا و بانک‌های تجاری در ایران هستند.

براساس این گزارش فرانسه، آلمان و انگلیس در حال کار با مقامات اتحادیه اروپا در زمینه یافتن ابزارهای مالی و تجاری برای ارسال این پیام هستند که می‌خواهند کانال‌های تجاری خود را حتی پس از تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا با ایران باز نگه دارند.

ابهاماتی که به قوت خود باقی است

علی‌رغم رایزنی‌ها و تعهداتی که در خصوص برجام و از سوی مقامات مالی و سیاسی اروپا صورت گرفته است، همچنان در این خصوص ابهامات زیادی وجود دارد. ابهاماتی که مهم‌ترین آنها در یک نکته خلاصه می‌شود:

«مکانیزم عملیاتی اروپا برای انتقال پول به ایران»

فراتر از آن، بانک مرکزی اروپا، همچنان مدعی است که آمادگی لازم برای این اقدام ندارد. بانک مرکزی اروپا می‌گوید با این بانک هیچ رایزنی رسمی درباره ایجاد مکانیزمی ویژه جهت پرداخت پول به ایران انجام نشده است.

کشورهای اروپایی در هفته‌های گذشته گفته‌اند قصد دارند در راستای تلاش برای حفظ توافق هسته‌ای برجام «ساز و کار ویژه» را برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و تسهیل پرداخت پول به ایران، راه‌اندازی کنند. روزنامه «براسل تایمز» در گزارش خود نوشته، درباره اینکه آیا چنین اقدامی از لحاظ حقوقی و عملی ممکن است ابهام وجود دارد.

یک سخنگوی اتحادیه اروپا در یک نشست خبری که در بروکسل برگزار شد در پاسخ به این سوال که آیا اتحادیه اروپا مشروعیت حقوقی مکانیزم پرداختی مورد نظر را تأیید می‌کند گفت: «فدریکا موگربینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه نظرش را به صراحت در این باره ابراز کرده است.»

می‌باشد. در این خصوص میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا اختلاف نظری بنیادین وجود دارد. والدیس دومبروفسکیس در این خصوص می‌گوید:

«ما در گفت‌وگو با وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا به مساله سوئیفت و ایران نیز پرداختیم. مساله اساسی در این زمینه، خروج یکجانبه ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران است. این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چندین بار تأیید کرده ایران به این توافق پایبند بوده است. اتحادیه اروپا همچنان به این توافق پایبند است. از این رو، در خصوص اعمال تحریم‌های مطرح که به توافق هسته‌ای ایران مربوط است، اختلاف نظر وجود دارد.»

وی افزود: «یکی از مطالب مطرح در دیدار فوق نیز موضوع سوئیفت بود. ما در این دیدار تأکید داشتیم که باید از کارهایی خودداری کرد که بر این زیرساخت مالی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. زیرا سبب چندتکه‌شدن شبکه مالی جهانی می‌شود که از طریق سوئیفت ایجاد شده است.»

رئیس کمیسیون ثبات مالی اتحادیه اروپا تأکید کرد: «سوئیفت سازوکاری برای رهگیری برنامه مقابله با تامین مالی تروریستی نیز به شمار می‌رود. اگر این سازوکار چندتکه شود و کشورهای مختلف بخواهند سازوکارهای جداگانه خودشان را اعمال کنند، شاهد از دست رفتن

»

علی‌رغم رایزنی‌ها و تعهداتی که در خصوص برجام و از سوی مقامات مالی و سیاسی اروپا صورت گرفته است، همچنان در این خصوص ابهامات زیادی وجود دارد. ابهاماتی که مهم‌ترین آنها در یک نکته خلاصه می‌شود: «مکانیزم عملیاتی اروپا برای انتقال پول به ایران»

»

شفافیت در نظام مالی بین‌المللی خواهیم بود و در عین حال این احتمال مطرح است که منابع مالی تروریست‌ها نیز از رهگیری خارج شود. رایزنی‌ها در زمینه سوئیفت با آمریکا ادامه دارد و پیشرفت‌هایی نیز حاصل شده است. ما نگرانی‌های خود را در این باره مطرح کرده‌ایم و منتظریم ببینیم ایالات متحده در این باره چگونه عمل می‌کند.»

رایزنی برجامی مسئولان مالی اروپا در اندونزی

رایزنی سران مالی و مسئولین حوزه اعتباری اروپا در خصوص برجام و نحوه امکان تحقق «برجام اروپایی» با استناد به ساختار مالی مستقل اروپا، موضوع مهم دیگری بود که در اخبار شاهد آن بودیم.

اجلاس سالانه صندوق بین‌المللی پول با حضور «کریستین لاگارد»، رئیس صندوق، نمایندگان بانک جهانی، وزیران مالی و نمایندگان اقتصادی ۱۸۹ کشور در «نوسادوا» جزیره بالی اندونزی برگزار شد. وزیران امور مالی و روسای بانک‌های مرکزی، نمایندگان پارلمان‌ها و مجالس کشورها و متخصصان ارشد اقتصادی از ۱۸۹ کشور جهان با ۳ هزار و ۲۰۰ نفر در این اجلاس در جزیره بالی اندونزی شرکت کرده‌اند.

برخی مسئولان ارشد مالی کشورهای اروپایی در حاشیه نشست سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در بالی اندونزی به رایزنی و بررسی وضعیت تحریم‌های آمریکا علیه ایران پرداختند.

اما این سکوت می تواند به معنای «ابتر بودن ساختار مالی مدنظر» یا «کارکرد حداقلی آن» باشد. به عبارت بهتر، سکوت افرادی مانند مرکل، مکرون و ترزا می که حفظ و گسترش مناسبات امنیتی با دولت ترامپ را دنبال می کنند، نباید به مثابه «ایستادگی آنها در برابر کاخ سفید» مورد تفسیر قرار گیرد. همان گونه که مشاهده می شود، میان سیاستمداران اروپایی بر سر پرداخت هزینه ای واقعی برای حفظ توافق هسته ای با ایران اتفاق نظر وجود ندارد. همین مساله کافی است تا ما با دیدگاهی بدبینانه به بررسی بسته پیشنهادی اروپا و سازوکار مالی مستقل این مجموعه برای حفظ برجام بپردازیم.

موضوع دیگری که در این خصوص نگران کننده به نظر می رسد، برخورد و مواجعه ابزاری اتحادیه اروپا با برجام و موضوعات مشابه است. این موضوعی است که ما طی سال های ۲۰۱۵ میلادی تاکنون شاهد آن بوده ایم. همان گونه که بارها عنوان شده است، مقامات اروپایی نسبت به برجام نگاه و رویکردی مستقل نداشته و آن را به مثابه ابزاری برای مذاکره یا معامله و در موارد بالاتر، چانه زنی و امتیازگیری از آمریکا تلقی می کنند. همگان به یاد دارند که در ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی و در حالی که تروئیکای اروپایی نسبت به حفظ توافق هسته ای با ایران (بدون اعمال تغییر در آن) متعهد بودند، چگونه بازی در زمین دولت ترامپ را ترجیح داده و یک سال به صورت علنی و غیرعلنی با مقامات کاخ سفید در خصوص اعمال موارد چهارگانه در برجام (توان موشکی، فعالیت های منطقه ای، بازرسی از اماکن نظامی ایران و نامحدود کردن محدودیت های هسته ای) به مذاکره پرداختند. هم اکنون مقامات اروپایی نسبت به خروج واشنگتن از برجام ناراضی هستند اما این ناراضی به معنای ایستادگی تمام قدر اروپایی واحد در مقابل واشنگتن نیست. ناراضی کلی مقامات اروپایی از خروج یکجانبه واشنگتن از برجام، به معنای ابطال و از بین رفتن نگاه ابزارگرایانه آنها نسبت به توافق هسته ای با ایران نیست. از این رو باید این نکته را مدنظر قرار داد که «برجام» هرگز برای مقامات اروپایی حفظ قرمز محسوب نمی شود، اما «رابطه با آمریکا» خط قرمزی است که کشورهای اروپایی طی سال ها و دهه های پس از پایان جنگ جهانی دوم نسبت به آن حساس بوده اند. از همین مساله می توان نتیجه گرفت که «برجام اروپایی» نمی تواند به مثابه توافقی محکم میان ایران و اروپایی واحد قلمداد شود.

و در نهایت اینکه موضع برخی سیاستمداران اروپایی و اعلام آمادگی آنها برای معامله برجامی با ایالات متحده آمریکا، جای هیچ گونه شک و شبیهه ای را در خصوص لزوم مواجهه هوشمندانه و قاطعانه با اروپایی واحد باقی نمی گذارد. به عنوان مثال «ترزا می»، نخست وزیر انگلیس اصرار دارد که به جای بروز اختلاف میان آمریکا و اروپا بر سر برجام، لازم است بازیگران دو سوی آتلانتیک با یکدیگر در خصوص توافق هسته ای با ایران وارد مذاکره شوند. معنای این جمله و دیگر جملات مشابه، تلاش برخی مقامات اروپایی برای هم افزایی با سیاست های ضد ایرانی آمریکاست. واقعیت امر این است که اروپایی واحد تارسیدن به نقطه «استقلال مطلق» در نظام بین الملل مسیر زیادی در پیش دارد و اصلی ترین مانع در این مسیر، بی ارادگی و سلطه پذیری برخی بازیگران اروپایی از آمریکاست. از این رو نمی توان حداقلی در برهه زمانی فعلی از اروپایی واحد به عنوان بازیگری قابل اتکا در نظام بین الملل یاد کرد. بدیهی است که در چنین شرایطی جایی برای مصالحه در برابر اروپایی واحد و اتخاذ گارد باز و نگاه مثبت نسبت به بسته پیشنهادی اروپا (با استناد به سازوکار مالی جدید این مجموعه) وجود ندارد.



معمای سوئیفت اروپایی تکلیف برجام اروپایی هنوز مشخص نیست

موگرینی در این خصوص عنوان کرده است: «با اروپایی ها و البته با روس ها، چینی ها و دیگران در جهان، سازوکاری را کانال هایی به منظور حفظ تجارت با ایران ایجاد کرده ایم؛ سازوکاری که می تواند ادامه این تجارت را صرف نظر از تحریم های ثانویه اعمالی از سوی آمریکا تضمین کند. ما مشغول بررسی جزئیات این سازوکار هستیم...»
در باره اظهارات فدریکا موگرینی و دیگر مقامات اروپایی در خصوص حفظ برجام (از طریق ایجاد ساختار مالی مستقل اروپایی) نکاتی وجود دارد که نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت. نخستین نکته، مربوط به عدم اتفاق نظری است که میان مقامات اروپایی بر سر حفظ برجام با ایران (نحوه پرداخت هزینه حفظ برجام از سوی اروپا) وجود دارد. این موضوع را ما در جریان منازعات صدراعظم و وزیر امور خارجه آلمان مشاهده کردیم.
صورت مساله به این گونه بود که چندی پیش هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان برای نخستین بار از ایجاد یک ساختار «شبه سوئیفت» یا همان «سوئیفت اروپایی» برای تسهیل مرادوات تجاری با ایران خبر داد. با این حال، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان بلافاصله مخالفت صریح خود را با این موضوع اعلام و بر مناسبات امنیتی خاص اروپایی واحد و ایالات متحده آمریکا تاکید کرد. اگرچه صدراعظم آلمان پس از آن دیگر موضعی در قبال ایجاد ساختار مالی مستقل اروپایی اتخاذ نکرده است،

سعید سبحانی

روزنامه نگار

طی روزهای اخیر، مقامات اروپایی به صورت مکرر از ایجاد ساختار شبه سوئیفت برای حفظ توافق هسته ای با ایران خبر می دهند. بسیاری از رسانه های غربی نیز اعلام کرده اند که حفظ توافق هسته ای با ایران از سوی تروئیکای اروپایی، بیش از آنکه اقدامی در راستای حفظ برجام باشد، اقدامی حیثیتی از سوی اروپا در راستای مقابله با یکجانبه گرایی ایالات متحده در نظام بین الملل قلمداد می شود. این در حالی است که یکجانبه گرایی دولت ترامپ در نظام بین الملل و اقداماتی از جمله خروج وی از توافق هسته ای میان ایران و اعضای ۵+۱ و خروج از پیمان آب و هوایی پاریس، منجر به رنجش متحدان اروپایی ایالات متحده آمریکا از کاخ سفید شده است.
در هر حال، مقامات اروپایی اعلام کرده اند که قصد دارند توافق هسته ای با ایران را در قالب توافق قبلی حفظ کنند. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرده است که طرح این اتحادیه برای تسهیل تبادل مالی با ایران پیش از نوامبر (آغاز دور جدید تحریم های نفتی آمریکا علیه کشورمان) اجرایی می شود.



از هایکو ماس تا مرکل

ژرمن‌ها چگونه با برجام برخورد می‌کنند؟

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار

تاریخچه طولانی مذاکرات بی‌فایده با ایران زمینه بدبینی را فراهم کرده بود. با این وجود، دو سال مذاکره بی‌وقفه به یک توافق انجامید که تمام تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را برمی‌دارد. ما به طور همه‌جانبه از این توافق حمایت می‌کنیم چون خواسته‌هایمان را تأمین می‌کند. «پس از اجرای توافق هسته‌ای نیز دولت آلمان، بارها در ظاهر حمایت کامل خود را از برجام اعلام کرد. با این حال برلین نیز مانند دیگر بازیگران اروپایی در دوران پسابرجام، اقدام موثری در راستای حل و فصل موضوع عادی‌سازی روابط بانکی میان اروپا و ایران برداشت. نکته دیگر اینکه در جریان برگزاری سلسله مذاکرات کمیته مشترک برجام به ریاست فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز مقامات آلمانی همگام با مقامات فرانسوی و انگلیسی مانع از به نتیجه رسیدن شکایات ایران در قبال کارشناسی‌های آمریکا (دولت‌های اوپا و ترامپ) در دوران پسابرجام می‌شدند.

بررسی نقش آلمان در خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای نیز در نوع خود مفید است. آلمان آخرین عضو از تروئیکای اروپایی بود که با «تغییر برجام» به سود منافع و خواسته‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا موافقت کرد. در تابستان سال گذشته، ماکرون و ترزا می از سوی ترامپ مأموریت یافتند که نظر مساعد مرکل و دولت آلمان را برای تغییر توافق هسته‌ای با ایران جلب کنند؛ مأموریتی که بسیار زود از سوی لندن و پاریس به نتیجه رسید. از سال گذشته (۲۰۱۷) تا کنون و به خصوص طی ماه‌های منتهی به خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، دیپلمات‌های آلمانی نیز همگام با دیپلمات‌های فرانسوی و انگلیسی، مذاکرات فشرده‌ای را با دیپلمات‌های آمریکایی در سه محور مهم، یعنی «تجدید توان موشکی ایران»، «اعمال بازرسی‌های گسترده از اماکن نظامی» و «دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای ایران» صورت داده‌اند. در بهمن ماه سال گذشته، زیگمار گابریل، وزیر امور خارجه سابق آلمان ضمن محکوم کردن توان موشکی ایران، اظهار کرد: «به‌رغم ادامه حمایت اتحادیه اروپا از توافق هسته‌ای ایران، دولت‌های اروپایی آماده همکاری با آمریکا علیه آنچه «نفوذ بی‌ثبات‌ساز سیاست‌های ایران در منطقه است، هستند.»

با این حال، به کارگیری واژه کلیشه‌ای و تکراری و مبهم «حمایت از برجام»، به معنای پذیرش سند توافق هسته‌ای به صورت موجود نبوده و نیست.

است. مرکل در پایان دیدار اردیبهشت‌ماه خود با ترامپ (در آستانه آمریکا از برجام) و در کنفرانس خبری خود، جملات چنجالی و قابل‌تاملی را در قبال برجام و ایران بیان کرده بود: «این توافق با وجود مفید بودن، امکان نظارت بر برنامه موشکی و محدود کردن تحرکات منطقه‌ای ایران را ایجاد نکرده است. باید دید آمریکا چه تصمیمی در مورد برجام می‌گیرد. ما بر این باوریم که برجام اولین گام برای ممانعت از رسیدن ایران به سلاح اتمی است. البته معتقدیم که ایران فعالیت مخرب دیگری دارد. اروپا با آمریکا همراه است و می‌دانیم که ایران در خاورمیانه، سوریه و لبنان سعی در نفوذ دارد و باید این راه‌مهار کنیم.»

چنانچه از این اظهارات و مواضع مشابه مرکل برمی‌آید، آنگلا مرکل عملاً پذیرش برجام و استمرار توافق هسته‌ای با ایران را منوط به مهار منطقه‌ای و تحدید توان موشکی ایران دانسته است؛ خواسته‌ای فراتر از خواسته‌های اولیه واشنگتن و تروئیکای اروپایی در برجام است. از سوی دیگر، «ایران‌هراسی» روح مشترک اظهارات مقامات غربی محسوب می‌شود و این سیاستمداران در صددند با تشدید این بازی روانی، ایران را نسبت به پذیرش شروط غرب در خصوص تحدید توان منطقه‌ای و موشکی خود مجاب کنند؛ فرمولی که جمهوری اسلامی ایران با درایت آن رارصد کرده و مانع از تحقق آن می‌شود. صدراعظم آلمان در تابستان سال ۱۳۹۴ و تقریباً دو ماه پس از امضای توافق هسته‌ای در وین، در مقاله‌ای مشترک با دیوید کامرون (نخست‌وزیر سابق انگلیس) و فرانسا اولاند (رئیس‌جمهور سابق فرانسه) برجام را توافقی دانسته بود که خواسته‌های تروئیکای اروپایی را کاملاً برآورده می‌کند. در بخشی از این مقاله که در روزنامه آمریکایی واشنگتن پست به چاپ رسید، آمده بود: «این (برنامه هسته‌ای ایران) یک تهدید جدی نه تنها برای امنیت همسایگان ایران و اسرائیل، بلکه برای کشورهای ما بود؛ رقابتی هسته‌ای در خاورمیانه که تنها یک عنصر خطرناک به یک منطقه بی‌ثبات اضافه خواهد کرد. ما باید مسئولیت خود را در قبال این تهدید ایفا می‌کردیم.

صورت‌بندی منازعه مقامات ارشد آلمانی بر سر توافق هسته‌ای در نوع خود قابل‌تأمل است. چندی پیش «هایکو ماس»، وزیر امور خارجه آلمان در مقاله‌ای در روزنامه «هندلز بلات» آلمان حفظ توافق هسته‌ای (برجام) را با تشکیل نظام پرداخت مالی اروپایی مستقل از ایالات متحده آمریکا ممکن دانست و تأکید کرد که به این علت تقویت خودمختاری اروپا با ایجاد کانال‌های پرداخت مستقل از ایالات متحده و تأسیس نهاد مالی اروپایی و نظام سوئیفت بدون وابستگی، کاملاً ناگزیر و ضروری است.

مروری ساده بر اظهارات هایکو ماس نشان می‌دهد که کلیت استدلال وی در خصوص لزوم ایجاد یک نظام «شبه‌سوئیفت» برای حفظ برجام، آن هم در قالب استقلال اقتصادی اروپا از آمریکا کاملاً صحیح است. ایجاد این نظام پرداخت مالی مستقل، یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌ها برای حفظ تعهدات اروپایی واحد در برجام محسوب می‌شود. با این حال به نظر می‌رسد این پیشنهاد عقلانی هایکو ماس چندان مورد توجه مرکل قرار نگرفته است. صدراعظم سرزمین ژرمن‌ها بلافاصله پس از اظهارات وزیر امور خارجه خود، ایجاد یک نظام پرداختی مستقل از آمریکا را زیر سؤال برد و عملاً آن را غیرعملیاتی دانست: «ما در موضوع نظام‌های مستقل پرداخت مشکلاتی در همکاری با ایران داریم، اما از سوی دیگر تردید نداریم که به طور مثال در موضوع تأمین مالی تروریسم سوئیفت از اهمیت بالایی برخوردار است. در ضمن، حفظ همکاری با آمریکا در زمینه امنیت بسیار مهم است.»

بروز پارادوکس‌های رفتاری و گفتاری میان مقامات آلمانی بر سر توافق هسته‌ای با ایران و نحوه مواجهه با برجام، ذهن برخی تحلیلگران اروپایی را نسبت به خود مشغول کرده



«تکرار تعهدات» به جای «ارائه تضمین‌ها»

راهبرد اروپا در مواجهه با برجام چگونه است؟

غربی مواجه شد. رسانه‌های غربی در صدد بودند از این بیانیه به مثابه تضمین اتحادیه اروپا جهت اجرایی شدن توافق هسته‌ای و تحقق «برجام بدون آمریکا» یاد کنند. در قسمتی از این بیانیه آمده است که کشورهای اروپایی به‌طور ویژه متعهد شدند که مباحث کارشناسی فشرده‌ای را با ایران در خصوص مسائل زیر، با هدف رسیدن به راه‌حل‌های عملی آغاز کنند:

حفظ و تعمیق روابط اقتصادی با ایران، تداوم فروش نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی ایران و تعاملات مالی مربوطه، تعاملات موثر بانکی با ایران، ادامه روابط حمل‌ونقل موثر دریایی، زمینی و هوایی و خط‌آهن با ایران، تامین بیشتر اعتبارات صادراتی اتحادیه اروپا و ایجاد مسیرهای ویژه در حوزه‌های مالی، بانکی، بیمه‌ای و تجاری با هدف تسهیل همکاری‌های اقتصادی و مالی شامل ارائه حمایت‌های عملی از تجارت و سرمایه‌گذاری، تکمیل و اجرای بیشتر یادداشت تفاهم و قراردادهای منعقد شده بین شرکت‌های اروپایی و طرف‌های ایرانی، سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران، حمایت از فعالان اقتصادی اتحادیه اروپا و تامین فضای اطمینان بخش حقوقی، ایجاد هرچه بیشتر فضای شفاف و قانونمند اقتصادی.

شاید در نگاه اول، «بیانیه بروکسل» به مثابه یک بیانیه «امیدبخش» مورد ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد اما نباید فراموش کرد که آنچه در بیانیه مذکور بیان شده است، تکرار همان تعهدات اروپا در برجام است. به عبارت بهتر، بیانیه بروکسل نوعی بازخوانی تعهدات تروئیکای اروپایی و دیگر اعضای اتحادیه اروپا در قبال توافق هسته‌ای با ایران محسوب می‌شود. بنابراین و بر اساس نوعی نگاه ماهوی و حقوقی، بیانیه بروکسل اساساً با هدف تضمین منافع ایران صادر نشده و صرفاً در آن شاهد تجمیم بخشی از تعهدات طرف مقابل (وفق برجام) هستیم. نکته اصلی اینجاست که در بیانیه بروکسل، اساساً انگاره و مولفه‌ای وجود ندارد که با استناد به آن بتوان «تضمین‌های اقتصادی اروپا» برای ادامه حیات توافق هسته‌ای را توجیه کرد.

در اینجا نکته دیگری نیز وجود دارد که باید

به آسانی امکان‌پذیر نیست. دلیل این مساله کاملاً مشخص است. با توجه به حجیم و سنگین تر بودن وزن «بخش خصوصی» در کشورهای غربی (نسبت به بخش عمومی و اقتصاد دولتی)، بسیاری از شرکت‌های اروپایی ترجیح می‌دهند فعالیت‌های اقتصادی خود در کشورهای دیگر (مانند ایران) را با کمترین ریسک و خطر اقتصادی ممکن صورت دهند. وزارت خزانه‌داری آمریکا با وضع دوباره تحریم‌های ثانویه علیه ایران، سعی کرده است هزینه این ریسک اقتصادی را در میان شرکت‌های اروپایی افزایش دهد؛ موضوعی که به صورت خودکار منجر به تمایل کمتر این شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در ایران خواهد شد.

ایالات متحده آمریکا قدرت و ضریب ریسک‌پذیری شرکت‌های اروپایی را به شدت کاهش داده است تا مانع از انجام هرگونه مراوده تجاری میان آنها و ایران شود. خروج شرکت‌هایی مانند توتال از ایران، نشان‌دهنده بی‌اثر بودن تضمین‌های بعدی و آتی اتحادیه اروپا در مواجهه با چنین وضعیتی است. از سوی دیگر، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان صراحتاً اعلام کرده است که طرح‌های اتحادیه اروپا برای حمایت از مراودات تجاری با ایران، بیشتر مشمول شرکت‌های کوچک و متوسط می‌شود؛ موضوعی که نباید در محاسبات دستگاه سیاست خارجی ما نادیده انگاشته شود.

«تعهد» به جای «تضمین»

حدود ۴ ماه قبل شاهد قرائت بیانیه از سوی مقامات اروپایی در خصوص برجام و حفظ توافق هسته‌ای با ایران بودیم. قرائت بیانیه موسوم به «بیانیه بروکسل» از سوی فدریکا موگیرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با استقبال بسیاری از رسانه‌های

منابع بر سر «فرجام توافق هسته‌ای» همچنان ادامه دارد. صورت‌بندی این منازعه، با توجه به آنچه در مناسبات «واشنگتن-اروپا» می‌گذرد، چندان آسان نیست. به عبارت بهتر، مقامات غربی توافق هسته‌ای با ایران را نه به عنوان یک «متغیر حقوقی مستقل»، بلکه به عنوان یک «متغیر سیاسی وابسته» مورد فحوص و بررسی قرار می‌دهند. از سوی دیگر، همزمان با مذاکرات ایران و ۵ کشور روسیه، چین، آلمان، انگلیس و فرانسه، شاهد شکل‌گیری مذاکراتی موازی میان سران کاخ سفید و تروئیکای اروپایی هستیم. کلیت شکل‌گیری این مذاکرات موازی، نشان‌دهنده تمایل ذاتی اروپا مبنی بر ادامه همکاری بین‌المللی با ایالات متحده آمریکا (متخصصاً در قبال برجام) است. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است نسبت به آنها توجه داشته باشیم:

الف) کاهش قدرت ریسک‌پذیری شرکت‌های اروپایی از سوی آمریکا

یکی از راهکارهای وزارت خزانه‌داری آمریکا جهت تاثیرگذاری مستقیم و سلبی بر تجارت شرکت‌های بین‌المللی با ایران، افزایش هزینه‌های ریسک ناشی از هرگونه مراوده تجاری با ایران است. مقامات اروپایی طی روزهای اخیر بارها از «تعهد جمعی» خود برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران خبر داده‌اند. با این حال مقامات ارشد اروپایی اذعان کرده‌اند که حفظ برجام بدون ایالات متحده آمریکا و با وجود وضع دوباره تحریم‌های ثانویه وزارت خزانه‌داری این کشور علیه ایران، وجود نخواهد داشت. حتی برخی سیاستمداران اروپایی که دید خوشبینانه‌تری در این خصوص دارند، معتقدند که اعطای «تضمین‌های قطعی» به شرکت‌های اروپایی جهت ادامه فعالیت در ایران یا تعریف فعالیت‌های اقتصادی جدید در این کشور

نسبت به آن توجه داشته باشیم. آنچه در این میان اصلت و موضوعیت دارد، نحوه ارائه «تضمین‌های اقتصادی» از سوی طرف‌های اروپایی است اما تاکنون تضمینی عینی و عملی از سوی اعضای اروپا و حتی تروئیکای اروپایی در این خصوص صورت نگرفت. سران اروپایی معتقدند که آنها صرفاً می‌توانند در این معادله نقش «طرف متعهد» را بازی کنند، به این معنا که ضمانت‌های حقوقی لازم را برای شرکت‌های اروپایی جهت مراوده اقتصادی با ایران فراهم آورند. فارغ از اینکه کشورهای اروپایی در رسیدن به این هدف نیز تا چه اندازه موفق خواهند بود، باید این قاعده مهم را مدنظر قرار داد که اتحادیه اروپا یک «کارگزار اقتصادی» محسوب نمی‌شود و صرفاً مجموعه‌ای سیاسی و دولتی به شمار می‌آید. بنابراین در محاسبه وزن اتحادیه اروپا و خصوصاً سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه نباید اغراق کرد. مهم‌تر اینکه هر سه سیاستمدار ارشد اروپایی یعنی امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس از زمان حضور ترامپ در کاخ سفید، با رئیس‌جمهور آمریکا بر سر «تغییر برجام» وارد معامله شدند. از این رو تروئیکای اروپایی که امروز به اشتباه از آنها به عنوان «ناجیان برجام» نام برده می‌شود، متهمین نقض توافق هسته‌ای از طریق تقویت توهّمات رئیس‌جمهور آمریکا محسوب می‌شوند. بدیهی است که در چنین شرایطی اتحادیه اروپا نه تنها قادر به نجات برجام نخواهد بود، بلکه باید بابت بازی مستقیم خود در زمین کاخ سفید، به افکار عمومی کشورمان پاسخگو باشد.

مذاکرات موازی میان آمریکا و تروئیکای اروپایی

مذاکرات موازی میان ایالات متحده آمریکا و تروئیکای اروپایی، موضوع دیگری است که در برهه زمانی فعلی نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت. وزارت خارجه آمریکا پس از خروج ترامپ از برجام در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه این کشور در روزهای اخیر (روزهای قبل و بعد از خروج ترامپ از برجام) در مورد ایران با همتایان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی خود صحبت کرده است. در قسمتی از این بیانیه آمده است: «آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه منافع مشترک قوی دارند. وزیر امور خارجه بر کارهای خوبی که طی ماه‌های گذشته برای مقابله با تهدیدهای مشترک داشته‌ایم، تاکید کرد و گفت که او امیدوار است به همکاری‌های مستحکم خود ادامه داده و به جلو حرکت کنیم.» در همان اواسط اردیبهشت‌ماه امسال و حدود ۴۸ ساعت پس از اعلام رسمی خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای، مذاکرات پشت‌پرده‌ای میان سران کاخ سفید و مقامات اروپایی (خصوصاً سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه) آغاز شد. «مایک پمپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا در این خصوص اعلام کرد که کاخ سفید مشغول رایزنی با سران کشورهای اروپایی بر سر سرنوشت نهایی برجام (پس از خروج آمریکا) است. دیگر منابع خبری و رسانه‌ای در آمریکا نیز اعلام کرده‌اند که مذاکرات مقامات آمریکایی و اروپایی طی روزهای اخیر بر سر برجام همچنان ادامه داشته است.

شاید به نظر برسد که اصلی‌ترین دغدغه اروپاییان در این مذاکرات، متقاعد کردن ایالات متحده آمریکا برای اعمال معافیت‌های تحریمی در خصوص شرکت‌های اروپایی باشد اما این تصور اشتباه است.

حداقلی‌ترین موضوعاتی که آمریکا و تروئیکای اروپایی قصد تحمیل آن به ایران را دارند، عبارت از تحدید توان موشکی ایران و دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای کشورمان است. بنابراین، اغراق در محاسبه واقعیات موجود و القای جدایی اروپا از آمریکا (پس از خروج ترامپ از برجام)، مواردی هستند که به تلقی واقع‌بینانه ما نسبت به آنچه در فضای سیاست خارجی کشورمان می‌گذرد آسیب می‌زند.

هرچند این واقعیات تلخ است، اما شرکت‌های اروپایی «محاط» در اقتصاد آمریکا هستند. به عبارت بهتر، وضع تحریم و جریمه وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه شرکت‌های اروپایی، خط قرمزی پررنگی است که بسیاری از آنها را نسبت به خروج از هر گونه رابطه اقتصادی و تجاری با ایران مجاب می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به جایگاه پررنگی که «بخش خصوصی» در اقتصاد اروپا دارد، نمی‌توان روی بازی دولت‌ها در وادارسازی و حتی اقتناع شرکت‌های خصوصی در عرصه تجارت بین‌الملل (در قبال ایران) حساب ویژه‌ای باز کرد. امروز زرمزه‌هایی از سوی رسانه‌ها و تحلیلگران اروپایی مبنی بر لزوم تفکیک بازی اقتصادی اروپا از آمریکا و حرکت به سوی استقلال تجاری و تلاش برای مهار آمریکا به گوش می‌رسد. به عبارت بهتر، اروپا «نیاز به تغییر» را حس کرده است اما این موضوع پروسه‌ای طولانی مدت و زمانبر بوده که با مقاومت‌هایی در غرب مواجه خواهد شد. از این رو «احساس نیاز اروپا نسبت به گذار از آمریکا» را نمی‌توان به مثابه فاکتور و مولفه‌ای دانست که می‌تواند در «زمان حال» برجام را حفظ کند. واقعیت امر این است که اروپا هنوز برای اجرای برجام تضمین نداده و حتی برخی مقامات اروپایی تاکید کرده‌اند که نمی‌توانند اقدامی در این خصوص صورت دهند. آنها معتقدند که قدرت مانور دولت‌های اروپایی برای تغییر رفتار شرکت‌های خصوصی محدود است. اما بازی اروپا با توجه به تلاش دوباره آنها برای «تغییر

برجام» به نقطه اوج خود رسیده است. به عبارت بهتر، اتحادیه اروپا از یک سو تاکید دارد که ارائه تضمین‌های لازم برای استمرار روابط تجاری شرکت‌های اروپایی با ایران امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، همچنان موضوع «تغییر توافق هسته‌ای» و «انعقاد توافق ثانویه» ای که بتواند دغدغه‌های موشکی و منطقه‌ای آنها را نیز در برگیرد پیگیری می‌کند. در چنین شرایطی، حتی ذره‌ای امیدداشتن به اروپا برای «حفظ برجام»، خطایی مهم و راهبردی محسوب می‌شود؛ نکته‌ای که مقام معظم رهبری نیز منتسب به آن تاکید فرموده‌اند. معظم‌له چندین‌بار پیش صراحتاً اشاره کردند که نسبت به برجام اروپایی (دل‌بستن به اروپا در برجام) امیدوی وجود ندارد.

در نهایت اینکه مروری بر کارنامه غیرقابل دفاع تروئیکای اروپایی در دوران پس‌ابرجام، به خوبی نشان می‌دهد که چرا نباید فریب بازی تروئیکای اروپایی را در برهه حساس فعلی خورد. مقامات اروپایی در دوران اجرایی شدن برجام نیز بسیاری از تعهدات خود را زیر پا گذاشتند. نباید فراموش کرد که تا چند ساعت قبل از اعلام خروج رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از برجام، مقامات اروپایی همچنان در صدد تغییر توافق هسته‌ای و گنجاندن شروط چهار گانه غیرقانونی ترامپ در آن بودند. همچنین دولت‌های اروپایی از سال ۲۰۱۵ تا کنون، اقدامی عملی در راستای وادارسازی شرکت‌های خود به فعالیت اقتصادی در ایران صورت ندادند. حتی در حوزه عادی‌سازی روابط بانکی نیز کشورهای مختلف اروپایی به تبعیت از وزارت خزانه‌داری آمریکا، همکاری‌های خود با ایران را از سر نگرفتند. حال در شرایط فعلی تکلیف دولت‌ها و شرکت‌های اروپایی کاملاً مشخص است.

نکته دیگر اینکه طی سه سال اخیر و خصوصاً از زمان اجرایی شدن برجام، بارها تروئیکای اروپایی در حمایت از ایالات متحده آمریکا در کمیته مشترک برجام مواضع تندی را علیه کشورمان اتخاذ کردند. آنها در زمان تمدید قانون آیسا و تصویب قانون کاتسا، از کنار نقض عینی برجام توسط ایالات متحده به‌سادگی گذشتند. حتی همگان به یاد دارند که حدود یک سال قبل، وزارت امور خارجه انگلیس در بیانیه‌ای غیرقانونی (مغایر با تعهدات انگلیس در برجام)، اعلام کردند که ایران مکانی چالش‌برانگیز برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های انگلیسی محسوب می‌شود. بدیهی است که در چنین شرایطی جایی برای اعتماد به طرف اروپایی باقی نمی‌ماند، خصوصاً اینکه تروئیکای اروپایی کارگردانی این مساله را بر عهده دارند.



قاتل

محمد بن سلمان در جهان رسوا شده است. آیا این رسوایی سلطنت او را به خطر می اندازد؟

قلمداد کرد که از انجام بسیاری از فرامین دینی و مذهبی خود محروم شده‌اند.

این در حالی است که رسانه‌های همسو با عربستان در منطقه و جهان غرب از سند ۲۰۳۰ عربستان که با مدیریت بن سلمان تدوین و در حال اجرا بود، به عنوان یک کارنامه درخشان در دوره وی نام می‌بردند و تلاش می‌کردند که او را زود افکار عمومی به عنوان یک شخصیت سیاسی کارزماتیک و عامه‌پسند معرفی کنند. همزمان شکاف و جدل‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه پوسیده عربستان تداوم داشت و رویه‌های پلیسی و سیاست‌مشت آهنین در برابر مخالفان نتیجه مشخصی را در پی نداشت. در سطح منطقه‌ای نیز شاهد اقدامات فاجعه‌بار در نتیجه سیاست‌گذاری‌های پد و کچ اندیشی‌های شخص بن سلمان در ارتباط با بحران‌های منطقه‌ای بودیم. از جمله تلاش برای تثبیت قدرت در یمن و شکست دادن حوثی‌های یمنی و تطویل بحران در سوریه از طریق ادامه ارسال اسلحه و مساعدت‌های مالی به گروه‌های تکفیری و تروریستی.

زمانی که در دو سطح داخلی و منطقه‌ای، سیاست‌های تزویرمآبانه شخص بن سلمان در پیشبرد راهبردهای جنگ طلبانه به اهداف اصلی خود نرسید، ما شاهد رونمایی از چهره واقعی وی بودیم که منجر به قتل

شرایطی اراده قدرت در حوزه داخلی و نیز سیاست‌گذاری در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی به نوعی توسط فرزند پادشاه یعنی محمد بن سلمان پیگیری شده است. بن سلمان بعد از قدرت‌یابی در میان شاهزادگان سعودی و خلع سلاح برخی از مخالفان سرسخت خود که از اقوام نزدیک پادشاهی بودند، دست به اصلاحاتی در حوزه اجتماعی و سیاسی زد؛ از جمله دادن برخی حقوق به زنان در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز فاصله گرفتن از نیروهای سنتی واپس‌گرا در حوزه دین و شریعت قابل ذکر است. این اصلاحات نمادین شاید برخی را به این تفکر واداشت که بن سلمان به عنوان یک اصلاح‌طلب و منجی در دربار آل سعود به دنبال اراده حاکمیت و تثبیت حقوق برابری و اجتماعی میان مردم عربستان است. از سوی دیگر همزمان با این تلاش‌ها و اصلاحات نمادین، بن سلمان به دنبال تسویه حساب سیاسی با مخالفین سرسخت قدرت و حکومت و نیز ایجاد یک دیکتاتوری تمام‌عیار در حوزه حکومتداری بود. به طوری که بسیاری از شاهزادگان مخالف قدرت بن سلمان در همان ماه‌های اول قدرت وی، از دربار رانده شده و برخی نیز با محاکمات قضایی سوری بدون دادرسی قضایی به زندان محکوم شدند. در عرصه دیگر در حوزه داخلی، بن سلمان به قلع و قمع شیعیان در شرق حجاز ادامه داد و این گروه اقلیت دینی را به عنوان شهروندان درجه دوم

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاورمیانه

بحران مفقود شدن و قتل احتمالی جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی توسط عواملی از داخل این کشور، این پرسش را مطرح می‌کند که این مساله چه ارتباطی با ساختار قدرت در ریاض دارد؟ در این رابطه باید توجه داشت که ساختار قدرت در عربستان یک ساختار سنتی با ریشه‌های اقتدارگرایانه است که به نوعی از ابتدا از طریق قبیله‌ای اداره می‌شده است. معمولاً جانشین سلطنت از طریق پادشاه وقت عربستان تعیین و به حکومت گماشته می‌شود. این رویه در طول چندین دهه حکومت سعودی‌ها یعنی از زمان به قدرت رسیدن عبدالعزیز بن سعود در حجاز تداوم داشته است. همان‌طور که اشاره شد فرزند ارشد ذکور پادشاه به عنوان شاهزاده جدید برای تداوم قدرت پادشاهی همواره از طریق ریش سفیدی و توصیه شاه قدرت را در اختیار می‌گرفت. تداوم این سنت را در دوره ملک سلمان نیز شاهد هستیم. ملک سلمان با توجه به کهولت سن و شرایط حاد در اوضاع داخلی و منطقه‌ای پس از کنار زدن مخالفان سنتی پادشاهی، پسر خود محمد بن سلمان را برای جانشینی قدرت انتخاب کرد. در چنین



داشت در تلاش است که با مدیریت بحران از افزایش تنش‌ها میان ترکیه و عربستان جلوگیری کند. سناریوی نزدیک به این اقدام، این است که دستگاه امنیتی آمریکا تلاش می‌کند تا با هماهنگی عربستان و ترکیه، مساله قتل را که مستقیماً به شخص بن سلمان منتسب می‌شود به برخی از نیروهای خودسر در دستگاه امنیتی سعودی مرتبط سازد تا ضمن تثبیت قدرت بن سلمان، امکان معاملات تسلیحاتی در سطح گسترده با عربستان باقی بماند.

موضع‌گیری‌های اخیر حکومت عربستان به ویژه شخص بن سلمان نشان می‌دهد که به دلیل فشارهای شدید افکار عمومی و موضع‌گیری‌های بسیار تند متحدان نزدیک، این کشور حاضر است امتیازات بیشتری را با هدف سرپوش گذاشتن به این پرونده قتل بدهد و حتی حاضر است با آمریکا دست به یک معامله پنهانی بزند. به نظر می‌رسد نقش ترکیه به عنوان کشوری که قتل در خاک آن اتفاق افتاده در آشکار شدن زوایای پنهان این پرونده بسیار مهم و اساسی است. باید در آینده دید که آیا حکومت ترکیه اسپر پیشنهادات اقتصادی و سوسه‌انگیز از سوی آمریکا و عربستان سعودی خواهد شد یا با توجه به روابط نه‌چندان صمیمی در حوزه مسائل منطقه‌ای به دنبال انتقام‌گیری گسترده و به خطر انداختن سکان حکومت در ریاض برخواهد آمد؟

بحران سوریه با اعتراضات رسمی عربستان روبه‌رو شده بود. بنابراین این اقدام به عمیق‌تر شدن این چالش کمک خواهد کرد.

خارج از ترکیه نیز اتحادیه اروپا و مجامع و نهادهای حقوق بشری در غرب نسبت به این قتل واکنش تندی نشان دادند و خواستار مشخص شدن زوایای این پرونده شدند. بنابراین بن سلمان خواسته یا ناخواسته در یک مخصه سیاسی در وضعیت موجود گرفتار شده است.

پیش‌تر نیز کشور کانادا به عنوان یکی از متحدان نزدیک آمریکا در مسائل حقوق بشری با عربستان دچار مشکلات اساسی بود و سرکوب منتقدان از سوی نیروهای امنیتی سعودی منجر به کاهش روابط دیپلماتیک و اقدامات متقابل دو کشور علیه همدیگر شده بود.

به نظر می‌رسد با توجه به بحران اخیر، تنها شانس بقای سلطنت بن سلمان به نوعی ساخت و پخت سیاسی با دونالد ترامپ و دادن باج سیاسی به وی خواهد بود.

لذا می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که آمریکا از این فرصت استثنایی برای بهره‌مندی بیشتر از خوان گسترده دلارهای نفتی عربستان با هدف کاهش آلام سعودی‌ها در منطقه بر سر مسائل حقوق بشری به خصوص قتل خاشقچی استفاده خواهد کرد. شاهد هستیم که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا در سفری که به ریاض

منتقد سرشناس خود به نام جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در استانبول شد. این یک قتل آشکار است که البته هنوز برخی از زوایای آن پنهان باقی مانده است. در هر صورت شواهد و قراین موجود نشان می‌دهد که در صورت آشکار شدن نتیجه بازرسی‌های کنسولگری در استانبول از طریق نیروهای ویژه ترکیه و معرفی محافظان بن سلمان به عنوان قاتل خاشقچی، این مساله می‌تواند تبعات زیانباری برای منافع عربستان و شخص محمد بن سلمان در آینده حکومت وی به دنبال داشته باشد. پیامد اولیه این اقدام، رسوا شدن خاندان آل سعود به ویژه بن سلمان در ادعاهای قبلی خود مبنی بر قانون‌مداری و دموکراسی‌طلبی و نیز سیاست مدارا با مخالفان داخلی خود خواهد بود که این می‌تواند روابط دوستانه و حتی متحدان عربستان را نیز دچار چالش‌های اساسی سازد. به طوری که موضع‌گیری‌های اخیر ترکیه در ارتباط با قتل روزنامه‌نگار منتقد سعودی و خشم حاکمان ترکیه از این اقدام منجر به همکاری‌های الزام‌آور ریاض در این پرونده شده است. باید این نکته را اضافه کرد که پیش از قتل خاشقچی، روابط آنکارا-ریاض در خصوص مسائل منطقه‌ای به ویژه موضوع قطر دچار چالش‌هایی شده بود. حمایت آنکارا از دوحه و نیز همکاری‌های شخص اردوغان با سیاست‌های منطقه‌ای روسیه و ایران در بحث

سونامی ضد سعودی

مروری بر سناریوهای مختلف قتل خاشقچی



سیدمهسوده میرسعودی

سردبیر مجله ایرانی روابط
بین‌الملل

با ورود خبرنگار ۵۹ ساله ترک تبار اهل عربستان به سفارت آن کشور در ترکیه و ادعاهای مربوط به قتل مرموز وی، موجی از خشم و ترس توأم با بی‌اعتمادی نسبت به دولت عربستان در جهان ایجاد شده است؛ حکومتی که این روزها داعیه‌دار ایجاد اصلاحات دموکراتیک در کشور، تغییر رفتار به سوی دموکراسی و حمایت از حقوق بشر بود، یکباره در معرض اتهامی این چنین سنگین قرار گرفت. جمال خاشقچی که از نسل شاهزاده‌های ترک تبار اهل عربستان بود، داستان زندگی پیچیده‌ای دارد و حال بعد از مرگش نیز داستان پیچیده‌تری برای رسانه‌ها به جای گذاشته است.

این منتقد دولت عربستان که در زمان حادثه، سمت ستون‌نویس واشنگتن پست را برعهده داشت، برای تهیه مدارک ازدواج خود به سفارت عربستان در استانبول مراجعه می‌کند؛ این چندمین باری بود که او در چند ماه اخیر به سفارت کشور متبوعه خود در ترکیه مراجعه می‌کرد. وی دفعه آخر زنگ خطر را حس کرده و به نامزدش گفته بود که اگر ماندن در سفارت به طول کشید، یاسین آتکای، مشاور اردوغان را خبردار سازد. خبر ناپدید شدن این فرد و اخبار ضد و نقیض، رسانه‌ها را وارد یک تراژدی وحشتناک دیگر در خاورمیانه کرد. حال با این مقدمه وارد واکاوی لایه به لایه این مساله می‌شویم. البته سوالات مختلفی در این مورد مطرح می‌شود تا با کنار هم قرار دادن این پازل‌ها به یک نتیجه احتمالی در این موضوع برسیم؛ اول اینکه چرا خاشقچی برای ورود به سفارت عربستان، احساس عدم امنیت کرده و چرا با این احساس عدم امنیت دوباره به سفارت مراجعه کرده است؟ همچنین چرا به همسر ترک تبارش توصیه کرده در صورت تاخیر در برگشت، به عالی‌ترین مقام ترکیه اطلاع دهد و چرا پلیس را مطلع نکند؟

دومین موضوع در این قتل، نقش دولت عربستان است؛ آیا این فرد تا این حد برای آنها ارزش داشته که این چنین پرسیتو عربستان را مخدوش و دولت رانزد جهان و رسانه‌ها پاسخگو کنند؟ در حدی که نتوانند از خود دفاع کنند؟ سومین موضوع نیز برمی‌گردد به پیشنهاد رشوه بن سلمان به دولت اردوغان برای سرپوش نهادن بر این موضوع که چند روز بعد از این حادثه معمایی، موضوع را پیچیده‌تر کرد.

آیا عقلانی است که بن سلمان چنین فرصت بزرگی را در اختیار اردوغان، رقیب منطقه‌ای خود قرار دهد تا مورد هجمه دولت ترکیه قرار گیرد؟ یکی از سوالات مطرح شده نیز موضع گیری آمریکا در برابر این موضوع است که اول استراتژی کاملاً نرم و در ادامه تهدیدات شدید برای عربستان در نظر گرفته است.

همچنین چرا روسیه در چند روز اخیر با پناهندگی همسر اول و فرزند خاشقچی در سفارت این کشور موافقت کرده و چرا این خانواده، روسیه را برای این پناهندگی انتخاب کرده‌اند و آمریکا را انتخاب نکردند؟ در نهایت چرا ایران با وجود کدورتی که با این کشور دارد، عکس‌العمل جدی در این مورد انجام نداده است؟ برای ورود به این موضوع و ریشه‌یابی اصل موضوع

نیاز به یک بیوگرافی کوتاه و سریع از این خبرنگار کشته شده داریم.

اصلیت جمال خاشقچی از تبار شاهزاده‌های عثمانی است که ساکن عربستان شده‌اند. این شخص، مشاور ترکی بن فیصل، رئیس سازمان اطلاعات عربستان بود که بعدها بن فیصل، سفیر عربستان در آمریکا شد. کار جنجالی جمال خاشقچی، مصاحبه با بن لادن بود که در نوع خودش کار دشواری بود. همچنین وی سردبیر روزنامه الوطن بود که هر چند زمان کوتاهی این سمت را برعهده داشت ولی در همان زمان کوتاه توانست با این سوال «که چرا روحانیون و متخصصین مذهبی در عربستان ثروتمند شده‌اند» حکومت عربستان را به چالش بکشد که در انتها باعث اخراج این خبرنگار از روزنامه نگاری شد. بعد از این موضوع ولید بن طلال، میلیاردر عربستانی برای خاشقچی یک فرستنده تلویزیونی در بحرین ایجاد کرد که این کار نیز سرانجامی نداشت. لذا در چند سال اخیر خاشقچی فقط توانست به عنوان ستون نویس روزنامه واشنگتن پست در این عرصه حضور داشته باشد و در مقالاتش نیز به نوع و روش حکومت بن سلمان اعتراض‌های جدی داشت و مقاله‌های انتقادی زیادی در این مورد نوشته بود.

با این مقدمه وارد جواب سوالات مطرح شده می‌شویم و با روش لایه به لایه به چندین حدس و فرضیه در موضوع خبرنگار مفقود شده می‌رسیم. در جواب اینکه چرا خاشقچی برای یک مدرک ساده چندین بار به سفارت عربستان مراجعه کرده می‌تواند فرض اصلی این باشد که با توجه به سابقه سیاسی جمال خاشقچی این مراجعه می‌تواند برای مورد دیگری باشد که در گمانه‌زنی اول، می‌تواند با سیاست‌های اجرایی اردوغان با بن سلمان در ارتباط باشد و این احساس خطر خاشقچی و تاکید به نامزدش در صورت خطر و اطلاع دادن به مشاوره اردوغان «یاسین آتکای» نیز دلیل این موضوع است. گمانه‌زنی در مورد این درخواست خاشقچی فراتر از مسائل شخصی وی است. در واقع این گمانه که ملاقات‌های پی‌درپی خاشقچی از سفارت عربستان در ترکیه به قصد، محقق نشده و دفعه آخر با یک تیم اعزامی از عربستان تنظیم شده و آخر ماجرا به مفقود شدن خاشقچی و تراژدی اخیر منتهی شد، به چهار علت می‌تواند درست باشد. اول چندین بار مراجعه خاشقچی به سفارت، دوم احساس خطر خاشقچی و تاکید به نامزدش برای اطلاع‌رسانی، سوم تاکید بر اطلاع دادن به مشاور اردوغان و چهارم نیز اعزام تیمی از عربستان برای ملاقات با خاشقچی. گمانه‌زنی درباره موضوع مورد بحث خاشقچی با آن تیم می‌تواند ارتباط با اردوغان باشد.

در دومین واکاوی این موضوع، پناهندگی همسر اول و فرزند خاشقچی بعد از مفقود شدن خاشقچی به سفارت روسیه در عربستان و تاکید ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه برای انتقال آنها به روسیه با اسکورت نظامی از عربستان و بلافاصله دادن پناهندگی سیاسی به آنها قابل بررسی است.

این در حالی است که این روزها در اخبار و تحلیل‌های موضوع خاشقچی اظهار نظر تصمیم‌گیران روسی اصلاً وجود ندارد.

گمانه‌زنی در این مورد می‌تواند یک نقشه روسی برای درگیر کردن متحد آمریکا و آشوب جدید در خاورمیانه باشد. به هدف بهره‌برداری مخفی نیات خود در خاورمیانه باشد.



می‌دانیم که عربستان در چند سال اخیر سعی دارد تمام معادلات خاورمیانه را با اهداف آمریکا هماهنگ سازد و موضوع مرگ جمال خاشقچی که در نقش خبرنگار و ستون نویس واشنگتن پست بود، می‌تواند تاثیر بسزایی در پیشبرد نقشه روسی در خاورمیانه و نگاه سیاه به عربستان به عنوان متحد آمریکا داشته باشد. مهمتر از این، تغییر بحث از ایران به عنوان متحد روسیه به عربستان به عنوان متحد آمریکا باشد.

طی هفته گذشته اخباری مبتنی بر قتل احمد خاشقچی، برادر جمال خاشقچی و همسرش در عربستان توسط نقابداران ناشناس منتشر شد. چرا این خانواده برای حکومت بن سلمان این قدر مهم است که این چنین شتابان عمل می‌کند و وجهه خود را در جهان سیاه نمایش می‌دهد؟

این گمانه‌زنی را این گونه می‌توان مطرح کرد که خاشقچی به عنوان یک صندوق اطلاعات بوده و احتمالاً این اطلاعات برای بن سلمان کلیدی است که این چنین خود را برای این مساله به خطر می‌اندازد و سعی دارد این اطلاعات را به هر قیمتی حفظ کرده و از هیچ کاری برای حفظ این موضوع ابا نندارد. در بحث بعدی عکس‌العمل آمریکا مدنظر است که در شروع استراتژی نرم و در ادامه به نگاه تند و تهدیدهایی علیه عربستان تبدیل شد.

باز به دو دلیل می‌توان به این مساله نگاه کرد؛ اول اینکه ترامپ به خاورمیانه و عربستان نگاه اقتصادی دارد و به رفتارهای عربستان در منطقه توجه چندانی ندارد. جنایاتی که در یمن توسط عربستان صورت می‌گیرد و آمریکا به آن بی‌توجه است، شاهد زنده این موضوع است که عملکرد عربستان در منطقه برای آمریکا در اولویت دوم قرار دارد. دلیل دوم این است که این روزها آمریکا بیش از حد در نقشه‌های پوتین و کلا نقشه‌های روسیه درگیر می‌شود و شاید در نقشه جمال خاشقچی نیز هنوز سردرگم



موضوع کاملاً موفق بوده است. با نزدیک شدن به زمان اجرایی شدن تحریم‌های ۱۳ آبان ایران توسط آمریکا، قدرت عربستان به عنوان رقیب ایران در خاورمیانه بیشتر می‌شود و عربستان سعی دارد با برجسته کردن موضوع تحریم‌های ایران، بن‌بست فکری برای ایران ایجاد کند و از این موضوع سیاسی به نفع خود در منطقه بهره‌برداری کند.

به دنبال بحران خاشقچی به نوعی اعتماد کشورهای منطقه حداقل در خصوص عربستان مخدوش شد که این امر می‌تواند یک موفقیت برای روسیه و یک فرصت برای ایران در کسب اعتماد اروپا و کشورهای منطقه باشد. چون در موضوع یمن نیز ایران با تکیه به خشونت عربستان در این کشور سعی داشت صدای این مردم را به جهانیان برساند که اکنون بحران خاشقچی به نوعی ایران را در وجهه موجه‌تری قرار داده است.

در آخرین گمانه‌زنی می‌توان گفت، نتیجه بحران خاشقچی با هر گمانه‌زنی به ضرر عربستان چه در کوتاه‌مدت و چه در طولانی مدت خواهد بود؛ ترامپ و تیم فکری او سعی دارند هم کنار این متحد قرار بگیرند و هم وجهه حقوق بشری خود را مخصوصاً در قبال قتل فجیع این خبرنگار حفظ کنند که کاری بسیار دشوار است. آمریکا در خاورمیانه پرستیژ خود را تا حدودی از دست داده که این موضوع یکی از اهداف روسیه نیز بوده است. ترکیه به عنوان کشوری فرصت طلب سعی دارد از این موضوع بیشترین بهره را ببرد و برای ایران نیز این یک فرصت برای ایده‌ها و آمال خود در خاورمیانه است. در بعد جهانی نیز سونامی این بحران می‌تواند یک تجدیدنظر جهانی را در نگاه به حقوق بشر و رفتار دولت‌ها در قبال روزنامه‌نگاران به همراه داشته باشد. این رفتار مسلماً در نقش خبرنگاری در بازگ کردن عقاید مردم و وادار کردن حکومت‌ها به پاسخگو کردن دولت‌ها در قبال خواست‌های مردم تاثیر خواهد گذاشت.

بحرین ایجاد کرده بود که هر چند هیچ وقت این کار شروع نشد اما به گمانه‌زنی‌های دیگری، در کشف این قتل کمک می‌کند. مبنی بر اینکه شاید تمام این موضوع، با هدف سیاه کردن کارنامه حقوق بشری بن سلمان و مخدوش کردن محبوبیت وی در جامعه داخلی عربستان باشد تا باریکه راهی برای تغییر این ولیعهد جنجال‌برانگیز این روزهای عربستان ایجاد شود.

جمع‌بندی

گمانه‌زنی‌های انجام شده در این تحلیل را می‌توان به این صورت به عنوان نتیجه‌گیری تقسیم‌بندی کرد. نتیجه اول که می‌تواند ساده‌ترین نتیجه هم باشد این است که درگیری جمال خاشقچی یک درگیری ساده و لفظی بوده که به مرگ این خبرنگار انجامیده و برای سرپوش گذاشتن و مخفی کردن این موضوع، به این اقدام ناشایسته که باعث خروج فجیع این جسد از سفارت شده، منتهی شده و این اقدام ناشایسته کل موضوع را وارد یک بازی پلیسی کرده است.

دومین گمانه‌زنی این است که خاشقچی اطلاعات کلیدی در مورد حکومت فعلی عربستان داشته و اردوغان نیز با آگاهی از آن سعی در گرفتن امتیاز از عربستان داشته است. لذا با اعزام تیمی از عربستان به ترکیه برای مذاکره با خاشقچی این موضوع قوت می‌گیرد که نتیجه کار یا مذاکره برای دریافت اطلاعات از خاشقچی و بعد خاتمه دادن به منبع اطلاعاتی با مرگ خاشقچی بوده یا اردوغان سعی دارد با داشتن این اطلاعات با مرگ خاشقچی نتیجه‌بازی را بعد از این مدیریت و مهندسی کند که گذشت زمان این موضوع را آشکار می‌کند. گمانه‌زنی بعدی نقشه روسی پوتین است که با درگیر کردن آمریکا در موضوع متحد کلیدی خود یعنی عربستان سعی دارد چشم جهانیان را از موضوع ایران به طرف عربستان برگرداند و باید گفت اگر این گمانه‌زنی درست باشد مسکو در این

است. مایک پمپئو و سفر اخیرش می‌تواند در راستای این مساله باشد. آمریکا برای حل مسائل در خاورمیانه سیاست دوگانه پیش می‌گیرد، یعنی با ابزار حقوق بشری وارد می‌شود ولی در نهان منافع اقتصادی و حفظ پرستیژ آمریکا را مدنظر دارد و از درگیر شدن در مسائل داخلی کشورها اجتناب و به توصیه اکتفا می‌کند. این روزها می‌بینیم که جز موضوع ایران، واشنگتن حضور کم‌رنکی در منطقه دارد.

در مورد خاشقچی هم آمریکا ابتدا سعی کرد از پرداختن به موضوع کناره‌گیری کند، ولی با درک عمق موضوع تازه سعی دارد وارد حل مساله شود که به نظر نویسندگان «زمان» که مهمترین مساله در حل بحران‌ها است، راز دست داده است. سوال بعدی اینکه، چرا ایران عکس‌العمل جدی نشان نداده است، در صورتی که در اعدام شیخ نمر، عکس‌العمل بسیار تندتری را از سوی تهران شاهد بودیم. در این مورد می‌توان گفت این عدم‌دخالت به نوعی سیاستمداران و هوشمندانه است. از دو نظر می‌توان به این مساله پرداخت؛ اول اینکه عربستان به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود و هر گفتار و رفتاری از سوی ایران در این خصوص می‌تواند سوء تعبیر و به ضرر ایران تمام شود، همچنین بهانه‌ای برای حکومت بدبین عربستان نسبت به ایران شود. دومین موضوع این است که ایران در حال حاضر درگیر موضوع تحریم‌های آمریکا است که از ۱۳ آبان به‌طور اصلی نفت ایران را به عنوان درآمد حیاتی کشور مورد هدف قرار می‌دهد. لذا حرکت هوشمندانه ایران در این عدم‌دخالت در مساله خاشقچی بسیار مهم است و اینکه این موضوع در حاشیه قرار گیرد به نفع ایران است.

سومین واکاوی در موضوع جمال خاشقچی، به رقابت داخلی شاهزادگان عربستانی با بن‌سلمان مربوط می‌شود. ولید بن طلال، میلیاردر عربستانی که در شروع حکومت بن‌سلمان با وی تنش‌های بسیاری داشت، در سال ۲۰۰۷ برای خاشقچی فرستنده تلویزیونی در



خاشقچی ندارد. البته ترامپ کمی برای سعودی‌ها کار هم چاق کرد و این طور ادامه داد که احتمالاً این کار عده‌ای خودسر بوده است! همان موقع‌ها بود که خبر رسید ترکیه هم اجازه ورود به کنسولگری سعودی در استانبول را یافته است. اگر سناریوی قتل و تکه تکه شدن خاشقچی درست باشد تا کنون چندین بار محل قتل را با اسید شسته‌اند تا مولکولی هم از نامبرده برجای نمانده باشد، با این حال می‌گویند که کارشناسان می‌توانند آثاری بیابند. در هر صورت نتیجه تحقیقات احتمالاً طولانی خواهد بود و تا اینجای کار واکنش اردوغان در برابر رقیب منطقه‌ای اش، محافظه کارانه، محتاطانه و البته موزانه بوده است. ترک‌ها از یک سو می‌گویند که موضوع را دقیق و موشکافانه چه از طریق دیپلماتیک و چه پلیسی و کار آگاهی پی می‌گیرند تا حقیقت روشن شود، بنابراین به طور رسمی از ایجاد بحران سیاسی و دیپلماتیک عمیق با ریاض احتراز می‌کنند. اما مدوما از منابع نامعلوم ترک اطلاعاتی به بیرون درز می‌کند که آتش به جان ریاض و روابطش با غرب می‌زند. تا الان این اطلاعات صرفاً خوراکی رسانه‌ها بوده و به طور رسمی قابل استناد نیست. اما آن قدر دهشتناک بوده و از جانب رسانه‌های مختلف پرنرنگ و پرتکرار شده که قدرت‌های اروپایی را ترغیب به نشان دادن شدیدترین واکنش‌ها در قیاس با سایرین کرده است. البته آن هم فعلاً از دعوی دیپلماتیک، محکومیت و تحریم کردن نشست اقتصادی عربستان فراتر نرفته است. از مجموع این کنش و واکنش‌ها آنچه را که در وهله نخست می‌توان دریافت این است که هر دو طرف به لبه خط قرمز رسیده‌اند: از زمانی که محمد بن سلمان به ولایت عهدی عربستان سعودی رسیده است، بی‌محابا رویه محافظه کارانه جاافتاده در سیاست‌خاندان سعودی رابه کناری نهاد روی به سیاست فعال و تهاجمی آورد. او عربستان را تحت حمایت آمریکا و اروپا به جنگ با حوثی‌ها در یمن کشاند که تا کنون تبعات سختی برای حامیان غربی این جنگ داشته و آنها مدوما باید پاسخگوی نقض حقوق بشر و جنایات جنگی سعودی‌ها در یمن باشند. سپس یک باره قطر، دیگر متحد منطقه‌ای غربی‌ها را تحریم همه‌جانبه کردند که باز موجب دردسر اروپا و آمریکا شد و آنها را وادار کرد که چندین بار بین دو حوضه ریاض پرواز کنند، بلکه بتوانند از عمق بحران بکاهند. اقدامات ریز و درشت دیگر که گل سرسبدشان آنچه بود که با نخست‌وزیر کشور مستقل دیگر یعنی لبنان کردند. در آن مساله هم امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، بار و باره نش را بست و راهی ریاض شد تا همچون معلمی مستاصل دست‌نوازش را روی سر شاگردش و شیطانش بکشد که از قضا پدر خیلی پول‌داری هم دارد. اما حالا برای همه مشخص شده است که مماشات با این ولیعهد نپخته تنها راه اجری‌تر کرده، تا آنجا که او این توان را در خود می‌بیند که به راحتی هر آنچه می‌خواهد بکند و به جای پاسخگویی، جهان را تهدید نفتی کند. اکنون چگونگی مواجهه با این دردسر به مساله‌ای غامض برای تمام متحدین عربستان بدل شده است. تا اینجای کار خوانش نیت دولت‌های غربی دشوار نیست. حتی اگر تحقیقات ترک‌ها به این ختم شود که خاشقچی در داخل کنسولگری کشته شده، تکه تکه شده و در جایی معدوم شده و بقایایش نیز پیدا شده است (که چنین نخواهد شد و احتمالاً ترک‌ها اعلام می‌کنند چیز مشکوکی نیافته‌اند یا اگر یافته‌اند قابل واکاوی بیشتر نیست) و واکنش‌ها به آن از حد لفاظی کوتاه‌مدت پیش‌تر نخواهد رفت. برخی بر این تاکیدی می‌کنند که بیشترین هزینه برای سعودی خدشه‌دیدن پرستیژ جهانی‌اش خواهد بود اما واقعاً برای کشوری که هنوز در قرن بیست و یکم در آن سر و دست و پا قطع می‌شود و زناش شهرت درجه دو نیز محسوب نمی‌شوند و بسیاری موارد بارز دیگر، آیا این مساله اهمیتی دارد؟ می‌توان به صراحت گفت که فعلاً و تا اطلاع ثانوی در انتخاب میان «نفت یا آزادی بیان» همه آن چگال‌تر سیاه‌تر بدبوتر را برمی‌گزینند.

نفت یا آزادی بیان؟

درباره اینکه ترکیه چه سیاستی را در مقابل سعودی اتخاذ کرده است

جواد قربانی آتانی

کارشناس مسائل سیاسی



عبدالعزیز بن عبدالرحمان موسس پادشاهی سعودی هستند. به سختی کسی توان نفوذ به داخل این حلقه را دارد. کسی که نفوذ کرد معمولاً به میل خود خارج نمی‌شود، کسی که اخراج شود به سختی می‌تواند از مملکت خارج شود و اگر اخراج شود مهر سکوت از دهان بردارد، سرنوشتی مشابه چندین شاهزاده سعودی پیدای می‌کند که تاکنون از کشورهای مختلف ربوده شده و از سرنوشت عده آنها خبری در دست نیست. اما چرا این همه در سکوت برگزار شد و صدایی از کسی برنیامد تا آنجا که جسارت دزدیدن نخست‌وزیر کشوری را به خود دادند ولی قتل این یکی که حداقل ظاهراً روزنامه‌نگاری ساده بود تا این حد جنجال به پا کرد و تا مرز بحران دیپلماتیک پیش رفت؟ چون این بار سعودی‌ها به معنای واقعی کلمه به دنیا نشان دادند که علی‌رغم اتحاد و روابط گسترده‌ای که با کشورهای غربی دارند، هیچ سختی با ارزش‌ها و شعارهای آنها ندارند. کشورهای غربی این بار در برابر این سوال در اذهان عمومی قرار گرفتند که کدام مهم‌تر است: نفت یا آزادی بیان؟ و دیدیم که جنجال تنها از کشورهایی برخاست که خواستند بگویند آزادی بیان و حق شهروندی مهم‌تر است. بنابراین بسیاری از خبرگزاری‌ها، شرکت‌ها و برخی از مسئولان اروپایی و آمریکایی در اقدام تنبیهی، نخست‌علیه سعودی‌ها اعلام کردند که در اجلاس اقتصادی که قرار است به زودی در عربستان برگزار شود و به داووس کویر معروف شده، شرکت نخواهند کرد. رئیس‌جمهور آمریکا که در مواجهه با موج شدید اولیه اعتراض‌ها و محکومیت‌ها کمی جا خورده بود، از دهانش پرید که سعودی باید منتظر تنبیه سختی از جانب آمریکا باشد، اما بعد که سعودی‌ها صحبت از واکنش سخت‌تر کردند (مثلاً کاهش تولید نفت که باعث افزایش قیمت خواهد شد) بلافاصله واکنش‌گتن از لفظ هم‌عقب کشید و گفت که با پادشاه سعودی صحبت کرده و او قاطعانه اطمینان داده که هیچ اطلاعاتی از سرنوشت

حدوداً یک سال پیش بود که استعفا و میهمانی اجباری سعد حیرری، نخست‌وزیر لبنان، در عربستان سعودی موجب جنجال رسانه‌ای، سیاسی و دیپلماتیک بزرگی در دنیا شد. حالاً ریاض مجدداً همان‌جاست و گویی در وضعیتی کمی بدتر برای آنچه سعودی‌ها با فردی انجام داده‌اند که به لحاظ موقعیت با حریری قابل مقایسه نیست و ظاهراً هیچ سمت رسمی هم نداشته است. جمال خاشقچی، روزنامه‌نگاری شناخته شده بود (دشوار بتوان از فعل «است» استفاده کرد) و علاوه بر ستون نویسی ثابت در واشنگتن پست، مدام از این شبکه به شبکه دیگری می‌رفت تا درباره عربستان و ولیعهد نپخته‌اش مورد مصاحبه قرار گیرد. آن طور هم که از اغلب تحلیل‌ها برمی‌آید، خاشقچی آن قدر این طرف و آن طرف پرید و روی نپختگی ولیعهد حساب نکرد که عاقبت خود را در چنگال او دید و دیگر چیزی ندید. اما بعید است خاشقچی صرفاً به علت روزنامه‌چی بودن به قتل رسیده باشد. او سال‌ها با حلقه‌های داخلی قدرت و اشخاص متنفذ در تماس بوده و گهگاه ماموریت‌هایی آشکار و پنهانی هم برعهده گرفته بود که گفته می‌شود از جمله آنها ایجاد خطوط ارتباطی با این‌لادن بوده است. همین روابط هم بوده که او را به میهمانی مطبوع برای مطبوعات و رسانه‌ها تبدیل کرده بود که نه صرفاً به عنوان تحلیلگر که به عنوان مطلع در مورد سعودی‌ها سخن بگوید. اهمیت این اطلاع نیز در آن است که همان طور که به سادگی از نام مسئولان سعودی می‌توان دریافت، اکثریت قریب به اتفاق مسئولان رده‌بالای سیاسی از فرزندان، نوادگان یا خویشان درجه یک



حقوق بشر یا تجارت؟

ترامپ با وجود فشارهای داخلی نمی خواهد روابط با سعودی را کاهش دهد



احمد معنوی

کارشناس مسائل بین الملل

خبر ناپدید شدن و قتل جمال خاشقچی، روزنامه نگار عربستانی ترک تبار، در کنسولگری ترکیه چند روزی است که خواب را بر سلاطین سعودی آشفته کرده و محور سه گانه ترکیه، آمریکا و عربستان را در صدر اخبار قرار داده است؛ حال پرسش این است که خاشقچی کیست و چرا حائز اهمیت است؟

جمال خاشقچی مشاور سابق دولت عربستان بود که سال گذشته پس از انتقادهای تند از سیاستهای «محمد بن سلمان»، ولیعهد این کشور و به خاطر نگرانی از بازداشت خود، به آمریکا نقل مکان کرد. وی پس از حضور در آمریکا شروع به نوشتن مقاله‌های انتقادآمیز برای روزنامه واشنگتن پست کرد. نگاهی به نوشته‌های او به خوبی بیان می‌کند که چرا خاشقچی باید هدف ترور و قتل از پیش طراحی شده حکومت آل سعود قرار می‌گرفت.

ماجرای زمانی شروع شد که جمال خاشقچی دو هفته پیش برای انجام کارهای مربوط به مدارکش وارد کنسولگری عربستان در استانبول شد و به گفته نامزدش که منتظر او بوده، دیگر از ساختمان بیرون نیامده است اما مقامات سعودی ادعا کرده‌اند که این نویسنده از کنسولگری خارج شده است، در حالی که این ادعای سعودی‌ها توسط رسانه‌های ترکیه رد شده و رسانه‌های ترکیه گزارش‌هایی مبنی بر به قتل رسیدن و تکه تکه شدن جسد او در کنسولگری عربستان منتشر کرده‌اند. همچنین دولت ترکیه بر این باور است که او در داخل ساختمان کنسولگری کشته و جسدش مثله شده است. این اتفاق موجی از واکنش‌ها را در قبال سیاست‌های سرکوب گرایانه محمد بن سلمان، ولیعهد جوان و ماجراجوی عربستان به دنبال داشته است؛ ولیعهدی که هیچ‌گونه انتقادی را علیه سیاست‌هایش بر نمی‌تابد و به بدترین شکل ممکن به هرگونه انتقادی واکنش نشان می‌دهد. توطئه کشتن جمال خاشقچی نشان‌دهنده اقدامات و سیاست وحشیانه‌ای است که ریاض برای ساکت کردن افراد جدانشده از نظام این کشور و ترساندن تمام مخالفان در پیش گرفته و اکنون آنچه در این یادداشت قابل بررسی است نوع برخورد هم‌پیمان استراتژیک عربستان یعنی دولت ایالات متحده آمریکا نسبت به این مساله است. ایالات متحده آمریکا هر چند دیر هنگام، اما سرانجام به خبر قتل این روزنامه نگار واکنش نشان داد؛ به طوری که یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که واشنگتن نمی‌تواند این خبر را مورد تایید قرار دهد و از طرفی، شماری از نمایندگان مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا نیز ضمن ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت جمال خاشقچی، خواستار پاسخ روشن عربستان شدند.

اکنون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که روابط گسترده و نزدیکی با عربستان دارد، پس از ناپدید شدن خاشقچی با فشارهای داخلی و بین‌المللی زیادی برای کمک به کشف آنچه بر این روزنامه نگار گذشته، روبرو شده است. مقامات آمریکا همچنین خواستار آن هستند که اگر تحقیقات در این پرونده حاکی از قتل خاشقچی به دست عربستان بود، ترامپ سیاست‌هایی را با هدف مجازات مقامات سعودی در پیش بگیرد. ضمن اینکه قانون گذاران آمریکایی گفته‌اند که

سناریوی دوم

فشار اقتصادی بر عربستان در صورت تایید قتل و در نتیجه تضعیف سیاست‌های اصلاحی محمد بن سلمان

هر چند محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی هفته گذشته در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی مدعی شده بود که خاشقچی مدت کوتاهی بعد از آنکه وارد کنسولگری عربستان سعودی در استانبول شده از آنجا خارج شده است اما گزارش‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا نشان می‌دهد که مقام‌های ارشد دولت سعودی از جمله محمد بن سلمان در ناپدید شدن خاشقچی دست داشته‌اند. اکنون با بازرسی‌های انجام گرفته توسط دو تیم بازرسی سعودی و ترکیه از ساختمان کنسولگری عربستان در استانبول یک منبع آگاه در دادستانی ترکیه نوشته است که تیم بازرسی ترکیه به شواهدی در کنسولگری دست یافته است که فرضیه قتل خاشقچی را تایید می‌کند. گرچه تلاش شده شواهد و مدارک قتل، حذف شود. سی‌ان‌ان هم به نقل از منابع آگاه گزارش داد: «دولت ریاض در حال آماده‌شدن برای پذیرش مرگ خاشقچی است.» بر این اساس، دولت سعودی احتمالاً در بیانیه‌ای، مرگ او را در نتیجه بروز خطا هنگام بازجویی از او در محل کنسولگری اعلام خواهد کرد و اینکه بازجویان بدون داشتن مجوز، دست به این اقدام زده‌اند و با آنها برخورد خواهد شد. بنابراین در این شرایط به احتمال زیاد شاهد اعلام بیانیه‌هایی از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا علیه اقدام سعودی‌ها و برخی رفتارهای مقابله‌ای از جمله تحریم کوتاه‌مدت عربستان در حوزه‌های اقتصادی خواهیم بود که نمونه آن تحریم کنفرانس تجاری ریاض شد. این حرکت در فضای داخلی عربستان نیز منجر به تضعیف جناح وابسته به بن سلمان شده و مقاومت‌هایی را در برابر اهداف او در آینده به دنبال خواهد داشت؛ ضمن اینکه رقبای او نیز زمینه را مساعد دیده و شاهد افزایش رفتارهای مخالفان وی خواهیم بود.

همچنین رسانه‌های خبری از جمله بلومبرگ، سی‌ان‌بی‌سی، فایننشال تایمز و نیویورک تایمز اعلام کرده‌اند که به عنوان حامی مالی در این کنفرانس تجاری ریاض شرکت نخواهند کرد. شخصیت‌های رسانه‌ای نیز که قرار بود در این کنفرانس شرکت کنند، انصراف خود را اعلام کرده‌اند. تعدادی از سرمایه‌داران، شرکت‌ها و رسانه‌های غربی نیز اعلام کرده‌اند که در کنفرانس «ابتکار سرمایه گذاری آینده» شرکت نخواهند کرد. حتی واکنش و تحریم‌هایی در این سطح نیز بن سلمان را که در خصوص مسائل دیگری نیز تاکنون مورد حمله قرار گرفته در موقعیت متزلزلی قرار خواهد داد اما مساله مهم این است که این واکنش‌ها تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد و آیا با گذشت زمان مساله قتل خاشقچی و عواملان آن به فراموشی سپرده خواهد شد؟

در صورت اثبات اتهام عربستان در مورد خاشقچی، واشنگتن باید فروش تسلیحات به ریاض را متوقف کند. ترامپ اما مخالف سرسخت این اقدام است. او در کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «من در واقع فکر می‌کنم اگر فروش‌های نظامی را متوقف کنیم، خودمان را مجازات کرده‌ایم.» دولت او سفارشی ۱۱۰ میلیارد دلاری برای تامین تجهیزات نظامی از عربستان گرفته و این قرارداد با تعهدات سعودی‌ها برای سرمایه‌گذاری‌های سنگین در آمریکا همراه است که صدها هزار فرصت شغلی در آمریکا ایجاد می‌کند. ترامپ گفته است که احتمالاً این هفته با ملک سلمان، پادشاه سعودی صحبت می‌کند «زیرا درخور آن هستم که از او پرسم چه خبر است.» او در این راستا وزیر امور خارجه خود را برای بررسی شرایط و تصمیم‌گیری مناسب به عربستان فرستاد.

با این رفتارها برخی اعتقاد دارند واکنش سرد و احتیاط‌آمیز دولت ترامپ نسبت به ترور نشان می‌دهد که ایالات متحده تلاش می‌کند از شدت جنجال رسانه‌ای علیه شریک عربستانی‌اش بکاهد و حتی ممکن است این رفتار نشان دهد که مقامات آمریکایی از طرح ترور خاشقچی توسط ریاض خیر داشته‌اند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی از زمان به قدرت رسیدن ترامپ روابط بسیار نزدیکی داشته‌اند. با این حال ترامپ طی هفته جاری هشدار داده است که اگر مشخص شود ریاض در قتل خاشقچی دست داشته است، با مجازات شدیدی روبرو خواهد شد. اما در این شرایط باید دید با حضور وزیر امور خارجه آمریکا در عربستان که به نمایندگی از ترامپ برای بررسی شرایط پیش آمده به این کشور سفر کرده است، چه شرایطی بین دو کشور محتمل خواهد بود؟

سناریوی اول

کاهش فروش تسلیحات در صورت اثبات قتل

بسیاری از نمایندگان کنگره و سنا خواستار توقف فروش تسلیحات به عربستان شده‌اند؛ گرچه ترامپ ناپدید شدن خاشقچی را «یک اتفاق بد» ارزیابی کرده و قول داده است تا آن را پیگیری کند ولی رئیس‌جمهور آمریکا هفته گذشته اعلام کرد که روابط واشنگتن و ریاض عالی است و همان طور که در بالا اشاره شد حاضر به صحبت درباره اعمال تحریم‌ها و توقف فروش سلاح به عربستان سعودی نخواهد شد.



موقعیت شکننده ولیعهد

آیا تمسک به عوامل خودسر، بن سلمان را نجات می دهد؟

حسن هانی زاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



جمال خاشقچی یکی از روزنامه نگاران برجسته اصلاح طلب سعودی است که سال ها با عنوان مشاور رسانه ای ملک عبدالله، پادشاه سابق عربستان فعالیت داشت. خاشقچی یکی از بازماندگان شاهزادگان عثمانی در دوران حاکمیت امپراتوری عثمانی در جهان عرب تلقی می شود. وی که ۵۹ سال سن داشت دارای تابعیت آمریکایی بود و یکی از چهره های رسانه ای شناخته شده در ایالات متحده آمریکا به شمار می رفت. ربایش این روزنامه نگار سعودی توسط کنسولگری عربستان در استانبول و سپس قتل دردناک وی با اشاره مستقیم محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان صورت گرفته است. قتل فجیع جمال خاشقچی، یکی از جنایات بی سابقه تاریخ بشریت محسوب می شود زیرا تا کنون چنین موردی اتفاق نیفتاده که یک شهروند توسط کنسولگری کشورش ربوده و با این شیوه دردناک به قتل برسد. این جنایت، شرایط جدیدی برای عربستان سعودی به وجود خواهد آورد و احتمالاً مشکلاتی را بر سر راه بقای این رژیم و به خصوص پادشاهی بن سلمان ایجاد خواهد کرد.

همچنین ربایش جمال خاشقچی، قتل احتمالی و مثله کردن او در کنسولگری عربستان در استانبول، در حقیقت جامعه جهانی را در برابر یک فرآیند جدیدی از تروریسم دیپلماسی قرار داده است. عربستان سعودی به عنوان یک کشور عامل تروریسم در جهان، اکنون به این سمت و سو حرکت کرده که از سفارتخانه های خودش برای تعقیب مخالفین سیاست های محمد بن سلمان استفاده می کند.

این حادثه دلخراش وجدان جامعه جهانی را به شدت تکان داد و هم آمریکا که حامی عربستان است و هم محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان در برابر یک موضع بسیار دردناک و شکننده قرار گرفتند و جامعه جهانی به شدت دنبال این هستند تا به این نتیجه برسند که سرنوشت جمال خاشقچی به کجا ختم شده است.

با این تفاسیر به نظر می رسد که عمر سیاسی عربستان با این قتل دردناک که محمد بن سلمان مرتکب شده است، رو به نابودی و به پایان رسیده و به همین دلیل احتمالاً علی رغم دلارهای نفتی عربستان و پمپاژ این دلارها برای خرید افکار عمومی و نهادهای بین المللی، عربستان نخواهد توانست در مقابل فشارهای افکار عمومی دوام بیاورد.

امروز بشریت در مقابل یک جنایت بیچیده هولناک قرار گرفته است که عواقب آن دامنه ولیعهد عربستان را خواهد گرفت. در حال حاضر شرایط عربستان شرایط بسیار شکننده ای در منطقه است؛ به گونه ای که حتی در مسئله پرونده تجاوز عربستان به یمن و ربودن سعد حریری چنین فشار و شرایطی سختی بر ریاض وارد نشده بود. در این مدت تنها شاهد آن بودیم که امارات و بحرین به حمایت از بن سلمان پرداختند و دیگر کشورها پیگیر سرنوشت خاشقچی هستند.

در این میان برآیند گزارش ها نشان می دهد که از مدت ها پیش محمد بن سلمان، ولیعهد

عربستان سعودی قتل جمال خاشقچی را در دستور کار خود قرار داده بود. اما از آنجایی که جمال خاشقچی در طول دو سال گذشته در ایالات متحده زندگی می کرد، لذا عربستان نمی توانست اقدامی علیه این روزنامه نگار سعودی-آمریکایی-ترکی تبار انجام دهد. بنابراین با ورود خاشقچی به ترکیه، محمد بن سلمان یک تیم ۱۵ نفره را برای قتل وی به استانبول اعزام کرد. طبیعی است اکنون عربستان در برابر یک چالش سیاسی بزرگ قرار گرفته که حتی رئیس جمهور آمریکا نمی تواند محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان را از این خطر جدی نجات دهد. سناریوی پیش رو این است که محمد بن سلمان در آینده نزدیک بیانه ای صادر کند مبنی بر اینکه قتل جمال خاشقچی توسط عوامل خودسر صورت گرفته و این امر ارتباطی با دولت عربستان ندارد.

آمریکا نیز تلاش خواهد کرد تا انگشت اتهام را مستقیماً متوجه کارکنان کنسولگری عربستان در استانبول کند. به نظر می رسد که حتی اگر این سناریو نیز مطرح شود، افکار عمومی همچنان در صدد فشار به آمریکا برای تحریم عربستان خواهد بود. اگرچه دونالد ترامپ رسماً اعلام کرده که آمریکا به دلیل کشته شدن یک شهروند سعودی سطح روابط خود را با ریاض کاهش نخواهد داد، اما برخی از سناتورهای جمهوریخواه و دموکرات به شدت در پی تحریم عربستان گام برخواهند داشت.

درحقیقت روابط آینده آمریکا و عربستان را باید در دو حوزه رسمی و غیررسمی مورد ارزیابی قرار داد. در حوزه رسمی طبیعی است که ترامپ تلاش خواهد کرد تا روابط خود را با عربستان در سطح عالی نگه دارد. نشست مشترک مقامات سعودی و آمریکایی نشان می دهد که واشنگتن در صدد کاهش پیامدهای ناشی از قتل جمال خاشقچی بر روابط آمریکا و عربستان خواهد بود. اما در حوزه غیررسمی نهادهای مختلف آمریکایی تلاش خواهند کرد تا آمریکا را برای اعمال تحریم های سنگین علیه عربستان سعودی تحت فشار قرار دهند. همانطور که اشاره شد، سناتورهای آمریکایی تهدید

کرده اند که اگر دونالد ترامپ اقدامی علیه عربستان انجام ندهد، آنها در سطح گسترده ای دست به افشاگری خواهند زد. اما به نظر می آید رئیس جمهور آمریکا در حدی توان دارد که سناریوی نخست را پیش ببرد.

باید توجه داشت از آنجایی که ترامپ نگاهی کاملاً تاجرمانانه به عربستان دارد، لذا تلاش می کند تا از طریق باج خواهی بیشتر از ریاض، دلارهای نفتی عربستان را به سوی خزانه داری آمریکا سرازیر کند. ترامپ در طول ماه های اخیر به دلیل حمایت گسترده از عربستان ثابت کرده که اهمیتی برای حقوق بشر و مسائل انسانی قائل نیست، بلکه ترجیح می دهد که همکاری های اقتصادی و تسلیحاتی خود را با عربستان حفظ کند. نمونه دیگری که در رابطه با این رفتارها و سیاست ها قابل طرح است، مسئله قتل رفیق حریری، نخست وزیر اسبق لبنان است که در سال ۲۰۰۵ به طرز مرموزی در بیروت اتفاق افتاد. علیرغم آنکه دادگاهی برای بررسی پرونده قتل رفیق الحریری تشکیل شد اما این دادگاه با گذشت ۱۳ سال نتوانسته عاملان ترور رفیق الحریری را شناسایی و محاکمه کند. بنابراین احتمالاً پرونده قتل خاشقچی نیز مشمول زمان خواهد شد و آمریکا فقط یک تیم تحقیقاتی مشترک با عربستان برای آرام کردن افکار عمومی تشکیل خواهد داد که به مرور زمان حوادث جدید منطقه ای و جهانی این پرونده را تحت الشعاع قرار خواهد داد. به بیان دیگر تمام تلاش آمریکا مخصوصاً دونالد ترامپ که یک روابط گسترده تجاری، اقتصادی و مالی با عربستان دارد، این است که پرونده قتل خاشقچی به طول بینجامد و ماه ها و سال ها ادامه پیدا کند و همچنان تحقیقات چیزی را مشخص نکند؛ یعنی این پرونده در گردش زمان به تدریج از ذهن ها پاک شود. سیاست آمریکا این است که سعی کند با یک جریان سازی جدید در منطقه مسئله خاشقچی به بوته فراموشی سپرده شود و در مقابل آن پول کلانی از عربستان دریافت کند.

بنابراین آمریکا سعی خواهد کرد تا روابط خود را با عربستان حفظ کند اما اکنون ریاض به شدت از سوی افکار عمومی آمریکا و غرب محکوم شده است. همچنین بسیاری از شاهزادگان سعودی به شدت رفتار سیاسی محمد بن سلمان را محکوم کرده اند و این امر نشان می دهد که عربستان سعودی در آستانه یک تحول سیاسی مهم قرار گرفته است و به همین دلیل آمریکا در تلاش برای نجات متحد خود است.

در رابطه با چرایی و انگش آمریکا و ترکیه نسبت به مسئله خاشقچی باید گفت به دلیل اینکه جمال خاشقچی دارای تابعیت آمریکایی است لذا مورد حمایت نخبگان آمریکایی قرار دارد. اما به عنوان مثال در مسئله یمن که جنایت گسترده بشری در حال رخ دادن است چون آمریکا شریک جنایات عربستان در یمن است، در آن رابطه انتقادی را مطرح نمی کند. همچنین از آنجایی که خاشقچی توسط کنسولگری عربستان در استانبول ربوده شده لذا ترکیه این اقدام را نقض حاکمیت این کشور تلقی کرده و به همین دلیل رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه شخصاً موضوع قتل جمال خاشقچی را دنبال می کند. در عین حال این گمانه نیز مطرح است که ترکیه در آینده نزدیک با دریافت مشوق های مالی از سوی عربستان سعی کند که مسئله قتل جمال خاشقچی به مرور زمان به بوته فراموشی سپرده شود. همچنانکه گزارش ها حاکی از آن است که عربستان سعودی به ترکیه پیشنهاد کرده که در مقابل دریافت ۵ میلیارد دلار، این پرونده قتل را مختومه اعلام کند. لذا ترکیه هم اهمیت زیادی برای شخص خاشقچی قائل نیست بلکه سعی می کند از طریق جریان سازی علیه عربستان به نوعی یک باج عربستان بگیرد.



واشنگتن در دوراهی

توسل ترامپ به اهرم دیپلماتیک در برابر جنایت سعودی‌ها

جعفر قنابدانی

کارشناس مسائل خاورمیانه



سروشست هونلاک جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار مشهور سعودی و نشانه رفتن انگشت اتهام به سمت عوامل محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی که چندین باری هدف انتقادات خاشقچی قرار گرفته بود، این روزها ولیعهد سعودی را در وضعیت بسیار بغرنجی قرار است. این در حالی است که هنوز مشخص نیست بعد از ورود خاشقچی به کنسولگری عربستان سعودی چه اتفاقی برای این شخص افتاده است.

در این میان آمریکا، متحد سعودی نیز سیاست دوگانه‌ای را در قبال مساله قتل خاشقچی دنبال می‌کند؛ از یک سو دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا تهدید کرده در صورت ثابت شدن نقش عربستان در ناپدید شدن جمال خاشقچی، آمریکا مجازات‌های سختی را علیه ریاض اعمال می‌کند؛ از دیگر سو هفته گذشته مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا طی سفری ناگهانی و شتابزده ابتدا به عربستان و سپس به ترکیه رفت که این سفرها به خودی خود نشان‌دهنده کوشش‌های آمریکا برای جلوگیری از گسترده تر شدن دامنه ماجرای قتل جمال خاشقچی است؛ سفری که بدون برنامه‌ریزی و بدون مقدمه انجام گرفته و از این جهت، از یک طرف بیانگر نگرانی‌های شدیدی است که در واشنگتن به وجود آمده و از سوی دیگر نشان‌دهنده شکنندگی جدی در روابط اقتصادی میان آمریکا و عربستان است.

روشن است چنانچه آمریکا درصدد برخورد جدی و قانونی با ماجرای قتل خاشقچی بر آمده بود، به اهرم دیپلماتیک متوسل نمی‌شد، بلکه طبق روال معمول، سفیر عربستان در آمریکا را احضار کرده و اعتراض خود را نسبت به چنین امری بیان می‌کرد. لذا اعزام وزیر خارجه آمریکا به ریاض به خوبی نشان می‌دهد که شخص ترامپ و همکاران وی در دولت آمریکا درصدد یافتن راه‌هایی بر سرپوش گذاشتن بر ماجرای قتل خاشقچی آن هم با هدف حفظ روابط موجود میان واشنگتن و ریاض هستند و به‌ویژه تلاش دارند تا قرارداد بزرگ تسلیحاتی که بهار سال گذشته میان دو کشور امضا شد و «بزرگترین قرارداد تسلیحاتی تاریخ» نام گرفت، لغو نشود. در واقع چنین تلاشی نشان‌دهنده نیاز شدید ترامپ و حزب جمهوریخواه آمریکا به حفظ این قرارداد، به خصوص در آستانه برگزاری انتخابات میان دوره‌ای در آمریکا است زیرا هرگونه خدشه‌ای به این قرارداد مهم تسلیحاتی، نه تنها به معنی عدم تحقق بخشی از برنامه‌های اقتصادی ترامپ و جمهوریخواهان خواهد بود، بلکه به عنوان شکست آنها در عرصه سیاست خارجی تلقی خواهد شد. جالب آنکه در مقابل نیز رژیم سعودی به ادامه و حفظ چنین قراردادی به شدت محتاج است و حتی حیات سیاسی خود را نیز در گرو حفظ و استمرار اجرای این قرارداد می‌داند.

در حقیقت بر این اساس است که کارشناسان سیاسی و تحلیلگران مسائل بین‌المللی، سفر وزیر امور خارجه آمریکا به عربستان و ترکیه را سفری بسیار مهم و حساس توصیف کردند؛ سفر یا مأموریتی که به گفته آنها، به تبحر و مهارت بسیار زیادی نیاز داشت و این دقیقاً همان چیزی بود که مایک پمپئو به علت

سوابقش در سازمان سیا فاقد آن است. البته با توجه به ابعاد جنایی ماجرای که وی وظیفه سرپوش گذاشتن بر آن را دارد، سوابق وی در سازمان سیا شاید بتواند او را در انجام مأموریتش یاری رساند؛ مأموریتی که البته با موانعی بسیار جدی روبه‌روست و از این لحاظ، در به سرانجام رسیدن آن تردیدهای فراوانی وجود دارد.

این در حالی است که هم ریاض و هم واشنگتن نگران وجود موانع متعددی هستند که در این مسیر وجود دارد و مانع از آن خواهد شد تا طرفین بتوانند بر ماجرای قتل خاشقچی سرپوش گذاشته و آن را به رویدادی فراموش شده تبدیل کنند؛ مانع نخست در تحقق اهداف سفر وزیر امور خارجه آمریکا، دست‌اندرکاران مطبوعات و رسانه‌های گروهی در غرب، به ویژه در آمریکا هستند که به دلیل مشغولیت‌های خاشقچی در این عرصه، وی را از همکاران خود می‌دانند و از این لحاظ خواستار روشن شدن واقعیات مربوط به قتل او و پیگردهای قضایی مربوط به آن، در این ماجرا هستند.

این در حالی است این دست‌اندرکاران رسانه‌ای بنا به تجارب گذشته، این توانایی را نیز دارند که بسیاری از تلاش‌های واشنگتن را برای کتمان واقعیت‌ها خنثی کرده و مسیر پیگردهای قضایی را هموار کنند. در واقع جایگاه رسانه‌ای جمال خاشقچی در نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های مشهور آمریکایی به ویژه واشنگتن پست سبب شده تا هرگونه امکانی برای اهمال‌رزی در این زمینه از میان برود و دولت آمریکا نتواند از جنایات ریاض چشم‌پوشی کند.

و اما مانع دوم در راه مأموریت مایک پمپئو، به رقبای غربی آمریکا بازمی‌گردد که از ابتدای انعقاد قرارداد تسلیحاتی سال ۲۰۱۷ آمریکا با عربستان، خواستار لغو آن بوده و وجود چنین قراردادی را مانع از ادامه معاملات پرسود و سنتی خود با عربستان می‌دانند. به عبارت دیگر هر یک از شرکای نفتی اروپایی عربستان که هر سال درآمد هنگفتی را از فروش تسلیحات به این کشور به دست می‌آوردند، خواستار سرپوش گذاشتن بر ماجرای قتل خاشقچی نیستند و از این نظر، به‌طور پنهانی می‌کوشند تا این ماجرا به لغو قرارداد بزرگ تسلیحاتی آمریکا و عربستان بینجامد.

اما مساله‌ای که در این میان واشنگتن و ریاض نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند مناسبات دوجانبه به خصوص در عرصه اقتصادی است؛ لذا هرگونه اتفاق و رویدادی را که چنین روابط پرچمی را کاهش دهد به زیان خود و توقف بسیاری از برنامه‌های خود می‌دانند. از این رو شخص ترامپ در برقراری و انعقاد پیمان‌های تسلیحاتی و نفتی با عربستان وارد قمار بزرگی شده که توقف این روابط،

او را به بازنده بزرگی تبدیل خواهد کرد. همچنان که پادشاه سعودی و به‌ویژه ولیعهد او نیز اغلب برنامه‌های اقتصادی و سیاسی خود را به روابط اقتصادی با آمریکا و حمایت‌های واشنگتن منوط کرده‌اند. لذا چنانچه دولت آمریکا ناگزیر شود تا در اثر فشارهای ناشی از اجرای قانون و همچنین فشارهای برخاسته از دست‌اندرکاران مطبوعات و افکار عمومی در میزان روابط فعلی‌اش با عربستان تجدیدنظر کرده یا به اعمال مجازات‌هایی علیه ریاض مبادرت کند قاعدتاً زیان‌های غیرقابل جبرانی را از این ناحیه شاهد خواهد بود.

محمد بن سلمان نیز در این شرایط، ضربات پیش‌بینی‌نشده‌ای را تجربه خواهد کرد. در نتیجه بعضاً گفته می‌شود دولت ترامپ به منظور رهایی از چنین شرایطی درصدد یافتن راه‌های گریزی است که از جمله آنها توجیه این جنایت همزمان و به موازات باج‌گیری از ریاض خواهد بود. در این رابطه برخی از رسانه‌ها از زدوبندهای پشت پرده عربستان با واشنگتن و همچنین با دولت ترکیه سخن گفته‌اند و حتی احتمال باج‌گیری دولت آنکارا از ریاض نیز مطرح شده است.

به هر ترتیب هم دولت آمریکا و هم دولت عربستان شرایط پیش‌بینی‌نشده‌ای را تجربه می‌کنند که ممکن است تداوم و استمرار آن به هر صورت که باشد زیان‌ها و ضررهای بزرگی را به هر دو رژیم وارد کند. یکی از این احتمالات ورود ضربه‌های سنگین به برنامه‌های سیاسی و فرهنگی بن سلمان، ولیعهد عربستان است که از جمله پیامدهای هرگونه زیان اقتصادی خواهد بود. چرا که هر نوع خلی در معاملات اقتصادی آمریکا و عربستان و عوارض ناشی از آن بر کلیه برنامه‌های راهبردی این کشور سایه می‌اندازد. به‌گونه‌ای که حتی برخی از تحلیلگران از احتمال برکناری بن سلمان و یا کناره‌گیری او از قدرت سخن گفته‌اند.

این در حالی است که در حال حاضر نیز واکنش‌های گسترده ناشی از این جنایت، عربستان را آماج انتقادات افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی قرار داده و شرایط بسیار دشواری را برای مقامات ریاض در سطوح مختلف ایجاد کرده است.

شاید هیچ‌گاه مقامات عربستان سعودی تصور نمی‌کردند که وقوع چنین جنایتی تا این اندازه در سطوح بین‌المللی بازتاب پیدا کند و افکار عمومی جهانی نسبت به آن از خود واکنش نشان دهند. آن هم در حالی که محافل حقوق بشری نیز در گوشه و کنار جهان وارد عرصه موضع‌گیری نسبت به این جنایت شده و می‌کوشند تا به هر طریق انتقاداتشان را در رابطه با این جنایت مطرح سازند.

البته روشن است این‌گونه واکنش‌ها در مقایسه با واکنش‌هایی که در قبال جنایات دیگر عربستان صورت می‌گیرد، برخورد دوگانه‌ای را در ذهن متبادر می‌سازد اما شرایط پدید آمده به دنبال قتل فجیع آقای خاشقچی باعث شده که انتقادات و اعتراضات نسبت به دیگر جنایات عربستان به‌ویژه جنایات این کشور در یمن نیز دامنه بسیار وسیع‌تری پیدا کند.



نه به فاته

نه به خيانت خواص

نه به خودتخریبي

نه به لويج استواري





شفافیت یا خودتحریمی؟

موافقان و مخالفان FATF چه می‌گویند

رضا مجیدزاده

پژوهشگر اقتصاد سیاسی
توسعه



پس از ماه‌ها کشمکش و جدال سیاسی، لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. در روز طرح لایحه در مجلس نیز مخالفان آن در جلوی ساختمان مجلس تجمع داشتند و پیش از آن نیز مباحثاتی در محافل سیاسی-اقتصادی شکل گرفته بود. موافقت و مخالفت گروه‌های گوناگون با سیاست‌ها و طرح‌های متفاوت، طبیعی است و در این نوشتار فقط روی فهرست کردن این موارد موافقت و مخالفت، بسنده می‌شود.

کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم

نیروی ویژه اقدام مالی درباره پولشویی یا FATF یک سازمان بین‌دولتی است که در سال ۱۹۸۹ و بر اساس ابتکار عمل گروهی در جهت توسعه سیاست‌های مقابله با پولشویی، در پاریس تاسیس شد و در سال ۲۰۰۱، پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر، قلمرو عمل خود را به مقابله با تامین مالی تروریسم گسترش داد. این نیرو مسئول مطالعه روندهای پولشویی، پایش اقدامات قانونی و فعالیت‌های اجرایی-مالی در سطح ملی و بین‌المللی، گزارش‌دهی پایبندی به مفاد و استانداردهای مقابله با پولشویی بود. در حال حاضر FATF دارای بیش از ۱۶ عضو است.

بر مبنای FATF، ۴۰ توصیه درباره پولشویی و ۹ توصیه مخصوص درباره تامین مالی تروریسم وجود دارد که در کنار هم، استانداردهای بین‌المللی ضدپولشویی و مقابله با تامین مالی تروریسم را تشکیل می‌دهد. FATF به کشورها اجازه می‌دهد تا بر اساس شرایط و چارچوب‌های خاص قانونی خود، در اجرای توصیه‌ها و اقدام‌ها، انعطاف داشته باشند. از همین روی، توصیه‌های FATF از طریق سازوکار تقنینی در سطح ملی یا سایر سازوکارهای الزام‌آور ملی، پیاده می‌شود. اما به عنوان یکی از مهم‌ترین توصیه‌های FATF، بر پایه

توصیه ۱۶ لازم است تا در هر شکل از انتقال پول، فرستنده و ذی‌نفع انتقال پول مشخص شود. در موارد انتقال ارز نیز بانک عامل، فرستنده مبلغ و ذی‌نفع را شناسایی می‌کند. این توصیه به شفافیت مبادلات مالی در سطح ملی و بین‌المللی کمک می‌کند که یکی از پیش‌نیازهای مهم جلوگیری از فساد است.

افزون بر توصیه‌ها، FATF یک لیست سیاه از کشورهایی دارد که با آن همکاری نمی‌کنند و این عدم همکاری در قالب عدم تمایل یا ناتوانی از همکاری طبقه‌بندی می‌شود. برای نمونه، عدم همکاری می‌تواند معلول عدم ظرفیت اطلاعات و اجرایی برای ارائه اطلاعات حساب‌های بانکی و سوابق معاملات در سطح بین‌المللی باشد. البته از سال ۲۰۰۶؛ کشورهای غیرهمکار در چارچوب ابتکار عمل NCCT مطرح نمی‌شوند اما FATF فهرست کشورهای پریسک و کشورهای غیرهمکاری را به‌روزسانی می‌کند که در استانداردها و همکاری با توصیه‌های آن، بیشترین بهبود را داشته‌اند. هرچند فهرست سیاه FATF متضمن هیچ‌گونه تحریم رسمی نیست اما قراردادن در فهرست سیاه آن به فشارهای شدید ملی می‌انجامد.

پیش از تصویب FATF در مجلس شورای اسلامی، کشورهای ایران، پاکستان، کره شمالی، یمن، سوریه، سریلانکا، اتیوپی، تونس، صربستان و ترینیداد و توباگو در زمره کشورهای پریسک FATF قرار داشته‌اند و دو کشور ایران و کره شمالی در گروه فراخوان برای اقدام طبقه‌بندی شده بودند. حسن روحانی در تاریخ ۲۹ خرداد سال جاری در نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان تصریح کرده بود که «برای مقابله با تحریم‌های یک جانبه و بهانه‌جویی‌های آمریکا و دیگر دشمنان ایران و حفظ روابط تجاری و بانکی با دیگر کشورها، تصویب لوایح چهارگانه مبارزه با پولشویی ضروری است. از مقام معظم رهبری درخواست می‌شود که در صورت صلاحدید ترتیبی اتخاذ گردد که شورای نگهبان عدم مغایرت سه لایحه مصوب مجلس را به فوریت اعلام کند و در مورد لایحه چهارم که تصویب آن در مجلس به مدت دو ماه به تعویق افتاده است، همکاری لازم برای ایجاد فضای مثبت و رفع شبهات غیر واقعی صورت پذیرد.» البته روحانی در نامه

تذکر داده بود که تصویب لوایح چهارگانه به معنای پذیرش FATF نیست. در تیرماه سال جاری، دولت پذیرفت تا برنامه ۴۱ بندی FATF را به اجرا در بیاورد و FATF هم به صورت موقت ایران را از لیست سیاه خود تعلیق کند. بیشتر این تلاش‌ها در نتیجه تغییر موضع آمریکا نسبت به برجام بود. در واقع، اهمیت تصویب FATF در ایران پس از اعلام خروج آمریکا از برجام افزایش یافت و اتحادیه اروپا، حفظ برجام و بسته حمایتی برجام برای ایران را به تصویب FATF در ایران مشروط کرده بود. اما FATF در ایران موافقان و مخالفانی دارد که در ادامه، مواضع آنها فهرست می‌شود. پیش از آن، مروری بر متن لایحه الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی با تامین مالی تروریسم، ضرورت دارد تا مبنای ارزیابی اولیه از مواضع مختلف باشد.

ماده واحد - به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم (مصوب ۱۳۷۸/۹/۱۸ برابر با ۹ دسامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) مشتمل بر یک مقدمه، بیست و هشت ماده و یک پیوست را با اعلام شروط زیر پذیرفته و سندی ربط را مطابق مقررات تبصره این ماده نزد امین اسناد تودیع کند. دولت موظف است به محض آگاهی نسبت به اعتراض احتمالی سایر اطراف متعاقد، گزارشی جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران به موجب جزء (الف) بند (۲) ماده (۲) کنوانسیون، اعلام می‌نماید که مفاد آن دسته از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مندرج در پیوست کنوانسیون که به عضویت آنها در نیامده است را به عنوان بخشی از کنوانسیون تلقی نمی‌نماید و الزام آور شدن مفاد ماده (۲۳) در خصوص اصلاح فهرست موافقتنامه‌های منضم به کنوانسیون برای جمهوری اسلامی ایران منوط به رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) قانون اساسی است.

۲- جمهوری اسلامی ایران با نظر به اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل تا حین پذیرش کنوانسیون از جمله کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان کنفرانس اسلامی و

قطعه‌نامه‌های مرتبط ملل متحد از جمله قطعنامه ۲۶۲۵ و ۱۵۱۴، تعریف عمل‌تورریستی را مشتمل بر مبارزات مشروع مردمی علیه از جمله سلطه استعماری و اشغال خارجی نمی‌داند و نسبت به اطراف متعهده‌ی که قلمرو عمل‌تورریستی را مستند به زیر بند (ب) بند (۱) ماده (۲) کنوانسیون مشتمل بر این مبارزات می‌دانند، تنها در حدود پیش‌گفته، متعهد می‌داند و اعلام می‌دارد ماده (۶) کنوانسیون ارتباطی به این حق ندارد. این مبارزات فارغ از انگیزه‌ی مجاز و مشروع است و اعمال‌تورریستی به هر انگیزه‌ی ممنوع است.

۳- موضوع بند (۱) ماده (۲۴) کنوانسیون در خصوص جمهوری اسلامی منوط به رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی است و بند (۲) ماده (۷) کنوانسیون و موضوع ماده (۱۷) کنوانسیون در چارچوب قوانین داخلی اعمال خواهد شد.

۴- صلاحیت مقرر در بند (۵) ماده (۹) کنوانسیون برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنها در چارچوب اسناد حقوق بشر دوستانه لازم‌الاجرا برای جمهوری اسلامی ایران، پذیرفته می‌شود.

۵- مفاد کنوانسیون در موارد تعارض با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نمی‌باشد.

۶- الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون به معنای شناسایی و برقراری ارتباط با رژیم اشغالگر صهیونیستی نیست.

۷- دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای بند ۴ ماده ۱۱ کنوانسیون تنها صلاحیت کشور محل وقوع جرم را به منظور استرداد مجرمین محرز تلقی می‌کند.

تبصره- دولت صرفاً پس از خارج شدن جمهوری اسلامی ایران از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی FATF می‌تواند سند الحاق را نزد امین اسناد تودیع کند.

موافق‌ها و مخالف‌های FATF

شفافیت مبادلات مالی و کنترل فعالیت‌های گروه‌های نظامی که اغلب موضوعی فرادولتی و موازی دولت دارند، از مهم‌ترین نکات مورد تأکید موافقان FATF است که به طور ویژه کنترل فساد به نفع امکان حاکمیت قانون و دسترسی باز به حقوق مالکیت را فراهم می‌کنند. در کنار این نکات و در سطح عملی تجارت بین‌المللی، اصنافی که در سطح بین‌المللی فعالیت دارند از جمله حامیان اصلی FATF هستند چون امکان تجارت با شرکت‌های کوچک و متوسط مقیاس اروپایی تا حد زیادی به تصویب لوایح FATF وابسته بود به طوری که نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین برهان می‌آورد که «به علت عدم عضویت ایران در گروه اقدام مالی، حساب‌های بسیاری از ایرانیان در خارج از کشور بسته شده است... پیوستن به FATF همه مشکلات ما را حل نمی‌کند اما مطمئناً جلوی بیشتر شدن مشکلات را می‌گیرد که بستن حساب‌های ایرانیان در خارج از کشور که آخرین آن در کره جنوبی اتفاق افتاد به دلیل عدم حضور ما در این گروه بین‌المللی بود. FATF گروه مالی است و نیازی به پیوستن ما ندارد، بلکه ما به آن نیاز داریم. بانک‌های بزرگ دنیا این گروه را قبول دارند و اگر رفتار بانکی ما مورد تأیید این گروه نباشد، آنها می‌توانند به راحتی از کارکردن با ایران خودداری کنند مانند آن که ایران و کره شمالی در این گروه قرار ندارند. این گروه هیچ کشور یا موسسه مالی را اجبار نمی‌کند که با فلان کشور کار کند یا نه، بلکه توصیه می‌کند که این کشور از لحاظ پولشویی و تأمین مالی تروریسم در خط قرمز قرار دارد یا خیر. در شرایطی که ما با تحریم مواجه هستیم و شرایط سیاست خارجی پیچیده‌ای داریم، بهتر است که از نگاه این گروه در خط قرمز نباشیم.»

از دیدگاه اقتصادی نیز کارشناسان بر این باورند که به طور مشخص اگر بسته‌ای که اروپا تعیین کرده در

راستای خرید نفت و تهاجر کالا و واردات از اروپا تعیین شود این کنوانسیون زیرساخت ارتباطات بانکی در این قالب را فراهم می‌کند چون بانک‌های کوچکی در جهان وجود دارند که تبادلات پولی با آمریکا ندارند و بنابراین نگرانی‌های تحریم‌های آمریکایی آنها چندان زیاد نیست. این بانک‌ها اگر بتوانند گارانتی‌هایی از دولت‌های مرکزی خود بگیرند (مثل بانک‌های چینی و روسی) امکان تبادلات بانکی با ایران را خواهند داشت. افزون بر این، کارشناسان بانکی معتقدند که شیوه تصمیم‌گیری در FATF همانند شورای امنیت نیست که حق وتو وجود داشته باشد و امکان سوءاستفاده احتمالی هر یک از کشورهای عضو وجود ندارد. فرایند تصمیم‌گیری در FATF به صورت اجماع موثر است که بر اساس مذاکرات مستدل شکل می‌گیرد.

مسئول پیگیری FATF در وزارت خارجه نیز درباره آن می‌گوید که «FATF شامل یک صحن تصمیم‌گیری با ۳۵ کشور و دو سازمان منطقه‌ای است. این مجموعه تصمیم‌نهایی را با «اجماع» راجع به موضوعات می‌گیرند... در اجماع رئیس است که فضای عمومی جلسه را در نظر می‌گیرد و می‌گوید اجماع حاصل شده است یا خیر». پاسخ قریبی درباره احتمال اعمال نظر شخصی رئیس آمریکایی FATF درباره قضیه اجماع درباره ایران هم جالب و محل تامل است. «به هر حال رئیس می‌تواند اعمال نفوذهایی بکند، منتها برخی وقت‌ها این مسأله نتیجه عکس می‌دهد و باعث حساسیت و پیگیری جدی دیگر اعضای جلسه می‌شود». البته در میان کشورهای عضو، آمریکا، آرژانتین، کشورهای GCC و دو عضو ناظر یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان هم در زمره مخالفان ایران در FATF به شمار می‌روند. اما اینکه چقدر این مخالفان بتوانند ایران را تحت فشار بگذارند، به مذاکرات استدلالی بستگی دارد با این وجود حتی دبیر اجرایی FATF یعنی دیوید لوئیس نیز درباره تضمین خروج ایران از لیست سیاه آن اعلام کرده است که تضمینی در کار نیست. در واقع، دیوید لوئیس برای تقویت احتمال خارج شدن جمهوری اسلامی از لیست سیاه راهکارهایی را توصیه کرده است:

- انتظار از ایران برای خارج کردن استثناات گروه‌های تروریستی
- اطمینان از ایجاد ساختاری قانونی در ایران برای خارج کردن استثناهای گروه‌های تروریستی
- عدم تضمین برای خروج از لیست سیاه پس از الحاق به FATF
- نظارت سالانه بر کشورهای عضو FATF
- نظارت کامل بر سیستم مالی ایران برای اولین بار



ظریف می‌گوید که تضمین نمی‌دهد

در جبهه مخالفان FATF، افرادی نظیر امام جمعه مشهد، بر این باورند که تصویب CFT حرکت به سمت خودتحریمی بود و نباید از طریق برخی لوائح راه را برای براندازی باز کنیم. او هشدار داد FATF یعنی سیاه‌پوش مالی ما حذف شود. گروه دیگری از مخالفان برهان می‌آوردند که مرکز FATF فرانسه قرار دارد که محل اسکان اعضای سازمان منافقین است اما ادعای مبارزه با گروه‌های تروریستی و تأمین مالی تروریسم را مطرح می‌کند. گروه‌های دیگری مانند الاحوازیه که عملیات تروریستی در اواخر شهریور سال جاری را انجام دادند نیز به راحتی و آزادانه تأمین مالی می‌شوند. چرا FATF فقط برای مقابله با سیاه‌پوش و حزب‌الله لبنان و محور مقاومت که کمر گروهبان تکفیری تروریستی داعش را شکسته، ساخته شده است. از طرف دیگر، این استدلال از سوی مخالفان مطرح می‌شود که FATF در خدمت وزارت خزانه‌داری ایالات متحده قرار دارد و رئیس کنونی آن، دستیار معاون خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا است و وزارت خزانه‌داری آمریکایی نیز تحریم‌های بین‌المللی این کشور علیه ایران را طراحی و اجرا می‌کند و از این روی آن را همسوی با منافع ملی ارزیابی نمی‌کند. از دیدگاه اقتصادی نیز مخالفان بر این باورند که از ۱۰۰ نمره ایندکس بال تنها ۳۰ نمره مربوط به FATF است و بقیه موارد حوزه‌های جداگانه‌ای را شامل می‌شود. در حالی که برای آن ۳۰ نمره FATF همه ظرفیت وزارت خارجه و بانک مرکزی و وزارت اقتصاد پای کار است و برای کاهش ریسک از بعضی منافع حیاتی ملی چشم‌پوشی شده، در سایر اجزای ایندکس از برقراری ارتباط ساده و ارائه مدارک اولیه هم غفلت شده است. علاوه بر این، کارشناسان اقتصادی مخالف معتقدند که اطلاعات ۴۰۰ صرافی در شرایط تحریمی در قالب FATF به طرف‌های خارجی ارائه شده و افشای اطلاعات صرافی‌ها برای آوردن ارز به داخل کشور از طریق سیستم بانکی و پرکردن فرم مربوط به مبارزه با پولشویی که در قالب FATF مطرح است منجر به مسدود شدن کانال‌های ارزی خارج از کشور می‌شود. از این روی، در کنار ملاحظات اقتصادی، ملاحظات امنیتی نیز در فهرست مخالفت با FATF به چشم می‌خورد. برهنه کردن کشور به لحاظ امنیتی، اصطلاحی است که مخالفان FATF به کار می‌برند. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از نکات بالا به عهده خواننده گرامی مطلب گذاشته می‌شود؛ هر سیاست، بسته سیاستی و اقدام، باعث انتفاع گروهی و خسران گروهی دیگر می‌شود اما معیارهای مهمی وجود دارند که روند توسعه یک کشور بر اساس آنها ارزیابی می‌شود و خواننده گرامی می‌تواند با احتساب آن معیارها روی نکات بالا، اندیشیده و به نتیجه برسد.



امام جمعه مشهد FATF را خودتحریمی می‌داند

دالان تاریک FATF

دلایل مخالفت‌ها با پیوستن ایران
به گروه ویژه اقدام مالی چیست؟

سعدالله زارعی

کارشناس مسائل بین‌الملل



نمایندگان مجلس ایران تقریباً بعد از چهار ماه، لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم یا CFT را تصویب کردند. این در حالی است که مخالفت‌ها با تصویب این لایحه و پیوستن ایران به FATF یا گروه ویژه اقدام مالی همچنان ادامه دارد. در واقع با کنکاش در سخنان و مقالاتی که در تایید FATF و لویج مرتبط با آن مانند CFT انجام دادیم دریافتیم که با پیوستن به این کنوانسیون، گشایش‌های مالی و تسهیل روابط تجاری ایران و کشورهای صنعتی به وقوع می‌پیوندد. کما اینکه اخیراً یکی از مقامات مسئول در کنوانسیون FATF صراحتاً بیان داشت که تصویب FATF در جمهوری اسلامی سبب خارج شدن ایران از لیست سیاه نمی‌شود اما روابط تجاری تهران را تسهیل می‌کند. اگرچه در ارتباط با لزوم پیوستن و نتایج پیوستن ایران به FATF در داخل و خارج کشور مباحثات زیادی صورت می‌گیرد اما در حقیقت این مسائل، عباراتی کیفی و کلی هستند و نمی‌توان از آنها به عنوان یک واقعیت مشخص قابل اشاعه خارجی صحبت کرد. در واقع اینکه تسهیل روابط تجاری ایران در پرتو FATF یا CFT چگونه صورت می‌پذیرد مشخص نیست. آیا قرار است در سطوح دولتی تصمیمی به نفع ایران اتخاذ شود یا اینکه این مسأله بدون دخالت دولت‌ها تسهیل‌گر روابط تجاری ایران با کشورهای خارجی است؟ به عنوان مثال در برجام هم قرار بود که گشایش اقتصادی ایجاد شود، اما در عمل شاهد بودیم که حتی مسائل اولیه تجارت ایران با بانک‌های اروپایی و آمریکایی حل نشد و دولت‌های اروپایی این مسأله را در عباراتی کلی و کیفی مطرح می‌کنند. در این راستا نقد معین جمهوری اسلامی این است که این ادبیات منجر به ایدئولوژی و پیدایش راه و مسیر نمی‌شود. لذا مخالفان FATF اظهار می‌کنند در خصوص این موضوع هم آنها موظف هستند نقد فوری و معین خود را به طرف مقابل ارائه دهند که شامل حوزه اختیارات ایران، استقلال و امنیت ملی و دیپلماسی ایران است. به عبارت دیگر ما یک ارزش کمی می‌دهیم و در مقابل یک ستاده کیفی که ارزش معنوی دارد و ارزش‌های مادی آن مشخص نیست دریافت می‌کنیم.

همچنین با تاملی در مسائل حقوقی در سطح دنیا متوجه می‌شویم که در مباحث مرتبط با کنوانسیون‌ها، هم با یک تعریف حقوقی مواجهیم، هم یک تعریف و روش سیاسی وجود دارد. بعضاً این مباحث با هم قاطی می‌شوند، به این معنا که کسانی که موافق پیوستن ایران به این کنوانسیون هستند متمرکز و وجه حقوقی آن می‌شوند و از وجه سیاسی آن غافل می‌شوند. لذا از لحاظ حقوقی ایران با همکاری با این کنوانسیون‌ها، با تروریسم مخالفت می‌کند و در هر جای دنیا برای مبارزه با تروریسم تلاش می‌کند. اما بر مبنای تعریف سیاسی، تروریسمی که باید با آن مبارزه شود شامل خود ایران هم می‌شود. در واقع زمانی که قانون کاتسا سپاه پاسداران را اولاً به عنوان یک گروه نه حکومت، ثانیاً به مثابه یک گروه تروریستی نه بخشی از نیروهای مسلح

یک کشور، ثالثاً گروهی که در صدد است با استفاده از زور به قدرت برسد، معرفی می‌کند، در حالی که سپاه اساساً چنین رویکردی ندارد، ایران هم به زعم آنها در رده تروریست‌ها قرار می‌گیرد. ضمن اینکه تعریفی که از تروریسم می‌شود ساختگی است؛ تروریسم یعنی گروهی با استفاده از سلاح و زور و از طریق ارعاب و کشتار مردم به قدرت دست یابند، این تعریف به عنوان یک تعریف جامع و استاندارد در سال ۲۰۰۲ در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید. اما آمریکا تحت عنوان مبارزه با تروریسم یا کنوانسیون FATF، سپاه یا حزب الله لبنان را هم تروریست اعلام می‌کنند، این در حالی است که سپاه یا حزب الله که بخشی از دولت لبنان هستند با تعریف رسمی تروریسم تطبیق ندارند. لذا ایران نمی‌تواند با تعریف حقوقی مورد نظر FATF بیوندد، کما اینکه در سال ۲۰۱۴ که مصدق

می‌خواستند تعریفی از گروه‌های غیرقانونی ارائه دهند با مخالفت آمریکا مواجه شد و بیانیه دادند که این کار با روح قانون مغایرت دارد. به دنبال آن مجمع حقوقی هم بیانیه صادر کردند مبنی بر اینکه کشورها حق ندارند تعریفی مغایر با تعریف رسمی پذیرفته شده در این کنوانسیون ارائه دهند. لذا ما حق تعیین حدود برای واژگان و موضوعات نداریم، بلکه وقتی وارد کنوانسیون می‌شویم باید اصول و تعاریف آنها را بپذیریم، ضمن اینکه هفته گذشته رسماً اعلام شد که مصداق تروریسم را کشورها نمی‌توانند اعلام کنند و تحقق این امر به عهده شورای امنیت سازمان ملل است. از سوی دیگر مصادیقی که مورد تایید این نهاد است از نظر جمهوری اسلامی درست نیست. به عنوان مثال حزب الله لبنان یا سپاه در سازمان ملل به عنوان یک گروه با مبارزات عادلانه به رسمیت شناخته نمی‌شود، در این شرایط ما نمی‌توانیم هم به کنوانسیون بیونددیم هم حزب الله و سپاه را مصداق تروریست ندانیم. در واقع این رویکرد مصرف داخلی دارد و جهت متقاعد کردن برخی در جغرافیای ایران به کار می‌رود که ما حق تحفظ داریم. اما نکته اینجاست که صرفاً ادعای ما مشکل‌گشا نیست، بلکه حق تحفظ یا

تعاریف ما باید از سوی FATF به رسمیت شناخته شود. اما آنها رسماً اعلام کردند تعاریف محلی از اعتبار خارج است. بنابراین ایران به اختیار خود وارد دالان تاریکی می‌شود که دادن اختیارات از جانب ما قطعی است اما رسیدن به حقوق برابر با کشورهای دیگر که در سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حکمرانی می‌کنند برای جمهوری اسلامی صرفاً یک احتمال است. به عبارت دیگر ایران منفعتی یقینی را در انتظار منفعتی احتمالی در در دست تقدیم می‌کند که دور از منطقی و عقل است. زیرا عقل حکم می‌کند که در مواردی با سازمان‌های جهانی همکاری کنیم که درخواست ارائه شده به ما با چارچوب تعریف شده حقوقی ما تطبیق پیدا کند و در مواردی که می‌خواهند مصداقی را به ما تحمیل کنند قبول نکنیم. این نکته را رهبر معظم انقلاب هم در دیدار خرداد ماه با نمایندگان مجلس بیان نمودند و خواستند که نمایندگان قانون مبارزه با پولشویی را خودشان تنظیم کنند و ما براساس استانداردهای داخلی با مجامع بیرونی همکاری داشته باشیم، نه اینکه عضویت کنوانسیون‌ها و نهادهایی را بپذیریم که آنها قواعد حقوقی و استانداردها را برای ما تعیین کنند.

نگرانی دیگری در رابطه با این کنوانسیون مطرح است که در صورت همکاری ایران با آنها و قبول ۴۰ توصیه از جانب ایران، ضمانتی برای خارج شدن ایران از لیست تروریسم وجود ندارد. کما اینکه هفته گذشته یکی از شخصیت‌های حقوقی کنوانسیون FATF اعلام کرد که پیوستن ایران به این کنوانسیون به معنای خارج شدن ایران از لیست سیاه نیست. در FATF و بسیاری از کنوانسیون‌ها مینا اجماع است، به این معنا که اگر کشوری درخواستی می‌دهد مستلزم موافقت تمام کشورهای عضو آن کنوانسیون است و یک رای مخالف هم آن درخواست را رد می‌کند. لذا در شرایط پیش رو به نظر نمی‌رسد که ایران بتواند در وجه اثباتی در سازمانی که آمریکا و انگلیس و فرانسه در آن حضور دارند در یک سال آینده دستیار معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا، ریاست کنوانسیون رابه عهده می‌گیرد، به حقوقی دست پیدا کند.



جنگال بر سر لایحه CFT

موضوع همکاری با FATF با برجام قابل مقایسه نیست

می‌کنند که چه تضمینی وجود دارد که با تصویب این لوایح در ایران، آنها به وعده‌های خود عمل کنند و اتفاقاتی که در برجام افتاد تکرار نشود. اما واقعیت این است که برجام انجام شد و منافع خوبی هم داشت کما اینکه جمهوریخواهان، سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی در تلاش برای برهم زدن آن هستند. اما در میانه اجرای برجام فردی غیرقابل پیش‌بینی با ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری خاص و پوپولیستی در آمریکا به قدرت رسید و از برجام خارج شد. اگرچه ایالات متحده از برجام خارج شد اما کل کشورهای اروپایی و کشورهای عضو این معاهده در مقابل این اقدام ترامپ قرار گرفتند و برای حمایت از ایران و این قرارداد هزینه کردند. اما نکته قابل توجه اینجاست که آمریکای فعلی اگر برجام را هم نداشت از طریقی دیگر با ایران وارد تنش می‌شد. لذا اولاً این دو موضوع با هم قابل مقایسه نیستند، ثانیاً پیوستن به این سازمان و تصویب لوایحش در باطن امر مشکلی برای ایرانیان ندارد، بلکه برخی اختلافات داخلی و سوءتفسیرها منجر به بروز چنین نظارتی گشته است.

از دیگر موضوعی که در خصوص FATF اتخاذ می‌شود، تعریف تروریسم از منظر این سازمان است. برخلاف آمریکا و سعودی‌ها و برخی کشورهای اروپایی، اکثر کشورهای جهان که عضو سازمان ملل هستند، گروه‌های فلسطینی مانند حماس، انصارالله یمن، حشد الشعبی در عراق و حزب الله لبنان را نه تنها تروریست نمی‌دانند، بلکه آنها را گروه‌های مقاومتی می‌دانند که از خاک کشورشان دفاع می‌کنند، زیرا تعریف تروریسم و همین‌طور گروه‌های تروریستی مشخص است؛ داعش، طالبان و القاعده تروریست هستند که به وضوح اقدامات تروریستی انجام می‌دهند. اما سازمانی که از خود دفاع می‌کند، تشکیلات رسمی و قانونی دارد، عضو کابینه است و رسانه‌های رسمی دارد که تروریسم محسوب نمی‌شود. این مغالطه‌هایی که صورت می‌گیرد به جنگ نرم سیاسی میان کشورها مربوط است. در این بین ایران هم از این گروه‌های مقاومت که از خاک کشورشان در برابر تجاوز دفاع می‌کنند، حمایت می‌کند و با تصویب لوایح FATF هم مشکلی در این مساله به وجود نخواهد آمد.

با وجود همه این مسائل همچنان جنگال بر سر تصویب CFT در داخل کشور بالاست که این موضوع از چند مساله نشأت می‌گیرد. یک ناآگاهی و اطلاعات کم و نادرست، دوم اختلافات جناحی داخلی بدون توجه به اصل قضیه و در نهایت منافی که اقلیتی از عدم تصویب این لایحه به دست می‌آورند و با آن مخالفت می‌کنند. اما به نظر من با توجه به شرایطی که اکنون در آن قرار داریم و سازوکاری که اروپا برای ادامه برجام به وجود آورده، لازم است که این همکاری صورت بگیرد.

از سوی دیگر مخالفان اظهار می‌دارند که تصویب این لوایح به استقلال سیاسی و حقوقی کشور لطمه می‌زند و منجر به خودتربیمی و احاطه بیگانگان بر جریان مالی کشور می‌شود. در پاسخ به این مطلب باید گفت مگر استقلال همه کشورهای دنیا به جز ایران و چند کشور دیگر که با FATF همکاری می‌کنند صدمه خورده است که ایران بخواهد دچارش شود.

به عبارت دیگر اگر قرار بود پیوستن به این سازمان و رعایت قوانین و مقررات آن به استقلال سیاسی و حقوقی کشورها خدشه‌ای وارد کند که پیش از این، این سازمان منحل شده بود. این سازمان هم مانند سازمان ملل و خیلی نهادهای بین‌المللی قواعدی دارد و خط قرمزهایی که به دنبال آن توصیه‌ها و ایراداتی را برای کشورها مطرح می‌کند اما این موضوع باعث نمی‌شود آنها را در لیست سازمان‌های اشغالگر و ضد منافع ملی قرار داد.

این سازمان بیبندد. لذا موافقان اظهار می‌کنند که به دلیل مشکلات اقتصادی در کشور و تحریم‌ها باید به این سازوکار جدید اولویت دهیم. ضمن اینکه ایران مشکلی برای پیوستن به این سازمان ندارد و همه اقداماتش شفاف و مشخص است؛ به عنوان مثال کمک به گروه‌های مقاومت را به صورت علنی انجام می‌دهد و نیازی به پنهان کاری ندارد. اما مخالفین بیان می‌دارند که امور مالی و بانکی کشور را نباید در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار دهیم، زیرا آنها نه تنها بر مشکلات کشور می‌افزایند، بلکه به خط مشی جمهوری اسلامی پی می‌برند.

اما در نهایت نظام و نمایندگان مجلس به این نتیجه رسیدند که با توجه به شرایط موجود تصویب این لایحه به نفع کشور است تا هم سیستم بانکی شفاف‌تر شود، هم بهانه‌ای برای اتحادیه اروپا با سازوکار جدیدش برای همکاری با ایران باقی نماند. ضمن اینکه در گذشته نیز قول و قرارهای مثبتی میان مسئولین این سازمان با جمهوری اسلامی گذاشته شده بود.

علی‌رغم تأخیر ایران در تصویب لایحه CFT توسط نمایندگان مجلس، بعد از تصویب این لایحه برخی از مسئولین FATF نظرات مثبتی اظهار کردند که به نظر می‌رسد تمایل به همکاری ایران و تبعیت از مقررات این سازمان دارند.

لذا به عقیده من در صورت تأیید شورای نگهبان و تصویب نهایی این لایحه و ادامه این روند، دلیلی برای خلف وعده توسط اروپاییان و دیگر کشورها یا خارج نکردن ایران از لیست سیاه وجود ندارد. اما برخی مخالفان این موضوع را هم با مساله برجام مقایسه می‌کنند و ابراز

عبدالرضا فرجی‌راد

استاد ژئوپلیتیک دانشگاه علوم و تحقیقات



سرانجام در نیمه مهر ماه بعد از مدت‌ها جنگال بر سر تصویب لایحه CFT یا کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم، این لایحه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید تا شروعی برای قرار گرفتن ایران در فهرست کشورهای همکار گروه ویژه اقدام مالی «FATF» باشد.

درواقع شکل‌گیری گروه ویژه اقدام مالی که ۳۷ عضو اصلی دارد با هدف شفاف‌سازی مسیر پول در گردش، مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم بود. جمهوری اسلامی ایران هم در چند سال اخیر وارد گفت‌وگو با مسئولین این سازمان شده و وعده‌هایی غیررسمی هم داده بود.

اما در این میان مساله برجام مطرح شد و مشکلاتی که در خصوص مرادفات مالی با کشورهای اروپایی وجود داشت، بر اهمیت تصویب FATF افزود، لذا در خصوص همکاری با این سازمان در داخل کشور بحث‌های زیادی صورت گرفت؛ برخی اکیدا پیوستن به این سازمان را رد می‌کردند و در مقابل برخی از لزوم وقوع چنین امری صحبت می‌کردند.

از طرف دیگر سازوکار جدیدی که اتحادیه اروپا بعد از خروج آمریکا از برجام شکل داده، این الزام را برای ایران به وجود آورده که برای همکاری با اروپا، حتماً به



۵۰ درصد رشد داشتیم

گفت‌وگوی مثلث با سرپرست کاروان پاراآسیایی ایران

کاروان ورزش ایران در این دوره از بازی‌های پاراآسیایی نتایج خوبی به دست آورد. در خصوص این دوره از بازی‌ها صحبت می‌کنید؟

ما ۲۰۷ ورزشکار به این دوره از بازی‌های پاراآسیایی اعزام کردیم. خوشبختانه اتفاقی که رخ داد باعث رضایت همه ما شد؛ ۱۶۳ نفر موفق به کسب مدال شدند و این معنی روشنی دارد.

چه معنی؟
بدین معناست که ما بالای ۵۰ درصد رشد داشته‌ایم. یعنی عملکرد ما طی این مدت کاملاً کیفی بوده و صرفاً فکر یا انرژی خودمان را صرف مسائل کمیتری نکرده‌ایم.

از چه ترکیبی برای کاروان ورزش ایران استفاده کردید؟

نام کاروان ما خودباوری و امید بود. ما از ورزشکارانی استفاده کردیم که در این دو بخش کاملاً به آنها اطمینان و اعتقاد داشتیم. ما هیچ ورزشکاری را صرفاً برای کسب تجربه یا گردشگری اعزام نکردیم و این نکته مهمی است. ما افرادی را به جا کارتا فرستادیم که اطمینان داشتیم می‌توانند برای کشورمان افتخار آفرین باشند و مدال‌های ارزشمندی را کسب کنند.

در چند رشته ورزشی شرکت کردید؟

۱۳ رشته. اما گویا اعزام یکی از این رشته‌ها صرفاً جنبه حمایتی و تشویقی داشته است. توضیح می‌دهید؟

بله. یکی از رشته‌ها جنبه حمایتی داشت. ما باید از جانبازان عزیزمان و برخی دیگر از ورزشکاران که در آسیاگاه‌های معلولان حضور داشتند و به نام ورزشکارانی که ضایعه نخاعی دارند شناخته می‌شوند، بدین صورت قدردانی می‌کردیم و نشان می‌دادیم که به آنها توجه داریم و به وجودشان افتخار می‌کنیم. بنابراین ۶ نفر را از بین عزیزان انتخاب کردیم و برای یکی از رشته‌های مخصوص ورزشی فرستادیم اما در مورد دیگر رشته‌ها سیاست مشخصی داشتیم.

در واقع ورزشکاران ۱۲ رشته ورزشی را صرفاً بر اساس کیفیتی که از خود نشان داده بودند به جا کارتا فرستادید.

دقیقا. جالب اینکه همه‌شان مدال آوری کردند. این مشخصه اصلی کار ما بود. خدا را شکر که مزد تلاش‌شان را هم گرفتند و همگی در مسابقات پاراآسیایی خوش درخشیدند.

امروز خیلی‌ها نسبت به عملکرد این کاروان واکنش‌های مثبتی نشان داده‌اند. نظر شما چیست؟

بله، ما از دیدن این واکنش‌های مثبت به این بچه‌ها افتخار می‌کنیم. اینها مزد تلاش چهارساله‌شان را گرفتند. مدال آور بودن در عرصه‌هایی که به مسابقات آسیایی، پاراآسیایی یا المپیک برمی‌گردد بسیار سخت است و این بچه‌ها نشان دادند که چه اراده بزرگی برای انجام کارهای بزرگ دارند و می‌توانند با تلاش بی‌وقفه‌شان بزرگ‌ترین قله‌ها را نیز فتح کنند.

نکته‌ای که در مورد کاروان خودباوری و امید

می‌خواهید بگویید و از نظر شما اهمیت ویژه‌ای دارد، چیست؟

این کاروان بسیاری حاشیه بود. این مهم‌ترین شاخصه این کاروان بود. یعنی ما جز اینکه در مسابقات پاراآسیایی موفق شدیم نتایج بسیار خوبی کسب کنیم موفق شدیم در مباحث اخلاقی و فرهنگی نیز برنده باشیم و به بهترین شکل ممکن عمل کنیم.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

وقتی یک گروه ۱۰ نفره هم به مسافرت می‌رود ممکن است مسائل یا حاشیه‌هایی پیش بیاید که روند یا اصلاً شکل آن سفر را دگرگون کند اما در مورد کاروان ورزش ایران این طور نبود. همه می‌دانستند که به چه منظوری قرار است در جا کارتا حضور داشته باشند. همه می‌دانستند که می‌بایست تمام فکر و ذهن خودشان را به مسائلی معطوف کنند که در نهایت عزت و سربلندی ایران را به دنبال دارد. بنابراین هیچ اتفاق منفی در طول این مدت رخ نداد که بخواهیم نگران باشیم، هیچ ورزشکاری دیر به مسابقه نرسید و هیچ ورزشکاری نظم کاروان را به هم نزد. وقتی از نظم و انضباط صحبت می‌کنم باید بدانید که وقتی شما با یک گروه ۲۰۰ نفره یا بیشتر سرو کار دارید تا چه حد باید دقیق عمل کنید. شاید فکر کنید این مسائل در درجه‌های بعدی اهمیت دارد اما من اعتقاد دارم که تیم پشت صحنه هم بسیار خوب و عالی عمل کرد تا ورزشکاران ما بتوانند فقط به مسابقات خودشان فکر کنند و دغدغه‌های دیگر را کنار بگذارند. جالب است که بدانید موقع برگشتن در فرودگاه جا کارتا به ما لوح تقدیر داده شد. چون ما یکی از کاروان‌هایی بودیم که در مورد رعایت نظم و انضباط در همه مراحل مسابقات به خوبی وبا دقت و وسواس خاصی عمل می‌کردیم. مسئولان فرودگاه جا کارتا از ما تقدیر کردند.

در این بخش به نظر می‌رسد که گروه‌های دیگری که همراه کاروان شما بودند نیز وظایف خودشان را به درستی انجام داده‌اند. این طور نیست؟

سومین دوره مسابقات پاراآسیایی به میزبانی اندونزی برگزار شد؛ رقابت‌هایی که طی روزهای ۱۴ تا ۲۱ مهرماه برگزار شد و کاروان ورزشی پاراآسیایی ایران در پایان بازی‌های پاراآسیایی ۲۰۱۸ در رده سوم جدول مدالی قرار گرفت که این بهترین رتبه ایران در ادوار بازی‌های پاراآسیایی است. در خصوص این دوره از بازی‌ها، کاروان اعزامی ایران و عملکرد ورزشکاران کشورمان در جا کارتا یا هادی رضایی هم صحبت شدیم. متن گفت‌وگوی مثلث با سرپرست کاروان پاراآسیایی ایران را می‌خوانید.

بله. باید از گروه‌های پزشکی و رسانه که طی این مدت خیلی به ما کمک کردند و در مراحل مختلف در کنار ما بودند، تشکر و قدردانی کنم.

به طور کلی عملکرد کاروان ورزش کشورمان را مثبت می‌دانید؟

فراتر از حد انتظار می‌دانم. همان طور که عرض کردم اگر نگاهی به آمار بیندازیم متوجه می‌شویم که ما بیش از ۵۰ درصد نسبت به دوره قبلی این مسابقات رشد داشته‌ایم. در دوره قبلی ۲۲ رشته ورزشی و ۲۲۰۰ ورزشکار حضور داشتند اما در این دوره از مسابقات ۱۸ رشته ورزشی بود و ۳۶۰۰ ورزشکار. یعنی تعداد ورزشکاران بیشتر شده بود و از طرفی تعداد رشته‌های ورزشی هم کمتر شده بود. این نشان می‌دهد که تا چه حد مسابقات جا کارتا به طور فشرده برگزار شد.

در مورد میزبانی چطور؟ همه چیز مناسب بود؟

یک کشور اسلامی این مسابقات را برگزار کرد. نمی‌توان گفت که آنها ایرادی نداشتند اما به نظرم کم‌نقص ظاهر شدند و در حد توان‌شان میزبانی خوبی داشتند. مهم این بود که نسبت به هیچ اتفاقی بی‌تفاوت نشان نمی‌دادند و به درستی میزبانی میهمان‌نواز بودند. البته ما مشکلاتی داشتیم. از لحاظ غذا، خواب و هوای شرعی که وجود داشت مشکلاتی ایجاد شده بود اما به طور کلی میزبانی اندونزی قابل قبول بود.

فکر می‌کنید موفقیتی که امروز به دست آمده است محصول چه شرایطی است؟ چه اتفاقات یا کارهایی صورت گرفته که کاروان بتواند در جا کارتا حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد؟

به نظرم مثلث ورزشکاران، مدیران و رسانه‌ها همگی کارشان را به درستی انجام دادند و موفق شدند در کنار هم قرار بگیرند. تنها در



مساله سکه

محمدرضا زندی از قهرمانی در آسیا می‌گوید

شما به این رشته ورزشی از چه زمانی علاقه‌مند شدید. کمی توضیح می‌دهید که اصل علاقه‌مندی‌تان به این رشته ورزشی از کجا شروع شد؟

من به طور کلی به تیراندازی علاقه‌مند بودم، البته به طور حرفه‌ای از دو سال پیش شروع کردم. آشنایی ما به این شکل بود با مربیان ملی شروع کردم. ما در جزیره کیش زندگی می‌کنیم. یکی، دو سال پیش وقتی تیم ملی برای برپایی اردو به کیش آمده بود من و خانواده‌ام پیگیر این موضوع شدیم که بتوانیم از مربیان تیم ملی فرصتی بگیریم. این فرصت هم به درستی در اختیار شما قرار داده شد؟

بله. خوشبختانه این اعتماد به من انجام شد و من توانستم توانمندی‌ام را در زمینه تیراندازی به مربیان تیم ملی نشان بدهم. البته مادرم خیلی اتفاقی بچه‌های این تیم را دیده بود و وقتی به من خبر داد بلافاصله به مربیان تیم ملی مراجعه کردم. خیلی امیدوار بودم که در آن فرصتی که آن عزیزان در اختیارم قرار داده بودند، بتوانم نظر مثبت‌شان را جلب کنم. همین اتفاق هم رخ داد و خدا را شکر توانستم به تیم ملی ملحق شوم.

چه کسی شما را انتخاب کرد؟

آقای شهابی‌پور از پیشکسوتان تیم جانبازان و معلولین بودند. ایشان کار گزینش فنی‌ام را انجام داد و خیلی به من کمک کرد، به خانه ایشان رفتم. چون ایشان هم در کیش ساکن بود. یک سری عکس و فیلم به من نشان داد؛ ورزشکارانی که شرایطی مشابه من داشتند. به من گفت می‌توانیم شرایطی را ایجاد کنیم که تو بتوانی از توانمندی تیراندازی‌ات استفاده کنی. خیلی برایم باعث افتخار بود که چنین فرصتی به من داده شده. به تهران که آمدم من موفق شدم در سایت آزادی به خوبی کار کنم. تلاش زیادی کردم و با تمرکز بالا موفق شدم به تیم

آقای زندی! مدال طلا برای کاروان خودباوری و امیدارزشمند بود.

ممنونم. ما از یک سال پیش برای این دوره از بازی‌ها آماده شدیم و استارت کار زده شد. اردوهای زیادی داشتیم و در بین اردوها نیز شرایط به گونه خوبی پیش رفت. تمرینات منظمی را پشت سر گذاشتیم. طی این مدت حتی توانستم یک مسافرت هم بروم و البته منتهی هم در این مورد نیست چون در نهایت تلاش ما این بود که بتوانیم به کشور عزیزمان خدمتی کرده باشیم.

به نظر می‌رسد ورزشکارانی که به جا کارتا اعزام شدند از تجربه بالایی برخوردار بودند و می‌دانستند که در آنجا چه هدفی دارند. نظر شما چیست؟

همه ورزشکارانی که قرار بود به جا کارتا اعزام شوند تلاش خودشان را به کار گرفتند که در آنجا نتایج خوبی کسب شود. ما می‌دانستیم که مسابقات سختی داریم. حریفان ما با برنامه وارد مسابقات شده بودند و این مساله کاملاً برای ما روشن بود که هیچ‌یک از این بازی‌ها ساده نخواهد بود. چینی‌ها از یک ماه پیش با تیم کامل خود به آنجا آمده بودند تا بتوانند به طور کامل در شرایط مسابقه قرار بگیرند. نتایج خوبی هم کسب کردند. تمام تلاش ما این بود که در جا کارتا بتوانیم مدال آوری داشته باشیم.

چرا این مسابقات برای شما این قدر اهمیت داشت؟

پارآسیایی از این جهت برای ما اهمیت داشت که می‌دانستیم این بازی‌ها بعد از المپیک از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع این وظیفه ما بود که بهترین عملکرد ممکن را داشته باشیم. خدا را شکر در این مورد شرمند نشدیم و توانستیم به وظیفه‌مان به خوبی عمل کنیم و دست خالی از جا کارتا برنگردیم.



این صورت بود که ایران می‌توانست چنین نتایج قابل قبولی کسب کند.

انتظارات از کاروان اعزامی شما برآورده شد؟

فکر می‌کنم که انتظارات بالا بود و اتفاقاً این انتظارات بالا به درستی پاسخ داده شد و ورزشکاران ما کاری کردند کارستان. واقعاً همه چیز در کنار هم قرار گرفت و همه اعضای کاروان دست به دست هم دادند تا نتایجی درخشان در تاریخ این رقابت‌ها ثبت شود.

به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی نیز این بار در قامت کمک‌کننده و بازویی نیروبخش عمل کردند. قبول دارید؟

همین طور است. مردم ما خیلی از ورزشکاران تقدیر کردند. قدردانی و انگیزه دادن مردم در شبکه‌های اجتماعی برای این ورزشکاران خیلی اهمیت داشت. وقتی مردم عکس این ورزشکاران را با تقدیرهایی از صمیم قلب‌شان روی صفحات خودشان قرار می‌دادند ورزشکاران ما با احساس مسئولیت بیشتری وارد رقابت‌ها می‌شدند. به نظر شما چگونه باید این وضعیت را حفظ کنیم؟

به نکته مهمی اشاره کردید. بازی‌ها تمام شد. از امروز باید به فکر تقویت این بچه‌ها باشیم. ما در آسیا سوم شدیم و این نشان می‌دهد که ما قابلیت‌های زیادی برای پیشرفت و رشد داریم. نباید متوقف شویم. باید ادامه بدهیم. از همین امروز باید برای بازی‌های توکیو برنامه‌ریزی کنیم. نباید این بچه‌ها را رها کنیم و چند وقت دیگر این عزیزان را فراموش کنیم. این عزیزان که هر کدام‌شان نشان دادند چه قهرمان‌های بزرگی هستند می‌توانند در آینده نیز اتفاقات بزرگ‌تری را رقم بزنند.

برنامه‌ریزی برای دوره بعدی رقابت‌ها که در توکیو برگزار خواهد شد چگونه باید صورت بگیرد؟

پارالمپیک و مسابقات پارآسیایی جایی است که حتماً باید از ورزشکارانی در آن استفاده کنیم که امید داریم مدال‌آور خواهند بود. در مورد بازی‌های غرب آسیا یا آسیای میانه ماجرا چیز دیگری است. یعنی ما می‌توانیم در این مسابقات اتفاقاً فرصت تجربه‌اندوژی را در اختیار ورزشکاران جوان‌تر قرار بدهیم.

کاروان خودباوری و امید به قول‌هایی که داد عمل کرد یا بهتر بگوییم انتظارات اهالی ورزش و مردم را برآورده کرد. حالا شما چه انتظاری از وزارت ورزش دارید؟

انتظار ما این است که آقایان مسئول به وعده‌ها و قول‌های خود عمل کنند. همان طور که در مورد بازی‌های پارالمپیک به قول خود عمل کردند و شاهد این هستیم که پادشاه‌های ورزشکاران را می‌دهند، در مورد بازی‌های پارآسیایی جا کارتا نیز به وعده خود عمل کنند چون این ورزشکاران بهترین روزهای عمر خود را صرف تمرین و تلاش می‌کنند تا پرچم کشور عزیزمان به اهتزاز درآید و با مدال آوری‌های‌شان نشان داده‌اند که پاسخ اعتماد مسئولان را به بهترین شکل ممکن می‌دهند. بنابراین ما از این به بعد برای حفظ این ورزشکاران و حفظ جایگاه‌مان در مسابقات پارآسیایی کار دشوارتری داریم و مسئولیت سنگین‌تری بر عهده مدیران ورزش کشور است. شاید در نگاه اول تصور کنیم که چه پادشاه‌های زیادی به این ورزشکاران پرداخت می‌شود اما واقعیت این است که ما باید این پادشاه‌ها را بر همه سال‌هایی که این عزیزان با تمام وجود تلاش و تمرین کرده‌اند تقسیم کنیم. در این صورت اتفاقاً متوجه می‌شویم که کار زیادی برای این عزیزان انجام نداده‌ایم و به آنها بدهکار هم هستیم.



محمدرضا زندی در دیدار فینال رقابت‌های W1 تیراندازی با کمان بازی‌های پارا آسیایی جاکارتا، مقابل لی جی از کشور چین قرار گرفت و با نتیجه ۱۳۰ بر ۱۲۷ به پیروزی رسید و عنوان قهرمانی را به دست آورد. یازندی در باره مدال ارزشمندش، شیوه تمرینات و شرایط کلی تیراندازی هم صحبت شدیم. متن گفت‌وگوی مثلث با قهرمان پارا آسیایی جاکارتا در رشته تیراندازی را می‌خوانید.

مسابقات توکیو آماده شویم. چون در توکیو کار ما برای مدال آوری به مراتب سخت‌تر خواهد بود. همه رقبایی که به نوعی پایه‌ای ما حرکت می‌کنند، سعی می‌کنند این مدال‌ها را از ما پس بگیرند نباید این مدال‌ها را پس بدهیم. باید از عنوان خودمان به خوبی دفاع کنیم و نشان دهیم که با دست خالی هم می‌توانیم دست به کارهای بزرگی بزنیم. فکر می‌کنم ۷۰ درصد راه به خود ورزشکار برمی‌گردد. باید بدانیم که فدراسیون و سایرین صرفاً نقش ناظر یا کمک‌کننده دارند اما آنچه باید مدنظر مافرا بگیرد این است که سعی کنیم در طول اردوها و تمرینات مان با تمرکز خیلی خوبی ادامه دهیم. مریبان هم در کنار ما هستند و به ما کمک می‌کنند.

در مورد پاداش‌ها مسئولان به وعده‌های خود عمل کرده‌اند؟

▲ پاداش‌های سکو به ما داده شده اما در مورد سکه‌ها حرف دیگری مطرح شده که شاید خیلی جالب نباشد. نمی‌دانم چه زمانی می‌خواهند این سکه‌ها را به ما بدهند. البته این حرف هم مطرح است که معادل دولتی این سکه‌ها را می‌خواهند به ما پاداش نقدی بدهند. این خیلی جالب نیست. چون معادل دولتی‌اش می‌شود دو میلیون تومان در حالی که همه می‌دانیم سکه در حال حاضر دو میلیون تومان نیست.

صحبت پایانی؟

▲ امیدوارم بتوانیم در آینده هم به تیم ملی کمک کنیم و برای کشور عزیزمان افتخار آفرین باشیم

این خیلی مساله مهمی است و با توجه به این وضعیت نمی‌توانیم دورنمای امیدوارکننده‌ای را متصور باشیم. همه تجهیزاتی که برای رشته ورزشی ما نیاز است چند برابر شد. از نظر سخت‌افزاری البته فدراسیون تلاش کرد که به ما کمک کند اما با این حال نمی‌توانیم خیلی هم از فدراسیون توقع داشته باشیم.

درباره میزبانی جاکارتا چه نظری دارید؟ یا اندونزی به خوبی از عهده مسابقات پارا آسیایی برآمد؟

▲ جاکارتا میزبان خوبی بود. همه تلاش خودشان را به کار گرفتند. البته قرار نبود جاکارتا میزبان پارا آسیایی باشد. قرار بود ویتنام میزبان باشد اما به هر دلیل این اتفاق رخ نداد. عمده مشکلی که در جاکارتا وجود داشت مربوط به بحث کترینگ می‌شد. از نظر غذا مشکلاتی وجود داشت اما با همه اینها میزبان خوبی بودند و برخوردشان بسیار محترمانه و صمیمانه بود. آنها از همه ظرفیت خودشان استفاده کردند تا میزبان خوبی باشند. در مقایسه با اینچئون حرفی برای گفتن نداشتند و بالطبع دوره قبلی با میزبانی به مراتب بهتری برگزار شد اما با این حال نمی‌شود جاکارتا را میزبان بدی دانست.

قبول دارید که در توکیو کار به مراتب سخت‌تری پیش‌رو دارید. رقبایی که در اینجا موفق شدید آنها را شکست بدهید قطعاً با انگیزه و تلاش بیشتر سعی می‌کنند در توکیو مدال طلا را از شما پس بگیرند.

▲ بله. همین‌طور است. ما دو ماه پیش در تورنمنتی قرار گرفتیم که همین رقبایا پیش‌روی خودمان داشتیم. واقعا در طول این دو ماه خیلی پیشرفت کرده بودند. این نشان می‌دهد که رقبای ما به هیچ وجه معطل نمی‌شوند و خیلی پیشرفت کرده بودند. معلوم بود که برنامه‌ریزی خوبی برای پارا آسیایی جاکارتا داشتند. حریفان چینی هم همین‌طور. برنامه داشتند. در نهایت این خود ما هستیم که باید به فکر خودمان باشیم. نباید متوقف شویم. باید چند هفته‌ای استراحت کنیم و بعد از این استراحت برای

ملی ملحق شوم. در سایت آزادی خیلی شرایط جدی‌تر شد. تجهیزات را دریافت کردیم و به نوعی دیگر آلوده تیراندازی شدیم.

چه مدتی در سایت آزادی تمرین کردید؟

▲ من یکی، دو هفته در سایت آزادی تمرین کردم. بعد به باشگاه خصوصی رفتم. بعد هم چون قصد داشتیم به طور حرفه‌ای کارمان را دنبال کنیم برادران عبادی در آبیک تمرین می‌کردیم. آن تمرینات خیلی به من کمک کرد. جبرئیل عبادی مربی بنده است و من خیلی مدیون زحمات ایشان هستم. یک سال اخیر هم در کمپ خوبی تمرین کردیم. کمپ علیار لطف و همراهی رادر حق ما تمام کرد چون به جز اردوهایی که داشتیم در فاصله بین اردوها با بعضی از بچه‌هایی که ساکن تهران بودند، می‌توانستیم به این کمپ بسیار مجهز برویم و تمرین داشته باشیم آن هم به صورت رایگان. از این بابت از همه عزیزانی که در این کمپ زحمت می‌کشند هم باید تشکر کنم.

آیا فدراسیون توانسته انتظارات شما را برآورده کند. نقش حمایتی خود را به خوبی انجام داده است؟

▲ فدراسیون طی این مدت به خوبی از ما حمایت کرده است. نمی‌گویم مشکل نداریم. همه فدراسیون‌های ورزشی مشکلات خاص خودشان را دارند اما فدراسیون تیراندازی همواره سعی کرده که شرایط خوبی را برای ورزشکاران خود فراهم کند و حمایت‌های لازم را از ما انجام دهد.

درباره مشکلات رشته ورزشی تان صحبت می‌کنید. احتمالاً عمده‌ترین مساله‌ای که با آن درگیر هستید به سخت‌افزارها و تجهیزات برمی‌گردد. درست است؟

▲ بله. دقیقا. با توجه به نوسانات دلار قیمت تجهیزات ما خیلی بالا رفت. واقعا از این بابت به مشکل برخوردیم. تهیه این تجهیزات با خود تیرانداز است و از این بابت خیلی به ما فشار وارد شد. روزی که شروع کردم تیر بسته‌ای یک میلیون بود اما حالا بسته‌ای ۶ میلیون است.



شلوغ بازی

جدال کی‌روش و استیلی نشان از مشکلات جدی در فدراسیون فوتبال دارد

حالا دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که کارلوس کی‌روش مرزبندی‌اش با تیم ملی امید و به خصوص کادر فنی این تیم را پررنگ‌تر کرده است. او که در گذشته اختلافاتی با کرانچار داشت این بار به همراه دستیارش علیه یکی از اعضای ایرانی کادر فنی تیم ملی امید وارد نزاع شده است؛ جنگ کی‌روش با استیلی اما بعید است همچنان ادامه پیدا کند چون استیلی اساساً خوراک خوبی برای دعوای رسانه‌ای نیست. دعوایی که اتفاقاً کی‌روش از آنها استقبال می‌کند تا هر از گاهی امتیازهای دلخواه خود را از فدراسیون فوتبال بگیرد. ماجرا از جایی شروع شد که حمید استیلی در مصاحبه‌ای تأکید کرد استفاده از ساختمان یک حق همه تیم‌های ملی است. این اظهار نظر آن قدر کی‌روش را عصبی کرد که در گفت‌وگوی خود با خبرنگاران شمشیر را برای حمید استیلی و کادر فنی تیم ملی امید از رو بست. کارلوس کی‌روش راجع به نارضایتی کادر فنی تیم ملی امید مبنی بر عدم در اختیار گذاشتن ساختمان یک به آنها و ممانعت کی‌روش از انجام این کار گفت: «شاید سر آقای استیلی شلوغ بوده که تا حالا به زمین یک نیامده است ولی ایشان وقت داشتند به روسیه بیایند و از بازی‌های تیم ملی لذت ببرند، وقت داشتند به هتل تیم ملی بیایند و با بازیکنان و کادرفنی دیدار کنند ولی وقت نداشتند از ساختمان یک دیدار کنند؛ ما مدارکی داریم که ثابت می‌کند تیم امید از این امکانات استفاده کرده است؛ من یا کسی مشکلی ندارم اما افرادی که دروغ می‌گویند را دوست ندارم.»

پس از این اتفاق حمید استیلی به اظهارات مرد پرتغالی پاسخ داد و عنوان کرد که خود و خانواده‌اش با هزینه شخصی به روسیه سفر کرده و بازی‌های جام جهانی را دیده‌اند.

اما میک مک‌دمورت، دستیار کی‌روش به شکل عجیبی به حمید استیلی پاسخ داد و در گفت‌وگوی با رسانه تیم ملی ایران در پاسخ به اظهارات حمید استیلی که در مصاحبه با یکی از خبرنگاری‌ها گفته بود

که با هزینه خودم به جام جهانی رفته و منتظر پاسخ فدراسیون برای استفاده از مرکز یک هستیم عنوان کرد: «به نظر می‌رسد آقای استیلی تیم ملی را با سیرک اشتباه گرفته است.»

مری تیم ملی ایران ادامه می‌دهد: «اگر شما (استیلی) به دنبال استفاده از خرس برای سیرک هستید، بهتر است خرس‌هایی که در میانمار جا گذاشته‌اید را استفاده کنید.»

این نزاع در حالی صورت گرفته که به نظر می‌رسد رابطه میان مربیان تیم‌های ملی بزرگسالان و امید بارها به چالش کشیده شده است.

حالا تاریخ یک بار دیگر تکرار شده و مانند دوره پیش مربیان تیم‌های ملی و امید دوباره مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. داستان این بار بر سر استفاده تیم امید از امکانات مرکز آمادگی تیم ملی (PEC) است. ظاهراً تیم امید قصد داشته از امکانات این مجموعه استفاده کند اما با چراغ قرمز کارلوس کی‌روش روبه‌رو شده است. روایت دو طرف البته از داستان متفاوت است.

حمید استیلی، مدیر تیم امید عنوان کرد تا به حال به او اجازه داده نشده حتی از این مجموعه دیدن کند. مربیان تیم امید هم تأکید کردند به آنها فرصت استفاده از PEC داده نشده است. گفته شد که کی‌روش شخصاً با حضور تیم امید در این مجموعه

مدرن و حرفه‌ای مخالف است.

در سوی دیگر اما کادر تیم ملی اصلاً این حرف‌ها را قبول نداشتند. مسئول رسانه‌ای تیم ملی این صحبت‌های استیلی را فرافکنی و سرپوش گذاشتن روی ناکامی تیم امید در بازی‌های آسیایی دانست.

کی‌روش هم وارد این بحث شد؛ او عنوان کرد مربیان تیم امید خودشان هرگز تمایل به استفاده از PEC نداشتند و او نمی‌خواهد این مجموعه را در جیبش بگذارد و برود. سرمربی تیم ملی درباره سفر استیلی به روسیه هم به مدیر تیم امید طعنه زد.

در شرایطی که حمید استیلی با یک مصاحبه مسالمت‌آمیز تلاش کرد جلوی عمیق‌تر شدن این شکاف را بگیرد اما یک مصاحبه آنتشین از سوی دستیار کارلوس کی‌روش زمینه جنگ را ایجاد کرد و حالا بعید است به این سادگی‌ها این نزاع پایان یابد.

مصاحبه حیرت‌آور دستیار کی‌روش علیه استیلی می‌تواند جنگ طرفین را شعله‌ور کند. البته قبل از این رضا شاهرودی، مربی تیم امید هم از همکاری نکردن مسئولان تیم ملی با تیم امید انتقاد کرده بود.

اما در چنین اوضاعی خبر دیگری درباره این اختلاف منتشر شد؛ خبری مبنی بر اینکه فدراسیون فوتبال با استفاده تیم امید از امکانات «یک» رسماً مخالفت کرده است.

زمینه یک دعوای جدید حالا فراهم است؛ مصاحبه تند مک‌دمورت علیه استیلی و اختلاف بر سر یک فدراسیون فوتبال برای اینکه زلاتکو کرانچار و کارلوس کی‌روش دو سرمربی مهم فوتبال ایران وارد یک مناقشه علنی نشوند، کار سختی در پیش دارد. با این حال فعلاً سیاست سکوت را پیش گرفته است.

سرمربی تیم ملی فوتبال کشورمان درباره این موضوع که برخی‌ها انتقاد کردند و گفتند مجموعه کمپ تیم ملی میراث آقای صفایی‌فراهانی است، عنوان کرد: «شما درست متوجه نشدید. میراث من در زمین و یک نیست، میراث من در سخت‌کار کردن و متعهد بودن است که برای فدراسیون فوتبال و کشور ایران انجام دادم تا این اتفاق رخ دهد. من می‌توانم در آن زمین قبلی قدم بزنم مثل بقیه که این کار را کردند و بگویم بهترین زمین دنیا است ولی من نظر خودم را دارم. سخت‌کار می‌کنم و همیشه تلاش می‌کنم. منابعی که اینجا هزینه‌شد از زحمات بازیکنان بعد از جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل بود.»

البته این دعا از قبل هم قابل پیش بینی بود. کرانچار و کی‌روش هرگز رابطه خوبی با هم نداشته‌اند. اختلاف این دو به چهار سال و نیم قبل برمی‌گردد. زمانی که کی‌روش اصرار داشت ملی پوشان سپاهان به جای حضور در بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا به اردوی آمادگی تیم ملی بیایند و کرانچار شدیداً مخالف این موضوع بود. دو طرف شدیداً علیه هم مصاحبه کردند و این اختلاف باعث خط خوردن بازیکنانی مثل امید ابراهیمی شد. مشخص بود کارلوس کی‌روش با انتخاب کرانچار به عنوان سرمربی تیم امید مخالف است. در روزهایی که انتخاب کرانچار نهایی شده بود، سرمربی تیم ملی در یک مصاحبه جواد نکونام را گزینه مناسب تیم امید دانست. حالا هم باید به نیش و کنایه‌های کادر تیم ملی به نتایج تیم امید در بازی‌های آسیایی اشاره کرد. این بار هم رابطه تیم ملی با تیم امید یک رابطه کاملاً خصمانه است. دوره قبل برای دیدارهای انتخابی المپیک هم داستان همین بود؛ تقابل شدید کی‌روش با محمد مایلی کهن، حبیب کاشانی و محمد خاکپور. دو گروه آن‌قدر با هم مشکل داشتند که در ویدئویی مشخص شد پس از برد ایران، کی‌روش از کنار کاشانی رد شد و حتی حاضر نشد یک ثانیه با او روبه‌رو شود. مایلی کهن هم در اظهارنظری عجیب از خیانت چند بازیکن که با سرمربی تیم ملی رابطه خوب داشتند، گفت. این البته از هنرهای مدیریتی فدراسیون فوتبال ایران است که به جای رابطه سازنده بین دو تیم مهم ملی و امید دشمنی بین دو گروه ایجاد شده است. با همه اینها هفته گذشته چندین خبرگزاری در مطالبی انتقادی تاکید کردند رئیس اصلی فوتبال ایران کارلوس کی‌روش است نه مهدی تاج.

اما سرمربی تیم ملی در واکنش به اظهارات استیلی و طعنه‌های دستیارش به استیلی چه حرف‌هایی را به زبان آورد؟ کی‌روش در مورد صحبت‌های دستیارش، مک‌دموت علیه حمید استیلی و انتقادهای زیادی که نسبت به این صحبت‌ها صورت گرفته است، گفته است: «بله، ما می‌دانیم این پاسخ‌های هماهنگ شده‌ای که همه یکصدا به عنوان یک ارکستر داده شده، از کجا آمده است. این ارکسترها برای ما دیگر چیز جدیدی نیست و می‌دانیم از کجا می‌خواهند مخل برنامه‌های تیم ملی شوند.»

او ادامه داد: «انتقادهای باید به سمت و سوی افرادی نبود که با سبب‌های فکری خودشان به دنبال دودستگی در تیم ملی هستند و می‌خواهند از درون به ما ضربه بزنند. تیم ملی ما تقریباً ۴۰ سال است نتوانسته قهرمان آسیا شود. تیم امید ایران هم ۴۰ سال است نتوانسته به المپیک صعود کند، با این وضعیت آیا فکر می‌کنید باید وقت‌مان را تلف این گونه بازی‌های کوچک کنیم؟ آیا فکر می‌کنید باید وقت‌مان را صرف مسائل کوچک کنیم؟ کسی که نیاز به زمین و امکانات دارد باید برایش بجنگد. می‌خواهم از رسانه‌ها خواهش کنم هواداران ایران را متحد کنار هم نگه دارند تا در بازی با بولیوی از تیم ملی حمایت کنند. این دقیقاً چیزی است که مردم به آن نیاز دارند، سرگرمی و جذابیت.»

کی‌روش خاطرنشان کرد: «در زندگی دو دسته افراد وجود دارند، به طور مثال وقتی دوستانم یک

ماشین خوب دارد، به خانه می‌روم و به خودم می‌گویم باید خوب کار کنم تا یک ماشین مثل این داشته باشم. این دسته اول است اما دسته دوم می‌گویند چه کار کنیم که ماشین دوست‌مان را از چنگش در بیاریم. ما اینچاه روز سخت کار می‌کنیم، بعضی روزها نزدیک به ۱۶ تا ۱۸ ساعت. ما به هیچ کس حسادت نمی‌کنیم.»

سرمربی تیم ملی فوتبال یادآور شد: «دوستان! باور کنید ما به اندازه کافی درد سر داریم و دیگر نیاز نیست وقت‌مان را تلف کنیم. استیلی مدیر تیم امید است و باید نظم را در تیمش ایجاد کند و به افرادی که از درون تیم امید هماهنگ شده مصاحبه می‌کنند تذکر بدهد. شما می‌بینید که در تیم ملی نظم وجود دارد و وقتی ما صحبت می‌کنیم تحت نظر فدراسیون این کار را می‌کنیم. قابل قبول نیست که در تیم‌های دیگر همه هماهنگ شده به نمایندگی از کسی که صورتش را نشان نمی‌دهد صحبت کنند. این افراد با این گونه دروغ‌ها باعث اذیت همه می‌شوند. اگر این اتفاق درون تیم من می‌افتاد و یک نفر با حرف‌های دروغ باعث آزار مردم و رسانه‌ها می‌شد، فوراً اخراجش می‌کردم. این من هستم، آقایان! این آخر داستان است و دیگر در موردش صحبت نمی‌کنم. در مورد بازی زیبا حرف می‌زنیم، در مورد بازی با بولیوی، ما باید به حریف احترام بگذاریم و مردم را به ورزشگاه بیاوریم. بگذارید من و بازیکنانم تمرکز داشته باشیم.»

او ادامه داد: «اگر آقای استیلی یا هر شخص دیگری مشکلی دارد دفتر ما اینجاست و البته دفتر ایشان برای تقریباً ۲ سال است که خالی است. تلفن همراه‌مان روشن است، چرا ایشان باید این گونه مسائل را به رسانه بیاورد؟ شما در مورد آن فکر کنید. امیدوارم همه متوجه شوند که ما اینجا هستیم تا باعث خوشحالی و غرور مردم بزرگ ایران باشیم.»

کی‌روش درباره این موضوع که چه تدبیری اندیشیده تا جلوی ورود حاشیه به تیم ملی را بگیرد، گفت: «دو بحث بزرگ وجود دارد، مبحث اول اینکه باید سخت کار کنیم، مبحث دوم اینکه باید بخندیم و لبخند بزنیم و امروز هم لبخند می‌زنیم.»

سرمربی تیم ملی فوتبال کشورمان درباره این موضوع که برخی‌ها انتقاد کردند و گفتند مجموعه کمپ تیم ملی میراث آقای صفایی فراهانی است، عنوان کرد: «شما درست متوجه نشدید. میراث من در زمین و یک نیست، میراث من در سخت کار کردن و متعهد بودن است که برای فدراسیون فوتبال و کشور ایران انجام دادم تا این اتفاق رخ دهد. من می‌توانم در آن زمین قبلی قدم بزنم مثل بقیه که این کار را کردند و بگویم بهترین زمین دنیا است ولی من نظر خودم را دارم. سخت کار می‌کنم و همیشه تلاش می‌کنم. منابعی که اینجا هزینه شد از زحمات بازیکنان بعد از جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل بود.»

کی‌روش ادامه داد: «وقتی صحبت از میراثم

می‌کنم یعنی صحبت از کار و عمل و تعهدی که انجام دادم، است. می‌دانید که چطور یک شروع شد؟ من و همکاران دیگرم بساختمان آنجا را خودمان طراحی کردیم، تکه به تکه آن را، شما ۸ سال پیش اینجا بودید که من آمدم آنجا چه چیزی بود؟ سنگ و خاک بود. امروز مکانی است برای کار کردن بازیکنان نه برای من. همان طور که عرض کردم آقایان شفر، پروین و دایی اینجا حضور داشتند و با آنها صحبت کردم و گفتیم در این مجموعه و امکانات برای بازیکنان فوتبال باز است. اواسط فرآیند یک شخصی این امکانات را گرفت و باز هم بنده تلاش کردم که توضیح بدهم که این مجموعه بسیار بهتر از آن گزینه قبلی است. من نمی‌گویم که بقیه اشتباه کردند، من می‌گویم اولویت داریم و اولویت ما در این مجموعه بود.»

اما واکنش استیلی نسبت به حرف‌های کی‌روش همانی بود که انتظارش را داشتیم؛ محافظه کارانه و در عین حال محترمانه.

استیلی در مورد اینکه کی‌روش گفته است تلفن من باز است و استیلی هر موقع بخواهد می‌تواند تماس بگیرد، گفت: «ما همه زیرمجموعه فدراسیون هستیم، از روز اول هم تعامل داشتیم و گفتیم اولویت با بزرگسالان است. اگر ارتباط بین دو تیم امید و بزرگسالان وجود داشته باشد، به سود فوتبال کشور است. اگر می‌توانستیم بازی تدارکاتی هم بین دو تیم برگزار کنیم خیلی خوب می‌شد. بازیکنان امید هم آینده فوتبال ما هستند و همه باید تلاش کنیم پرچم کشورمان بالا باشند.»

مدیر تیم فوتبال امید درباره اینکه کی‌روش گفته به جای استیلی بودم افراد دروغگو را از کنارم اخراج می‌کردم، گفت: «کادر فنی امید خیلی هماهنگ و با رزومه هستند، از کرانچار گرفته تا شاهرودی و بختیاری‌زاده که در جام جهانی هم بوده‌اند. چیز خاصی نبود که بخواهم ادامه بدهیم، شاخصه اصلی تیم ما اخلاق و رفتار است، از خود من گرفته تا همه بازیکنان باید به این موضوع توجه جدی داشته باشند.»

به نظر می‌رسد رابطه خصمانه‌ای که حالا هر روز میان کادرفنی تیم ملی امید و تیم ملی بزرگسالان تشدید می‌شود به زودی فدراسیون فوتبال را وادار به واکنش خواهد کرد. جایی که مهدی تاج شاید دیگر نتواند از معجزه سکوت بهره‌برداری کند و از این اختلاف نیز بگذرد.





ما توانستیم و نشان دادیم که هیچ چیز جلودار اراده ما نیست. بازی‌های پارآسیایی برای ایران با کسب عنوان سومی در مجموع و جهشی خیره‌کننده نسبت به دوره قبل به پایان رسید. ۸ روز پرهیجان و دیدنی در جاکارتا بالاخره با کسب ۵۱ مدال طلا برای ورزشکاران ایرانی به پایان رسید. ورزشکارانی که با نام «کاروان خودباوری و امید» راهی اندونزی شده بودند، شعار «با توکل و تلاش ما می‌توانیم» را به اثبات رساندند. از همان روز اول که شاهین ایزدیار اولین مدال طلا را در رشته شنا کسب کرد و وعده کسب ۶ مدال طلا تا پایان رقابت‌ها را داد؛ یا رشته‌های تیمی که روز به روز علاقه‌مندان به ورزش را امیدوارتر کردند، تا دیروز که تیم ملی بسکتبال با ویلچر با سخت‌کوشی به مدال طلا دست پیدا کرد، شاهد درخشش ورزشکارانی بودیم که با وجود برخی کمبودها توانستند در دل مردم جا بگیرند. با وجود حذف مسابقات فوتبال ۷ نفره و ۵ نفره در این دوره، باز هم رشته‌های تیمی همچون والیبال نشسته، بسکتبال با ویلچر و گلبال با کسب مدال طلا خوش درخشیدند. در رشته‌های انفرادی هم که کاروان ایران پر بود از ستاره؛ از شاهین ایزدیار بگیر که با کسب ۶ مدال طلا در رشته شنا به تتهایی بیش از ۱۰ درصد مدال‌های کاروان ایران را به دست آورد تا ساره جوانمردی که به عنوان پرچمدار ۲ مدال طلا کسب کرد و همچنین سیامند رحمان که همیشه علاوه بر کسب مدال طلا در وزنه برداری به رکورد خودش هم حمله کرده و موفق هم بوده است. کاروان ایران در این رقابت‌ها ۵۱ مدال طلا، ۴۲ نقره، ۴۳ برنز و در مجموع ۱۳۶ مدال کسب کرد. این نتیجه جایگاه سومی ایران را برای نخستین بار در بازی‌های پارآسیایی تثبیت کرد؛ اگرچه ایران با کره جنوبی که فقط ۲ مدال طلا بیشتر کسب کرده و در رده دوم قرار گرفته، فاصله زیادی نداشت.



«در سال ۲۰۱۷ در بین ۲۵ کشور برتر تولیدکننده علم دنیا، کشور ایران با رشد ۹/۸ درصد رتبه اول رشد علمی را کسب کرده و کشورهای روسیه و چین به ترتیب بارشد ۶/۶ و ۴/۳ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته و با توجه به جایگاه مکتسبه؛ رقابت علمی ایران دیگر در مجموعه کشورهای در حال توسعه نیست، بلکه در گردونه رقابت با کشورهای توسعه‌یافته است. ایران در تولید علم در میان کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی رتبه اول را دارد و در بین کشورهای جنبش عدم تعهد بعد از کشور هند رتبه دوم را دارد. شاخص ارزیابی کیفیت تولیدات علمی؛ میزان استناد و ارجاع به تولیدات علمی است که از این بابت نیز موفقیت خوبی داشته‌ایم و رتبه کشور از رتبه ۳۰ در سال ۲۰۱۲ به رتبه ۲۲ در سال ۲۰۱۷ ارتقا پیدا کرده است.» این خبرهای خوب را وزیر علوم داده است.

طبق آخرین گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) در سال ۲۰۱۸، بیش از ۸۲۰ میلیون نفر از مردم جهان از گرسنگی و سوء تغذیه مزمن رنج می‌برند. از این تعداد ۵۱۵ میلیون نفر در آسیا و ۲۵۶ میلیون نفر در آفریقا هستند. این در حالی است که حدود ۶۷۲ میلیون نفر دچار چاقی و یک میلیارد و سیصد میلیون نفر نیز دچار اضافه وزن هستند. برخی از آمارهای منتشر شده حاکی از آن است که در زمان حاضر ۱۵۱ میلیون کودک زیر پنج سال از کوتاه قدی و سوء تغذیه مزمن رنج می‌برند و حدود ۴۳ میلیون کودک مبتلا به چاقی هستند. از این تعداد ۳۵ میلیون کودک در کشورهای در حال توسعه هستند. براساس پیش‌بینی‌های سازمان جهانی بهداشت و سایر سازمان‌های بین‌المللی تا سال ۲۰۲۰ این رقم به ۶۰ میلیون می‌رسد.

عکس روز به پوشش سنتی سفیر جدید ژاپن در ایران مربوط می‌شود. «میتسو جو سایتو» سفیر جدید ژاپن در تهران رونوشت استوارنامه خود را تقدیم محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان کرد.



اجرای آیینی «حدیث سرفرازی» در تالار وحدت روی صحنه رفت. این اجرا با حضور ارکستر ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان و خوانندگی محمد اصفهانی برگزار شد. ارکستر ملی در این اجرا قطعه‌های «سرفرازی» از حمید شاهنگیان، «سوگ و معصومیت» از فریدون شهبازیان، «غنچه افسرده»، «فریاد تتهایی» و «فرصت بدرود» از محمد اصفهانی، «شور آفرین» از حسین دهلوی، «دو نغمه بختیاری» از روح‌الله خالقی، «چنگ و نی» از محمد بیگلریور و «دیده بگشا» از علی کهن‌دیری را اجرا می‌کند. تقریباً تمام این قطعه‌ها، آثاری مناسبی بودند که برای همین ایام ساخته شده‌اند. محمد اصفهانی قبل از آغاز این برنامه گفت: «رپرتواری که امشب تقدیم حضور شما عزیزان می‌شود، اجرای آثاری در سوگ حضرت اباعبدالله و یاران فداکارش در واقعه کربلا و قطعاتی در تکریم حضرت علی (ع) است. البته اینکه چرا در کنار اجرای آثاری با محوریت حضرت سیدالشهدا کارهایی با محوریت امیرالمومنین تقدیم شما عزیزان می‌شود به این جهت است که به گفته بسیاری از مورخان حادثه جانسوز کربلا نتیجه دلخوری‌هایی است که بسیاری از حضرت علی (ع) و عدلش داشتند و من امیدوارم این کنسرت از سوی هنرمندان ارکستر ملی ایران به رهبری استاد فریدون شهبازیان مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد.»

سردار حمید هداوند، جانشین رئیس پلیس پایتخت درباره شایع‌ترین جرایم تهران در تابستان امسال گفت: «سه جرم بیشترین فراوانی از نظر وقوع در تهران را داشته‌اند. اولین آنها در پایتخت طی سه ماهه دوم سال ۹۷، «سرقت لوازم و قطعات خودرو» همچون کامپیوتر خودرو، باتری و... بوده، در این زمینه لازم است شهروندان موارد ایمنی را رعایت کنند، خودرو خود را در مکان‌های مناسب پارک و حتماً آن را به دزدگیر مجهز کنند. قفل‌هایی برای پیشگیری از سرقت باتری و کامپیوتر خودرو وجود دارد که توصیه می‌شود شهروندان از آن استفاده کنند.»



جمله مهم در اینستاگرام منسوب به مقام معظم رهبری



روایت قالیباف از سفر به همدان



تبریک محسن رضایی به کاروان پاراآسیایی



بزنسواری رزمندگان از نگاه ده نمکی



محمود رضوی در محل فیلمبرداری «ماجرای نیمروز ۲»



سه شنبه

تیم‌های ملی ایران و بولیوی در هوای بارانی ورزشگاه آزادی تهران برابر هم قرار گرفتند که در این مسابقه دوستانه یک اتفاق مهم در فوتبال ایران رخ داد. در این بازی، مقدمات حضور خیزنگاران و عکاسان خانم، کارمندان خانم فدراسیون فوتبال و اعضای تیم‌های ملی فوتبال و فوتسال بانوان به عنوان تماشاگر در ورزشگاه آزادی فراهم شد. این بانوان جایگاه مخصوص داشتند و جایگاه پشت نیمکت‌ها که محدوده بین جایگاه CIP و جایگاه خبرنگاران است، به بانوان اختصاص پیدا کرد. پلیس‌های خانم داخل ورزشگاه آزادی حضور داشتند. در بین نفراتی که در ورزشگاه آزادی حاضر بودند چهره‌های آشنایی مثل کنایون خسرویبار، سرمربی تیم بانوان نوجوان ایران و شاگردانش، نفیسه روشن بازیگر سینما و سارا قمی ستاره تیم ملی فوتبال ایران و... حضور داشتند؛ البته این حضور منتقدانی داشت، منتقدانی که رو در روی ماجرا ایستاده بودند، گزینشی بودن انتخاب بانوان یک سوی ماجرای است که دادستان کل کشور کل آن را یک ماجرای غیرقانونی و خلاف شرع می‌داند. حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور در آیین تکریم و معارفه دادستان قزوین راجع به حضور زنان در ورزشگاه گفت: «حضور زنان در ورزشگاه آزادی یک آسیب است و هیچ توجیه شرعی ندارد؛ چرا مخالف هستیم؟ چون گناه صورت می‌گیرد؛ تماشای بازی ایراد ندارد، اما گناهی که صورت می‌گیرد، جای اشکال است. نظام ما اسلامی است، ما مسلمان هستیم، وقتی خانمی به ورزشگاه می‌رود با مردانی که با لباس ورزشی و نیمه لخت مواجه می‌شود و آنها را می‌بیند، گناه می‌کند و برخی دنبال این هستند که حریم‌ها را بشکنند. با حریم خصوصی مردم کاری نداریم اما در مجامع عمومی کسی حق ندارد حریم عمومی را آسیب بزند. با هر مدیری که بخواد بستر حضور بانوان در ورزشگاه را با بهانه‌های مختلف فراهم کند، برخورد می‌کنیم. قرار نیست ۴ نفر با هر هدفی حریم‌ها را بشکنند و ما ساکت بمانیم؛ ابتداء نصیحت می‌کنیم بعد برخورد خواهیم کرد.»

چهارشنبه

بعد از دو ماه فیلم صدرنشینی کمدی «هزارپا» در جدول فیلم‌های پرفروش، همزمان با آغاز ماه محرم و خروج چند هفته‌ای این فیلم از گردها گران به نوعی فرصت برای دیگر آثار فراهم شد تا حداقل چند هفته‌ای طعم صدرنشینی در گیشه سینما را بچشند. ابتدا این فرصت برای فیلم خوش ساخت و با کیفیت «تنگه ابوقریب» مهیا شد تا سه هفته‌ای صدر گیشه را قرق کند و با فروش میانگین هفته‌ای ۶۰۰ میلیون تومان، گیشه را به رنگ جنگ و چپه درآورد. اما همزمان با اکران فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده» صدر جدول پرفروش‌ها با میانگین فروش هفتگی ۲ میلیارد تومان به تازه‌ترین ساخته هومن سیدی رسید تا طبق پیش‌بینی‌ها فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده» همانند نمایش در جشنواره فجر با اقبال مخاطب روبه‌رو شود. حالا بازم هم کمدی‌ها به صدر جدول فروش سینماها بازگشتند. به طوری که در بررسی ۵ فیلم پرفروش در حال اکران سهم کمدی، ۳ اثر است. صدرنشینی گیشه هم فعلا در فرق فیلم کمدی «لس آنجلس-تهران» ساخته تینا پاکروان است که در نخستین هفته اکران خود بیش از ۲ میلیارد تومان فروخته و دو فیلم کمدی «لازانی» و «هشتگ» نیز در تعقیب این فیلم در رده سوم و چهارم هستند. نوید محمدزاده جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره بین‌المللی فیلم سلیمانیه عراق را برای فیلم سینمایی «بدون تاریخ بدون امضا» دریافت کرد. «بدون تاریخ، بدون امضا» به کارگردانی وحید جلیلود در بخش رقابتی اصلی «سینمای جهان» در این دوره از جشنواره در شهر سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق روی پرده رفت. اهالی رادیو امروز گرد هم آمدند تا صادق عبداللهی از طنزآزان قدیمی رادیو را به خانه ابدی اش بدرقه کنند. مراسم تشییع صادق عبداللهی - نویسنده برنامه‌های طنز رادیو که «صبح جمعه با شما» و «جمعه ایرانی» از جمله برنامه‌های به یادماندنی او در مقام نویسنده بود - با حضور اهالی رادیو برگزار شده و پیکر وی به سوی آرامگاه ابدی اش در بهشت زهرا (س) بدرقه شد.



میراث ملموس شیعی

سخنرانی آیت الله سید محمد خامنه‌ای درباره اربعین



چهارم شروع به رشد کرد و دانشمندان بزرگ جهان اسلام شاگرد و دست پرورده امامان پس از حضرت سجاد (ع) همچون حضرت امام باقر (ع) و حضرت امام صادق (ع) بودند. در واقع این اسلام شیعی بود که تمدن و علم ساخت و بنابر گفته شهید صدر اسلام شیعی پایه گذار علوم بود و تمدن و فقه و فلسفه اسلامی را به جهانیان معرفی کرد.

رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا سپس به هدف از برپایی و گرامیداشت آیین اربعین حسینی پرداخت: «بشر به حکم و جدان و غریزه فطری خود به آزادی، آزادی، استقلال، عدالت و مساوات پایبند است. بر این اساس مراسم اربعین دارای هدفی بزرگ است و نتیجه‌ای که از این هدف حاصل می‌شود آن است که زندگی و راهبرد بشر در قالب نرم افزاری به اسم فرهنگ است که اگر این فرهنگ منحوا باشد، زندگی خوبی نخواهد داشت؛ اما اگر با جدان همراه باشد جامعه زیر بار ظلم و جور حاکم ستمگر نخواهد رفت و البته چنین فرهنگی است که بشر را به صلح و صفا خواهد رساند.»

رئیس بنیاد ایران شناسی به نقش ایرانیان در گسترش اسلام هم اشاره کرد: «مباحث گرامی‌های از اسلام و ایرانیت در تاریخ اسلام موجود است. آنچه در این خصوص مهم است آن است که بهترین مباحث علوم اسلامی، دینی، طبیعی و دیگر دانش‌ها بهترین آنها از سوی ایرانیان مسلمان گزیده شده و به بهترین نحو به جهانیان ارائه شده راهیمیاری اربعین حسینی نیز یکی از میراث مهم بشری و همچنین از معقولات مهم شیعی است. در زیارت عاشورا نیز پیش از سلام بر امام حسین (ع)، بر دشمنان آن حضرت لعن می‌کنیم و این بدان معناست که همیشه باید در برابر ظلم ظالمان جبهه گرفت و کوتاه نیامد؛ چراکه اصل زندگی انسان بر اساس آزادی و آزادی بنا نهاده شده است.»

در آستانه اربعین حضرت اباعبدالله (الحسین) همایش بین‌المللی «اربعین میراث معنوی مشترک ملل جهان اسلام»، در بنیاد ایران شناسی برگزار شد. در آیین گشایش این همایش که با حضور آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، رئیس بنیاد ایران شناسی همراه بود، وی با بیان اینکه اربعین از میراث‌های ناملموس مهم بشری و از مباحث مهم شیعی است، گفت: «این میراث متفاوت از میراث‌های ملموس است که با نشانه‌های فیزیکی-همچون بنا و ساختمان داشتن- قابل ادراک و لمس شدن هستند؛ بنابراین در شناسایی میراث ناملموس باید به تحلیل و تفکر پرداخت و نتایج علمی و معرفتی از آن به دست آورد. آیین اربعین دارای ابعاد معنایی بالایی است و در آن علاوه بر جنبه‌های تاریخی، هدف‌های والای بشری همچون: فرهنگ‌سازی و تکمیل و تقویت فرهنگ بشری- برای کل تاریخ- نهفته است. از خصوصیتی که در برنامه اسلام و فقه شیعه آمده، ابدی و همیشگی بودن برنامه‌های آن است و تا انتهای تاریخ خداوند متعال برای انسان هدفمند از این راه ارائه برنامه کرده است. بر این اساس و با توجه به این مقدمات در سه بخش «تاریخ»، «هدف اربعین» و «فرهنگ‌سازی» در این حوزه به ارائه مطلب می‌پردازم. نخست آنکه، تاریخ مخلوطی از اخبار و گفتارهای جعلی و دروغین است یا از سوی اشخاصی که واقعی نبوده یا از ستمگران زمان بوده‌اند، نقل شده است، بنابراین برای رصد

اخبار و تاریخ صدر اسلام نیاز به تحلیل تاریخ اسلام است. به نکته‌ای که باید توجه داشت آن است که شیعه تاریخ زیاد دارد که برای پرداختن دقیق به آن نیاز به تحلیل‌های بنیادین تاریخی است.»

او در ادامه تلاش‌های حضرت امام سجاد (ع) در حفظ بنیان اسلام تشریح کرد: «پس از حادثه کربلا زمانی که امام به حجاز بازگشتند، درحالی که جوانی آسیب دیده به لحاظ روحی بود و چندین بار قصد شهادت را کرده بودند، اما به یمن خداوند متعال ولی زمانش حفظ شد. امام آرام از منزل بیرون می‌آمد و به زیارت خانه خدا می‌رفت و آرام به منزل بازمی‌گشت و به ظاهر هیچ فعالیت سیاسی نداشت، اما بزرگ‌ترین تشکیلات برانداز ظلم و ستم از زمان ایشان شروع به کار کرد. از طرفی فعالیت‌ها و جهاد علمی همچون: فلسفه، معارف دینی، علوم طبیعی و غیر طبیعی از زمان امام

می‌بینید چقدر ماجرا سخت و دشوار می‌شود و وقتی در خصوص حقوق می‌خواهیم حرف بزنیم امکان بیشتری در این مورد داریم اما وقتی می‌خواهیم آن را عملی کنیم، می‌بینیم با منابع لایزال سروکار نداریم. اینجا تشخیص استحقات بسیار دقیق است و نمی‌توان به سادگی از حقوق عده‌ای به نفع عده دیگری صرف نظر کرد. در خطبه ۸۷ در صفات متقین می‌گویید متقی کسی است که خود را ملتزم عدل کرده است، اما نکته شروع عدل این است که هوای نفس را کنار بگذارد. هوای نفس یعنی جایی که نفس من به چیزی میل دارد که پشتوانه عقلی ندارد و معقول نیست. قدم دوم متقی کسی است که هم عدل را و وصف می‌کند و هم در عمل آن را رعایت می‌کند.»

قانون طلایی عدالت موضوع بعدی صحبت بود: «حضرت در خطبه ۱۵ می‌فرمایند که عدل گشایش به وجود می‌آورد و اگر کسی قدرت تحمل عدل را نداشته باشد، قدرت تحمل ظلم را به طریق اولی نخواهد داشت. ماجرا این است که امکانات اجتماعی محدود است و در بهترین حالت می‌توانید آنها را عادلانه توزیع کنید. در اینجا مراد ساختار است و الا معلوم است که فرد می‌تواند با ظلم به گشایش برسد. قانون طلایی اخلاق را داریم که می‌گوید برای دیگران همان را بخواه که برای خود می‌خواهی. اینجا نیز نگاه ساختاری وجود دارد و قانون طلایی زمینه تحقق عدالت گرفته شده است. ایشان بین عدالت و وفاق اجتماعی نسبت مستقیم می‌بینند و فرازهایی در نهج البلاغه دارند از جمله اینکه عدل، مردم را اصلاح می‌کند و عدل موجب پابرجایی مردم است و... برخی از عبارات در قرآن از جمله آیه ۱۷۹ سوره بقره در این راستاست. اگر قصاص را مصداق اجرای عدالت بدانید، اجرای عدالت در این آیه عامل احیای جامعه است.»

قانون طلایی عدالت

در نشست عدالت اجتماعی از منظر امام علی (ع) مطرح شد



نشست «عدالت اجتماعی از منظر امام علی (ع)» با حضور دکتر احمد پاکتیجی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در بنیاد نهج البلاغه برگزار شد. پاکتیجی ابتدا با مطرح کردن بحث «عدالت اجتماعی» و تمایز آن با انواع دیگر عدالت گفت: «در عدالت اجتماعی جامعه همیشه در نظر گرفته می‌شود. اینجا نسبت میان افراد و جامعه و نسبت میان فرد و کلیت جامعه مطرح است. من در قبال جامعه وظایفی دارم و جامعه نیز وظایفی در قبال من دارد. از این رو عدالت رابطه‌ای دوطرفه است.»

پاکتیجی دو گونه «عدالت تصحیحی» و «عدالت توزیعی» را تشریح کرد: «مراد از عدالت توزیعی یعنی اینکه شما وقتی می‌خواهید حق افراد را به آنها بدهید، سامانه‌ای را ایجاد می‌کنید که به نحو عادلانه‌ای سهم افراد را توزیع کند؛ امکان تحصیل، بر خورداری از رفاه و... در این نوع سیستم‌ها عدالت جنبه پیشینی دارد. عدالت تصحیحی یعنی هر جایی که احساس بی‌عدالتی دست داد، برای تصحیح بی‌عدالتی مداخله شود. نظام‌های قانونی و حقوقی اساس‌شان عدالت تصحیحی بوده است. اسلام قرار نیست بین این دو یکی را انتخاب کند. مسأله میزان سرمایه‌گذاری بین او دو است؟ آنچه در سنت ما عملاً روی داده، آن است که علوم اسلامی گرایش به عدالت تصحیحی دارند. ما کمتر بر اساس آیات

و احادیث و الگو عدالت توزیعی را استخراج می‌کنیم. زمان آن فرارسیده که سرمایه‌گذاری بهتری بر اساس متون اسلامی در مورد عدالت توزیعی انجام دهیم. پاکتیجی به نمونه‌ای از نهج البلاغه اشاره کرد و گفت: «در خطبه ۲۱۶ بحث جالبی در خصوص حق وجود دارد. در اینجا تقابل حق و وظیفه دیده شده است و امام (ع) می‌گوید شما هم بر من حقی دارید به اندازه حقی که من بر شما دارم. بیان امیرمؤمنان (ع) دقیقاً در خصوص آن چیزی است که در اجرای عدالت مشکل ایجاد کرده است. درست وقتی می‌خواهید تقسیم کنید،

وداع با واعظ شهر

حجت الاسلام ابوالقاسم شجاعی در گذشت



خیاط را نیز به عنوان استاد خود درک کرده است، به گفته خودش از سن چهارسالگی منبر رفتن را شروع کرد و از همان ایام نمک گیر سفره ای عبدالله شد. او پس از انقلاب نیز در رونق مجالس ذکر، بسیار مؤثر بود و کمتر مسجد و محفل برجسته ای را می توان یافت که او در آنها منبر نرفته باشد. اما محور فعالیت های این روحانی فاضل، حسینیه فاطمیون بود. این حسینیه که شجاعی ریاست هیأت مدیره آنجا را بر عهده داشت، علاوه بر اجرای آیین های مذهبی، در امور خیر و عام المنفعه پیشتاز بود و صندوق حمایت های اجتماعی را از سال ها پیش راه اندازی کرد و در دوری مانند ساختن مسجد و مدرسه و تهیه جهیزیه و کمک به بدهکاران و... خدمات خیر به مردم ارائه می داد. این منبری برجسته تهران را با حافظه قوی و داشتن خاطرات بسیاری از علما و مبلغان مشهور تاریخ معاصر ایران می شناسند و تاکنون خاطرات زیادی از این استاد خطابه نقل شده است. یکی دیگر از ویژگی های مرحوم شجاعی مردم شناسی او بود. شجاعی در یکی از مصاحبه هایش درباره این ویژگی این طور توضیح داده بود: «قاعدتا گوینده پرنفوذ، گوینده مردمی است. یعنی با مردم است و با طبقات مختلف معاشرت کرده و در معاشرت با مردم از زمینه های فکری آنها آگاه است. مرحوم آقای فلسفی به من می گفتند یکی از نعمت هایی که خدا به تو داده شناخت مردم است. من روی منبر اکثرا جمعیت را یا به اسم یا به ظاهر یا به افکار می شناسم. به این جهت گوینده اگر آگاه و آشنا باشد، سخن را به مناسبت زمان و آگاهی از زمانه خود به تمام معنا به مغز و فکر مردم تفهیم می کند... اگر ما به شهرها یا جاهای غریبه برویم به هر حال تا حدی آشنایی به جو آنجا داریم. این گوینده را آگاه می کند. اگر در تهران باشیم، قسمت های مختلف را می شناسیم. الان من می توانم بگویم کدام قسمت تهران جزو طرفداران انقلاب هستند، کدام قسمت انحراف فکری دارند، کجا مثلا آلودگی اجتماعی دارد یا کجا متدین اند. این بستگی به اطلاعات عمومی و اجتماعی گوینده دارد.»

و مرحوم حجت الاسلام محمدتقی فلسفی، فنون سخن و بهره گیری از منابع علمی را به او یاد داد. شجاعی در زمره آخرین و مهم ترین شاگردان مرحوم حجت الاسلام محمدتقی فلسفی به شمار می آمد. او از جوانی نزد مرحوم فلسفی علاوه بر فراگیری فنون بلاغت و خطابه، الفبای مبارزه با ظلم به وسیله منبر را آموخت و همین امر سبب شد تا بارها توسط رژیم طاغوت دستگیر و روانه زندان شود. ارادت مرحوم شجاعی به نظام و انقلاب و رهبران انقلاب بسیار زباند بود. او جزو نخستین کسانی که بود که اعلامیه های انقلابی امام (ره) را امضا کرد و تا پایان همراه انقلاب بود. حجت الاسلام شجاعی که در جوانی، شیخ رجبعلی

مراسم تشییع پیکر حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالقاسم شجاعی (ره) از مقابل حسینیه فاطمیون در خیابان مجاهدین اسلام تهران برگزار شد. پیکر مرحوم شجاعی پس از انجام تشریفات قانونی، جهت خاکسپاری به کربلا منتقل می شود. این روحانی مبارز در سال ۱۳۱۲ در محله مولوی تهران به دنیا آمد. از همان کودکی با الهام از پدرش که از واعظ بود، به روضه خوانی و سخنوری علاقه مند شد و سپس به کسوت روحانیت درآمد. دروس سطح حوزه را نزد حجت الاسلام حاج آقا جعفر خندق آبادی آموخت. تفسیر را از محضر استاد «امام اهوازی» فراگرفت

تقدیر از شاعر انقلاب



هفتمین سوگواره ملی شعر عاشورایی «یک پلک کربلا» با حضور جمعی از شاعران در تالار ایوان شمس برگزار شد و در آن از تلاش های علی موسوی گرمارودی با اهدای تندیس تقدیر به عمل آمد. پیش از تجلیل از این شاعر، محمدعلی مجاهدی درباره آشنایی خود با گرمارودی گفت: «خاطرات ما به ایام نوجوانی در قم بازمی گردد؛ زمانی که اشعار زیبا، جذاب و دلنشین می سرودند. ما نیز با این اشعار در قم مانوس بودیم؛ حدود نیم قرن از دوستی میان ما می گذرد؛ عباس براتی پور هم پیش از تجلیل از گرمارودی گفت: «من از نوجوانی با اشعار ایشان آشنا بودم. کتاب «در سایه سار نخل ولایت» ایشان را چندین مرتبه خوانده ام.» عبدالجبار کاکایی هم در سخنانی کوتاه اضافه کرد: مایه افتخار بنده است که سال ها در سایه سار نخل ادبی استاد گرمارودی زندگی کرده ام. وی در ادامه به سال های ابتدایی انقلاب و شعرخوانی گرمارودی در یکی از جلسات نیز اشاره کرد. سیدعلی موسوی گرمارودی در این مراسم گفت: «اگر این برنامه نیز قضیه شعر عاشورایی نبود اجازه می گرفتم تا نیایم، چرا که با صداقت می گویم میلیون ها فاضل محترم و نجیب در سراسر این خاک گرانمایه حضور دارند که این مراسم حق آنهاست. بروید سراغ افرادی که در گمنامی کامل، دست فرزندان مان را گرفته و ترقی می دهند.»

۱۰ شعر برتر عاشورایی

طی مراسمی در بنیاد دعبل خزایی از کتاب اربعین مرثیه شامل برترین اشعار عاشورایی ادبیات فارسی به انتخاب ۴۰ شاعر پژوهشگر معاصر رونمایی شد. در این کتاب که در دو بخش تدارک دیده شده است، ۲۸ شعر برتر عاشورایی ادبیات فارسی تا پیش از انقلاب اسلامی و ۱۲ شعر عاشورایی برگزیده پس از انقلاب اسلامی به رای و انتخاب داوران معرفی شده اند. فهرست داوران مشارکت کننده در این طرح، طیف متنوعی از نام ها را شامل می شود؛ از چهره های دانشگاهی مانند آقایان محمدرضا سنگری، غلامرضا کافی و اسماعیل امینی تا چهره های حوزوی مانند حجج اسلام سید ابوالقاسم حسینی و محمد صحتی سردرودی؛ از چهره های پیشکسوت مانند مهدی آصفی و محمدعلی مجاهدی و مرحوم غلامرضا شکوهی تا چهره های جوان مانند محمود حبیبی کسبی و محمدسعید میرزایی و جواد هاشمی؛ از شاعرانی چون علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، محمدکاظم کاظمی، سعید بیابانکی، رضا اسماعیلی و مرتضی امیری اسفندقه تا پژوهشگرانی چون رضا بیات، مرضیه محمدزاده، مهدی امین فروغی و سید مهدی حسینی.

بر اساس مجموع آرای به دست آمده، ۱۰ قطعه شعر برگزیده عاشورایی پس از انقلاب اسلامی به این شرح انتخاب شده است: «روزی که در جام شفق مل کرد خورشید» سروده علی معلم دامغانی، «سر نی در نیوا می ماند اگر زینب نبود» سروده قادر طهماسبی، «ای که پیچید ششی در دل این کوچه صدایت» سروده محمدرضا محمدی نیکو، «ای خون اصیلت به شتک ها ز غدیران» سروده حسین منزوی، «راز رشید» سروده سیدحسن حسینی، «خط خون» سروده سیدعلی موسوی گرمارودی، «با کاروان نیه» سروده علیرضا قزوه، «نی نامه» سروده قیصر امین پور، «حسین آمد و آزاد از یزدیت کرد» سروده مرتضی امیری اسفندقه و «ای بسته بر زیارت قد تو قامت آب» سروده خسرو احتشامی.

پیام تورقوزآباد

نهمین جشنواره فیلم عمار شروع شد

فانوس‌ها دوباره بازگشته‌اند و برای اولین روشنایی هم کجرا انتخاب کردند، همان جایی که این روزها به دلایلی در سطح اخبار جهان قرار گرفته، اما اینجا می‌تواند به دلایلی بهتر انتخاب برای روشن شدن چراغ فانوس اول جشنواره عمار باشد. بله، اینجا تورقوزآباد است؛ منزل شهیدان فاطمیه مفرد... اولین نشست خبری نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار با حضور «نادر طالب‌زاده» دبیر، «وحید جلیلی» مسئول شورای سیاست‌گذاری و «سیدرسول مفرد» دبیر اجرایی این جشنواره در منزل شهیدان فاطمیه مفرد برگزار شد. وحید جلیلی در این نشست گفت: «شروع برنامه‌های جشنواره نهم فیلم عمار را در منزل شهیدان فاطمیه مفرد با میزبانی پدر و مادر این شهیدان بزرگوار برگزار کردیم. امسال نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار برگزار می‌شود. ما هم چنین انتظاری نداشتیم که این جشنواره در این مدت کوتاه به نقطه عطفی در سازمان تولید و تماشای سینمای ایران تبدیل شود.

امسال دو بخش به جشنواره مردمی فیلم عمار اضافه شده است؛ بخش نخست با عنوان فیلم‌های سفارشی است. در توضیح این بخش باید بگویم که متأسفانه فیلم‌های امروز سینمای کشور نسبت درستی با فضای کشور و نیازهای مردم ندارد و در این میان یکی از این کلیدواژه‌ها سینمای سفارشی است. امروز شاهدیم که فیلم‌های سیاهی که به سفارش برخی‌ها در ایران ساخته می‌شوند، نه تنها کیفیت ندارند، بلکه با انگشت اشاره کشورهای رسوای غربی ساخته می‌شوند. از طرف دیگر وضعیت به صورتی است که اگر کسی بخواهد از کشور و قهرمانان ایران سفارش فیلمسازی بگیرد و از همه مهم‌تر از آنها تاثیر بپذیرد، او را با انگ‌های مختلف هدف قرار می‌دهند. ما برای مبارزه با این انگ‌ها بخش فیلم‌های سفارشی را در این جشنواره ایجاد کردیم. خوشبختانه تا امروز بخش فیلم‌های سفارشی مورد استقبال بسیار خوب مردم قرار گرفته است. امسال افتخار داریم که یکی از رهبران بزرگ نهضت مقاومت آفریقا به نام

شیخ زکراکی که در راه مبارزه ۴ فرزند خود را فدا کرده و الان در زندان است، جایزه‌ای را به نام عثمان دان فودیو برای این جشنواره اعلام کردند.»

نادر طالب‌زاده، دبیر نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار هم در این نشست خبری گفت: «امروز نهمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار را در پیش داریم. این جشنواره دوران بلوغ خود را سپری می‌کند و شاهد تاثیرگذاری آن هستیم. جشنواره عمار امروز تأثیری ملی و فراملی دارد. این جشنواره باید به دنبال این باشد که مردم را با حقایق به‌درستی آشنا کند. درباره فیلمسازان و اکران‌کنندگان مردمی فیلم عمار باید به این نکته اشاره کنم که چون جوانان، انقلاب را بهتر از نسل‌های دیگر می‌فهمند، در بیان حقایق هم موفق‌تر هستند. درباره اقدام‌تانیاهو در سازمان ملل به نکته‌ای اشاره می‌کنم. او به جعل و دروغ عادت دارد اما این ما هستیم که باید این دروغ‌ها را افشا کنیم. بزرگ‌ترین دروغ ۱۱ سپتامبر بود که با آثار مختلفی که ساخته می‌شود در حال برملا شدن است. همچنین درباره بحث FATF که در مجلس امضا شد باید بگویم نمایندگان مجلس اطلاع کاملی از آن ندارند و جزئیات آن را نمی‌دانند. بر همین اساس هم تمام افشاگری‌ها و وظیفه شما خبرنگاران است.»



شکست سفر به ماه در گیشه

شروع عرضه جهانی فیلم «مرد اول» ساخته جدیدیمی یاز چازل کارگردان ۳۳ ساله آمریکایی بحث‌های مرتبط با این فیلم را مجدداً داغ کرده است. این فیلم ابتدایی شهریورماه در جشنواره‌های معتبر ونیز ایتالیا، فلوریدای آمریکا و تورنتوی کانادا اکران شد و از همان زمان جنجال‌ها و اعتراض‌هایی از سوی محافل افراطی در آمریکا نسبت به فیلم صورت گرفت، اما «مرد اول» که نخستین فیلم چازل بعد از «لالاند» فیلم چند اسکاری سال ۲۰۱۶ او به حساب می‌آید، از دید اکثر منتقدان مهر تأیید هنری و کیفی خورده است.

فیلم نخستین انسان براساس داستان زندگی‌نامه نیل آرمسترانگ ساخته و تولید شده است. این اثر بیشتر از هر چیزی روی چالش‌ها و مشکلات آرمسترانگ برای تبدیل شدن به اولین انسانی که روی کره ماه، آن هم در سال ۱۹۶۹، قدم می‌گذارد، تمرکز می‌کند. یکی از مشهورترین اتفاقاتی که گفته می‌شود در سفر نیل آرمسترانگ به ماه به وقوع پیوسته، نصب پرچم آمریکا روی کره ماه بوده که عکس‌های متعددی نیز از آن منتشر شده است. علی‌رغم اهمیت این موضوع برای تماشاگران آمریکایی، دیمین شزل، کارگردان فیلم از نمایش این صحنه در فیلم خود اجتناب کرد که این موضوع حواشی بسیار زیادی را به همراه داشت برای همین دونالد ترامپ در توییتی اعلام کرد که این فیلم را نمی‌بیند.

این فیلم هرچند مورد توجه منتقدان است در گیشه توفیق چندانی نداشت و در هفته اول تنها ۱۰ میلیون دلار فروش داشت.

جدیدی دیگر تختی نمی‌شود

تجربه موفق سعید ملکان با بهرام توکلی در «تنگه ابوقریب» باعث شد این نوزج هنری سینما پروژه تختی را کلید بزنند. این فیلم پس از تجربه ناتمام مرحوم علی حاتمی در تولید اثری پیرامون جهان پهلوان تختی است که خود نیز در زمینه بازیگر نقش اول امیر جدیدی-دچار تحولاتی شد.

امیر جدیدی از مجموعه بازیگران فیلم «تختی» که بهرام ملکان در حال ساخت آن است، جدا شد. مراحل تمرین کشتی و آمادگی جسمانی امیر جدیدی بازیگر نقش غلامرضا تختی به مدت ۶ ماه مستمر ادامه داشت، اما به دلیل طولانی شدن آماده‌سازی دکورهای فاز ۲ و ۳ که مربوط به نوجوانی و جوانی غلامرضا تختی است، تغییر در زمان‌بندی پروژه و حساسیت روی گریم بزرگسالی جهان پهلوان تختی که نیاز به مواد اولیه تهیه‌شده از خارج از کشور داشت، تست گریم به روزهای اخیر موکول شد و در نهایت بعد از تست گریم، گروه تولید و امیر جدیدی به این نتیجه رسیدند که فیلمبرداری مبارزه‌های کشتی جهان پهلوان تختی با این گریم سنگین امکان‌پذیر نیست. از آنجا که امکان حذف این صحنه‌ها از فیلمنامه میسر نبود و با طولانی شدن زمان پیش تولید و داشتن تعهد از جانب امیر جدیدی به پروژه‌های دیگر، با توافق وی، همکاری اش با پروژه «غلامرضا تختی» قطع شد. پیش از این اعلام شده بود علاوه بر امیر جدیدی، ماهر الوند در نقش همسر تختی در این فیلم ایفای نقش می‌کند و حمیدرضا آذرنگ، پیروش نظریه، ستاره پسیانی، آتیلا پسیانی، بانینال شومون و مجتبی پیرزاده از دیگر بازیگران این فیلم هستند. به نظر می‌رسد دشواری تولید و زمان‌بر بودن پروژه تولید آن، حضور این فیلم در هاله‌ای از ابهام باشد.

برزخ لو

تیم ملی آلمان بدترین نتایج تاریخش را کسب کرده است



جام ملت‌های یوفا خیلی وضعیتش فرق کند، آنها چنان درگیر بحران هستند که حتی در گل زدن هم موفق نشان نمی‌دهند در واقع گلی که به فرانسه زدند، شکستن یک طلسم پس از مدت‌ها ناکامی بود، در واقع آنها بعد از ۳ بازی ناکامی در گلزنی شامل دیدار آخر در مرحله گروهی جام جهانی برابر کره جنوبی و ۲ بازی اول لیگ ملت‌های اروپا، بالاخره موفق به گلزنی شدند. آلمان با باخت مقابل فرانسه به بدترین آمار خود از نظر باخت در یک سال میلادی دست یافت. آلمان‌ها در سال ۲۰۱۸ میلادی تاکنون ۶ بار مقابل رقیبان خود شکست را تجربه کرده‌اند که این عدد در تاریخ فوتبال پرافتخار آلمان تا به امروز بی‌سابقه بوده است. تیم ملی آلمان در سال ۲۰۱۸ مقابل تیم‌های برزیل، اتریش، مکزیک، کره جنوبی، هلند و فرانسه تن به شکست داده است تا این تیم با کسب چنین نتایجی در سرآشویی نزول قرار بگیرد. چاره چیست؟ برخی می‌گویند که یواخیم باید برود چرا که اندیشه‌های تاکتیکی او دیگر در تیم ملی آلمان به ورطه تکرار رسیده اما دیگری هستند که چاره را در تغییر بازیکنان می‌دانند و اعتقاد دارند که عملکرد بهتر تیم ملی آلمان مقابل فرانسه نتیجه بازی دادن به بازیکنانی است که بیشتر از بازیکنان حاضر در ترکیب اصلی تشنه بازی کردن هستند. بیلد در این باره نوشت: «بازی دادن به بازیکنانی که تشنه ثابت کردن خود هستند،

بازیکنانی مثل سوله، سانه، کهرر و گنابری بهترین تصمیم لو بود، باید خدا را شکر کرد که سرمربی تیم ملی ما آن قدر مغرور و خودبین نبود که اشتباهاتش را نپذیرد و آنها را تصحیح نکند. درحالی که خیلی‌ها معتقد بودند او چنین کاری نخواهد کرد و قادر به پذیرش و تصحیح اشتباهاتش نخواهد بود. لوو باید با عزم راسخ و پشتکار به حرکت در همین مسیر ادامه دهد و در بازی‌های بعدی تیم ملی دوباره به سبک قدیمی‌ای که تاریخ انقضایش به پایان رسیده، برنگردد. اگر این اتفاق بیفتد، شک نکنید که پیروزی‌ها برای تیم ملی آلمان دوباره به صورت اتوماتیک آغاز خواهد شد.»

که تاریخ مصرفش به پایان رسیده... تیم یواخیم لوو وضعیتی بحرانی دارد. قهرمان جام جهانی ۲۰۱۴ در کمال شگفتی از مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۴ حذف و بعد از چهار ماه، شانس اول سقوط به دسته پایین‌تر در لیگ ملت‌های یوفا شد. بعد از شکست ۲ بر یک آلمان مقابل فرانسه ژرمن‌ها برای سقوط نکردن از گروه اول رقابت‌های لیگ ملت‌های یوفا کار دشواری در پیش رو دارند هرچند امیدهای آنها به صعود همچنان زنده است. اما وضعیت آلمان‌ها بدتر از آن است که با سقوط کردن یا نکردن در

هر قهرمانی جایی می‌رسد که افسوس آن را می‌خورد که چرا آن زمان که باید خدا حافظی می‌کردند، آنجا که در اوج بودند و باید در اوج می‌رفتند، ماندند که روزهای تلخ سقوط را تجربه کنند. یکی از آنها که این روزها دارد هجوم شکست‌ها و طعنه‌ها را تجربه می‌کند، یواخیم لوو است؛ همان سرمربی قهرمان جهان که سال‌های سال در تیم ملی آلمان نماد علم فوتبال بود و مثالی برای موفقیت در این رشته ورزشی اما حالا انگار دچار بن‌بستی است که عبور از آن چندان هم ساده نیست. او این روزها کم نشنیده

پله بعدی

کیلیان امباپه روی جلد مجله تایم



احترام را می‌گذارند. شما همیشه باید قدرت درک شرایط را داشته باشید. سه نکته بسیار مهم وجود دارد؛ احترام، فروتنی و شعور.»

امباپه پادشاه خود از بازی برای فرانسه در جام جهانی را به یک خبریه بخشید و در این باره می‌گوید: «این پول زندگی من را تغییر نمی‌دهد اما زندگی این افراد را چرا».

و سرانجام درباره خانواده‌اش گفت: «مادرم همیشه به من گفته برای اینکه بازیکن بزرگی در فوتبال شوم، باید ابتدا انسان بزرگی باشم.»

بازیکنی در این سن به پای امباپه نمی‌رسد. درخشش امباپه باعث شد که مجله تایم او را به عنوان یکی از نشانه‌های نسل آینده روی جلد ببرد. پیش از این هم تصاویری از مسی، نیمار و ماریو بالوتلی هم روی این مجله منتشر شده است.

در سال ۲۰۱۳، نیمار وقتی به جلد مجله تایم راه یافته بود و این مجله به او لقب «پله بعدی» را داده بود اما حالا امباپه است که با پله مقایسه می‌شود، به ویژه بعد از آنکه امباپه جوان‌ترین بازیکن از دوران پله تاکنون شد که در فینال جام جهانی گل می‌زند.

امباپه در گفت‌وگو با مجله تایم درباره اوج گیری فوق‌العاده‌اش گفته: «زندگی من به طور کلی زیر و رو شده است. من بسیار خوشحال هستم و اکنون آن طوری زندگی می‌کنم که همیشه آرزوی من داشتم. فکر می‌کنم دلم برای برخی از کارها تنگ شده است. دیگر مانند دوران نوجوانی وقت ندارم که مثل بقیه آدم‌ها با دوستانم بیرون بروم و خوش بگذرانم.»

این ستاره تیم ملی فرانسه در بخشی دیگر از مصاحبه گفته: «من یاد گرفته‌ام که بزرگ‌ترین و بهترین بازیکنان جهان، فروتن‌ترین آنها هستند. کسانی که به بقیه بیشترین

در یکی از آخرین روزهای تابستان، کیلیان امباپه در یکی از مرتفع‌ترین نقاط ورزشگاه شسته و تماش می‌کند کلمات مناسبی برای تحول بزرگ زندگی‌اش در یک سال اخیر پیدا کند. مهارت‌های خیره‌کننده‌اش تنها در چند ماه او را به شهرتی جهانی رسانده. دستمزدش بیش از چیزی است که می‌توانست تصور کند.

درخشش کیلیان امباپه به نظر توقف‌ناپذیر است. در جام جهانی، او با عملکردی استثنایی فرانسه را به قهرمانی جهان رساند و عنوان بهترین بازیکن جوان رقابت‌ها را از آن خود کرد.

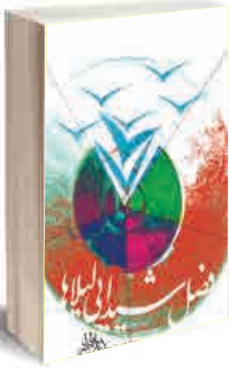
ستاره بی‌اس‌جی توانسته خود را به عنوان یکی از بهترین بازیکنان جهان معرفی کند و این درحالیست که او تنها ۱۹ سال دارد و ۱۹ سالگی تمام قله‌ها را یکی پس از دیگری فتح می‌کند، اگر به چهره‌اش نگاه کنید، یک نوجوان را می‌بینید که هنوز معصومیت‌های کودکی خود را حفظ کرده است اما در زمین فوتبال او یک ستاره محسوب می‌شود و مثل سوپر ستاره‌ها در بلی می‌زند، پاس می‌دهد و گل می‌زند.

این بازیکن ۱۹ ساله از نظر تعداد گل، از لیونل مسی در همین سن بسیار جلوتر است. از نظر آمار هیچ

فصل شیدایی لایها

قصه آدم‌های خوب روز عاشورا

زندگی‌نامه



که سنگ هم می‌گردد اما انسان کوچکترین رحم نمی‌آورد. نگاه به بعدی دیگر از عاشورا و حرکت در لایه آسمانی مسیر عاشورا. امام می‌داند و پیش می‌رود... و لایه‌ها را می‌خواند و مرزی می‌شود تا قیامت برای روز و شب و نور و ظلمت... «در بخشی از این کتاب آمده است: «و ما هفت تن بودیم، برای برافروختن، برنشاندن و سوختن در میان آتشی تا به ابد فروزان. هفت نفر از هزاران. از آن آتشگاه، ققنوسانی تامل‌کوت‌پرگشودند و خاکسترانی تا همیشه تاریخ نفرین شده ماندند که امروز، ما هفت تن، ققنوس و خاکستر، با همان دستار و کردار، طین هزار باره و نامکرر آن واقعه بزرگ را به روایت نشسته‌ایم.»

تا لحظه انتخاب کردن شان و البته آن بخش پرنزگ قصه‌شان که آموزگار ماست. فصل‌تریدهای شان که آنها هم انسان‌هایی عادی بودند، می‌ترسیدند، دغدغه زن و زندگی‌شان را داشتند، از مرگ در هراس بودند و به فکر منافع‌شان بودند ولی در لحظه انتخاب و در فصل شیدایی، توانستند انتخاب کنند. توانستند ترجیح بدهند و همین بود که آنها را جاودانه کرد. لاله‌هایی که امروز قصه فصل شیدایی‌شان، بشود قصه خواندنی نسل‌های برآمده از هزار و چهارصد سال بعدشان... کتاب از ۲۳ فصل تشکیل شده است و در معرفی آن آمده است: «این کتاب روایت هفت راوی از حرکت حضرت حسین (ع)، از ۱۸ ذی‌الحجه خروج از مکه تا غروب عاشورا است. آنها که کمتر می‌شناسیم و کمتر شنیده‌ایم از روزگارشان. زهیر بن قین، ضحاک بن عبدالله مشرفی، حر بن یزید ریاحی، عبیدالله بن حر جعفی، عمرو بن قرظله انصاری، شیب بن ربیع و... چه در کنار امام چه در مقابل. آنجا که لایه‌ها عاشق و مجنون می‌شوند و گاه

انتشارات کتاب نیستان چاپ نهم کتاب «فصل شیدایی لایها» را روانه بازار نشر کرد. این کتاب برگزیده سومین دوره جشنواره ملی جوان ایرانی شده است. «فصل شیدایی لایها» نوشته علی شجاعی درباره دو گروه از اصحاب کربلا است. کتاب از یک سو داستان اصحابی را روایت می‌کند که ابتدا یار امام حسین (ع) بودند اما در لحظات آخر ایشان را تنها گذاشتند و از سوی دیگر داستان افرادی را به تصویر می‌کشد که ابتدا، به هر نحوی با امام نبودند اما در ادامه از یاران وفادار ایشان شدند. این رمان در سال ۸۹ برای نخستین بار منتشر شد. «فصل شیدایی لایها» قصه یاران است؛ آدم‌های خوب قضیه عاشورا که شاید به اندازه حق‌شان دیده نشدند؛ آدم‌هایی که در شب واقعه، وقتی چراغ‌ها خاموش شدند تا هر کس که می‌خواهد برود، ماندند و به سیدالشهدا (ع) پشت نکردند و فردایش آن اتفاق را رقم زدند که در تاریخ ماند. فصل شیدایی لایها، روایت همین آدم‌هاست؛ از لحظه انتخاب شدن شان،

آگاهی

از منظر زیست‌شناسی و روان‌شناسی



«آگاهی» نوشته سوزان بلکمور، پژوهشگر فراروان‌شناسی انگلیسی است و از مجموعه کتاب‌های «دانش معاصر» منتشر شده است. این کتاب درباره مفهوم آگاهی از منظر زیست‌شناسی، عصب‌شناسی و روان‌شناسی، تحلیل فراگیری ارائه می‌دهد. آگاهی چیست و دقیقاً چه می‌کند و آیا اصلاً کاری می‌کند؟ چطور تحریک الکتریکی میلیون‌ها سلول کوچک مغز می‌تواند موجب تجربه ما از جهان شود؟ آگاهی که «آخرین راز بزرگ علم» نامیده می‌شود، اکنون موضوع بحث‌های داغ است و تحولات جدید هیجان‌انگیزی که در حوزه پژوهش مغز صورت گرفته است میدان را روی زیست‌شناسان، عصب‌پژوهان، روان‌شناسان و فیلسوفان گشوده است. در این کتاب خواندنی بحث می‌شود که آیا ما واقعا اختیار (اراده آگاهانه) داریم یا نه و چه چیزی سبب تصور ما از «خود» می‌شود؛ علاوه بر این از بعضی نظریه‌های مهم نیز بحث شده است. از جمله آزمایش‌های جدید در مورد عمل و آگاهی، بینایی و توجه، حالت‌های تغییر یافته آگاهی، و آثار و عوارض آسیب‌های مغزی و داروها. سوزان بلکمور می‌پرسد که آیا آگاهی نوعی توهم نیست و نشان می‌دهد که دانشمندان و فیلسوفان وقتی می‌کوشند فاصله عمیق میان جهان مادی و تجربه‌های شخصی ما را پر کنند با چه دشواری‌های عظیمی مواجه می‌شوند. چرا، از مغز انسان، زمان و مکان، توهم بزرگ، خود، اراده آگاهانه (اختیار)، حالت‌های تغییر یافته آگاهی و تکامل آگاهی عناوین فصول هشت‌گانه کتابند. سوزان بلکمور، نویسنده کتاب که روان‌شناس است، تا سال ۲۰۰۰ در دانشگاه وست‌آو اینگلدن، بریستول، روان‌شناسی درس می‌داده، اما از آن پس اوقات خود را صرف پژوهش در باب آگاهی کرده و مقاله‌ها و کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نوشته و در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی بسیاری شرکت کرده است. برنامه مستندی نیز درباره هوش میمون‌ها ساخته است. کتاب‌هایش عبارتند از خود زندگی‌نامه به نام جست‌وجوی نور (۱۹۹۶)، ماشین مم (۱۹۹۹)، آگاهی؛ مقدمه (۲۰۰۳) و مکالمه‌هایی درباره آگاهی (۲۰۰۵)

اندیشه

مقاومت

ابدی

داعش در یک رمان ایرانی



«پدیده عجیب و غریب «داعش» در قرن ۲۱ به دلیل ابعاد مختلفی که دارد، می‌تواند دستمایه آثار هنری زیادی شود که اگرچه خشونت و ددمشی این پدیده با ذات زیبایی هنر تناسبی ندارد، اما لازم است این دوره تاریخی و البته خوفناک از زندگی بشر با زبان هنر در تاریخ ثبت شود.» «ابدی» نام رمانی است ایرانی که به قلم مهدی صفری نوشته شده و سوژه آن داعش است. قرار است در این رمان با داستانی مواجه شویم که گوشه‌ای از رفتار و تفکر این فرقه تروریستی را به تصویر بکشد.

«ابدی» ماجرای جوانی به نام امیرعلی است که با دامادشان و همراه با یک عده جوان هیات‌به‌زیارت عتبات عالیات می‌رود و در سفر به کاظمین ركب خورده و توسط داعش به اسارت گرفته می‌شوند. در طول اسارت و بعد از آن حادثی رخ می‌دهد که باید منجر به تحول شخصیت امیرعلی شود.

رمان ابدی، دومین رمان مهدی صفری است. مهدی صفری از جمله نویسندگانی است که جامعه و تغییر و تحولات کلان آن را در آثارش منعکس کرده؛ مانند آنچه از فعالیت‌های موشکی در رمان پرتاب آورده و مسأله داعش که از زاویه‌ای جذاب در رمان «ابدی» تصویر شده است.

«ابدی» در پی یک تجربه شخصی نوشته شد. حضور عده‌ای در سال ۹۲ در خیابان شیرازی مشهد در حالی که پوسته‌هایی به دست‌شان گرفته بودند که روی آنها نوشته شده بود: شهید «مدافع حرم»، توجه آقای نویسنده را به این عبارت جلب می‌کند. دیدن این عنوان روی پوسته‌ها کافی بود تا نویسنده را وادار به تحقیق کند، شهیدای مدافع حرم چه کسانی هستند؟ اسمی که تا به حال نشنیده بود. مهدی صفری بعد از همین ماجرا تحقیقاتش را آغاز کرد. او گروه فاطمیون را شناخت و فهمید عده‌ای در سوریه در حال جهاد هستند.